

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جلد ۴

چند مصاحبه با جوانان کاربر اینستاگرام
درباره اثرهای فرهنگی کاربری از اینستاگرام

/ دکتر مرتضی منطقی /

/استاد دانشگاه خوارزمی/

زمستان ۱۴۰۰

فهرست کامل

۰۱ مقدمه

۰۲ گزارش مصاحبه‌های میدانی

«بعد فروشنده گفت وایسید برنامه‌ها رو براتون نصب کنم، یهو اون دوقلوهای ۵، ۶ ساله داد زدن، تلگرام و اینستاگرامم بریز!» (مصاحبه با روزان، ۱۷ ساله)،

«- بعد خودت توی همون سن ۸ سالگی می‌رفتی انواع مطالب مثبت ۱۸ رو می‌دید؟»

آره، متأسفانه» (مصاحبه با مهسا، ۱۶ ساله)،

«از اینستا درباره این که داره فیلم جدید بازی می‌کنه یا مثلاً قدش چه قدره، چند کیلوئه، سگ

داره یا نداره، اطلاع به دست آوردم» (مصاحبه با ترانه، ۱۵ ساله)،

«من توی اینستاگرام دیدم هم برای پسر هم برای دختر، می‌شه دوست دختر، دوست پسر اجاره‌ای

گرفت» (مصاحبه با مه‌لقا، ۱۸ ساله)،

«هزار سال حاضر نیستم برم سراغ برنامه‌هایی مثل سروش که ابزارهای... و کنترل آدم‌ها هستن»

(مصاحبه با علی، ۱۹ ساله)،

«کشور ما هیچ وقت هیچ چیزی برای ارایه به دنیا نداشته... کشور ما خیلی کشور ضعیف و عقب

افتاده‌ایه و به نظر من مهاجرت لازمه خوشبختی و زندگی راحت» (مصاحبه با پگاه، ۱۷ ساله)،

«گاهی با خودم می‌گفتم که چرا من نمی‌تونم سفر آن‌چنانی برم؟ چرا من نمی‌تونم فلان وسیله رو

بگیرم و اون بلاگره همه این کارا رو می‌کرد» (مصاحبه با فرشته، ۲۰ ساله)،

«همین باعث می‌شه، بچه ۴ ساله فامیل مون بگه، بچه توی اینستا چشمش آبی، منم لنز می‌خوام یا

من غذا نمی‌خورم که بزرگ شدم لاغر باشم» (مصاحبه با زهرا، ۲۰ ساله)،

«اینستاگرام جذاب تر از یه کتابه، اینستا عکس باهاشه، صدا، جذابیت» (مصاحبه با آرشام، ۲۳ ساله)،

«همین که گلشیفته تابوشکنی کرد و خواست نشون بده اگر لخت بشی دنیا به آخر نمی‌رسه، برام

قابل احترامه» (مصاحبه با دُرسا، ۱۷ ساله)،

«از جولیا و ایبگل خیلی خوشم میاد، خیلی کیوتن، از رافین و میکا و کاتیا

خوشم میاد» (مصاحبه با آلا، ۱۵ ساله)،

«اگه بچه ۶، ۷ ساله جی‌تی‌ای بازی کنه، دیگه خدا رحمتش کنه» (مصاحبه با راد، ۱۶ ساله)،

«در روز ده، پونزده ساعت بازی می‌کنم، البته بستگی به حال هم داره، اگه حوصله‌ی بازی رو اون روز داشته باشم بیش‌تر» (مصاحبه با مهشید، ۱۶ ساله)،

«خب یه نکته‌ای که درباره نازنین هست، اینه که عادت ماهانه‌اش خیلی زود و از ۹ سالگی شروع شد» (مصاحبه با کوثر، ۲۴ ساله)،

«فصل ۶ پیکو بلایندرز رو توی همین اینستا فهمیدم کی میاد که البته هنوز نیومده، من عاااشق پیکو بلایندرز شدم» (مصاحبه با امیرعلی، ۱۸ ساله)،

«مثلاً بی‌بند و باری، ازدواج سفید، بارداری خارج از ازدواج و چیزای دیگه همه هست توی این سریالا، اما خب فان هم هستن دیگه» (مصاحبه با سمیه، ۲۱ ساله)،

«بازی‌های جرأت حقیقت و never have I ever حال می‌ده، همه رسوا می‌شن» (مصاحبه با مرجان، ۲۱ ساله)،

«قضیه بی‌پروایی جنسی، خیلی باعث شده پیج‌های مبتذل هم زیاد فالو بشن، حتی خود من هم یه سری از این پیج‌ها رو فالو داشتم» (مصاحبه با یوسف، ۲۱ ساله)،

«مثلاً یه دوست دارم تام بوی شده و دوست دختر هم داره، این برای من واقعاً عادیه... گرایش‌ها دیگه، مگه دست خودشه» (مصاحبه با زینب، ۲۰ ساله)،

«من فن پیج نیلوفر و ویدا و امیر ویکتور رو توی اینستاگرام ساختم» (مصاحبه با آریا، ۱۷ ساله)،

«دیدن سریال سکس اجو کیشن باعث شد که رابطه... با چند نفر برام عادی سازی بشه» (مصاحبه با صبا، ۲۲ ساله)،

«پروپلیرهای کال آف رو می‌شناسم، مثلاً توی پروپلیرهای بازی آبتین خیلی خوبه، امیر لینچ، مژگان، حمید وای - تی هم هستن، اینا خیلی خوبن» (مصاحبه با بهروز، ۱۸ ساله)،

«من دنیا جهان‌بخت، کیمیا تاج‌زاد و چندتا بلاگر مثل گل منگولی، مامان پانید اسماعیلی، فاطمه خاله‌ی پانید اسماعیلی و شل بیوتی رو دنبال می‌کنم» (مصاحبه با ریحانه، ۱۸ ساله)،

«مهرداد و آسان هم همیشه دورین مخفی می‌ذارن، توی یکیش مهرداد به آسان می‌گفت، برای یوتیوب همین الان باید بچه‌دار بشیم...» (مصاحبه با نرگس، ۲۰ ساله)،

«جمله‌های دپ می‌داشت که مثلاً حلالم کنید، شاید فردا نباشم و عکس خودزنی و این جور چیزا، کلاً از لحاظ روحی پاچید (پاشید)» (مصاحبه با ساره، ۲۰ ساله)،

«می‌دونید پت داشتن خیلی خرج داره، ماهی فقط دو تومن پول غذای خشکش می‌شه، همه‌اش هم خارجی، کلی وسیله می‌خواد، هر سه ماه چکاپ داره، واکسن می‌خواد، ضدانگل و ویتامین‌هاش هم گرونه» (مصاحبه با مامان لیا، ۲۶ ساله)،

«دلم می‌خواد شیطان پرست بشم، اون قدر جذابه لوسیفر، بعضی حرفاشم واقعاً حقه به نظرم، خدا واقعاً همون جور که لوسیفر می‌گه، خودخواهه» (مصاحبه با مریم، ۱۹ ساله)،
«کلی بخوام از تغییراتم بگم، تحت تأثیر اینستا، تفریحاتم و مدل خرید کردنم، شبیه اروپایی شده و ترند رفتار می‌کنم» (مصاحبه با رؤیا، ۱۶ ساله)،

«اینستا سبب شده دیگه ما خودمون رو در این چارچوب‌ها حبس و خفه نکنیم، می‌بینیم، اگر پسندیدیم، انتخاب می‌کنیم، و گرنه، نه» (مصاحبه با غزاله، ۲۰ ساله)،

«می‌لاد این جور نیست و کلیپ‌هاش خب برای ماها نرماله، ولی مامان و بابام ببینند احتمال سخته شون می‌ره بالا که اینا چی هستن دیگه» (مصاحبه با نسترن، ۱۷ ساله)،

«یه پیج فیکم دارم که باهاش اکسم رو استاک می‌کنم» (مصاحبه با ترانه، ۲۱ ساله)،
«من همیشه خدا رو شکر می‌کنم که فن بلک پینک و بی‌تی‌اس شدم» (مصاحبه با ثنا، ۱۵ ساله)،
«قدیما که یه کار زشتی می‌کردم، عذاب وجدان شدید می‌گرفتم، از خدا می‌خواستم من رو ببخشه ... الان نه، عین خیالم نیست» (مصاحبه با امیرحسین، ۱۸ ساله)،

«حتی سگاشون رو مثل این مهد کودکا که بچه‌ها رو می‌برن، سگاشون رو همچین جاهایی می‌برن، بهش می‌گن هتل سگ» (مصاحبه با رضا، ۱۸ ساله)،

«آرین راجع به مرلین منسون پست می‌ذاره، درباره ابعاد دنیا که با مصرف روان‌گردان می‌شه دیدش می‌نویسه. می‌گه اگر مصرف کنین، چیزایی می‌بینین که الان نمی‌بینین» (مصاحبه با اشکان، ۲۱ ساله)،
«من وقایع سیاسی - اجتماعی رو دنبال می‌کنم و گهگاهی هم درباره‌شون متن می‌نویسم. گاهی هم با دوستانم بحث‌های اجتماعی داریم که نتایج اون‌ها رو هم می‌نویسیم و ممکنه اون‌ها رو هم پست کنیم» (مصاحبه با مهدی، ۲۱ ساله)،

«من بیش‌تر در صفحه خودم کتاب‌های فلسفی و گاهی روان‌شناسی رو معرفی می‌کنم، و البته فقط محدود به کتاب هم نیستم و گاهی کلیپ‌های فلسفی هم می‌گذارم» (مصاحبه با الناز

۰۳ جمع‌بندی و نتیجه‌گیری از مصاحبه‌های انجام شده

فصل اول: برخی از پیش فرض‌های موجود در مورد روان‌شناسی اجتماعی کاربران نوجوان و جوان قبل از ورود به اینستا (ضعف رسانه‌های داخلی در برابر قدرت رسانه‌های آن سوی آب، کاهش

سن کاربری از فناوری‌های ارتباطی جدید، سواد رسانه‌ای اندک کاربران، تحقق یادگیری و آموزش فعال، پررنگ شدن نقش آموزش‌های غیرمستقیم، جذابیت کاربری از فناوری‌های ارتباطی پیشرفته، اثرات فرهنگ جمع‌گرای ایران، ارضای هیجان‌جویی کاربران، تربیت هیجان‌مدار کاربران فضای مجازی، تغییر فرهنگ مکتوب به فرهنگ بصری، افسردگی اجتماعی نوجوانان و جوانان، ایجاد زمینه برای بروز برخی از اختلال‌های روانی، نسل تجربه‌گرا، تحول‌های هویتی، گسست نسلی، تحول‌های فرهنگی - اجتماعی - عقیدتی برخی از خانواده‌ها، ترجیح محصولات فرهنگی و رسانه‌های خارجی به محصولات فرهنگی و رسانه‌های داخلی، تحقق جهانی‌اندیشیدن نوجوانان و جوانان، نقد سیاسی نظام - با مشاهده فروریزی آرمان شهر انقلاب -، نقد دینی نظام - به تبع نقد سیاسی -).

فصل دوم: ورود به اینستا و اثرپذیری از آن (امکان برخورداری از ابعاد آموزشی اینستا به شکل رایگان یا با هزینه اندک، اطلاع‌رسانی‌های مفید، ارتقای دید زیست محیطی برخی از کاربران در جریان فرهنگ‌سازی‌های زیست محیطی، ارتقای فرهنگ کتاب‌خوانی، تبدیل قسمت‌هایی از اینستا به یک گالری هنری، پذیرش دیگر اقوام بشری، پذیرش تولید محتوای کاربران، اثرپذیری از سلبریتی‌ها، اثرپذیری از بلاگرها، اینفلوئنسرها و شاخ‌های مجازی - به عنوان منابع ارزشی جدید -، پا به عرصه نهادن هویت‌های حاشیه‌ای در فضای مجازی، اثرپذیری از منادیان پاسداشت ارزش‌های غرب در داخل، استقبال از فرهنگ فمینیستی، گسترش نگاه ابزاری و تحقیر آمیز نسبت به زنان، کاربری از بازی‌های دیجیتال، کلیپ‌ها، فیلم‌ها و سریال‌های عرضه شده در فضای مجازی؛ کاربری از زیور آلات و وسایل نمایش داده شده در فیلم‌ها، سریال‌ها و گروه‌های موسیقی آن سوی آب؛ اثرپذیری از فرهنگ انتقالی از طریق موسیقی، استفاده از اینستا به مثابه ابزاری برای دور زدن محدودیت‌های اجتماعی، جهانی شدن و آمیختگی فرهنگی پدید آمده برای کاربران، آزادی عمل در انتخاب منابع فرهنگی مورد استفاده، اثرگذاری روی ذائقه و عادات غذایی کاربران، تحول - آفرینی‌های نامناسب در زبان، جایگزینی فعالیت‌های فرهنگی سنتی با فعالیت‌های فرهنگی آن سوی آب، سرگرمی و گذران فراغت، مواجهه کاربران با فضایی مالا مال از هیجان در اینستاگرام، رقابت در جهت کسب هوادار، پسند، دیده شدن و دریافت اظهار نظر؛ کاهش شدید حریم خصوصی کاربران در فضای مجازی، انجام چالش‌های نامتعارف، دامن زدن به هرزه‌نگاری، استقبال از صور مختلف حیات جنسی، استقبال از روابط آزاد و ازدواج سفید یا مدنی، تحول‌یابی مقوله عشق، کم رنگ شدن مقوله خانواده در ذهن کاربران، پررنگ شدن مقوله شرط‌بندی و قمار در ذهن کاربران، کاهش حساسیت در برخورد با سوء مصرف مواد، سایه گستر شدن معیارهای لذت‌مدار و لاکچری در

زندگی، نهادینه شدن تقلب در اذهان برخی از کاربران، مواجهه با نمایش ویتترین زندگی دیگران در اینستاگرام، ایجاد فضایی جهت تحقق خودشیفتگی برخی از افراد خودشیفته، بروز تبعات ناشی از فقدان سازوکارهای تهاجم شکن، جایگزینی رسانه‌های غربی به جای رسانه‌های داخلی، تشویق غیرمستقیم کاربران به تجربه همه چیز، اتکاء به منابع غیرموثق، سطحی شدن دانش افراد با اتکاء به هشتک‌ها، محوریت یافتن مقوله اینستاگرام و فضای مجازی در مدارس پنهان، ضروری ندانستن طی مراتب آموزش عمومی، تنزل دید زیست محیطی کاربران، تبدیل فضای مجازی و اینستاگرام به یک مرجع اطلاعاتی برای نوجوانان و جوانان، تغییر مرجع فرهنگی نوجوانان و جوانان از خانه، محیط آموزشی و جامعه به اینستاگرام و فضای مجازی، دامن زدن به فرهنگ مبتنی بر جسم، گسست ارزشی و فرهنگی).

فصل سوم: ماحصل اثرگذاری‌های اینستا بر کاربران نوجوان و جوان: تغییر سبک زندگی از سبک زندگی تکلف‌مدار به سبک زندگی لاکچری و لذت‌مدار.

فهرست کتاب حاضر

- ۱- مقدمه جلد چهارم ۱۳
- ۲- گزارش مصاحبه‌های میدانی ۲۱
- مصاحبه با نسترن، ۱۷ ساله ۲۱
- ميلاد اينجوري نيست و كليپ‌هاش خب براي ماها نرماله، ولي مامان و بابام ببينند، احتمال سكتنه‌شون مي‌ره بالا كه اين چي هستن ديگه. ۲۱
- مصاحبه با ترانه، ۲۱ ساله ۸۵
- يه پيچ فيكم دارم كه باهاش اكسم رو استاك مي‌كنم. ۸۵
- مصاحبه با ثنا، ۱۵ ساله ۹۹
- من هميشه خدا رو شكر مي‌كنم كه فن بلك پينك و بي‌تي‌اس شدم. ۹۹
- مصاحبه با اميرحسين، ۱۸ ساله ۱۲۴
- قديما كه يه كار زشتي مي‌كردم، عذاب وجدان شديد مي‌گرفتم، از خدا مي‌خواستم من رو ببخشه ... الان نه، عين خيالم نيست. ۱۲۴
- مصاحبه با رضا، ۱۸ ساله ۱۵۴
- حتي سگاشون رو مثل اين مهدكودكا كه بچه‌ها رو مي‌برن، سگاشون رو همچين جاهايي مي‌برن، بهش مي‌گن هتل سگ. ۱۵۴
- مصاحبه با اشكان، ۲۱ ساله ۱۸۵
- آرين راجع به مرلين منسون پست مي‌ذاره، درباره ابعاد دنيا كه با مصرف روان‌گردان مي‌شه ديدش مي‌نويسه. مي‌گه اگر مصرف كنين، چيزايي مي‌بينين كه الان نمي‌بينين. ۱۸۵
- مصاحبه با مهدي، ۲۱ ساله ۲۲۷
- من وقايع سياسي - اجتماعي رو دنبال مي‌كنم و گهگاهي هم درباره‌شون متن مي‌نويسم. گاهي هم با دوستانم بحث‌هاي اجتماعي داريم كه نتايج اون‌ها رو هم مي‌نويسيم و ممكنه اون‌ها رو هم پست كنيم. ۲۲۷
- مصاحبه با الناز، ۲۴ ساله ۲۴۱
- من بيشتر در صفحه خودم كتابهاي فلسفي و گاهي روان‌شناسي رو معرفي مي‌كنم، و البته فقط محدود به كتاب هم نيستم و گاهي كليپ‌هاي فلسفي هم مي‌گذارم. ۲۴۱
- برخي از مآخذ ۲۶۵

۱ - مقدمه جلد چهارم

در مقدمه جلد نخست این مجموعه از سایه‌گستر شدن فضای مجازی و ضرورت بسترسازی‌های فرهنگی لازم برای کاربری بهینه از آن یاد شد تا به این ترتیب با کاهش تهدیدهای آن، امکان بهره‌وری هر چه بیش‌تر از فرصت‌های آن فراهم آید. در ادامه، از تجربه تاریخی غرب یاد شد که در مواجهه با آمیزه فرصت‌ها و تهدیدهای فضای مجازی و فناوری‌های ارتباطی پیشرفته، کوشیده است تا با بسترسازی فرهنگی لازم و انجام اقدام‌هایی مانند: تولید ادبیات فاخر برای فضای مجازی، پاسخ مناسب به برخی از خلاءهای اجتماعی موجود (نظیر تهیه پویانمایی‌های جنسی برای کاربران متقاضی این دست از اطلاعات)، ارتقای سواد رسانه‌ای کاربران (تا جایی که در برخی از کشورهای غربی، بحث اخیر به صورت یکی از مباحث درسی نظام آموزش عمومی درآمده است)، انجام اطلاع-رسانی‌های لازم به اولیا و کاربران، تهیه ابزارهای کنترل‌کننده (تبلت، تلفن همراه، اینترنت و ماهواره) برای اولیا، اعمال نظارت (در اتاق‌های گپ اینترنتی و مانند آن)، تدوین قوانین منع آسیب و ایذای کاربران فضای مجازی، تدوین قوانین خاص برای حمایت از کودکان، نوجوانان و جوانان کاربر فضای مجازی، ایجاد خطوط مستقیم برای تماس اضطراری با مسوولان برای ایجاد محیطی امن‌تر (در اتاق‌های گپ اینترنتی و مانند آن)، درجه‌بندی محتوای رسانه‌ای، تشویق سازمان‌های مدنی برای حضور، اعمال نظارت، مداخله و اثرگذاری فعال در فضای مجازی؛ ایجاد صندوق حمایت از مراکز پژوهش در حوزه رسانه‌های نوین جهت ارائه خدمات و به اشتراک نهادن دانش، منابع و امکانات مورد نیاز پژوهش‌گران؛ ایجاد کتابخانه، موزه و محصولات علمی جهت کاربران فضای مجازی و مانند آن، کوشیده است تا با بسیج امکانات لازم از پزشک و کتابدار گرفته تا وزارتخانه‌های مختلف (نظیر وزارت آموزش و پرورش، آموزش عالی، ارتباطات) و حتی کلیسا، روشنگری‌های لازم در جهت کاربری بهینه از فضای مجازی را در غرب پدید آورند.

اما برخلاف تجربه بشری اخیر که اکثریت قریب به اتفاق کشورهای جهان در برخورد با فرصت‌ها و تهدیدهای فضای مجازی با بسترسازی فرهنگی، تدوین قوانین لازم، مدیریت فضای مجازی و تولید محتوا، در صدد کاهش تهدیدهای فضای مجازی و افزایش فرصت‌های آن برآمده‌اند، اولیای فرهنگی ایران در مواجهه با فناوری‌های ارتباطی پیشرفته، به صرف آن که امکان کاربری نامناسب از این فناوری‌ها وجود دارد، به طور عمده با دیده نفی و انکار با این فناوری‌ها برخورد کرده‌اند و روند

ممنوعیت کاربری از ویدیو در اوایل انقلاب، به روند ممنوعیت کاربری از ماهواره و برخی از شبکه‌های اجتماعی تلفن همراه انجامیده است، و تأکید گردید، برخلاف تصور اولیای فرهنگی کشور، فناوری‌های جدید، انتخاب نبوده، تحمیل هستند و در شرایط اخیر باید برای کاهش آسیب فناوری‌ها و افزایش فرصت‌های آن‌ها، با استفاده از تجربه بشری، دست به بسترسازی فرهنگی لازم برای کاربری کاربران از آن زد.

به بیان دیگر، نفی فناوری‌های ارتباطی که از سوی برخی از مسوولان کشور ارایه شده و مورد تأکید قرار می‌گیرد، راهکار مؤثری نیست، همان‌گونه که به سبب کاهش قابل توجه سرمایه اجتماعی، دل بستن به جایگزین کردن «کامل» شبکه‌های اطلاع رسانی داخلی، برنامه موفق نخواهد بود، اما در این میان می‌توان با بسترسازی‌های فرهنگی لازم، ضمن اطلاع رسانی به کاربران (اعم از کودکان، نوجوانان، جوانان، اولیا و اولیای آموزشی و فرهنگی جامعه)، در باب خطرهای بالقوه کاربری از فناوری‌های ارتباطی جدید، آنان را از سویی در جهت به حداقل رساندن آسیب‌های فناوری‌های ارتباطی جدید و از سوی دیگر به حداکثر رساندن منافع آن‌ها یاری رساند.

در ادامه مقدمه، پس از بررسی اجمالی ادبیات پژوهش درباره اثرات اینستا بر روی کاربران، از مواردی نظیر: کاربری‌های آموزشی اینستا، استفاده از اینستا در زمینه‌های پژوهشی، گسترش ارتباطات، کاربری از اینستا در جهت ایجاد موج‌های اجتماعی، اثرات هویتی اینستا برای نوجوانان و جوانان، استفاده از اینستا در جهت گذران فراغت، سلامت، مسایل حقوقی، اقتصادی، زیباشناختی، زیست محیطی، اثرات منفی آموزشی، اعتیاد به اینستاگرام، اثر منفی بر عزت نفس، کاهش سازگاری، کاهش رضایت از زندگی، احساس طرد اجتماعی، نوسان‌های عاطفی، تنیدگی، اثرات منفی هویتی، اثرات عقیدتی، اثرات منفی بر سلامت روان، افسردگی، اضطراب، احساس بدشکلی بدنی، اختلال‌های خوردن، اختلال خواب، ترس از دست دادن، مصرف سیگار و مواد مخدر، مصرف الکل، تحریک جنسی و دامن زدن به مسایل جنسی، افکار خودکشی، آزارگری و قلدری سایبری، کودک آزاری، بزه‌کاری، خودشیفتگی و بی‌توجهی به ارتقای سواد رسانه و امنیت اندک اینستا، یاد شد.

در فراز بعدی مقدمه، ضمن تأکید فضای اجتماعی متفاوت ایران و غرب، از خطمشی اینترنت پاک و به زبان امروزی‌تر، صیانت از فضای مجازی که در دستور کار مسوولان فرهنگی کشور است، سخن به میان آمد.

در توصیف فضای اجتماعی متفاوت ایران، باید خاطر نشان کرد، مواردی مانند: «کاهش سن کاربری از فناوری‌های ارتباطی پیشرفته»، «تحقق اندیشه و روش‌های حل مسأله هیجان‌مدار»، «تحقق جهانی اندیشیدن»، «بصری شدن فرهنگ مکتوب»، «خستگی ذهنی کاربران نوجوان و جوان در بمباران اطلاعاتی آنان در فضای مجازی»، «ایجاد نوسان‌های روانی در کاربران» و «اتخاذ

برخوردها و خطمشی‌های مبتنی بر صفر و یک»، در نسل جوان ایران قابل مشاهده است که این موارد در اتخاذ هر نوع تصمیم آنان ذی نقش و مؤثر ظاهر می‌گردند.

در ترسیم خطمشی مسوولان فرهنگی کشور در مواجهه با فضای مجازی هم بیان شد، توهم-زدگی برخی از مسوولان فرهنگی، مانع از فهم درست مسایل برای آنان شده است و آنان تصور می‌کنند، با توسل به مواردی مانند فیلترینگ، توقیف و ممنوعیت در مقوله فضای مجازی و مانند آن، می‌توانند حرف آخر را بزنند، حال آن که چنین نیست و نمی‌توان علم را متوقف نگاه داشت و هیچ فیلتری در برابر پیشرفت علم امکان موفقیت نخواهد داشت. به تعبیر دیگر، اگر زمانی در سال ۱۳۷۴ با طرح ماهواره در ایران، برای گرفتن کانال‌های ماهواره، دیش‌های ۴-۵ متری لازم بود، در حال حاضر به دلیل پیشرفت‌های علمی، دیش‌هایی با یک صدم طول دیش‌های پیشین، عملکردی بهتر از دیش‌های بزرگ سابق را به معرض دید نهاده و در آینده‌ای نزدیک، با زیر پوشش قرار گرفتن تمامی کره زمین با ماهواره‌های ایلان ماسک، در عمل هر نوع فیلترینگی به حافظه تاریخ سپرده خواهند شد.

نوجوانان و جوانان کاربری که با پیش زمینه‌های اجتماعی و روانی پیش‌گفته، با فضای مجازی و خاصه شبکه اجتماعی تصویر محور اینستاگرام مواجه می‌گردند، رفته رفته جذب جذابیت‌های ظاهری محتوای اخیر شده، و به تدریج قانع می‌شوند که در جست‌وجوی جایگزین مورد نظر خویش، به لحاظ فیزیکی باید مهاجرت به کشورهای خارجی را در دستور کار خود قرار دهند و به لحاظ فرهنگی و اجتماعی هم باید هنجارها و ارزش‌های تبلیغ شده در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی همچون اینستا را مدنظر خود قرار دهند.

در مورد ارزش‌های القایی شبکه‌های اجتماعی که جوانان خود را با آن‌ها مواجه می‌بینند، لازم به توضیح است که فضای مجازی در عمل عرصه گسترده‌ای را برای هویت‌های حاشیه‌ای، شاخ‌های مجازی، اینفلوئنسرها و بلاگرها گشوده و پدید آورده است که پیش‌تر در فضای فرهنگی و اجتماعی جوامع مختلف مطرح نبودند.

گذشته از موج آفرینی جدیدی که با سایه‌گستر شدن فضای مجازی، چهره‌های جدید برای کاربران پدید آورده اند و غالباً آنان را به سمت و سوی یک زندگی تجملاتی، مصرف‌زده، لذت‌مدار و مبتنی بر هوس سوق می‌دهند، عناصر مرسوم فرهنگ غرب نیز در دسترس کاربران فضای مجازی؛ از جمله شبکه اجتماعی اینستاگرام قرار می‌گیرند.

کلیپ‌ها، پویانمایی‌ها، بازی‌های رایانه‌ای، فیلم‌ها، سریال‌ها، سرگرمی‌ها، مدها، عرضه و وسایل تزئینی (برگرفته از فیلم‌ها و سریال‌های غربی) و در کنار همه آن‌ها، طرح سلبریتی‌های غربی، عرصه گسترده‌ای را برای القای فرهنگی-اجتماعی-عقیدتی-زیباشناختی کاربران رقم می‌زنند. آثار اخیر غالباً واجد ارزش‌هایی نظیر علم‌گرایی، مدنیت، دموکراسی و اقتصاد قوی که در غرب وجود

دارند، نبوده، بیش‌تر واجد ارزش‌هایی مانند مصرف‌زدگی، هیجان‌طلبی، روابط نامتعارف جنسی، اعتیاد، الکلیسم، شیطان‌پرستی و نظایر آن‌ها هستند که ذهن جوان ایرانی را در جریان کاربری از محتواهای اخیر، مخدوش می‌سازند.

بنابراین در فضایی که تولیدهای فرهنگی داخل (که عمدتاً با بودجه‌های دولتی تهیه شده‌اند و غالباً جنبه شعاری دارند)، در برابر انبوه تولیدهای فرهنگی غرب که با مطالعات علمی روان‌شناختی و جامعه‌شناختی اولیه و صرف بودجه‌های گزاف و پردازش‌های هنری و جذاب، خلع سلاح می‌گردند، کاربران نوجوان و جوان ایرانی عمدتاً تحت تأثیر انبوه کلیپ‌ها، پویانمایی‌ها، بازی‌های رایانه‌ای، فیلم‌ها، سریال‌ها و خاصه سلبریتی‌های غربی که بعضاً مبلغ موضوع‌هایی مانند لذت‌مداری و هوس‌پرستی و نظایر آن‌ها هستند، قرار می‌گیرند.

اثرپذیری نوجوانان و جوانان کاربر فضای مجازی و خاصه شبکه‌های اجتماعی اینستاگرام سبب می‌شود، اقشار قابل تأملی از آنان، پس از مایوس شدن از تحول‌آفرینی در داخل کشور، به طور کامل متوجه خارج از مرزهای کشور شده، در این میان به لحاظ فیزیکی گریز از کشور و مهاجرت به کشورهای دیگر و به لحاظ روانی و ارزشی، به پذیرش ارزش‌های مادون فرهنگ غرب دست بزنند، به این معنا که آنان یا به حمایت از نهضت فمینیسم (در اشکال افراطی آن که مثلاً با شعار ضرورت له کردن مردان، در عمل مروج هم‌جنس‌گرایی زنان بوده یا ازدواج با مرد ایرانی را نفی می‌کنند) یا حمایت از جامعه اقلیت جنسی (ال‌جی‌بی‌تی)، شیطان‌پرستی، خرافه‌پرستی (نظیر پناه جستن به فلسفه فنگ‌شویی) پرداخته، به فضای ارزشی جدیدی گام نهند که در کنار تبلیغ مدام زندگی‌های لاکچری، در مجموع نوجوانان و جوانان را به سمت سبک زندگی جدیدی سوق می‌دهد که در تعارض عمیقی با سبک زندگی تکلیف‌مدار در جامعه و فرهنگ خودشان هست.

به تعبیر دیگر، هجمه فرهنگی، عقیدتی، سیاسی، اجتماعی، زیباشناختی اینستاگرام از سویی و توهم زدگی مسوولان فرهنگی جامعه و ضعف‌های مفرط نهادهای فرهنگی، اجتماعی، عقیدتی و اقتصادی آن از سوی دیگر، در عمل ضمن ایجاد تحول‌هایی نظیر از خودبیگانه کردن کاربران نوجوان و جوان، القای فرهنگ لاکچری به آنان، رقم زدن تحول‌های هویتی شدید در جوانان (نظیر تحقق یافتن هویت‌های کاذب، پنهان، دوپاره شده و معارض)، سبک زندگی کاربران را تغییر می‌دهد و البته تغییر اخیر به نوبه خود، تحول‌های عمیقی را در نوع نگاه زیباشناختی، اخلاقی، عقیدتی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کاربران پدید آورده و رقم می‌زند، به این معنا که برخلاف غرب که از فلسفه‌ای انسان‌مدار (و بالطبع لذت‌مدار) تبعیت می‌کند، در این مرز و بوم در طول تاریخ، اندیشه خدامدار (و بالطبع تکلیف‌مداری انسان)، مطرح بوده است، اما در تحولات پدید آمده، اقشار قابل تأملی از نوجوانان و جوانان ایرانی با جابه‌جا کردن دید اولیه تکلیف‌مدار خویش با دیدی لذت‌مداری، در عمل تحولی اساسی را در زندگی فردی و اجتماعی خویش رقم زده و پدید می‌آورند.

با توجه به آن چه از آن یاد شد، نگارنده با ملاحظه رویکرد نادرست مسوولان امر در فضای مجازی از سویی و آسیب دیدگی سرمایه‌های انسانی کشور از سوی دیگر، برای کمک به اولیا و اولیای آموزشی کودکان، نوجوانان و جوانان در صدد روشنگری در این امر برآمد که در قسمتی از این اقدام‌ها، تهیه مجموعه قریب ۴۰ جلدی «اینستا از درون»، در جهت ترسیم فراز و فرودهای آثار زیستی، روانی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، سیاسی، عقیدتی، اخلاقی، تربیتی، اقتصادی و زیباشناختی کاربری از شبکه اجتماعی اینستاگرام در سطح کاربران ایرانی در دستور کار نگارنده قرار گرفت که اکنون جلد سوم «چند مصاحبه با جوانان کاربر اینستاگرام درباره اثرهای فرهنگی کاربری از اینستاگرام»، فراروی شما است.

در جلد اول تا سوم این مجموعه، پس از مقدمه، مصاحبه‌های زیر آمدند:
«بعد فروشنده گفت وایسید برنامه‌ها رو براتون نصب کنم، یهو اون دوقلوهای ۵، ۶ ساله داد زدن، تلگرام و اینستاگرامم بریز!» (مصاحبه با روزان، ۱۷ ساله)،

«- بعد خودت توی همون سن ۸ سالگی می‌رفتی انواع مطالب مثبت ۱۸ رو می‌دید؟
آره، متأسفانه» (مصاحبه با مهسا، ۱۶ ساله)،

«از اینستا درباره این که داره فیلم جدید بازی می‌کنه یا مثلاً قدش چه قدره، چند کیلوئه، سگ داره یا نداره، اطلاع به دست آوردم» (مصاحبه با ترانه، ۱۵ ساله)،
«من توی اینستاگرام دیدم هم برای پسر هم برای دختر، می‌شه دوست دختر، دوست پسر اجاره‌ای گرفت» (مصاحبه با مه‌لقا، ۱۸ ساله)،

«هزار سال حاضر نیستم برم سراغ برنامه‌هایی مثل سروش که ابزارهای... و کنترل آدم‌ها هستن»
(مصاحبه با علی، ۱۹ ساله)،

«کشور ما هیچ وقت هیچ چیزی برای ارایه به دنیا نداشته... کشور ما خیلی کشور ضعیف و عقب افتاده‌ایه و به نظر من مهاجرت لازمه خوشبختی و زندگی راحت» (مصاحبه با پگاه، ۱۷ ساله)،
«گاهی با خودم می‌گفتم که چرا من نمی‌تونم سفر آن‌چنانی برم؟ چرا من نمی‌تونم فلان وسیله رو بگیرم و اون بلاگره همه این کارا رو می‌کرد» (مصاحبه با فرشته، ۲۰ ساله).

«همین باعث می‌شه، بچه ۴ ساله فامیل مون بگه، بچه توی اینستا چشمش آبی، منم لنز می‌خوام یا من غذا نمی‌خورم که بزرگ شدم لاغر باشم» (مصاحبه با زهرا، ۲۰ ساله)،

«اینستاگرام جذاب‌تر از یه کتابه، اینستا عکس باهاشه، صدا، جذابیت» (مصاحبه با آرشام، ۲۳ ساله)،
«همین که گلشیفته تابوشکنی کرد و خواست نشون بده اگر لخت بشی دنیا به آخر نمی‌رسه، برام قابل احترامه» (مصاحبه با دُرسا، ۱۷ ساله)،

«از جولیا و ایگل خیلی خوشم میاد، خیلی کیوتن، از رافین و میکا و کاتیه و استف هم خیلی خوشم میاد» (مصاحبه با آلا، ۱۵ ساله)،

«اگه بچه ۶، ۷ ساله جی‌تی‌ای بازی کنه، دیگه خدا رحمتش کنه» (مصاحبه با راد، ۱۶ ساله)،
«در روز ده، پونزده ساعت بازی می‌کنم، البته بستگی به حال هم داره، اگه حوصله‌ی بازی رو اون روز داشته باشم بیشتر» (مصاحبه با مهشید، ۱۶ ساله)،
«خب یه نکته‌ای که درباره نازنین هست، اینه که عادت ماهانه‌اش خیلی زود و از ۹ سالگی شروع شد» (مصاحبه با کوثر، ۲۴ ساله)،
«فصل ۶ پیکو بلایندرز رو توی همین اینستا فهمیدم کی میاد که البته هنوز نیومده، من عاااشق پیکو بلایندرز شدم» (مصاحبه با امیرعلی، ۱۸ ساله)،
«مثلاً بی‌بند و باری، ازدواج سفید، بارداری خارج از ازدواج و چیزای دیگه همه هست توی این سریالا، اما خب فان هم هستن دیگه» (مصاحبه با سمیه، ۲۱ ساله)،
«بازی‌های جرأت حقیقت و never have I ever حال می‌ده، همه رسوا می‌شن» (مصاحبه با مرجان، ۲۱ ساله)،
«قضیه بی‌پروایی جنسی، خیلی باعث شده پیچ‌های مبتذل هم زیاد فالو بشن، حتی خود من هم یه سری از این پیچ‌ها رو فالو داشتم» (مصاحبه با یوسف، ۲۱ ساله)،
«مثلاً یه دوست دارم تام بوی شده و دوست دختر هم داره، این برای من واقعاً عادیه... گرایش‌ه دیگه، مگه دست خودشه» (مصاحبه با زینب، ۲۰ ساله)،
«من فن پیچ نیلوفر و ویدا و امیر ویکتور رو توی اینستاگرام ساختم» (مصاحبه با آریا، ۱۷ ساله)،
«دیدن سریال سکس اجو کیشن باعث شد که رابطه... با چند نفر برام عادی سازی بشه» (مصاحبه با صبا، ۲۲ ساله)،
«پروپلیرهای کال آف رو می‌شناسم، مثلاً توی پروپلیرهای بازی آبتین خیلی خوبه، امیر لینچ، مژگان، حمید وای - تی هم هستن، اینا خیلی خوبن» (مصاحبه با بهروز، ۱۸ ساله)،
«من دنیا جهان‌بخت، کیمیا تاج‌زاد و چندتا بلاگر مثل گل منگولی، مامان پانید اسماعیلی، فاطمه خاله‌ی پانید اسماعیلی و شل بیوتی رو دنبال می‌کنم» (مصاحبه با ریحانه، ۱۸ ساله)،
«مهرداد و آيسان هم همیشه دوربین مخفی می‌ذارن، توی یکیش مهرداد به آيسان می‌گفت، برای یوتیوب همین الان باید بچه‌دار بشیم...» (مصاحبه با نرگس، ۲۰ ساله)،
«جمله‌های دپ می‌داشت که مثلاً حلالم کنید، شاید فردا نباشم و عکس خودزنی و این جور چیزا، کلاً از لحاظ روحی پاچید (پاشید)» (مصاحبه با ساره، ۲۰ ساله)،
«می‌دونید پت داشتن خیلی خرج داره، ماهی فقط دو تومن پول غذای خشکش می‌شه، همه‌اش هم خارجی، کلی وسیله می‌خواد، هر سه ماه چکاپ داره، واکسن می‌خواد، ضدانگل و ویتامین‌هاش هم گرونه» (مصاحبه با مامان لیا، ۲۶ ساله)،

«دل‌م می‌خواد شیطان پرست بشم، اون قدر جذابه لوسیفر، بعضی حرفاشم واقعاً حقه به نظرم، خدا واقعاً همون جور که لوسیفر می‌گه، خودخواهه» (مصاحبه با مریم، ۱۹ ساله)،

«کلی بخوام از تغییراتم بگم، تحت تأثیر اینستا، تفریحاتم و مدل خرید کردنم، شبیه اروپایی شده و ترند رفتار می‌کنم» (مصاحبه با رؤیا، ۱۶ ساله)،

«اینستا سبب شده دیگه ما خودمون رو در این چارچوب‌ها حبس و خفه نکنیم، می‌بینیم، اگر پسندیدیم، انتخاب می‌کنیم، وگرنه، نه» (مصاحبه با غزاله، ۲۰ ساله).

در کتاب حاضر که جلد چهارم «چند مصاحبه با جوانان کاربر اینستاگرام درباره اثرهای فرهنگی کاربری از اینستاگرام»، به شمار می‌رود، قسمت آخر مصاحبه‌های انجام شده با عناوین زیر آمده است: «می‌لاد این‌جوری نیست و کلیپ‌هاش خب برای ماها نرماله، ولی مامان و بابام ببینند، احتمال سخته‌شون می‌ره بالا که اینا چی هستن دیگه» (مصاحبه با نسترن، ۱۷ ساله)،

«اینستا سبب شده دیگه ما خودمون رو در این چارچوب‌ها حبس و خفه نکنیم، می‌بینیم، اگر پسندیدیم، انتخاب می‌کنیم، وگرنه، نه» (مصاحبه با غزاله، ۲۰ ساله)،

«یه پیج فیکم دارم که باهاش اکسم رو استاک می‌کنم» (مصاحبه با ترانه، ۲۱ ساله)،

«من همیشه خدا رو شکر می‌کنم که فن بلک پینک و بی‌تی‌اس شدم» (مصاحبه با ثنا، ۱۵ ساله)،

«قدیما که یه کار زشتی می‌کردم، عذاب وجدان شدید می‌گرفتم، از خدا می‌خواستم من رو ببخشه ... الان نه، عین خیالمم نیست» (مصاحبه با امیرحسین، ۱۸ ساله)،

«حتی سگاشون رو مثل این مهدکودکا که بچه‌ها رو می‌برن، سگاشون رو همچین جاهایی

می‌برن، بهش می‌گن هتل سگ» (مصاحبه با رضا، ۱۸ ساله)،

«آرین راجع به مرلین منسون پست می‌ذاره، درباره ابعاد دنیا که با مصرف روان‌گردان می‌شه

دیدش می‌نویسه. می‌گه اگر مصرف کنین، چیزایی می‌بینین که الان نمی‌بینین» (مصاحبه با اشکان، ۲۱ ساله)،

«من وقایع سیاسی-اجتماعی رو دنبال می‌کنم و گهگاهی هم درباره‌شون متن می‌نویسم. گاهی

هم با دوستانم بحث‌های اجتماعی داریم که نتایج اون‌ها رو هم می‌نویسیم و ممکنه اون‌ها رو هم پست کنیم» (مصاحبه با مهدی، ۲۱ ساله)،

«من بیش‌تر در صفحه خودم کتاب‌های فلسفی و گاهی روان‌شناسی رو معرفی می‌کنم، و البته

فقط محدود به کتاب هم نیستم و گاهی کلیپ‌های فلسفی هم می‌گذارم» (مصاحبه با الناز، ۲۴ ساله).

جمع‌بندی مصاحبه‌های میدانی، در جلد پنجم این مجموعه آمده است.

۲- گزارش مصاحبه‌های میدانی

مصاحبه با نسترن، ۱۷ ساله

ميلاد اين جورى نيست و كليپ‌هاش خب براى ماها نرماله، ولى مامان و بابام ببينند، احتمال سخته‌شون مى‌ره بالا كه اين چي هستن ديگه.

تذکر مصاحبه‌گر:

فرد مصاحبه شونده نسترن دختری ۱۷ ساله و دانش‌آموز رشته‌ی کامپیوتر است. این مصاحبه در ۶ نوبت ۲ ساعته به مدت یک هفته در پیام‌رسان واتساپ به صورت ویس و چت صورت گرفته است.

- سلام نسترن جان.

سلام.

- ممنون بابت وقتی که به من اختصاص دادی.

خوشحال می‌شم کمکی کنم.

- اگر اشتباه نکنم امسال وارد کلاس دهم می‌شی، درست‌ه؟
بله.

- اوضاع درس و مدرسه‌ات چه طوره، راضی هستی؟

چی بگم، از یک طرف خوشحالم که وارد یک مقطع جدید شدم و وارد دبیرستان شدم و از طرف دیگه‌ای بابت درسا خیلی نگرانم! درس‌ها همگی برای من جدید هستند و من تا به امروز هیچ پیش زمینه‌ای درباره‌شون نداشتم.

- چه رشته‌ای می‌خونی؟

کامپیوتر می‌خونم و خب بیش‌تر درس‌هام حالت عملی دارند، نه تئوری و به همین خاطر یادگیری خیلی سخت‌تره! باور کن امسال اصلاً دوست نداشتم تابستون تموم شه! از تجربه پارسال به شدت می‌ترسیدم، پارسال من نهمی بودم و انتخاب رشته باید انجام می‌دادم و فشارهای مدرسه هم که خیلی زیاد بود دیگه! کل پارسال به صورت مجازی درس خوندم و با این حال امتحان نهایی رو هم حضوری دادیم! یه جورایی می‌تونم بگم پر استرس‌ترین سال زندگی من بود!

- از آموزش مجازی چه پارسال و چه امسال راضی هستی؟

اووم خب راستش معلم به معلم و درس به درس فرق داره، ولی درکل به استریش نمی‌ارزه و آن چنان بار علمی هم نداره!

- منظورت از کیفیت علمی چی هست؟

خب همین که خودمون یاد بگیریم و تمرین‌ها و سوالات مربوط به اون موضوع و درس رو جواب بدیم دیگه، اصلاً همه‌ی بچه‌ها همین مشکل رو دارند و فقط مشکل من یکی نیست! معلم‌ها واقعاً به اون در زدند، امکانات آموزشی صفررر، الان بیا سر کلاس ریاضی و عربی بشین، اگه تونستی چیزی یاد بگیری، ساخته بابا.

از اون طرف هم که مدام توهم توطئه می‌زنن، انگار که ما همه‌اش می‌خوایم تقلب کنیم! بابا شل کنید دیگه... خسته شدیم! بهترین سال‌های زندگی‌مون رو داریم توی خونه می‌گذرونیم و پشت لپ‌تاپ و تبلت و گوشی و بدون هیچ سرگرمی خاصی، حالا وسط این همه بدبختی و درس یاد نگرفتن، اینا هم مشکلات رو دو برابر می‌کنند.

- طی این دو سال که کلاس‌ها مجازی شد، برای آموزش از چه برنامه‌ای استفاده کردی؟

تا پارسال که از واتساپ، ولی امسال از ادوبی کانکت استفاده می‌کنم.

- شاد چی شد پس؟

شاد که دلت خوشه‌ها، شاد، شاد می‌زنه! اصلاً معلوم نبود چه سمی بوددد (با خنده).

اصلاً کی شد اینا یک نرم افزار خوب درست کنند؟

اون از سروش و بله و گپ و... آقا نمی‌تونید درست کنید، بی‌خیال شید دیگه! فکر می‌کنند الان که درست کردن، یک چیزی مثل تلگرام می‌شه، قبول کنید نمی‌تونید درست کنید.

توی همین شاد، پیام جدید می‌اومد، باید از برنامه خارج می‌شدی و دوباره وارد بشی تا پیام برات باز شه، کیفیت تماس تصویری و ویس‌هاش که داغون بود! باهاش نمی‌تونستی گروه تشکیل بدی و درکل مسخره‌ترین آپی بود که من تا به حال دیدم، به خاطر همین مشکلات، مدرسه گفت که از واتساپ استفاده کنیم.

- حالا از بحث آموزشی که بگذریم، بیش‌تر از چه نرم افزاری استفاده می‌کنی؟

اینستاگرام.

- روزانه چه مقدار از اینستاگرام استفاده می‌کنی؟

تا یک ماه پیش که تابستون بود، کاملاً توی اینستا خوابیده بودم و همه‌اش کنار پریر برق بودم تا گویشیم شارژ بشه، تابستون به ۸ ساعت می‌رسید فکر کنم و شاید هم بیش‌تر، زیاد مطمئن نیستم، ولی الان روزایی که مدرسه دارم، ۵ ساعت و روزهای تعطیل همون ۹ ساعت این‌هاست.

- بین این همه اپلیکیشن مثل توییتر، یوتیوب، تلگرام و نظایر اون‌ها، چرا اینستاگرام رو انتخاب کردی؟

خب اینستاگرام قضیه‌اش با بقیه فرق داره، یک جورایی مادر بقیه اپلیکیشن‌ها محسوب می‌شه، به قول شاعر هر چه همه خوبان با هم دارند، تو یک‌جا داری.

- مثلاً؟!

مثلاً این که تلگرام برای پیام‌رسانی هست که خب اینستا دایرکتش این امکان رو بهمون می‌ده یا واتساپ تماس تصویری‌هاش خوبه که اینستاگرام خدایی تماس تصویریش کیفیتش بهتر از واتساپه، بعدش هم لایو می‌تونن بگیرن که بقیه آپ‌ها همچین ویژگی رو ندارند! تو می‌تونن پست بگذاری، چه عکس و چه ویدیو، تازه هم کامنت می‌تونن بگذاری درباره اون پست و هم لایک کنی و مهم‌تر از همه درآمد داره که واتساپ کلاً نداره و تلگرام هم قبل فیلتر، داشت یک کارایی می‌کرد که اون هم منتفی شد، راستی فالور هم داری.

- شما خودت چندتا فالور داری؟

خب تا امروز و این لحظه ۷۰۰۰ تا که هنوز فعلاً کمه.

- ۷۰۰۰ نفر کم هست؟

پس چی؟ مهم نباشه به نظرت؟ کلی زحمت می‌کشم براش، ویدیو درست می‌کنم، عکس می‌گیرم... تازه اینا به حرف آسونه! برای این که یک عکس پست کنم، باید نزدیک ۵، ۶ ساعت وقت بذارم تا آرایش کنم و لباس انتخاب کنم و ۱۰۰ تا عکس خراب کنم تا یکیش خوب شه! خب مسلماً یک بازخورد و نتیجه‌ای می‌خوام.

- خوب برای چی باید این همه وقت صرف کنی؟

خووب شه خب! ۷۰۰۰ نفر قراره ببینن‌ها...، عین معتادا برم عکس بگیرم و بذارم؟ اگه بخوام

پیجم رو بالا ببرم، باید از یک جایی شروع کنم دیگه!

- از این که ۷۰۰۰ نفر پست‌ها و استوری‌ها رو می‌بینند، احساس معذب بودن نداری؟

نه، دیگه اون‌ها هم آدمند! جالبیش اینه من توی واقعیت خیلی خجالتی هستم، یعنی اگه الان

قرار بود که حضوری حرف بزیم با انبردست باید حرف از دهن من بیرون می‌کشیدی!

ولی این‌جا نه...، توی فضای مجازی به قول دوست صمیمیم کلاً یکی دیگه می‌شم، خودم می‌شم

یک جورایی!

- خوب همین الان گفتمی که خجالتی هستی، ولی در عین حال نیستی! پس چه طوری احساس

می‌کنی خودتی؟

نمی‌دونم... .

- یک کلام هستی یا نه؟

خب شاید دلم می‌خواد اون جوروی که توی فضای مجازی هستم در واقعیت باشم، البته‌ها مجازی هم همون واقعیته یک جورایی، چون من همون آدم هستم، می‌دونم توی فضای مجازی حد و مرزی نیست که هی بخوام به خودم بگم که الان این رو نگو، این حرکت رو نکن، این رفتار رو انجام نده.

به خاطر همینکه این قدر توی این فضا احساس راحتی می‌کنم و اون چیزی که دلم می‌خواد رو راحت‌تر می‌تونم نشون بدم، ولی توی واقعیت بخوام حرف بزنم، هی باید فکر کنم چی بگم، چه طوری بگم؟ این رو بگم یا اون رو نگو؟ شاید به خاطر همین خجالت زده و مضطرب می‌شم.

- پس تنها چیزی که شخصیت شما رو متمایز می‌کنه همین شک و تردیدت برای حرف زدن هست؟

هم اون و هم خب بیا قبول کنیم که آدم‌ها توی عکس‌ها بهتر می‌افتند! من توی عکس‌هام خوشگل‌تر هستم تا به صورت عادی و کیه که بدش بیاد همه اون رو خوب ببینند؟ اعتماد به نفس این جوروی بیشتر هم هست، شاید یکی از دلایل باحال بودنم توی فضای مجازی همینه.

- باحال بودن، می‌شه بیشتر توضیح بدی؟

مثلاً توی فضای مجازی از اون جور آدم‌هایی هستم که یک روز استوری نذارم یا پی‌ام ندم، میان ازم می‌پرسن که کجایی، دل‌مون برات تنگ شده بود و کم‌پیدایی و...، یعنی بود و نبودم رو حس می‌کنن و این یعنی از من خوش‌شون میاد دیگه، بعد بیشتر شوخی می‌کنم، در صورتی که می‌گم من رو بیرون ببینی، اصلاً این جوروی نیستم که هی بخوام حرف بزنم و چیزهای بامزه بگم.

- روابطت با بقیه توی واقعیت در مقایسه با مجازی چه طور هست؟

خب چون توی فضای مجازی بهترم، زودتر با بقیه دوست می‌شم و صمیمی می‌شم، ولی توی واقعیت حالا علاوه بر اون دیرجوش بودنم، یه کم، کم‌تر زود اعتماد می‌کنم، ولی توی مجازی نه! یا مثلاً با پسرها توی واقعیت نمی‌دونم چه طوری حرف بزنم، ولی توی فضای مجازی چندتا دوست دارم که پسر هستند و خیلی هم با هم اوکی و جوریم و فقط هم جاست فرندیم.

- گفتم ۷۰۰۰ تا فالور داری، فعالیتت رو از کی شروع کردی؟

خب من از ۱۱ سالگی که گوشی گرفتم دیگه اینستا نصب کردم.

- ۱۱ سالگی یک کم زود نبوده؟

دوست‌هام هم نصب کرده بودند و اوکی بود برامون.

- خانواده‌ات چی؟

کلاً مامان و بابای من توی خط اینستا و اینستا نیستند، به خاطر همین نه می‌دونستند و نه فکر کنم مهم بوده برایشون و من هم نگفتم.

- اون زمان چه فعالیتی توی اینستاگرام داشتی؟

خب اون زمان مثل الآن، این همه ایرانی و مخصوصاً هم نسل خودمون توی اینستا نبودند، دقیق یادم نمیداد، ولی اگه تعداد زیادی هم بودن، به شدت الآن فعالیتی نداشتند، اون زمان بیش تر پیج‌ها پرایوت بود و نهایتاً عکس‌های خودشون یا خانواده‌هاشون رو می‌داشتند، ولی الآن نه، از هر چیزی همه می‌ذارند و اگه یک پیج پرایوت داشته باشند، کنارش یک پابلیک هم دارند، منم فقط یک پیج پرایوت داشتم که حتی عکس هم نمی‌داشتم.

- چه محتوا و پیج‌هایی رو دنبال می‌کردی؟

خب اون موقع فقط سلبریتی‌های مورد علاقه‌ام رو دنبال می‌کردم.

- ایرانی؟

اوایل بازیگرهای ایرانی، ولی بعد یک مدت چون با دوستانم شروع کرده بودیم سریال‌های کره‌ای می‌دیدیم، پیج بازیگرهای کره‌ای رو مثل لی مین هو و هان هیو جو رو دنبال می‌کردیم. تازه بازیگرهای ایرانی هم اون موقع به اندازه الآن زیاد نبودند، الآنه حتی بازیگرهای مسن هم پیج دارند.



- پس اوایل فقط پیج سلبریتی‌ها رو دنبال می‌کردی؟

دقیق یادم نیست، ولی کلیتش همین بود، چون حدوداً ۶، ۷ سال پیش بود! ولی پیج سلبریتی‌ها و فن پیج‌هاشون بود.

- چند سال بعدش چه طور؟

خب حدود ۲ سال بعدش از اون جایی که یک سریال باز قهار کره‌ای شده بودم، فن پیج زدیم برای یکی از سریال‌های مورد علاقه‌ام و کلیپ و اینا درست می‌کردم، بعد دیگه کم‌کم اینستا هم داشت جون می‌گرفت و همه به فعالیت عمومی داشتند و خب خیلی سر اینستا بودم، هم برای پیج خودم

که جواب کامنت‌ها و دایرکت‌ها رو می‌دادم و محتواسازی و هم پیج‌های دیگه رو دنبال می‌کردم تا ایده بگیرم، اصلاً قوی شدن ارتباط اجتماعیم توی مجازی، از همین جواب دادن کامنت‌ها شروع شد.

- مدت زمانی که وقت می‌گذاشتی حدوداً چه قدر بود؟

۷ ساعت این طورا، از مدرسه که می‌اومدم می‌پریدم روی گوشی ببینم چه قدر فالوم کردن و چه قدر کامنت گذاشتند.

- به غیر از فعالیت پیج خودت، چه محتواهای دیگه‌ای رو دنبال می‌کردی؟

فن پیج‌های سریال‌ها بیش‌تریش بود، چون هم ایده می‌گرفتم و هم با سریال‌های جدید آشنا می‌شدم و می‌فهمیدم چه سریالی رو ببینم، هم این‌که پیج خواننده‌های کره‌ای مثل بی‌تی‌اس رو دنبال می‌کردم و جهت اطلاعات من یه فن دو آتیشه‌ی بی‌تی‌اس و آرمی هستم.



جدیداً هم که آهنگ جدیدشون Permission To Dance اومده که خیلییی ترکوننده و توی بورد موسیقی جهان اول شده و موزیک ویدیوشون و طراحی رقص و استایل و لباس‌هاشون و خلاصه همه چی شون توپ و پرفکت بود.





- الان چه محتواهایی رو دنبال می‌کنی؟

الآن که خب اینستا اصلاً قابل قیاس با قبلاً نیست و هر روز داره پیشرفت می‌کنه و جدیدتر می‌شه، چه برسه با چند سال پیش، الآن محتواها خیلی متنوع و گوناگون شدند و هر موضوعی که به ذهنت خطور کنه توی اینستا ازش یه چیزی هست!

- چند نمونه رو می‌شه مثال بزنی؟

مثلاً پیج‌های کم‌دین‌ها و شاخ‌ها و بلاگرها یا پیج‌هایی که کلاً کاری با محتواسازی و تولید ندارند و فقط برای کسب درآمد و تجاری هستند، مثل پیج‌های فروش لباس یا کارهای دستی یا وسایل تزئینی، وسایل خونه و از این جور چیزا.

- درباره‌ی هر کدام می‌شه جزئی‌تر توضیح بدی؟

خب کم‌دین‌ها که خیلی فاند و خدایی بمب ایده هستند و از هر چیز چرتی یه چیز بامزه و خنده‌دار درمیارن، کم‌دین‌ها بهشون واینر هم می‌گن و اصلاً محدودیت سنی ندارند، یعنی هم بچه‌های دبیرستانی و راهنمایی و چه آدم‌های ۲۰، ۳۰، ۴۰ ساله هم به عنوان واینر فعالیت می‌کنند، حتی آدم‌های مسن‌تر هم به طور غیرمستقیم به وسیله بچه‌هاشون فعالیت می‌کنند.

من خودم به شخصه کم‌دین‌هایی رو که دنبال می‌کنم اینان: میلاد خ، محمد امین، علی صبوری، عرفان، پریسا، محسن ایزی، کامیار، فاطمه، امیر سلیمانی.

شاخ‌ها هم که خیلی زیادن، ولی اونایی رو که یادمه اینان: ندا یاسی، پویان، نیلی، میلاد حاتمی، امیر تتلو، آناشید، دنیا و مهرداد جم و اینا.

البته‌ها آدم‌هایی که می‌شناسم خیلی زیادن‌هاا، ولی خب اینا معروف‌ترین‌هاشون هستند، البته میلاد حاتمی هم که توی ایران دستگیر شده و پبجش هم از دسترس خارج شده.

- تازه فقط این‌ها رو یادته؟!

آن چنان زیاد نیستند که! حدود ۵۰۰ تا فالوینگ دارم که فقط نزدیک ۲۰ تاش رو بهت گفتم.

- کل ۵۰۰ تا رو چک می‌کنی؟!

همه‌شون رو شاید نرسم، ولی خب اکثریت رو آره.

بعدشم همه شون که هر روز پست نمی‌ذارند که! بیش تر استوری می‌ذارند که منم درگیر استوری‌ها می‌شم و اون‌ها یه کم وقتم رو می‌گیره که تند تند رد می‌کنم.

- خوب کلاً نبین!

نه، شاید یک چیز مهم گفته باشن!

- آخه کلی کار و مشغله باید داشته باشی، مخصوصاً الآن که مدارس باز شده و تابستون تموم شده، چه طوری به بقیه کارهات می‌خواهی برسی؟

خب مدرسه که از ساعت هشت تا دو و نیمه و بعد از اون کار خاصی ندارم، کل تایم مدرسه رو هم که دیگه مشغول نیستم بابا، بعضی درس‌ها برای گوش نکردنه، مثل دینی و ادبیات و زبان، بعضی‌هاشون هم که به خاطر کیفیت کم کلافه می‌شم و گوش نمی‌دم.

- چرا آخه، اگه حضوری بشه چه طوری می‌خواهی امتحان بدی؟

عصبی می‌شم خب، هی تمرکز می‌کنم بینم معلم چی می‌گه و نمی‌فهمم، آخه همه‌اش عملیه و سخته این جور یاد گرفتن! حضوری هم که پارسال با اون شرایط داغون مگه نرفتم نهایی دادم؟! دیگه همه از اون جو درس خوندن اومدن بیرون، دیگه کسی حوصله درس و کتاب رو نداره.

الآن یکی از دوستانم که یک سال از من بزرگ‌تره، پارسال رفت حساب‌داری، ولی از وسط سال دید هیچی نمی‌فهمه و کلاً بی‌خیال درس شد و حتی امتحان‌های ترم دوم رو هم نداد، بیچاره فقط توی واتساپ بهشون درس می‌دادن و ادوبی کانکت هم نداشتند.

- یعنی امسال هم به خاطر شرایط آموزشی درشش رو ادامه نداد؟

نه دیگه، الآن هم که توی یه بوتیک لباس فروشی کار می‌کنه به عنوان دستیار فروشنده و ماهی هم یک میلیون می‌گیره، کم هست ولی خب از هیچی بهتره، دیگه هم قصد ادامه تحصیل نداره.

- خانواده‌اش اعتراضی نکردن؟

مامانش می‌گفت که درشش رو ادامه بده، ولی خب حریفش نشد دیگه.

- الآن پشیمون نشده؟

نه! می‌گه لباس هر چی بخوام برای خودم می‌گیرم، مامانش دوست مامان منه و می‌گفت که کل حقوقش رو برای خودش لباس می‌خره.

- برگردیم سر بحث خودمون، موقعی که به درس گوش نمی‌دی، چه کار می‌کنی؟

سرگوشی هستم و توی اینستا و تیک‌تاک برای خودم می‌چرخم.

- فقط اینستاگرام و تیک‌تاک؟

آره، حوصله تلگرام و واتساپ رو ندارم، توی اینستا می‌رم توی همین پیج‌های طنز یه چیزی می‌بینم تا حالم خوب شه و یه کم سرحال بشم، کلافه می‌شم، چند ساعت تموم بدون هیچ تنوعی

فقط به حرف‌های خواب‌آور یکی دیگه گوش بدم، بعد چند دقیقه واقعاً سرم رو دوست دارم بکوبم به دیوار.

- خوب چرا نمی‌ری دست و صورتت رو بشوری و چند قدم راه بری تا سرحال بشی؟
اوووف، حوصله داری‌ها! من خسته‌تر از این حرفام، من اگه حال داشتم درسم رو گوش می‌کردم، چه برسه به این که راه برم.

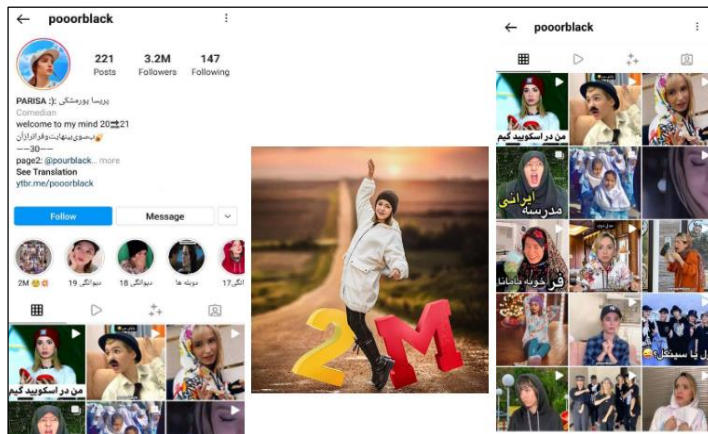
- درباره اینرها داشتی می‌گفتی که بحث به این‌جا رسید، اگر خسته نیستی ادامه بدیم؟
نه، فقط یک سوال تک به تک بگم؟

- ممنون می‌شم.

خوب اول از همه از پریسا دوست دارم شروع کنم.

پریسا برای دهه هشتاده و خب به خاطر همین که دهه هشتادیه، من دوست دارم ازش حمایت کنم و به همین دلیل اول از پریسا می‌گم.

پریسا کلیپ‌های فان و طنز و بی‌شیله پيله‌ای درست می‌کنه، توی کلیپ‌هاش خبری از آرایش‌های غلیظ و اینا نیست، بیش‌تر مخاطب‌های پریسا هم رنج سنی خودمون و دهه نودی‌ها هستن، البته‌ها دهه هفتادی‌ها هم دنبالش می‌کنند.



- دهه نودی‌ها؟

آره دیگه.

- مگه گوش‌ی دارن، حالا گوش‌ی به کنار، مگه اینستاگرام دارن؟

۱ - پریسا پورمشکی معروف به پوربلیک یکی از سلبریتی‌های فعال در حوزه طنز و متولد یازدهم تیرماه سال ۱۳۸۰ در خوزستان است و فعالیت خود را در فضای مجازی حدوداً یک سال است که آغاز کرده است و به شهرت رسیده است.

اوهوم، نمونه‌اش خود خواهر من کلاس دومه و دهه نودیه، اصلاً پریسا رو مهتاب به من معرفی کرد، این قدر دوستش داره که نگم برات، بعضی وقت‌ها برمی‌گرده بهم می‌گه، کاش پریسا آبجی من بود، نه تو!

- بعد چه طوری گوشی بهش دادین؟

پارسال کلاً مجازی بود و تا یک مدتی گوشی مامانم دستش بود به خاطر کارای مدرسه، ولی خب از اون جایی که مامانم می‌خواست بره بیرون یا با گوشیش کار داشت، کم‌کم مامانم دیگه خسته شد و براش گوشی خریدن.

- اینستاگرام چه طور؟

اینستا رو که از قبل بعضی وقت‌ها کنار من می‌شست با من کلیپ نگاه می‌کرد، گوشی هم که گرفت از بس هی پریسا پریسا کرد که براش نصب کردم دیگه.

- اینستاگرام محدودیت سنی داره، می‌دونستی! حتی توی مقررات خود برنامه هم هست، بعد فقط به خاطر پریسا؟

قبول دارم، ولی خب به هر صورت چند سال دیگه که نصب می‌کرد یا اصلاً از گوشی من پنهانی می‌رفت می‌دید. این جور خب بهتره که! پریسا رو خیلی دوست داره، حتی دیروز گیر داده بود که مامانم موهاش رو مثل پریسا جونش کوتاه کنه.

- درباره‌ی پریسا داشتی می‌گفتی؟

خلاصه که کلیپ‌هاش خیلی به زندگی روزمره ما نزدیک هستند و از این جهت جذاب و جالبند برام که به قضیه‌ای که عادی و حتی گاهی اوقات اعصاب خردکن برامون شده، از یک جنبه دیگه بهشون نگاه می‌کنه و تبدیل به چیزای خنده‌دار می‌کندش. لباس‌هاش همه خنده‌دارند و رنگی رنگی هستند و خب بامزه اند در کل.

- پریسا کار خاصی هم داره؟

یه مدتی به عنوان حنا کار توی آرایشگاه کار می‌کرده ولی الان نه، به نظرم درآمد اینستا به حدی هست که نیازی به کار توی بیرون نداشته باشه.

- چه طوری از اینستاگرام کسب درآمد می‌کنه؟

توی کلیپ‌هایی که درست می‌کنه محصولات مختلفی رو تبلیغ می‌کنه و همین طور توی استوری‌هاش که خب از اون جایی که فالورهای میلیونی هستند، پول خوبی هم گیرش میاد.

- در حال حاضر درس می‌خونه؟

نه، اعتقادی به دانشگاه نداره، ولی به گفته خودش معدل سال یازدهمش ۱۹ بوده و دوازدهمش رو نمی‌دونه، چون نرفته مدرکش رو بگیره و کنکور هم داده، ولی رتبه‌اش خیلی داغون شده بود.

- از چه سالی فعالیتش رو توی اینستاگرام شروع کرده؟

اووم مثل این که از ۱۴ سالگی به ساخت دابسمش و کلیپ خیلی علاقه داشته، به طوری که با گوشی غیرهوشمند باباش اون زمان کلیپ درست می‌کرده و بعداً هم با برنامه‌های کامپیوتری ادیت‌شون می‌کرده، تا این که ۳ سال پیش به تشویق خانواده‌اش توی اینستاگرام کلیپ‌هاش رو پخش کرده.

راستی اسم پریسا، پریسا پورمشکی هست که به پریسا پور بلک معروفه توی اینستا اگه خواستی دنبالش کنی.

- ممنون، کم‌دین بعدی؟

واینر بعدی فاطمه تیموریه^۱ که خیلی سبکش شبیه پریسا هست، ولی من به شخصه پریسا رو بیش‌تر دوست دارم، چون پرانرژی‌تره، ولی خب فاطمه هم دو میلیون این طورا فالور داره که ویو ویدیوهاش همون نزدیکه ۲ میلیونه که خب می‌تونیم بفهمیم فالور فیک و الکی نداره و همه فن‌ها و طرف‌دارهای خودش هستند.



- محتوای ویدیوهای فاطمه تیموری چی هست؟

خب اونم مثل پریسا از مسایل روزمره درست می‌کنه، ولی پریسا کلیپ‌هاش متنوع‌تره به نظرم، چون هم نقش مرد رو خوب بازی می‌کنه و هم زن رو! گریم‌های پریسا بهتر از فاطمه است و هم این که پریسا صداسش خیلی بامزه و بچه‌گونه‌تر از فاطمه می‌زنه و هم این که با نرم افزار اینا که خب حالا من زیاد نمی‌دونم از چی استفاده می‌کنه، صداسش رو ادیت می‌کنه که فان‌تر می‌شه.

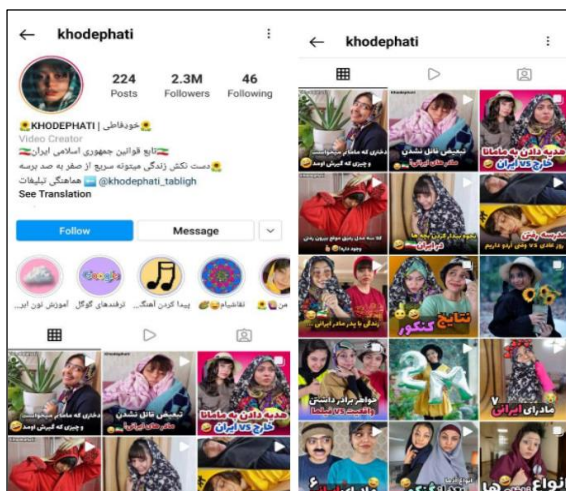
- پریسا چند سال از فاطمه کوچک‌تر هست؟

نهمههه، فاطمی کوچیک‌تره! فاطمی برای سال ۸۲ هست، ولی پریسا برای ۸۰، تازه امسال کنکور هنر داده بود که خب گند زده به قول خودش و شاید برای سال دیگه بخونه.

- به طور کلی نظرت درباره‌شون چی هست؟

۱ - فاطمه تیموری، ۱۷ ساله و کلاس دوازدهمی است، رشته تحصیلی وی گرافیک رایانه‌ای است. فاطمه از جمله افرادی است که با تکیه بر استعداد خود موفق گردیده از طریق ساخت کلیپ و تبلیغات در اینستاگرام کسب درآمد کند. اکثر افراد اکیب فاطمه تیموری دهه هشتادی و دهه هفتادی هستند و غالب طرف‌داران و فالورهای آن‌ها هم در محدوده‌ی سنی این دو دهه هستند.

می‌دونی من تحسین شون می‌کنم که این قدر آدم‌های خلاق و با ایده‌ای هستند، فکرهاشون رو عملی می‌کنند و این قدر با اعتماد به نفس هستند که کلیپ‌هایی رو که توشون در خزترین حالت ممکن هستند رو پخش کنند و شاد کردن بقیه براشون مهم باشه.



الآن هم سن و سال‌های اینا یا دانشجو هستند یا پشت کنکوری، ولی خب اینا مسیر خودشون رو پیدا کردند و الآن به منبع درآمد دارند و درآمدشون هم خدایی زیاده!
الآن اون دوست من که درسش رو ول کرد، داره ماهی ۱ میلیون می‌گیره، در صورتی که اینا برای هر تبلیغ استوری بالای ۵ میلیون می‌گیرن!

خب ماها همه هدفمون از درس خوندن در نهایت پیدا کردن کاره تا بتونیم مستقل بشیم و خرجی خودمون رو بدیم، اینا هم به این هدف رسیدن، ولی از یک راه کوتاه‌تر و بی‌دغدغه‌تر و پردرآمدتر! ولی ماها باید بهترین سال‌های زندگی مون پشت میز تحریر و مدرسه بره، برای چندرغازی که توی آینده می‌خوایم بگیریم و بدتر از همه و غول اینا، کنکوره که قشنگ شیرهی جسم و روح ما رو می‌گیره.

بهترین دوران مون، یعنی دوره نوجوونی مون داره می‌ره و ما عملاً نمی‌تونیم هیچ کاری کنیم، نه تفریحی، نه مهارتی، نه گشت زدنی، نه شیطنتی و نه خنده‌ای!
مخصوصاً این ۲ سال آخر که کرونا اومد، پر بغضم، برای آخرین بار نتونستم دوست‌هام رو بغل کنم، نتونستم باهاشون خداحافظی کنم.

منی که قبلاً هفته‌ای یک‌بار بیرون نمی‌رفتم از شدت فشار می‌زدم زیرگریه، الآن ماهی یک‌بار به زور بیرون می‌رم، دیگه دوست ندارم بیرون برم، حوصله لباس پوشیدن و عوض کردن برای بیرون رو ندارم، حوصله هیچی رو ندارم، فقط دوست دارم زودتر شب شه و بخوابم، به جهنم که فردا چی

می‌شه...، بقیه کشورها خیلی وقته واکسن زدن، ولی ماها با تأخیر یک‌ساله، بعد از دیدن عکس و فیلم اونا توی اینستا زدیم. جوون‌های بقیه کشورها دغدغه‌شون چیه، دغدغه‌ی ما بدبخت‌ها چیه! این‌جا رو هم دوست دارم و هم دوست ندارم، دوستش دارم چون دوستام این‌جان و دوستش ندارم، چون همون قدر که بهم چیزهای ارزشمند داد، چیزهای ارزشمندتری مثل علایقم، استعدادم، عمرم و شادی و خوشیم رو ازم گرفت، باور کن منم خدام رو دوست دارم، ولی اینا با کاراشون خدای من رو هم دارن ازم می‌گیرن، به قول یه فیلمی (وطن یعنی هیچ یک از این‌ها نباید اتفاق می‌افتاد)، دلم برای ایرانم می‌سوزه که یک عده لا... افتادن به جونش و ازش تغذیه می‌کنن.

امثال فاطمه و پریسا همون چیزی رو می‌خوان که ما می‌خوایم، ولی راهشون فرق داره که من تحسینش می‌کنم و بهش احترام می‌ذارم. کسب درآمد میلیونی توی این سن کار هر کسی نیست و اینا موفق شدن بهش برسن.

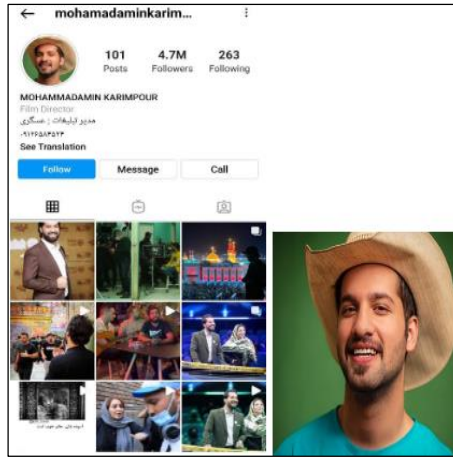
ترجیح می‌دم به جای تحقیر، تشویق‌شون کنم، اکثر فالورهاشون هم دهه هشتادی هستن که این یعنی هم سن‌هاشون اینا رو دوست دارن.

- نظرت درباره‌ی محمدامین کریم‌پور، عرفان، میلاد و علی صبوری که از اون‌ها اسم بردی،

چی هست؟

محمدامین که واقعاً همه و اینرها به نظرم مدیونش هستن، نبوغ و خلاقیت محمدامین توی کم‌دی یک چیز دیگه بود، محمدامین یک جورایی اولین و اینر ایرانی یا حداقل جزء اولین و اینرها بود، محمد امین راه رو برای بقیه باز کرد و مسیر رو نشون‌شون داد. بانمک بودنش و خنده‌هاش و رقص مخصوصش که با همون خیلی معروف شد، خیلی کمکش کردن و قشنگ من دیدم که چه طوری کم‌کم پیشرفت می‌کرد و هر دفعه یک چیز جدید و جذاب دیگه‌ای رو خلق می‌کرد. اولین بار اون کلیپ‌های سریالی رو بین کم‌دین‌ها درست کرد، الآن هم که نزدیک ۵ میلیون فالور داره.

۱ - محمدامین کریم‌پور متولد ۷ مرداد ۱۳۷۳ در تهران و سلبریتی معروف در اینستاگرام است. تحصیلات وی لیسانس رشته برق الکترونیک از دانشگاه علمی کاربردی است. محمدامین کریم‌پور در مرداد ماه ۹۶ با همکاری عرفان علیرضایی و چندین بازیگر کارگردانی یک نمایش طنز بنام این سه تا گرامی را روی صحنه نمایش تالار اریکه ایرانیان بردند. در ۲۸ اجرا بیش از پانصد میلیون تومان فروش داشتند که از پر فروش‌ترین تئاترهای تهران شد، البته ۶ اجرای آخر این نمایش به دلیل لغو مجوز از وزارت ارشاد لغو شد. محمدامین کریم‌پور حالا با داشتن تعداد بالایی از فالورها و محبوبیت بالا در اینستاگرام درآمد قابل توجهی دارد.



- درآمدش چه طور هست؟

اوووه، توپ توپه! کسی که ماشینش پورشه هست رو دیگه خودت تا آخرش رو حدس بزنی، به خاطر همین که چون زیاد نیاز مالی نداره، ۲ ساله که به شدت قبل کلیپ درست نمی‌کنه.

- درآمدش فقط از راه همین کلیپ‌ها بود؟

آره، ولی کارگردانی هم می‌کنه و ۳ سال پیش، نمایشنامه یک تئاتر رو خودش نوشته بود و با بچه‌های اکیپ اجراش کردند که چند بار فروش بلیتش تمدید شد و در کل چند صد میلیون به خاطر تئاتر گرفت دیگه.

- میلاد چه طور؟

میلاد هم سبک خاص خودش رو داره و روسری و مانتو و کلاً لباس زنونه برا کلیپ‌هاش تنش می‌کنه و اکیپ خودش رو تشکیل داده و با عرفان و محمد اینا خیلی صمیمیه و حتی چندتا کلیپ هم با هم درست کردن، فقط کلیپ‌های محمدامین خانوادگی طوره.



۱ - نام کامل و صحیح این فرد در فضای مجازی، میلاد قاسمی‌خواه است که در بین طرفدارانش با نام خانوادگی قاسم‌خواه شهرت دارد. او در تاریخ ۵ شهریور ۶۸ به دنیا آمده است. وی فعالیت هنری خود را در فضای مجازی از سال ۱۳۹۵ آغاز کرده است و چون برخورد مردمی‌تری در کلیپ‌هایش دارد و از حرف‌ها و اصطلاحات عامیانه و بعضاً بی‌ادبانه استفاده می‌کند، در مقایسه با واینرهای دیگر که قبل از او آمده‌اند، در نزد مخاطبان از جایگاه متفاوت‌تری برخوردار است.

- یعنی چی؟

یعنی مثلاً از یک کلیپی خوشتر اومده و با خیال راحت به مامان و بابات هم نشون می‌دی، ولی میلاد این جور نیست و کلیپ‌هاش خب برای ماها نرماله، ولی مامان و بابام ببینند احتمال سخته‌شون می‌ره بالا که اینا چی هستن دیگه.

- منظورت از مسایل مختلف چی هست؟

حالا اون قدرها هم ۱۸+ حرف نمی‌زنه، ولی خب باز هم با استفاده از مسایل جنسی به صورت ریز و مستقیم و غیرمستقیم کلیپ‌های فان درست می‌کنه... .

هر کدوم از بچه‌های اکیپش یک اسم مستعار دارن، مثل سمیه یخچالی و سارا پولی و... .

- محدامین رو گفتی فعالیتش کم شده، میلاد چه طور؟

نه، میلاد هنوز فعالیت داره و حتی فالورهاش از محدامین هم بیشتر شده، من خودم به شخصه محدامین رو بیش‌تر دوست دارم، ولی خب میلاد هم فن‌های خودش رو داره.

- چه چیزی کلیپ‌های محدامین رو نسبت به بقیه متمایز می‌کنه؟

اول از همه لحن حرف زدنش و بعد لباس پوشیدن، کم‌دین‌های مرد گاهی اوقات به عنوان نقش زن بازی می‌کنن، ولی میلاد از همون اول با مقنعه بود، یک ایده خلاقانه‌اش این بود که از کلمه‌های جدیدی استفاده کرد و یک جورایی خودش اونا رو خلق کرد، مثل قوقول و شتره که می‌شه شلخته.

- حالا چرا این جور حرف می‌زنه؟

خودش گفته که دوست داره فرهنگ‌سازی کنه توی اینستاگرام و جامعه، چون الان ما توی جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که چه توی فضای مجازی و چه در واقعیت، دادن فحش‌های رکیک مثل آب خوردن شده و خیلی زیاده و اون می‌خواد که الفاظ جدیدی جایگزین این فحش‌های رکیک بشه، مثل مهران مدیری که توی برره کلمه‌های جدیدی رو توی جامعه باب کرد و به خاطر همین می‌گه کار خودش و دوستش کامران، اصلاً بی‌ادبی نیست.

- درآمدش چه طوره؟

مسلماً از پیجش درآمد داره، ولی گفته در حد بقیه واینرها نیست، چون هدفش از ساخت کلیپ، فقط درآمدزایی نیست، دوست داره که مردم رو شاد کنه و این شادی برسه به روح مادرش.

- تا این‌جا واقعاً ممنونم، فقط الان واینرها تموم شدن که بریم سراغ بقیه؟

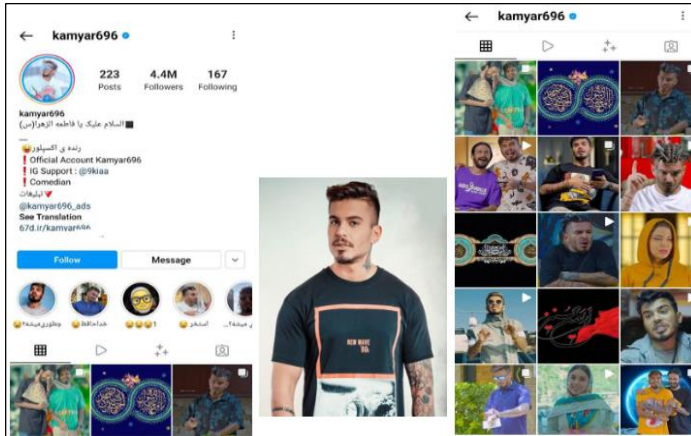
کامیار! و محسن ایزی و امیر و علی صبوری موندن، بگم؟

۱ - امیر حمدالله‌زاده متولد ۲۶ آذر ۱۳۷۳ در ساوه، واینر است. وی فارغ التحصیل مدرسه کمبریج لندن در کشور مالزی بوده و با نام هنری Kamyar696 مشهور است حالا در کنار واینری، ورزشکار و مربی حرفه‌ای بدن‌سازی است. کامیار در شهر ساوه متولد و در تهران بزرگ شده است. علاقه‌اش به کارهای هنری او را از زمان کودکی به کلاس‌های بازیگری و تئاتر کشاند. در ۱۵ سالگی به مالزی رفت و

- اگه دوست داری و خسته نشدی.

خب یه کم خلاصه‌تر می‌گم.

کامیار خیلیییی بامزه است و نسبت به بقیه بیش‌تر به دل می‌شیند، برخلاف بقیه که حالا زیاد درس خون نبودند، ولی کامیار دیپلمش رو از مدرسه کمبریج لندن گرفته و قهرمان بدن‌سازیه. موقعی که ۱۶ سالش بوده به مالزی برای همین ورزش مهاجرت می‌کنه و چندتا مدرک مربی‌گری بین‌المللی داره.



- این همه اطلاعات رو از کجا می‌دونی؟

هم خودش گفته و هم فن‌هاش فوضولی می‌کنن و اطلاعات به دست میارن و به ماها هم می‌گن، بعد مهمه دیگه که آدمی رو که کلیپ‌هاش رو می‌بینی، بشناسی.

- پس مهمه که نسبت به آدمی که برای محتوایش وقت می‌گذاری، شناخت داشته باشی؟
آره خب، به هر حال من چند ساعت کلیپ‌ها یا بقیه‌ی محتوای اینستا رو چک می‌کنم و به نظر خودم لازمه که یک آشنایی هر چند نسبی و کوتاه، با افرادی که کلیپ‌شون رو می‌بینم، داشته باشم.

- اگه وقت برات مهمه، پس چرا این همه ساعت رو به اینستاگرام اختصاص می‌دی؟
بیش‌ترش به صورت غیرارادیه، باور کن، من زمانی که میام اینستا با خودم نمی‌گم که وای الآن ۶ ساعت قراره سرش باشم، اصلاً این جور نیست، حالا شاید کسل باشم یا حوصله‌ام سر رفته باشه، پا می‌شم میام سراغ اینستا و یهو مامانم صدام می‌کنه که بیا نهار یا شام و اون وقت می‌بینم، چند ساعته پشت سر هم یک گوشه نشستم و سرگرم اینستا هستم.

از ۱۶ سالگی با بدن‌سازی کارش را آغاز کرد. در سال ۹۲ و ۹۳ به کلاس‌های فیزیک بدنی و تغذیه رفت و حالا دارای مدرک مربی‌گری بین‌المللی از IFBB America و EHFA از آلمان است. کامیار فعالیت هنری خود را از آذر ۱۳۹۵ با کلیپ‌های ۱۵ ثانیه‌ای در اینستاگرام شروع کرد. سپس با افزایش مدت بارگذاری ویدیو در این شبکه اجتماعی، فعالیت‌های طنزش بیش‌تر دیده شده و حالا به عنوان یک واینر مشهور شناخته می‌شود.

- چرا یک فعالیت دیگه انجام نمی‌دی مثل کتاب خوندن یا هر چیزی که خودت دوست داری؟
آخه وقتی حوصله ندارم، یعنی حوصله اونا رو هم ندارم، دوست دارم سراغ چیزی برم که یه کم سر حالم بیاره و هیجان داشته باشه، نه این که خسته کننده‌تر باشه و کلافه‌ترم کنه و ذهنم رو مشغول‌تر کنه.

- خوندن کتاب ذهن‌ت رو مشغول می‌کنه؟

بستگی داره چی باشه، مثلاً کتاب‌های تاریخی، روان‌شناسی، علمی، خب باید فکر کنم که حوصله ندارم و مخم نمی‌کشه، رمان‌ها باز قابل تحمل‌تر هستند که گاهی اوقات می‌خونم.

- چه رمان‌هایی مد نظرت هست؟

رمان‌های آنلاین یا آفلاینی که نوشته شدن.

- فکر کردم رمان‌های چاپی می‌خونی!

نه بابا! رمان آنلاین چه توی تلگرام و چه توی اینستا رو می‌خونم، کتاب چاپی خواب آورده، ولی خب صفحه گوشی اون طوری نیست که خوابت ببره، به خاطر همین تا کتاب می‌خونی خوابت می‌بره، ولی با گوشی تا ۳ صبح هم بیداری.

- تا ۳ صبح! مگه درس و زندگی نداری، کی بیدار می‌شی؟

تا ۳ صبح به صورت فیکس نیست که بعضی وقت‌ها ۴ ولی بیش‌تر از ۵ نمی‌شه.

- مدرسه‌ات چی؟

خب اون رو ۸ پا می‌شم، ولی سر کلاس‌ها می‌خوابم، البته بستگی به کلاسش داره.

- سر درد و چشم درد و بدن درد نمی‌گیری؟

سرم که همیشه درد می‌کنه، تازه مامانم می‌گه بی‌حالی و کسل بودنم هم به خاطر همین خواب نادرست و نامنظمه که خودمم قبولش دارم، ولی عادت کردم.

- رمان‌ها در چه موردی هست و نویسنده‌شون قوی هستند یا نه؟

رمان‌ها در حد همین سن تینیجری خودمونه، شاید اگه یک آدم بیست و چند ساله بخونه خوشش نیاد، ولی خب برای من جذابه.

- چیزی که جذابت می‌کنه چی هست؟

همین که پسر چه می‌دونم خفن و جذابه، پول‌داره، مغرور و خوش تیپه، دختر هم که خوشگل و خوش تیپ و سر زبون داره، باحاله دیگه، انگار یک فیلم عاشقانه زنده رو می‌بینی.

- ملاکت فقط همین هست؟

رمان‌های مجازی نکته قابل توجه‌شون همینه آخه! وگرنه نکته قابل توجهی نداره و بیش‌تر با هدف سرگرم کردن هستند.

- نویسنده‌هاشون چه جور می‌باشند؟

حدوداً بیست و خورده‌ای یا کم‌تر هستند.

- گفتی به صورت آنلاین هستند، نحوه‌ی ارایه‌شون به چه شکلی هست؟

خب روزهای زوج یا فرد یا هر روز یا هفته‌ای یک‌بار نویسنده پست می‌ذاره و ما هم به صورت آنلاین می‌خونیمش و حدوداً یک سال طول می‌کشه که رمان تموم بشه، بعد از تموم شدنش اگر کسی فایل پی‌دی‌اف رو خواست، می‌تونه از نویسنده بخره.

- امکان فروشش هست و کسی هم می‌خره؟

آره و قیمت‌ها هم متغیره، مثلاً از ۳۰ تا ۷۰ هزار تومان، البته بیش‌تر هم شاید باشه، ولی من خودم ندیدم.

- بعد فایل رو برای تون می‌فرستن؟

کسایی که فایل رمان رو می‌فروشن، قابل اعتمادترند تا کسایی که ورودی رمان رو می‌گیرند.

- ورودی رمان! این دیگه چی هست؟

بعضی از نویسنده‌هایی که معروف شدند و بقیه با قلم‌شون آشنا هستند و یک جورایی مطمئن هستن که از رمان جدیدش هم خوش‌شون میاد، این نویسنده‌ها قبل از شروع رمان یک خلاصه‌ای ازش رو می‌گن و بعد می‌گن هر کی دوست داره، این رمان رو بخونه، ما براش پیج زدیم، ولی پرایوته و کسایی که که حق عضویت رو بدن، درخواست فالووشون اکسپت می‌شه.

- این تعرفه‌اش چه قدر هست؟

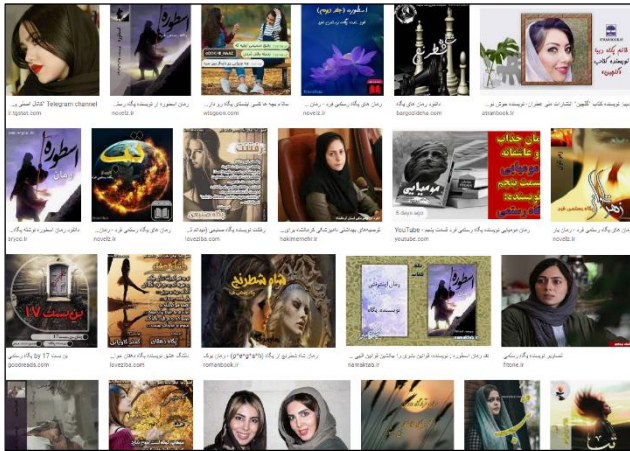
این هم تقریباً بالای ۴۰ هزار تومانه، ولی دیگه بیش‌تر از ۱۰۰ هزار تومان فکر نکنم بشه.

- خوب این که خیلی ریسک داره، اومدیم و شما پول رو پرداخت کردی، ولی نویسنده رمان رو ننوشت!؟

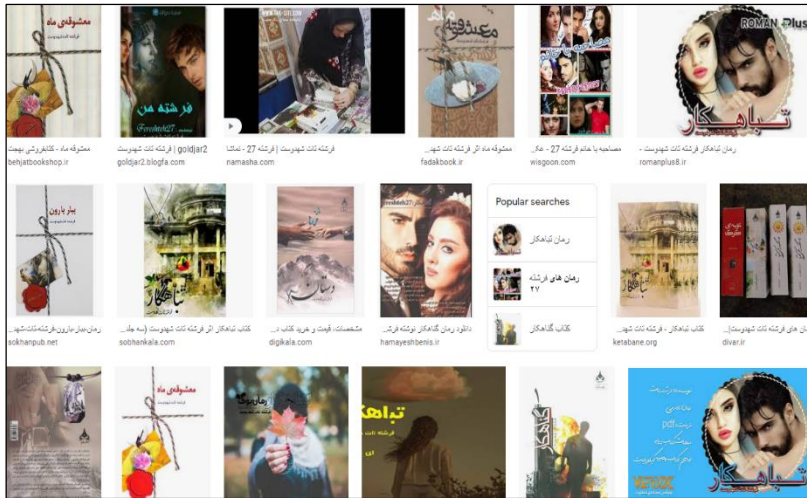
اتفاقاً یک‌بار همین جوری شد، نزدیک ۱۰۰ تا پست گذاشت، ولی بیهو غیب شد، بعد من از این نویسنده ۵ تا رمان خونده بودم و قشنگ بهش اعتماد داشتم، ولی خب اصلاً نمی‌دونم بیهو چی شد، ۳ تا پیج داشت که همه رو پاک کرد.

- اصلاً این افراد در حد نویسنده هستند؟

بعضی‌هاشون خوب هستند خدایی و قلم‌شون خیلی پخته است و داستان‌هاشون آموزنده است، مثل پگاه که رمان‌هاش خیلی پخته هستند و پشت داستانش یک هدفی هست، ولی خب پگاه رمان‌هاش رایگان هست و توی کانادا زندگی می‌کنه و پرستاره و حدوداً ۳۰ سالش هست، پگاه نویسنده‌ی مورد علاقه‌ی منه.



ولی خب کسایی مثل فرشته شه‌دوست و هما پور اصفهانی هستند که قلم‌شون خوبه، ولی داستان‌هاشون پوچه و در حد فیلم‌های عاشقانه بی‌محتواست، این دو نفر کتاب‌هاشون چاپ می‌شه و قیمت هر کتاب بالای ۸۰ تومنه که خب خدایی خیلی گرونه! به خاطر همین اگر آنلاین بنویسند و پول بگیرند، خیلی‌ها استقبال می‌کنند.





حتی فرشته بارها شده یک چهارم رمانش رو توی تلگرام به صورت آنلاین نوشته و بعد یهو گفته که بقیه‌اش رو هر وقت کتابش چاپ شد، برید بخرید و بخونید.

- این رمان‌ها چاپ هم می‌شه؟

تو برو کتاب‌فروشی‌ها و قسمت رمان‌های ایرانی رو چک کن، همه‌اش همین‌هاست.

- محتوای فایل مجازی و نسخه چاپی فرق هم می‌کنه؟

روند داستان که نه، ولی پارت‌های ۱۸+ مسلماً توی نسخه چاپی حذف می‌شه.

- در چه حد این قسمت‌ها نامناسب هست؟

خیلی (با خنده) با ذکر همه جزئیات هست، تقریباً در حد فیلم‌های پورن!

- شما مگه پورن می‌بینی؟

نه خدایی! به نظرم خیلی چندشه رابطه‌ی ۲ تا موجود زنده و بالغ رو ببینی، حتی حیوون‌ها هم

خجالت می‌کشن جلوی بقیه با هم باشن، ولی خب می‌دونم فیلم‌هاش در چه حدیه، ولی خودم اصلاً ندیدم و اصلاً هم طرفش نمی‌رم.

- از کجا می‌دونی؟

خب توی اینستاگرام و دوستانم که اون‌ها هم از بقیه شنیدن، در کل با چیزهای کمی که می‌فهمیدم

و خلاصه‌وار فهمیدم که در چه حد داغون هستند.

- خوب اگر از دیدنش بدت میاد، چرا می‌خونیش؟

خوندنش عین دیدنش نیست، ولی خب انکار نمی‌کنم که خوندنش هم بده و دارم سعی می‌کنم

که ترکش کنم، خوندش هم یک طورایی اعتیاد آورده.

- خواننده‌ها به این پارت‌ها اعتراض نمی‌کنند؟

می‌دونی وقتی تو داری یک داستان رو با تمام جزئیات و احساسات شخص اول می‌خونی، خب

نسبت به همه‌ی احوالات روحی و کلاً زندگی اون شخصیت رمان کنجکاو می‌شی.

من خودم هی می‌گم که توی این رمان دیگه این قسمت رو نمی‌خونم، ولی از روی کنجکاوی باز می‌رم می‌خونم.

سر همین احساس می‌کنم که بقیه هم همچین حسی دارند. بعد بعضی نویسنده‌ها به خاطر کسایی که از این جور پارت‌ها خوششون نمیداد، یک چنل جدا می‌زنند و پارت‌های وانشات‌ها رو اون‌جا می‌ذارند.

- وانشات؟

به همین قسمت‌های +۱۸ رمان‌ها وانشات می‌گن که توی خارج هم فکر کنم همچین چیزی بهش می‌گن.

- خارج از کشور رو دیگه از کجا می‌دونی؟

خب اون‌جا مثل این‌جا نیست که، کلاً نویسنده‌ها درباره سکس و روابط عاشقانه شخصیت‌های اصلی می‌نویسند و چاپ هم می‌شه، ولی همون رمان توی ایران موقع ترجمه، مترجم اون قسمت‌ها رو حذف می‌کنه.

- رمان زبان اصلی می‌خونی؟

نه، من زبانم اون قدرها هم خوب نیست، ولی خب ترجمه بعضی رمان‌ها توی تلگرام هست که اونا رو می‌خونم.

- پی‌دی‌اف کتاب چاپی؟

نه، یک مترجم دیگه که همه‌ی قسمت‌های رمان رو ترجمه کرده و فایلش هم فکر کنم فروشیه، ولی خب من رایگاناش رو دانلود کردم و خوندم.

- چه زمانی رو خوندی؟

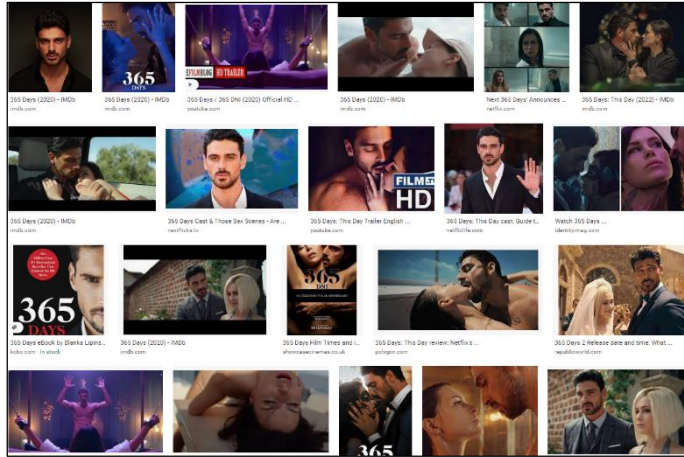
۳۶۵ روز.

- صحنه داشت؟

فیلمش رو ندیدی؟

- نه، مگه فیلمش هم درست شده؟

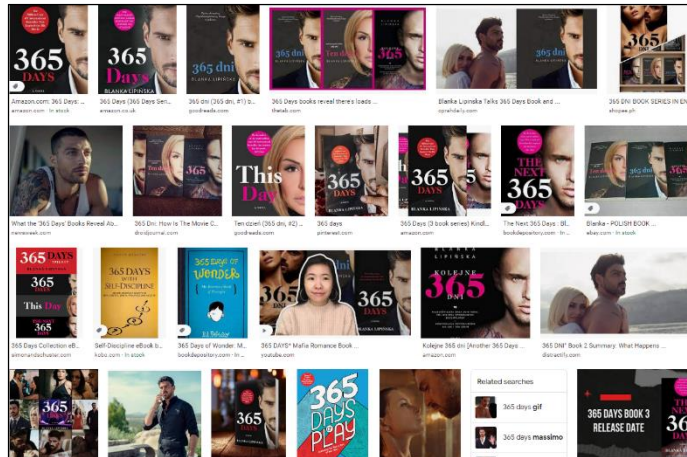
اووه، من اول فیلمش رو دیدم و بعد رفتم کتابش رو به پیشنهاد دوستم خوندم. اگه فیلمش رو دیده بودی، نمی‌پرسیدی که صحنه داشت یا نه، ببین دست کمی از پورن نداشت، از ۲ ساعت فیلم ۱ ساعت و نیمش صحنه بود، صحنه‌ها! داغون اصلاً.



- شما که گفتی از دیدن صحنه‌های نامناسب بدت میاد؟
- آره، ولی خب دوستان دیده بودن و منم به پیشنهاد اون‌ها دیدم، گفته بودن صحنه داره، ولی نه در این حد باز که در حد پورن باشه.
- خوب چرا سراغ کتابش رفتی؟
- خب فیلمش ۲ ساعت بود و ترجمه کتابش ۶۰۰ صفحه بود. منم شخصیت‌های سریال رو دوست داشتم و به خاطر این که بیش تر درباره‌شون بخونم، رفتم سراغ کتابش که صد رحمت به فیلم!
- چرا؟
- کتابش صحنه‌هاش خیلی بیش تر بود و با همه جزئیات بود که خب من رد کردم، چون خیلی جزئیات زیاد بود!
- پس کتاب خوندمت در حد خوندن مطالبی هست که نمی‌شه اسم کتاب روش گذاشت؟
- آره (با خنده).

۱ - تصویر زیر که دقیقاً تداعی کننده کتاب ۳۶۵ روز است، اقدام فرهنگی یکی از ناشران وطنی است که کوشیده است با کپی برداری از روی جلد کتاب هرزه‌نگار ۳۶۵ روز، کتاب خود را به فروش برساند.





- آگه درباره‌ی این بخش حرف دیگه‌ای نداری، بریم سراغ بقیه افراد معروف اینستاگرام.
آخرین نفر کامیار رو گفتیم فکر کنیم، چک کن که اگر نگفتم کامیار رو بگم.
- نه، کامیار رو گفتی.

خب علی صبوری^۱ رو که دیگه همه می‌شناسند، اول که با عرفان و محمدامین کلیپ درست می‌کرد و بعد رفته رفته خودش کلیپ‌های تکی درست کرد، البته معروفیتش از موقعی شروع شد که به عنوان کم‌دین رفت خندوانه و اون‌جا ترکوند دیگه. بعد هم که توی چندتا سریال طنز توی شبکه ۳ بازی کرد و بازیگر شد.



- پیشنهاد بازیگریش برای بعد از خندوانه بود؟
آره، ولی مثلاً به میلاد و عرفان هم پیشنهاد بازیگری داده بودند، ولی خب خودشون قبول نکرده بودند، مثلاً میلاد می‌گفت من دنبال معروفیت نیستم و دنبال شاد کردن مردم هستم و تا الان هم که مردم دوستم دارند، لطف خدا شامل حال شده.
- خوب به غیر از واینرها دیگه چه کسانی رو توی اینستاگرام دنبال می‌کنی؟

۱ - علی صبوری زاده شهریور ۱۳۷۱ کم‌دین و بازیگر ایرانی است. وی دانشجوی اخراجی رشته هوش‌بری بود. سپس با حضور در مسابقه خنداننده شو برنامه خندوانه به شهرت رسید. او با ساخت سریال اینستاگرامی کلانتر معروف شد. صبوری هم‌چنین در سریال کمدی آخر خط و بوتیمار بازی کرده است.

سلبریتی‌ها رو، شاخ‌ها رو... .

- شاخ‌ها مثلاً چه کسانی هستند و چرا بهشون شاخ می‌گی؟

اولاً که همه بهشون شاخ می‌گن، چون مثل شاخ حیوون‌ها که بالای سرشون هستند و همه می‌بینند، این‌ها هم یک جورایی تابلو هستند دیگه و فکر کنم به خاطر همین بهشون شاخ می‌گن.

- به نظرت مهم‌ترین ویژگی شاخ‌های مجازی چی هست؟

مستخره بودن شون و کل‌کل‌ها و دعوای بی‌موردشون و عجیب بودن شون!

فکر نکنم واقعاً کسی از این جور آدم‌ها از اعماق قلبش خوشش بیاد، چون چیزی برای دوست داشتن شون وجود نداره و اگه کسی هم مثل من دنبال شون می‌کنه، به خاطر این نیست که دوست-

شون داره، نه، به خاطر این که می‌خوایم بفهمیم که خب بعدش چی می‌شه؟!

- می‌خواهی ادامه چی رو بفهمی؟

آقا اینا از قصد یک دعوایی رو راه می‌اندازند یا یک کار عجیب می‌کنند یا لایو با شاخ‌های دیگه

می‌گیرند و سر همین آدم، می‌خواد بدونن چی می‌شه دیگه، هیجان داره.

مثلاً همین دنیا جهان‌بخت^۱ اون از اولش هی خودش رو به پسرای معروف می‌چسبوند، مثل

ساسی که آخر چون ساسی ولش کرد که البته اصلاً با هم نبودن، این دنیا الکی برای خودش حرف

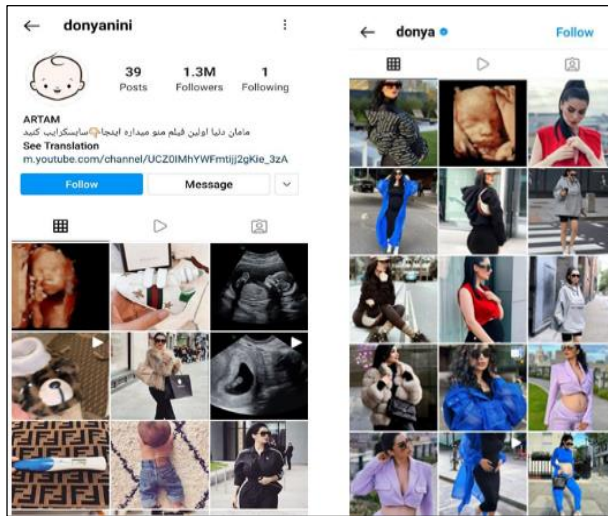
می‌زد، توی لایو اینستا، جلو چند هزار نفر می‌خواست خودکشی کنه و خودش رو خفه کنه که البته

نجات پیدا کرد و تا بعد که هی عکس‌های مختلف از خودش می‌داشت، اونم با چه لباس‌هایی!



۱ - دنیا جهان‌بخت متولد آبان ماه سال ۱۳۶۸ است. دنیا در یک خانواده ثروتمند در شمال تهران به دنیا آمد. او تا مقطع دبیرستان تحصیل کرده است.

دنیا جهان‌بخت با یک شکست عشقی و خودکشی مصنوعی مبتنی بر آن، مشهور شد و در ادامه با سلبریتی‌های دیگری روابط ناپایدار و پر حاشیه‌ای برقرار کرد که کارکرد اصلی این روابط و حتی بچه‌دار شدن وی از یکی از آنان، جذب فالور بیش‌تر و بیش‌تر بود. منبع درآمد دنیا برای زندگی لاکچری‌اش، اخذ مبالغ کلان برای تبلیغات در صفحه اینستاگرامی وی و سهمیم شدن در سایت‌های شرط‌بندی و قمار است. دنیا در حال حاضر در امارات متحده عربی و بریتانیا زندگی می‌کند.



حالا پوشیده بودن لباس‌هاش اون قدر برای من مهم نیست، ولی لامصب همه لباس‌هاش از برندهای معروفه یا ماشین‌هایی که توی عکس‌هاش هست، همه خیلی خفن و گرون ان.

- واکنش مخاطب‌هاش چی هست؟

کامنت‌هاش همه درباره‌ی اندامش و بدنش و این‌ور اون‌ورش بود اون زمان و خب این جالب نیست دیگه!

- چرا می‌گی اون زمان، مگه الان این جور نیست؟

خب از موقعی که مهرداد جم‌ارفت پیشش که من مطمئنم فیلم‌شون بود و فقط برای جذب فالور این کار رو کردند، الان همه‌ی کامنت‌هاش یا تبلیغاته یا این که همه می‌گن دروغ‌گوئه.

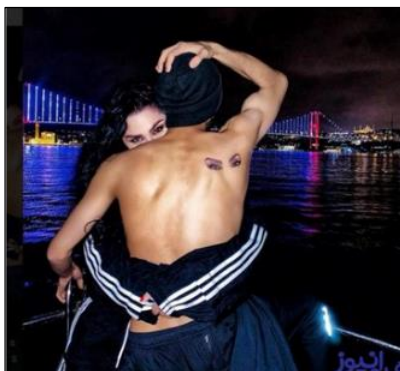
- چرا دروغ‌گو؟

مهرداد کله خ***، نمی‌دونم چه طور تونست همه‌ی فن‌هاش رو ول کنه و بره پیش دنیا که چی آخه! آخه یکی نیست بگه یارو توی این مملکتی که به زور مجوز موسیقی می‌دن، به تو مجوز کنسرت هم دادن و کنسرت برگزار می‌کردی، کجا پاشدی رفتی، چی می‌خواستی آخه؟ رفت خودش رو بدبخت کرد.

۱ - محسن سعیدی کیا با نام هنری مهرداد جم متولد ۱۴ مرداد سال ۱۳۷۶ در شهر آبادان است. در حال حاضر مهرداد جم ساکن تهران است. مهرداد جم در ۹ اردیبهشت ۱۳۹۸ وقتی ۲۲ ساله بود، اولین قطعه خود به نام شمال را منتشر کرد و قطعه بعدی مهرداد جم هم به نام «غمتم نباشه»، در تاریخ ۳۰ اردیبهشت منتشر شد، یعنی ۲۱ روز بعد از انتشار نخستین تک آهنگش. به این ترتیب او در فاصله زمانی کم‌تر از یک ماه و با داشتن فقط دو آهنگ توانست در شبکه‌های اجتماعی معروف شود. مهرداد جم اولین کنسرتش را در بهمن سال ۹۸ در جزیره کیش برگزار کرد که به دلیل حرکات عجیب و داد زدن‌های بدون دلیلش، با حواشی بسیار زیادی روبرو شد.

- ترکیه رفت؟

آره دیگه، رفت وردل خانم که ازش چند سال کوچیک‌تره و همه هی کامنت می‌داشتن، دنیا انگار مامان مهرداد هست، همون شب دوم هم رفت چشم‌های دنیا رو، روی شونه‌اش خالکوبی کرد.



طرف این قدر تباه، بابا می‌شناسم کسایی رو که ۶ ساله با هم دوستن، ولی هنوز جرأت ندارن اول اسم هم‌دیگه رو تتو کنن، اون وقت این رفته چشمای دنیا رو تتو کرده! حالا بعد از این هم همه شروع کرده بودن، چشم دوست دخترشون رو خالکوبی می‌کردند و برای دنیا می‌فرستادند. آخه این قدر بچه؟ تهیه کننده به اون خوبی رو ول کردی، رفتی چسبیدی به این دختره که هیچی هم از موسیقی حالیش نیست؟ ببین من اصلاً طرفدار مهرداد جم نیستم، ولی زورم می‌گیره از این همه حماقت.

- چند وقت پیش رفت؟

نزدیک یک سالی می‌شه، حالا نابودتر از همه اینه که دنیا زارت اومد گفت حامله‌ام، یعنی چی می‌شه گفت به این حجم از بی‌خیالی؟

من عاشق نی نی کوچولو هام، یک لحظه فکر کن بچه‌ای که این دوتا مامان و باباش باشند، چه قدر بهش ظلم می‌شه؟!

حالا همه‌ی اینا بی‌خیال، دنیا الان ۷ ماهشه و مهرداد گذاشت رفت!

- رفت؟

بله رفت، یهو دیدیم دنیا خانم دوباره شروع کرده به گریه که وای حالا من چه کار کنم، مهرداد برگرد، ما الان یک بچه داریم، مگه خودت اسمش رو آرتام نداشتی و از این حرف‌ها.

- چی؟

واکنش منم همین بود، دقیقاً؟ واقعاً داشتن فالور چه قدر مهمه که این‌طور خودشون و زندگی‌شون رو مسخره می‌کنند. موقعی که مهرداد رفت، فالورهای دنیا ۷ یا ۸ میلیون بود، ولی الان ۱۳ میلیون!

قشنگ تابلوئه دیگه! حتی برای بچه‌اش هم یک پیج زد و الان بچه‌ای که به دنیا نیومده ۱ میلیون فالور داره! البته همه فکر می‌کنند در واقع بچه‌ای درکار نیست و دنیا چرت می‌گه، الان کامنت‌هاش همه اینه که تا ۲ ماه دیگه گند دروغات در میاد و یک‌سری خوش‌باور دیگه هم می‌گن، الهی بمیریم برات که این‌جوری شد و حالا بچه‌ات رو چه جوری می‌خوای بزرگ کنی و از این حرف‌ها!

- چرا فکر می‌کنند که دروغ می‌گه؟

خب اصلاً شکم نداره، بچه کجاشه دقیقاً؟ عکس‌های جدیدش هم که یک جوریه شکمش که انگار فتوشاپه.

- مهرداد الان کجاست؟

والا دنیا می‌گفت که یکی از دوستای مشترک‌شون گفته که مهرداد رفته قطر که از اون‌جا بره ایران و خود مهرداد هم توی فرودگاه عکس گرفته بود و حتی پست گذاشته بود که دارم میام ایران و این مدت خیلی اذیت شدم.

- خوب چرا پاشد رفت اون‌جا اصلاً؟

والا هادی حسینی همین مدیر برنامه مهرداد، می‌گه قرار بوده مهرداد بره مسیح رو توی ترکیه ببینه و یهو رفته پیش دنیا که هادی حسینی هم شوکه شده بوده و رفته از مهرداد جم شکایت کرده که ۲۵ میلیارد براش سرمایه‌گذاری کرده بوده و استودیو گرفته و به محض این‌که پاش برسه ایران، بازداشتش می‌کنه.

از اون طرف خود مهرداد ادعا کرده بوده که این هادی حسینی با سایت‌های شرط‌بندی مهرداد رو معامله کرده بوده و از قصد اون رو به ترکیه و بعد لندن فرستاده و مهرداد الکی الکی خراب شده.

دنیا هم می‌گه که مهرداد و هادی حسینی سرش کلاه گذاشتن و دنیا نزدیک ۵۰ هزار پوند برای مهرداد هزینه کرده و براش استودیو گرفته و ویزای لندن جور کرده. کلاً معلوم نیست چی به چیه والا، همه‌شون دروغ می‌گن.

- دنیا این همه پول از کجا آورده؟

والا این که هنری نداره، هر چی هم که داره از تبلیغات چرت و پرت و سایت‌های شرط‌بندی داره. - چه تبلیغاتی؟

تبلیغات فال و تاروت و از این‌جور چیزها، تازه یک‌بار هم که تبلیغ یک آخوندی رو می‌کرد که صیغه می‌کرد!

یا تبلیغ دعانویس که خودش می‌گفت، هر کی رفته پیش طرف جواب گرفته.

- نظرت درباره‌ی ندا یاسی چی هست؟

ندا یاسی^۱ که والا اون اوایل پیجش با فحاشی به ایرانی‌ها و مسخره کردن فرهنگ ایران بالا رفت، این رو من از دختر خاله‌ام شنیدم، چون اون زمان من هنوز ندا یاسی رو نمی‌شناختم، اما بعداً دیگه برهنه می‌شده و حرف‌های +۱۸ می‌زده و فالوراش هم همین طوری بالا می‌ره!



من خودم اولین بار پیجش رو موقعی که کلاس ششم بودم که چون محتوایش واقعاً نامناسب بود برای من، دیگه نرفتم سمتش، یادمه که اولین ویدیویی که ازش دیدم این بود که داشت داستان‌های مورد آزارجنسی قرار گرفتنش رو می‌گفت که واقعاً چرت بود و حالش بد شد واقعاً و سر همین دیگه سراغ پیجش نرفتم.

- ندا یاسی هم خارج از ایران زندگی می‌کنه؟

موقعی که از ایران مهاجرت می‌کنه، می‌ره توی کمپ پناهندگی ترکیه و ادعا می‌کنه که افغانیه و بعد چون اثر انگشتش توی ایران ثبت شده بوده، مثل این که یک داستان سرهم می‌کنه و می‌گه که مادرش افغانی بوده و پدرش، مادرش رو می‌کشه و به خاطر همین مهاجرت می‌کنه از ایران که کاملاً چرند بوده حرفاش و بعد هم می‌ره کانادا، بعد توی کانادا با یک پسری آشنا می‌شه و نامزد می‌کنن، ولی مثل این که کات می‌کنن و بعد از یک مدتی ندا دچار افسردگی می‌شه و برای این که حالش رو عوض کنه، میاد پیج می‌زنه.

- برای چی می‌خواست مهاجرت کنه؟

۱ - مریم ابراهیم قنبدیل ملقب به ندا یاسی، متولد ۲۱ بهمن ۱۳۶۸ در جنوب ایران، چهره مجازی است که فارغ التحصیل لیسانس مامایی از ایران و فوق لیسانس پرستاری از کانادا است. وی فعالیت خود را از فیسبوک شروع کرد و حالا خود را کم‌دین معرفی می‌کند. ندا یاسی دختر پرحاشیه‌ی اینستاگرام است که علی‌رغم صحبت‌های زشت و رکیکی که در مورد ایران و ایرانی‌ها دارد، فالو کننده‌های زیادی از ایران در لیست فالورهای خود دارد. این در حالی است که حتی ندا یاسی در برخی مطالب منتشر کرده خود اشاره به داشتن پاسپورت ایرانی می‌کند و در خصوص کاربرد آن در دنیا به بدترین شکل ممکن صحبت کرده و با به کار بردن کلمات رکیک و زشت توهین‌های بی‌شماری از نوع زندگی، فرهنگ و بینش مردم ایران، یاد می‌کند.

والا یک‌جا توی اینستا خونده بودم که یکی از فامیلاشون توی ترکیه بوده و ندا به عشق این می‌خواست بره ترکیه و گویا فاصله سنی زیادی هم داشتند و خانواده ندا هم راضی نبودن که این هم فرار می‌کنه.

- الان هنوز کانادا هست؟

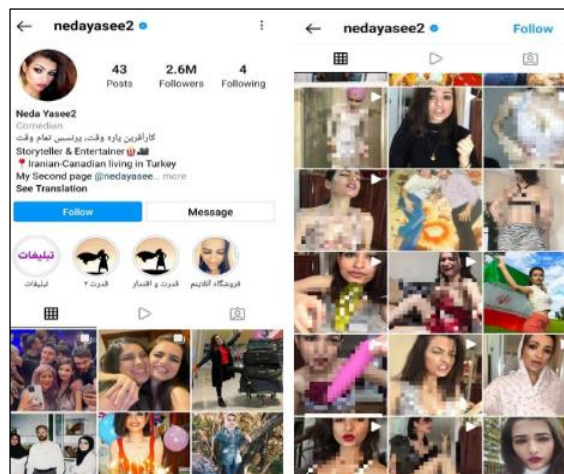
آخ! این رو راستی نگفتم، نزدیک یک ماهه پیجش به حالت ریلمبرینگ در اومده و این حالت برای کسانی هست که میمبند و از اون جایی که اینستا یک نرم افزار هوشمند، وقتی پیام‌های تسلیت زیاد بشه، اینستاگرام به صورت خودکار ریلمبرینگ پیج رو فعال می‌کنه که یعنی طرف مرده. حالا پیج ندا هم این طوری شده بود و همه گریه که وای خدا رحمتش کنه و همه شوکه شده بودند.

- واقعاً مرده؟

فکر نکنم درست باشه، چون یک کلیپ از این افشاگرهای اینستاگرام دیدم که می‌گفت به خاطر این که مردم هی ندا و استوری‌هاش رو به خاطر این که خیلی تبلیغ می‌داشت، رپورت می‌کردن و پیجش نزدیک بوده که از طرف اینستاگرام از دسترس خارج شه، دقیقاً مثل چیزی که برای تتلو اتفاق افتاد، به خاطر همین رفته درخواست ریلمبرینگ داده که وقتی اوضاع یه کم آروم‌تر شد از حالت ریلمبرینگ دربیاره و یکی از پیج‌هاش هم فکر کنم پریده، ولی خب می‌گن که همون شب که گفتن مرده، توی ترکیه توی پارتی و دیسکو بوده و حتی با بقیه هم عکس می‌گرفته.

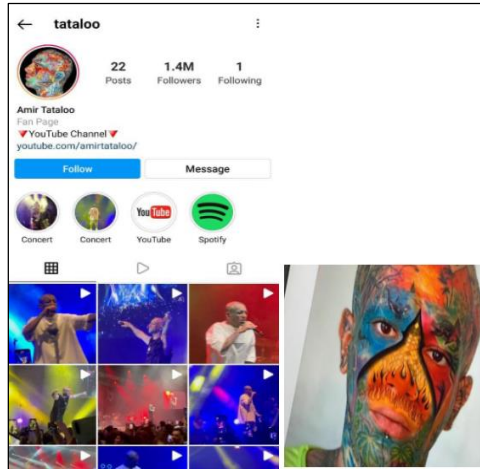
- خوب خبر فوتش رو مگه تأیید کردند؟

نه، ولی خب اول همه فکر کردن مرده که بعد یکی استوری گذاشت که من ادمین پیج ندا هستم و ندا توی بیمارستان هست و حالش هم خیلی بده و براش دعا کنید، آخه یک شبه این چه طوری ادمین پیدا کرده؟! ضایع هست داره دروغ می‌گه.



- حالا پیج تتلو چرا ریپورت شد؟

اوه، اوه، بابا این با ندا یک لایو گرفت که اصلاً رکورد لایوهای اینستاگرام اون شب شکسته شد، حالا نمی‌دونی چه چیزهایی که بهم نگفتن، فاجعه بود، امیر تتلو به ندا گفت که بیا دوست دخترم شو و بعد درباره‌ی ماساژ و این جور چیزها حرف‌های ۱۸+ زدند که چه جوری با هم باشند و از این جور چرت و پرت‌ها! اصلاً همه کسایی که لایو رو می‌دیدند شوکه شده بودند که چه قدر بی‌پرده با هم جلوی این همه آدم حرف می‌زدند.



بعد تتلو گفت که می‌خواد حرم‌سرا باز کنه و حال کنه و در مورد حرم‌سراش داشت توضیح می‌داد و حتی گفت که از دخترهای زیر ۱۸ سال دعوت می‌کنم که به حرم‌سرام اضافه بشن، چند روز بعد توی پیجش پست گذاشت که چندتا عکس دختر کنار تتلو بودند و توی کپشن نوشته بود که مقدمات حرم‌سراش رو آماده کرده. سر همین همه شروع کردند به ریپورت و بلاک کردن پیجش که دیگه اینستاگرام پیجش رو بست.

۱ - امیر تتلو در تاریخ ۳۰ شهریور ۱۳۶۶ در محله مجیدیه تهران با اصالتی آذری و در یک خانواده ۵ نفره زاده شد. خانواده وی مدتی به خاطر شغل پدرش در رشت زندگی کردند و امیر با توجه به وضع مالی خانواده‌اش، از نوجوانی کارگری کرده است. او دو خواهر بزرگ‌تر از خود نیز دارد. امیر تتلو مدتی در کارگاه نجاری و گاهی نیز در یک سوپرمارکت شاگرد بود. تحصیلات امیر تتلو، دیپلم ریاضی است. امیر تتلو در سال ۱۳۸۲ آغاز به کار کرد و با وبلاگی که امین دانکر، دوست نزدیک او ایجاد کرده بود به انتشار اثرهایش پرداخت و اندک اندک نامی در میان خوانندگان جوان آن روزها پیدا کرد. در سال ۱۳۹۰، تتلو نخستین آلبومش را با نام زیر همکف منتشر کرد.

تتلو پس از کش و قوس‌های زیاد در ایران و چند بار زندان رفتن از ایران مهاجرت کرد و برخلاف زمانی که در ایران طرفدارانش را دعوت به تبعیت از رهبری و نماز خواندن می‌کرد، کار خود را به جایی رساند که علناً به طرفدارانش ناسزا می‌گوید، در برابر آنان گل مصرف می‌کند و داعیه تشکیل حرم‌سرا را دارد.

- بیج دیگه‌ای نزد؟

چرا زد و الآن هم ۱ میلیون فالور داره، ولی خب بیش تر کلیپ‌های کوتاه می‌ذاره و می‌گه که کاملش رو توی یوتوب ببینیم.

- چرا؟

چون فکر کنم ویوی بازدید یوتیوب‌شون بره بالا، خب بهشون پول می‌دن دیگه!

- شما هم امیر تتلو رو دنبال می‌کنی؟

آره، حالا من کاری به کارهایی که الآن می‌کنه ندارم، زندگی خودشه و هر جور که دلش می‌خواد می‌تونه زندگی کنه و به نظرم به من یکی ربطی نداره، ولی توی صنعت موسیقی تتلو یک استعداد واقعا، یکی از همین سایت‌های ایرانی گفته بود که تتلو باسوادترین موسیقی‌دان ایرانیه، خدایی موسیقی آهنگ‌هاش رو خودش گوش کنی، می‌فهمی که چه قدر قشنگ و خفن هستن.

من خودم واقعا عاشق صداسش هستم، حالا الآن آهنگ‌هاش یه کم یک جور شده که فحش توش می‌ده و همه‌اش به سکس و جاذبه‌های جنسی اشاره می‌کنه، ولی قبل از این واقعا آهنگ‌هاش خوب بود، باور کن اگه این عوضیا بهش مجوز می‌دادند، همچین بلایی سرش نمی‌اومد.

کسی که سرش به کار خودش بود و درگیر ساخت موسیقیش بود و هوای طرف‌دارهاش رو داشت، اصلاً تتلو رو چه به این کارها و حرف‌ها؟ خودشون با دست‌های خودشون جوون و استعداد مملکت‌شون رو با گیرهای بیجا خراب کردن، الآن اگه کنسرت برگزار می‌کرد و مجوز داشت که به هوای کنسرت پا نمی‌شد بره ترکیه و گند بزنه به خودش و زندگی‌ش.

- الآن کنسرت برگزار می‌کنه؟

۲ ماه قبل از کرونا چندتایی کنسرت گذاشت، ولی بعد از کرونا دیگه نتونست.

- توی یک کشور خارجی درآمدش پس از کجا تأمین می‌شه؟

خب طرف خواننده است و مثل زمانی که توی ایران بود، از طریق خوندن پول درمیاره، ولی خب مثل ندا یاسی و خیلی‌ها دیگه سایت شرط‌بندی داره.



- ندا یاسی هم سایت شرطبندی داشت یا فقط سایت‌های شرطبندی رو تبلیغ می‌کرد؟
ندا آره، سایت شرطبندی داره و اسمش هم یلماس بت هست.



- ندا بعد از این که پیچ تتلو بسته شد واکنشی نشون نداد؟
نه زیاده! تازه توی یک استوری به حسین تهی ابراز علاقه کرد و مثل این که یک‌بار با هم بیرون هم رفته بودند و دیگه خیلی شایعات زیاد شده بود که حسین تهی اومد استوری گذاشت که «از رفتارهای این روسپی حالم خیلی بهم خورد و امیدوارم هیچ وقت دیگه باهاش حرف نزنم...».

- واقعا؟

آره و ندا هم خیلی ناراحت شده بود و زده بود زیر گریه.

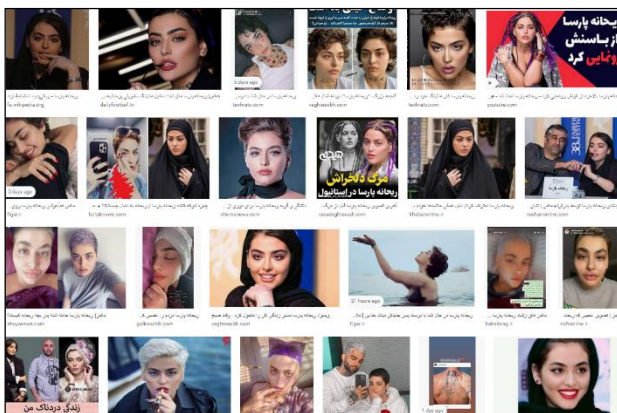
- خواننده‌ها چه قدر بی‌پروا شدند!

خیالت راحت، باز هم هر چه قدر داغون بشن، به پای بازیگرها نمی‌رسند.

- بازیگرها؟

آره دیگه، امثال این ریحانه پارسا!

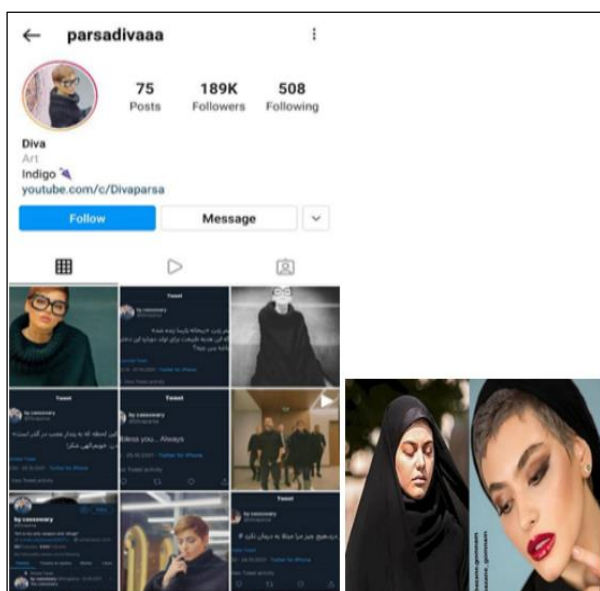
۱ - ریحانه پارسا زاده ۱ اسفند ۱۳۷۷ بازیگر ایرانی است. او نخستین فعالیت حرف‌های خود را با نقش‌آفرینی در مجموعه پدر در سال ۱۳۹۷ آغاز کرد. پارسا در شبکه‌های اجتماعی حاشیه‌هایی ایجاد کرد که باعث شده او را به خامی و تلاش برای دیده شدن متهم کنند. پارسا پس از پایان سریال پدر، بلافاصله تمامی عکس‌هایش از نقش‌آفرینی در این سریال را از صفحه اینستاگرامش حذف کرد و عکس‌هایی «با ظاهری متفاوت» مشابه عکس‌های مدل‌ها منتشر کرد. او به علت انتقادهای فراوان، صفحه اینستاگرامش را از حالت عمومی خارج کرد و امکان نظردهی را سلب کرد. روزنامه کیهان رفتارهای او را «سوءاستفاده از صداوسیما»، «نامتعارف» و «هنجارشکنی» خواند و او به گفته خود شش ماه ممنوع‌الکار شد. پس مدتی خبر ازدواج پارسا با



- ریخانه پارسا، بازیگر سریال پدر؟
 آره، البته اسمش دیگه ریخانه نیست و گفت که به من نگید ریخانه، من از این اسم بدم میاد و از این به بعد اسمم دیوا هست و با این اسم من رو صدا کنید.
 حتی توی یکی از لایوهایش یکی کامنت گذاشت، ریخانه جان و ریخانه گفت: ریخانه، ریخانه جان و زهرمار، ریخانه جان و مرض! اون اسم دیگه برای من تموم شده است، الکی داری دنبالش می‌گردی.
 - حالا چرا اسمش رو عوض کرد؟
 بابا دختره رسماً قاطی کرده، رفته پورن استار شده.
 - چی؟
 پورن استار شده، دیگه فکر نکنم جایی ازش مونده باشه که بقیه ندیده باشن.
 - آخه اون که آدم نرمالی بود!
 نرمال بود ولی فقط توی سریال! به محض این که سریالش تموم شد، خر بازی‌هاش گل کرد.
 - منظورت چی هست؟

مهدی کوشکی، مطرح شد که این زندگی دوام چندانی نداشت. پارسا پس از مهاجرت از ایران برای جذب فالور بیش‌تر ضمن به نمایش نهادن بدن خویش، ادعا کرد می‌خواهد پورن استار شود.

اول که عکس‌های چادری سریالش رو پاک کرد و گفت که ریحانه با لیلا فرق داره و یک‌سری عکس‌های مدلینگی با آرایش‌های غلیظ گذاشت که خیلی‌ها واکنش نشون دادن و حتی کارگردان و نویسنده سریال هم انتقاد کردن از این کارش و گفتند که مردم عاشق نقش‌ها می‌شن، نه نقش-پردازها و مثل این که اون سال قرار بوده، چندتا جایزه به عوامل سریال بدن، به خاطر این حواشی ریحانه پارسا کنسل شده.



بعد هم که رفت با مهدی کوشکی ازدواج کرد که مهدی کوشکی کلی ازش بزرگ‌تر بود و بچه داشت و ۲ بار طلاق گرفته بود و سر همون باز کلی جنجال به پا شد و فالورهایش زیاد شدند! بعد از چند ماه او مدن گفتند که از هم‌دیگه جدا شدند و برای هم آرزوی خوشبختی می‌کنند و ریحانه هم پاشد رفت ترکیه!

ریحانه یک لایوی با مسیح علی‌نژاد داشت که توی اون لایو اومد گفت که با مهدی کوشکی رسماً ازدواج نکرده بود و هیچ عقدی بین‌شون صورت نگرفته و شناسنامه‌اش سفیده.

- یعنی الکی گفته بودن ازدواج کردن؟

نه، با هم زندگی می‌کردن و توی یک خونه بودن، ولی از عقد خبری نبوده.

- شاید دروغ گفته برای معروفیت بیش‌تر!

نه بابا، مهدی کوشکی خیر سرش اومد گند این رو جمع کنه، ولی خراب‌ترش کرد، آخه یکی نیست بگه آدم عاقل باید بگی که ریحانه پارسا دروغ می‌گه و... .

- پس حقیقت داشته.

آره، اصلاً خود مسیح کپ کرد و گفت، اوه من نمی‌دونستم و الآن که گفتم شوکه شدم.

بعد دیگه ریحانه گفت که ممنوع الکارش کرده بودن و یک سال زندانی براش بریده بودن که این جرمه‌ی نقدیش رو داده و بعد دیگه تصمیم گرفته که از ایران مهاجرت کنه!

- حالا چرا با مسیح علی‌نژاد لایو گرفت؟

خود ریحانه به لایو دعوتش کرد و گفت که توی این کمپین چهارشنبه‌های سفید، چند بار شرکت کرده و اون هم مخالف حجاب اجباریه و توی این لایو، خود ریحانه برای اولین بار بدون حجاب بود و موهایش رو کاملاً کوتاه کرده بود و گفت که طبق دستورات اسلامی، موی زیر ۲ سانت نیازی به پوشش نداره و بنابراین ریحانه کشف حجاب نکرده و گناهی هم مرتکب نشده است.

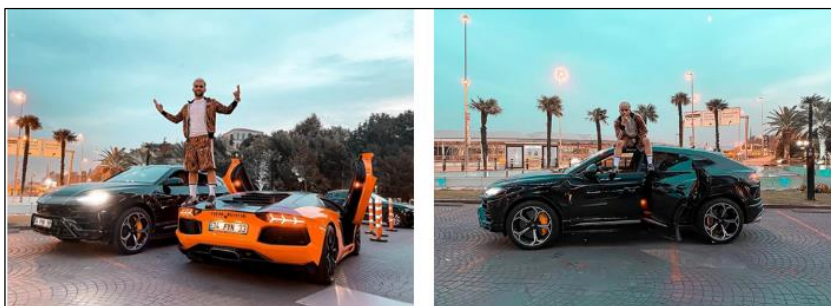


بعد توی اون لایو از پویان^۱گفت، ولی دقیق یادم نمیاد از پویان چی گفت، ولی پویان ناراحت شده بود و استوری کرده بود که همه‌ی شما من رو کاملاً می‌شناسید، من هیچ وقت نه با آبروی کسی بازی کردم و نه می‌کنم، ولی وقتی با آبروت بازی می‌شه و هزار و یک انگ بهت می‌چسبونن و می‌فهمی از کجا آب می‌خوره، باید دست طرف رو، رو کنی.

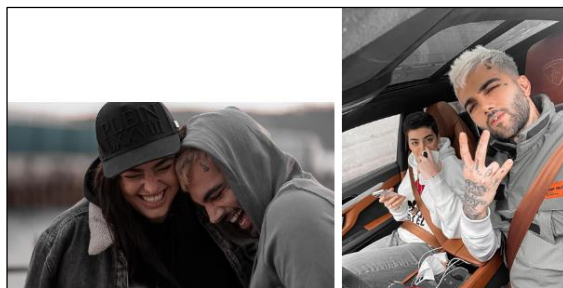
هر چند واقعاً باز نمی‌خواستم چیزی بگم که الان مجبورم کردن که بگم، خودشون با کارایی که می‌کنند، اون خانوم رو من براش مرام و معرفت گذاشتم، ولی من رو کشوندن مردم پای میزهای... با اون اسم متهم کرد! توی یه لایو سیاسی اسم من رو آورد، من رو متهم به چیزهایی کرد که اصن ربطی به من نداشت، من رو جلو مردم دروغ‌گو جلوه داد! من تا لحظه‌ای که خودش حرف نزد گفتم نمی‌شناسم ایشون رو، اما اون چی؟ معرفت؟ مرام؟

۱ - پویان مختاری متولد ۸ مهر ماه ۱۳۶۹ در شهرستان ایذه، خواننده ایرانی است. او فارغ‌التحصیل فوق دیپلم نقشه‌کشی صنعتی از دانشگاه اهواز است. پویان مختاری فعالیت‌اش را با موسیقی پاپ شروع کرد و سپس وارد رپ به زبان بختیاری شد. مدتی در اصفهان زندگی می‌کرد و در حال حاضر ساکن ترکیه است.

پویان مختاری بعد از مهاجرت از ایران در ترکیه گاهی موزیک بیرون می‌داد، بعد از مدتی شروع به تبلیغات برای یک سایت شرط‌بندی کرد. اما این تبلیغات مداوم نبود و بعد از یک ماه آدرس سایت شرط‌بندی را از بیو اینستاگرامش پاک کرد و اعلام کرد که به زودی سایت جدیدشان را می‌سازند. از آنجا بود که سایت حضرات را درست کردند و بعد از آن اقدام به نمایش نهادن خوش‌گذرانی و تفریحات خویش در اینستاگرام کرد. وی در اظهارت خود بیان داشته است تنها منبع درآمد او سایت شرط‌بندی حضرات است.



روز تولد باباش برای باباش گل و کت و شلوار فرستادم، این جا هتل و خرج توی جیبش رو دادم که بعد بیاد این جور جواب بده؟ بازم سکوت کردم، اما وقتی دیدم اینا فیلمشه و حاضر یه هنرمند مثل رضا گ*** رو تخریب کنه و آبروی اون شخص اصن واسش مهم نیست و هر هر و کر کر می کنه که بیش تر فالور بگیره، دیگه گفتم یه چیزایی رو بگم این جا که فکر نکنه ما ابله ایم! تازه بازم آبروداری کردم و خیلی چیزای دیگه رو هم نگفتم، واقعاً ضعف شخصیتی دارن بعضی ها و به قول آقای تارخ برای فالور و رفتن به چهارتا کشور دیگه، همه چیز رو زیر پا می ذارن.



- قبل از این که درباره ی پویان بپرسم، اول موضوع ریحانه رو یک جمع بندی بکنیم. این ۲ تا رابطه ای بین شون بوده؟
اوایل که انکار می کردن، ولی خب چندتا عکس پویان و ریحانه گذاشته بودن که انگار لباس ریحانه روی مبل پویان بوده و توی یکی از عکسها، همون لباس تن ریحانه بوده و همه شک کرده بودند که رابطه ای بین شون هست یا نه...،

که نیلی زن سابق پویان، برگشت گفت که آره این دوتا با هم دیگه هستن و کلی چیز دیگه که من یادم نمیداد، چون برای پارسال بود. بعد هم پویان عکس خودش و ریحانه رو توی پیجش گذاشت و گفت که با هم دیگه فقط و فقط دوست هستند و نه هیچ چیز دیگه‌ای! که با نیلی هم ۳ تا شون با هم یک لایو رفتند که یهو نیلی و پویان با هم دعواشون شد و بحث دعوی سابق شون رو پیش کشیدند.

- سر چی؟

پویان به قیافه نیلی گیر داد که چرا گرفته است این قدر، نیلی هم گفت که من مدلم اینه کلاً و الآن از این که با شما ۲ تا هستم، کلی هم حال می‌کنم و اوکی هستم و از این حرف‌ها... بعد گفت من اون آدم سابق نیستم که به روابطت با بقیه دخترها بخوام شک کنم و الآن مطمئنم که ریحانه فقط دوستته.

پویان هم که ناراحت شده بود که آره، تو آدم بی‌معرفتی هستی و رفتی اون حرف‌ها رو راجع به ما توی لایوت گفتی که نیلی گفت، اون زمان توی شرایط روحی مناسبی نبوده و عذرخواهی کرد اگر ناراحت شون کرده با حرف‌ها و کاراش.

- الآن هنوز با هم در ارتباط هستید؟

الآن که پیج ریحانه پریده والا! ولی توی عکس‌های آخر پیج ریحانه هنوز هم با هم بودن.

- پیجش چرا پریده؟

هیچی دیگه، ریحانه مثل ندا یاسی رد داد و شروع به برهنه شدن کرد و اون اوایل که هر دفعه از یک قسمت بدنش رونمایی می‌کرد، یک روز عکس مچ پا، چند روز بعد ساق پا، باز دوباره کل پا، شکم و گردن و سینه و خلاصه همه جا!

اصلاً بعدش فقط عکس‌های برهنه نبود، ولی خب عکس‌های بدی می‌گرفت، نمی‌دونم چه طوری بگم، حالت صورتش و جواری که دست‌هاش رو، روی بدنش یا لباس می‌داشت، عین پورن استارها بود! حتی اومد گفت یک‌بار که می‌خوام پورن استار شم.



- اوه!

آره دیگه، خلاصه که کلاً گند زد به کل زندگی و آینده و اخلاق و همه چیز! یکی از لایوهاش ساعت ۳ صبح بود و خودش هم بیرون از خونه بود، بعد معلوم نبود چی زده، چی خورده، عملاً داشت چرت و پرت می گفت! می خندید و می گفت: چی می گید برا خودتون؟ من پاک پاکم! اصلاً کشیده و خمار حرف می زد.

- الان درآمد ریحانه از کجا تأمین می شه؟

پویان که اون سری با ریحانه سر همون لایو دعواش شده بود، برگشت گفت مگه تو نبودی که از من خواستی تا برات سایت شرط بندی بزنم؟ فکر کنم یا سایت داره یا پویان کمکش می کنه یا هم که درآمدش رو از همین موزیک ویدیوهایی که بازی می کنه، تأمین می کنه.



- توی موزیک ویدیوهای چه خواننده ای بازی می کنه؟

اولین موزیک ویدیویی که بازی کرد، برای شادمهر عقیلی بود که همه از دست شادمهر عصبی شده بودند که چرا همچین کسی رو آوردی توی موزیک ویدیوت! چیف تو و آهنگت نبود که شادمهر گفت که با این کار قصد کمک کردن و حمایت کردن از ریحانه رو داشته، چون تازه به یک کشور جدید مهاجرت کرده و مشکلات زیادی داره که شادمهر خواسته کمی از مشکلاتش حل شه.



ولی بعد خود شادمهر اعلام کرد که سایت شرطبندی داره و دیگه همه سکوت کردن و در اصل شوکه شدن، آخه شادمهر کجا و سایت شرطبندی؟



- راستی موقعی که از دنیا جهان بخت و مهرداد حرف می‌زدی، مهرداد هم سایت شرطبندی داشت؟ سایت خود دنیا فکر کنم هات بت بود و برای مهرداد هم هیس بت! خود مهرداد برای برگشتش به ایران گفته بود من کار خلافی نکردم که الان بخوان من رو بازداشت کنند یا ... و هیچ سایت شرطبندی رو هم تبلیغ نکردم.

- درباره‌ی پویان مختاری چی می‌خواستی بگی؟!

همه چی! خدایی از هر کی بدم بیاد، ولی پویان رو دوست دارم، خیلی گوگولیه، صداش هم که خوبه و به نظر منم آدم درستی هست و پسر با استعداد و باعرضه‌ای هم هست.
- منظورت از باعرضه چی هست؟

خب پویان بحثش با بقیه خیلی فرق داره، پویان از صفر شروع کرد و تلاش کرد تا به این جایی که الان هست رسیده.

- منظورت از بقیه کی هست؟

منظورم همین ندا یاسی و دنیا و امثال این‌ها هستند!

- خوب به نظرت این‌ها کاری نکردن؟

بین پویان کار کرد، آهنگ نوشت، آهنگ خوند، استعداد داشت، ولی اینا چی، اون از دنیا که دم به دقیقه خودش رو به یک خواننده یا آدم پول‌دار می‌چسبونه یا عکس با لباس‌های مطرح دنیا توی اینستا می‌ذاره که والا همه جاش بیرون زده از لباس و معلومه! اون از ندا یاسی که کارش فحاشی کردن و لخت شدن و هرزگی کردنه! ریحانه پارسا هم که کلاً شوته، اونم واقعاً دست کمی از پورن استار نداره، فقط نقش مقابلش رو که یک مرده، هنوز پیدا نکرده که بهش بچسبه!

این قدر توی اینستا داره گند بالا میاره که تلو توی چنل تلگرامش برگشت گفت که این ریحانه پارسا که همه‌اش می‌گن ازش کیه؟ دلم می‌خواد ببینمش!

- واقعاً؟

بدتر از همه ریحانه پارسا بود که از خوشی داشت می‌ترکید، همون شب استوری گذاشته بود و داشت آهنگ تتلو رو زیر لب زمزمه می‌کرد! یعنی کم مونده بعد از ندا یاسی این بخواد بره ور دل تتلو!

حالا می‌فهمی می‌گم چرا پویان باعرضه است؟ خدایی مثل کدوم یکی از این‌ها برخلاف خط قرمزها عمل کرد؟

- خط قرمز؟

منظورم حد و مرزهاست، من خودم آدم خیلی با اعتقادی نیستم، ولی بی اعتقاد هم نیستم. آخه حد کی برای لباس پوشیدن می‌شه اون ور لخت شدن؟ این اصلاً دیگه می‌شه اسمش رو حد گذاشت؟ مثلاً من می‌گم معیارت برای پوشش چیه؟ می‌گه پوشش نداشته باشم! خب خیلی یک جوریه! حداقل اگه می‌خواین لخت باشین، فقط لخت باشین که آخه این هم یعنی چی؟ خود اینستاگرام عکس‌های لخت رو ریپورت می‌کنه و پاکش می‌کنه!

این همه مدل مطرح توی دنیا هستند که هیچ کدوم همچین عکس‌هایی رو توی پیج‌شون شیر نمی‌کنند!

حتی مدل‌های لباس زیر هم عکس‌هاشون در این حد افتضاح نیست، یعنی خیلی نرماله برای من دیدن اون عکس، ولی عکس اینا!

- چه فرقی دارند؟

بین اونا در حالت عادی هستند، ولی اینا نه، حالت چهره‌شون، طرز ایستادن‌شون، دست و پاهاشون و نمی‌دونم هزارتا جای دیگه و اصلاً این زبون و دست‌شون که مدام روی لب‌شونه، خب معلومه این دو مسأله، دوتا چیز کاملاً جداسه! انگار وسط یک فیلم پورن ازشون عکس گرفتن.

ولی پویان از یک روستا شروع کرد و خیلی بین بختیاری‌ها و بقیه ایرانی‌ها محبوب شد و بعد مهاجرت کرد که کارش رو هم ادامه داد. یعنی با استعداد بود و تلاش کرد و سختی کشید، ولی اینا چی؟ اون با استفاده از صداس مطرح شد، نه بدنش، باعرضه بود که موفق شد!

- منظورت از موفقیت چی هست، چه تعریفی از موفقیت داری؟

من چیزی و کاری رو موفقیت می‌دونم که درنهایت باعث آسایش و آرامش و استقلال مالیت بشه! حالا از هر طریقی می‌خواد به این مقصد برسه.

تحصیلات می‌خواد باشه یا آرایشگری و خیاطی و بازیگری و خوانندگی، مهم اینه که آخرش برگردی به خودت بگی آخیش و خیالت راحت باشه، توی اون خونه‌ای زندگی کنی که رؤیاش رو داری و با ماشینی رانندگی کنی که دوستش داری، از جلوی لباس فروشی رد شدی و لباسی رو پسندیدی، بدون فکر کردن به قیمتش بری و بخریش، اصلاً از چند دست خوست اومد بگیری‌شون یا از همون لباس ۲تا رنگی رو که خوست اومد بگیری، مجبور به انتخاب بین ۳تا چیز نباشی!

- خوب بقیه مسایل چی، آرامش روانی و کیفیت ارتباطت با دیگران؟
اون‌ها هم صد در صد مهم هستند، ولی من به این نتیجه رسیدم که اول و آخر خودت برای خودت می‌مونی و توی هر لحظه‌ای فقط خودت کمک حال و همراه خودت هستی و هر چی دورت خلوت‌تر باشه، آسایش روح و روان و درگیری فکری هم کم‌تره. اون انرژی که می‌خواهی برای بقیه بگذاری رو برای خودت می‌گذاری و بیش‌تر پیشرفت می‌کنی.
من ترجیحم اینه که تنها باشم و لذت ببرم از زندگی تا این‌که دورم پر باشه و هیچی از زندگی نفهمم.

- این سبک زندگی هست که تا آخر عمر می‌تونی ادامه‌اش بدی، یعنی نیاز به یک همراه و چندتا دوست و آدم مهم توی زندگی نداری؟
چرا که نه! من دوست دارم شاد باشم و اگه این مسیر و سبک شادی من رو تأمین می‌کنه، من مشکلی باهاش ندارم!

گذشت اون زمانی که دخترها حتماً باید با یک جنس مذکری می‌بودند، زن‌ها همیشه از جوونی- شون، آرزوهاشون، استعدادشون، خوشحالی‌شون، آرامش‌شون برای بقیه اعضای خانواده گذشتند، این فداکاری بزرگیه، ولی برای اکثریت انتخابی و اختیاری نبوده، بلکه یک اجبار بزرگ بوده و اون‌ها قربانی جامعه مردسالاری شدند، ولی من دیگه اجازه نمی‌دم کسی این‌جوری باهام برخورد کنه و حق انتخاب رو ازم بگیره! گذشته‌ها گذشته و من دیگه به اون سنت‌های مسخره نه باوری دارم و نه انجام‌شون می‌دم.

دوست دارم به عنوان یک انسان مستقل باشم و دستم توی جیب خودم باشه، نه این‌که به خاطر این‌که استقلال مالی ندارم، مجبور باشم در برابر خواسته‌های شخص مقابلم کوتاه بیام.
الناز حبیبی یک‌بار توی یک مصاحبه ازش پرسیده بودند که قصد ازدواج نداره و اون در جواب گفته بود که توی زندگیش کمبودی نداره که با ازدواج بخواد رفع بشه و خب مسایل جنسی از طریق روابط دیگه‌ای هم می‌تونه رفع بشه و شما مجبور نیستی که با طرف مقابلت ازدواج کنی.
به نظر منم باید این آزادی انتخاب به همه داده بشه و ما مجبور نیستیم با شخصی که هیچ شناختی ازش نداریم، ازدواج کنیم، ازدواج توی ایران محدودیت‌های خیلی زیادی رو برای خانم‌ها ایجاد می‌کنه و طرف مقابل از نوع پوشش گرفته تا داشتن شغل و ادامه تحصیل و حتی روابط اون دختر با بقیه دوست‌هاش نظر می‌ده و حتی منع می‌کنه و قانون هم که مثل همیشه از مردها حمایت می‌کنه و در برابر زن‌ها سکوت می‌کنه!

بین دیدم که می‌گم، دختری که توی روستا بود و باباش با پول کشاورزی این دختر رو به دانشگاه فرستاده بود و گفته بود که به خاطر من پیرمرد درست رو بخون، یک‌سال بعد از اون نامزد کرد، یعنی زمانی که ترم ۳ بود و قرار بود درسش رو ادامه بده، وقتی ازدواج کرد، حتی کلی دوندگی

کرد و انتقالش رو برای یکی از دانشگاه‌های تهران گرفت، چون شوهرش تهرانی بود و قرار بود تهران زندگی کنند، ولی روز ثبت نام پسر زد زیر حرفش و گفت که حق نداری بری دانشگاه، با این که بابای دختر گفت که حتی هزینه رفت و آمدت هم با من، سر یک ازدواج مسخره کل زحمت‌ها و آرزوهای اون دختر و پدرش بر باد رفت.

یا یکی دیگه بود که با دوست صمیمیش رفته بود بیرون و شوهرش برگشته بود بهش گفته بود، چه معنی داره دختری که ازدواج کرده با بقیه دوستاش رفت و آمد کنه، من هم قطعاً به خاطر بچه‌دار شدن و یک مسأله‌ی فیزیولوژی ازدواج نمی‌کنم واقعاً، دیدم خیلی تنها هستم توی خونه، برای خودم سگ می‌گیرم، الآن مگه خارجی‌ها و بازیگرای خارجی همین کار رو نمی‌کنند؟ تازه خیلی وفادارتر هم هست تا آدم‌های دورمون.

بعدش هم تا قبل ازدواج رابطه‌ی تو با طرف مقابلت خیلی خوب و اوکیه و همین طور هیچ محدودیتی برای هم‌دیگه نمی‌گذارید، ولی به محض این که ازدواج کنی، همه‌ی لطف‌هایی که در حقش می‌کردی تبدیل به وظیفه می‌شه و دیگه هیچ لذتی از زندگی نمی‌بری.

- خوب این رابطه هیچ مینا و هیچ تعهدی و هیچ پشتوانه‌ی دینی و حقوقی نداره؟

عوضش توی لحظه زندگی می‌کنیم و لذت می‌بریم، فردا که هنوز نیومده، پس بی خیالش!

الآن پویان با نیلی اوقات خوشی داشتند، ولی الآن با هم نیستند و به نظرم اوکیه، چون تا وقتی با هم بودند، با هم‌دیگه زندگی‌شون رو تا اون مرحله ساختند و بعد دیدند که با هم‌دیگه کنار نمیان، تمومش کردند و الآن هر کدوم زندگی خودشون رو دارند.

- با توجه به تعریفی که شما از موفقیت داری، پویان موفق هست؟

کسی که چند مدل ماشین و خونه درندشت و لباس‌های به روز و ساعت و اکسسوری‌های برند داره، به نظرت تو کارش موفق نبوده؟

- یعنی فقط با خوانندگی به این چیزها رسیده و کنسرت برگزار می‌کنه؟

پویان بهمن یا اسفند ۹۷ بود، فکر کنم که رفت ترکیه و چون بعدش کرونا اومد، زیاد نتونست کنسرت برگزار کنه، ولی خب سایت شرط‌بندیش می‌گن خیلی خوبه.

- یعنی به نظرت اون سایت روی درآمدش مؤثر بوده؟

خب این غیر قابل انکاره که بعد از سایت، خیلی اوضاعش بهتر شد.

- خوب همچین آدم موفق‌ی چرا با این خانم نیلی رابطه‌شون به هم خورد؟

اول از همه نیلی زنش بود و پویان باهاش ازدواج کرده بود، چند بار با هم قهر و آشتی کرده بودند، ولی این دعوای پارسال‌شون، دیگه باعث شد همه چیز بین‌شون تموم شه.



- دعواشون سر چی بود؟

همه چیز از استوری نیلی شروع شد که استوری گذاشته بود که من توی سخت‌ترین روزها کنارت بودم، الان چه گناهی کردم، چه دشمنی باهام داری که این جوری با من رفتار می‌کنی، هر شب باید دخترای دیگه رو بیاری خونه و من رو پیش اونا تحقیر کنی که اونا شاد باشند؟ وقتی من رو از مسافرت می‌پیچونی و می‌گی برو خونه که با بقیه دخترا شاد باشی؟ وقتی من از همه چیز و همه کس گذشتم که فقط با تو باشم.

بعد پویان هم استوری گذاشت در جواب نیلی که من آدم پایندی هستم و اهل خیانت نیستم و یادت نره کی بهت کمک کرد به این جا برسی، از این جا به بعد رابطه‌مون می‌شه سوهان روح‌مون و سلامت روان‌مون رو بهم می‌ریزه و زندگی رو برامون جهنم می‌کنه که من این رو نمی‌خوام، به خاطر همین، این موضوع دیگه برای من یکی تموم شده است.

نیلی هم که از چت‌های پویان با بقیه دخترها اسکرین گرفته بود و اون رو توی استوری پخش کرد و گفت که پویان داره به من خیانت می‌کنه.

پویان هم گفت (به نظرتون مقصر اونی نیست که بدون اجازه می‌ره سر وسایل شخصی آدم و پیامای شخصی آدم رو باز می‌کنه؟) که دیگه همه ریختن سرش که خیانت می‌کنی و زبونت هم درازه؟!

که پویان گفت اصلاً همچین چیزی نبوده و اصلاً اهل خیانت نیست و توی مراسم نیست و بعد از بقیه خواست تا چیزی رو نمی‌دونن الکی قضاوت نکنند و هر رابطه‌ای هم یک روزی تموم می‌شه و خواست توی زندگیش دخالت نکنند.

البته چند روز قبل از استوری نیلی، پویان یه استوری گذاشته بود که چندتا دختر با بیکینی دورش بودند که بقیه فکر کردند، نیلی سر این ناراحت شده بوده.

بعداً هم هر دوتاشون با هم لایو گرفتند که مشکلاتشون رو حل کنند.

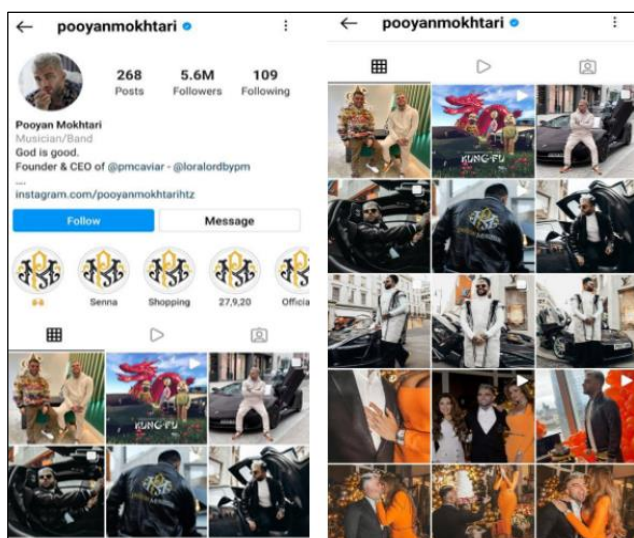
- یک لحظه، ببخشید! توی لایو می‌خواستند مشکلشون رو حل کنند، مگه این‌ها به هم دسترسی

ندارند؟

چرا، هر دوتاشون توی ترکیه بودند، ولی خب لایو گرفتند دیگه، درباره‌ی مشکلاتشون حرف زدند و پویان از نیلی خواست برگرده که نیلی هم گفت نیام، بعد پویان همون شب پست گذاشت که هر کی دوست داره نیلی برگرده یک قلب کامنت بذاره، دیگه از هم جدا شدند و پویان هم الان با یه دختر خارجه!

- پس پویان رو قبول داری؟

من فقط از استقلالش و تلاشش خوشم میاد و بقیه کارهاش رو قبول ندارم. مثلاً چرا باید توی موزیک ویدیوهاش، وضعیت دخترها این قدر بد باشه و لباساشون افشاح باشه و فقط بیکی تن شون باشه؟ یا حتی عکس پست‌هاش هم‌زمان چندتا دختر وره دلش باشند و اونم با لباس‌های زننده؟ من کلاً مخالف کارهایی هستم که شخصیت زن رو در حد تن و بدن نشون می‌دن.



به نظرم این توی کل جهان هم هست، مثلاً یکی از بازیگرهای ترکیه، هانده ارچل، یک پست گذاشته بود که توی اون عکس لباسش خیلی یک جور بود، شلوارک کوتاه با یک تاپ نابود! بعد این قدر مردم ترکیه کامنت گذاشتند که این چیه تنت کردی و کلی اعتراض در موردش کردند که اصلاً اون پست رو بعد از چند روز پاک کرد.

زمانی هم که پویان با نیلی بود، کلاً هر موقع می‌خواست فیلم بگیره، از بالاتنه نیلی شروع به فیلم گرفتن می‌کرد، انگار نه انگار که زنشه طرف، یا این که یک بار یک ویدیو از حموم گرفتنشون گذاشته بودن با این که لباس تن شون بود، ولی خب اوکی نبود دیگه.

- پس فقط از این بعد استقلال و پول دار بودنش خوشت میاد و بعد اخلاقی‌اش رو قبول نداری؟

کلاً می‌گم این که به سطح خوبی از رفاه رسیده و آسایش داره خب برای من الهام بخشه که اگه یکی دیگه به اون چیزی که من می‌خوام رسیده، پس من هم می‌تونم برسم، سعی می‌کنم الگو برداری کنم و ببینم چه کارهایی باعث موفقیتش شده!

- مسیر این فرد کلی با شما فرق داره!

اون که آره، ولی باز هم اشتراکاتی می‌شه پیدا کرد.

- چه وجه اشتراکی مثلاً؟

این که پیشرفت کم کم صورت می‌گیره و خب من دیگه سعی می‌کنم عجول نباشم.

از لحاظ اخلاقی هم پویان آدم دروغ‌گو و پستی نیست، حتی یک آهنگ هم برای امام حسین خونده بود خب، کسی که این جوریه آدم بدی نیست.

خیلی آدم پایه و بامرام و معرفتی هست، حالا این که چه کار می‌کنه در آخر باز به خودش مربوط

می‌شه، نه به من، من که خدا نیستم که قاضی باشم و قضاوت کنم!

الآن کسی که از لحاظ اخلاقی می‌شه گفت داغونه، ساشا سبحانی!

- ساشا سبحانی؟

همون یارو بود که گفته بود اگه پول ندارید پس برید بمیرید، حتی توی اخبار هم فکر کنم گفتند.

- یادم اومد.

مثلاً این هم زندگی مرفهی داره‌ها، ولی من ازش خوشم نیامد، خیلی عقده‌ای هست، احساس

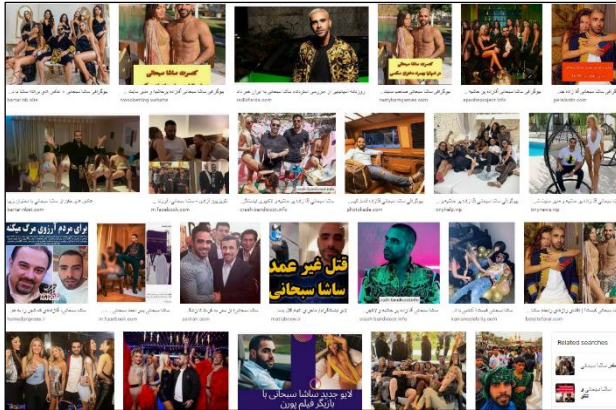
می‌کنم، یک‌بار سوار یه ماشین با روکش طلا شد و ماشینش بنز بود فکر کنم و باورت می‌شه،

مردمی که اون اطراف بودند با چه تعجبی نگاهش می‌کردند، خیلی راحت سوار شد و دست تکون

داد و گازش رو گرفت و رفت.



۱ - محمدرضا سبحانی معروف به ساشا فرزند احمد سبحانی سفیر سابق ایران در ونزوئلا در دوران ریاست جمهوری خاتمی و احمدی نژاد است. ساشا سبحانی متولد ۱۳۶۷ در تهران از آقازاده‌های ایرانی است. وی فارغ التحصیل لیسانس رشته مدیریت بازرگانی از دانشگاه UCAB در ونزوئلا است. پدرش مدیر کل اسبق آمریکای لاتین و غرب آسیای وزارت امور خارجه بود. انتشار عکس‌های لاکچری از پسر یک سفیر آن هم با وجود دوگانگی از عکس‌هایی از کربلا و مکه سوریه با عکس‌های شراب، روابط غیر اخلاقی، کشتی شخصی و ماشین‌های میلیاردی موجب واکنش منفی مردم نسبت به استفاده او از رانت پدرش شد. ساشا در حال حاضر با کسب درآمد از طریق سایت‌های شرط‌بندی، زندگی لاکچری خود را به نمایش گذارده است.



- توی ایران این کار رو کرد؟

نه بابا، دبی بود یا آمریکا! بین قشنگ همه شوکه مونده بودن، خب چته عقده‌ای؟ یا ساعت‌ها و کمربندهاش رو برو یه نگاه بنداز خدایی، حالا همه باید طلایی یا از روکش طلا باشند؟
- اصلاً به خاطر چی معروف شد؟

بیش‌تر معروفیتش برای همون جمله‌اش بود که اگه پول ندارید، پس برید بمیرید.
ولی قبل از اون خب عکس‌هایی که می‌داشت و اون لباس‌های برند و اون زندگی لاکچری و ویلای خصوصی و خونگی مجلل و استخر و سونا و جکوزی شخصی و...، خب طرف رو شاخ می‌کنه دیگه.

بعد یه دعوا هم کرده بود که توی پارتی بوده، بعد درگیری می‌شه و یه نفر کشته می‌شه که می‌اندازن گردن ساشا و بازداشتش می‌کنند، ولی خب تبرئه می‌شه و معلوم می‌شه کار اون نبوده! همه‌ی این حواشی مؤثره خب.

- ساشا سبحانی چی شد که اون جمله رو گفت؟

ساشا که حالا اسم اصلیش نیست، محمدرضا است.

- پس چرا بهش ساشا می‌گن؟

این اسم رو دوست داره، حتی موقعی هم که ایران بوده از بقیه می‌خواسته بهش بگن ساشا. بابای این آدم سفیر ایران توی ونزوئلا بوده و این هم با خانواده‌اش چند سالی رو توی ونزوئلا زندگی می‌کردند که بعد این خودش مهاجرت می‌کنه دبی، زندگیش خیلی لاکچریه و خیلی خوب می‌گرده و رستوران‌های باکلاس می‌ره، از اون جایی هم که آقازاده است، مردم زیر پست‌هاش کامنت گذاشتن که این‌ها همه پول بیت‌المال هست که امثال تو و پدر تو این پول‌ها رو که پول‌های مردم هستند می‌دزدید و باهاشون کیف و حال می‌کنید، یک‌سری دزد بی‌سر و پا هستی که به مفت خوری عادت کردید.

ساشا هم می‌گفت من هر چی پول دارم از خودم دارم و بابای من حتی یک سنت هم به من کمک نکرده و من اگه جایی هستم، خودم این‌جا رسیدم و براش زحمت کشیدم و تلاش کردم، پس الکی من رو به بچه وابسته به پدرم تصور نکنید! چون پدر من هیچ کمکی در هیچ مرحله‌ای از زندگی من به من نکرده و من خیلی ساله که راهم رو از اونا جدا کردم و حتی ندیدمشون که بخوام ازشون پول بگیرم.

ولی خوب همه بازم همین حرفا رو توی لایوهاش و کامنت‌هاش گفتن که دپگه ساشا خیلی عصبانی شد و یهو توی یکی از لایوهاش از کوره در رفت و گفت که اگه پول ندارید، پس برید بمیرید!



که همین حرفش رو توی اخبار پخش کردند که آقازاده‌ها خیلی زندگی لاکچری دارند و مردم رو متهم می‌کنند و از این جور حرفا! از اون طرف هم مردمی که تا قبل از این اصلاً این رو نمی‌شناختند و این حرفی که اخبار نشون داد رو شنیدند و حتی توی اینستاگرام خیلی پخش شده بود و وایرال شده بود هم، باهاش آشنا شدند و خیلی از دستش عصبانی شدند و همه بلاکش می‌کردند یا ریپورتش می‌کردند یا زیر پست‌هاش فحش می‌دادند، اصلاً یک وضعی بود!

چندتا از بازیگرها و سلبریتی‌ها هم خیلی واکنش نشان دادند و استوری گذاشتند و گفتن که تو حق نداری به مردم همچین چیزهایی رو بگی، به مردم که موندن توی کشورشون و با هر بدی و خوبی کشورشون دارند می‌سازند!

این مردم سعی می‌کنند کشورشون رو آباد کنند و کشورشون رو توسعه بدن و این قشر زحمت‌کش شرف دارند به تو و امثال تو که فقط به فکر کیف و حال خودتونید.

بعد یک مصاحبه‌ای از شیلا خداداد پخش شده بود که به ساشا سبحانی گفته بود، بدبخت بیچاره تو خودت از کفش هفت میلیونی که پات می‌کنی، داری تعجب می‌کنی و بعد اون وقت به مردم می‌ای از این حرف‌ها می‌زنی؟!

بعد هم ساشا که این مصاحبه رو دیده بود، به شیلا خداداد گفت که من بدبخت و بیچاره‌ام یا تو که معلوم نیست قبل از ازدواجت چه غلط‌هایی که نکردی!
تو حتی به دوست خودت نیوشا هم رحم نکردی و دیگه ادامه نده، وگرنه من مجبور می‌شم چیزهایی رو که نباید بگم، بگم!

بهاره رهنما هم اومد از شیلا خداداد دفاع کرد و گفت واقعاً برای مسوولین متأسفم که به یک مادر در این فضا داره توهین می‌شه و اون‌ها هیچ اقدامی نمی‌کنند و می‌ذارند که امثال این آدم بیمار عقده‌ای که از بی‌فرهنگ زادگان هستند، بیش‌تر جرأت پیدا بکنند، ولی اون وقت فقط به خندیدن و دو تار موی معلوم شده ما توی تلویزیون گیر می‌دن!

ساشا در جواب بهاره رهنما برگشت گفت که من بیمار و عقده‌ای هستم یا تو که ده بار شوهر کردی! به جای این که بیای به من گیر بدی، تو اگه واقعاً دلسوز مردمی به جای عروسی‌های میلیاردی و سالگردهای میلیاردی که برای عروسی‌هات می‌گیری و عکس‌هات رو توی اینستا می‌گذاری و چشم ملت رو می‌خوای دربیاری، برو این پول‌ها رو به خیریه چیزی بده!
تو کارشناس خاورمیانه نیستی که درباره هر موضوعی نظر می‌دی و کسی هم به نظر تو احتیاجی نداره، تو برو همون پیف پاف‌ها و لوازم آرایشی بهداشتی شوهرت رو بفروش!

ماها ۱۰ تا دوست مشترک داریم که من اگه دهنم رو باز کنم، اون چیزهایی رو که نباید بگم، هم درباره‌ی تو و هم شیلا خداداد می‌گم! که بهاره رهنما هم گفت که با خوک کشتی نمی‌گیرم!



- چه قدر دعوا شده بوده!

آره، ساشا هم آخر سر پست گذاشت و گفت که من اشتباه کردم که گفتم اگر پول ندارید برید بمیرید، خیال‌تون راحت شما اگه از بی‌پولی نمی‌میرید، حسادت حتماً می‌کشدتون!

- پدرش با توجه به این که یک مسوول دولتی هست واکنشی نشون نداد؟

چرا باباش اعلام بئارت کرد!

- اعلام چی؟

بئارت! چی می‌گن بهش؟ همون بیزاری و تنفر رو و این داستانا.

- آهان! برائت منظورت هست؟

آره دیگه، همون برائت!

- پدرش دقیقاً چی گفت؟

باباش گفت که این دیگه پسر من نیست و من راه و روش و سبک زندگیش رو اصلاً قبول ندارم و این پسر برای من مرده دیگه محسوب می‌شه.

- واکنش ساشا چی بود؟

برگشت گفت که من قبلاً هم پدری نداشتم و از هیچ حمایتی از سمت پدرم برخوردار نبودم که الآن با پشت کردن پدرم از من بخوام بترسم و نگران باشم، بلکه من بیزنس خودم رو دارم و به حمایت ایشون هیچ نیازی ندارم.

- درآمد ساشا از کجاست؟

سایت شرطبندی داره و خودش می‌گه که سایتش بهترین سایت شرطبندی هست و سایتش به نوعی مادر سایت‌های شرطبندی محسوب می‌شه و هیچ سایتی به پای سایت شرطبندی اون نمی‌رسه!

- پس فقط از طریق همین سایت، این همه ثروت برای خودش جمع کرده؟

یک نیمچه خوانندگی هم برای خودش می‌کنه، ولی خوب صداسش اصلاً خوب نیست، آهنگ‌های فارسی که بیرون داد خیلی‌ها واکنش‌های منفی نشان دادند و گفتند که خواننده خوبی نیستی، ساشا هم گفته دیگه آهنگ فارسی نمی‌خونم و می‌خوام آهنگ‌های اسپانیایی بخونم.

باز هم خیلی‌ها اون رو مسخره کردند و گفتند، تو با زبان اولت نتونستی در عرصه‌ی خوانندگی موفق باشی، اون وقت می‌خوای در عرصه‌ی خوانندگی در زبان اسپانیایی که خواننده‌های مطرح زیادی نیز داره موفق بشی؟

ولی اون گفت یک سال دیگه اون رو ببینند که با چه خواننده‌های مطرحی از اسپانیا آهنگ می‌خونه و اون وقت جواب این حرف‌های شما رو می‌دم.

- چرا درباره‌ی مشکل اخلاقیش گفتی؟

- کدوم مشکل؟

همون که گفتی پویان در حد ساشا بی‌اخلاق نیست.

یک‌بار توی یکی از لایوهاش که توی یه پارتی بود و داشت حرف می‌زد، بیهو یه دختر لخت پشت سرش اومد و خب خیلی ناجور بود دیگه، یا تو اصلاً پست‌هاش رو نگاه کن، کلی دختر نیمه برهنه دورش هستند، یا اون از موزیک ویدیوهاش!

آخه مگه حرم‌سراست که این همه دختر دور و برت هستند؟

یا فحش دادنش یا با بقیه درگیر شدنش، پویان خدایی همچین آدمی هم نیست دیگه!

مؤدب حرف می‌زنه، ولی این ساشا سبحانی نه، عاشق درگیری لفظیه و هر کی هر چی بگه، سریع جوابش رو می‌ده.

همیشه هم یک زری داره که الکی بزنه، الان سر ماجرای میلاد حاتمی بود که دستگیر شده بود و اخبار نشونش داد، خنگ برگشته دو روز بعد به خانواده میلاد حاتمی تسلیت می‌گه که به ساشا خبر رسیده که میلاد خودکشی کرده توی زندان!

- اخبار رو می‌بینی؟

من که نه.

- پس از کجا می‌دونی که اخبار نشون داده؟

اول از همه من به هر چیزی که از صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران پخش بشه، اصلاً اعتماد ندارم، چون همه‌اش در حال دروغ‌گویی هستند و همه چیز رو به نفع خودشون تغییر می‌دن. موقع‌هایی رو هم که باید شفاف‌سازی کنند و یک خبر درست به مردم بدن، سکوت می‌کنن، چرا؟ چون به نفع‌شون نیست، الان خدایی سر قضیه طالبان بود، تلویزیون ما داشت نشون می‌داد و می‌گفت که مردم افغانستان خیلی خوشحال هستند از این که طالبان کشور رو به دست گرفته و مردم با خیال راحت دارن به زندگی‌شون می‌رسند و نیروهای طالبان به عنوان نیروهای محافظ و امنیتی برای برقراری صلح در کشور توی خیابون‌ها همین طور که می‌بینید مستقر هستند!

دقیقاً همون روز من چی توی اینستا دیدم؟ دقیقاً همون صحنه تلویزیون نشون داد ادعا می‌کرد که طالبان از مردم محافظت و حمایت می‌کنه، همون صحنه جایی بود که مردم با ترس و وحشت از کنار طالبان داشتند رد می‌شدند!

یک سری حیوون خودشون رو شبیه داعش کردند و اون همه ریش برای خودشون گذاشتن و با اسلحه‌های گنده و بزرگ وسط خیابون و ایستادن، اون وقت شما از برقراری صلح میان حرف می‌زنید؟ بابا همه جاها رو داغون کردند، مردم رو آواره کردن!

یک کلیپ اینستاگرام دیدم که یک پیرزن و روی زمین نشسته بود و گریه می‌کرد و می‌گفت که جلوی چشمم سر پسر رو بردند، حتی گفته بودند که کسی که دختر زیر ۱۸ سال دارن، یک پارچه سفید جلوی در خونه‌شون بذارند که این عوضی‌ها بیان و دخترها رو با خودشون ببرند و به عقد سربازهای کثیف‌شون دربیارند، دخترها رو با زور از خونه‌ها می‌کشیدند بیرون و به زور می‌بردند.

خود مردم افغانستان، کسانی که حالا مهاجر بودن توی کشورهای دیگه، می‌گفتند که اوضاع اون جوری که تلویزیون‌ها و رسانه‌ها دارن می‌گن نیست، یا همین الان اجازه ندادن که دخترها به مدرسه برن!

حالا اخبار ما تنها سکوت کرد، بلکه اخبار رو عوض کرد و اشتباه به دست ما رسوند، بدتر از همه رئیس جمهور ما اومد گفت که به طالبان تبریک می‌گیرم، *** توی سرت کنند، از طرف ما حرف نزن!

ما به یه مشت دزد و قاتل که هدفشون سرکوب کردن و کشتن انسان‌هاست، تبریک نمی‌گیرم. من هیچ وقت به این‌ها اعتماد نمی‌کنم! و تا زمانی که توی این کشور زندگی می‌کنم، اصلاً و ابداً به هیچ کدوم از این‌ها رأی نمی‌دم، همین‌ها بودند که هم وطن‌های ما رو دو سال پیش توی هواپیما، با علم به این که توی اون هواپیما بچه بود، کشتند. من این آدم‌ها رو دوست ندارم! من این آدم‌کش‌ها رو دوست ندارم! همین‌ها بودند، مردمی رو که به خاطر وضع معیشتی‌شون توی خیابون تظاهر کردند رو کشتند، کشته‌های آبان ماه رو هیچ‌کس یادش نمی‌ره! حالا فکر کن اگر اینستا نبود، من این‌ها رو از کجا می‌خواستم بفهمم!

من اخبار نمی‌بینم، ولی دروغ‌های اخبار رو توی اینستاگرام می‌بینم!
الآن سر همین دستگیری میلاد حاتمی، میلاد حاتمی^۱ برگشت گفت که این گروه‌گان‌گیری محسن افشانی هم‌اش برنامه‌ریزی شده بود تا فالورامون بالا بره، در صورتی که محسن افشانی اومد سند رو کرد که نه واقعیه بود و به زور از میلاد اعتراف اشتباه گرفته بودند.

^۱ - میلاد حاتمی متولد ۲۳ مهر ۱۳۷۵ در تهران، شاخ مجازی سایت‌های قمار است. او به عنوان آقای مری در فضای مجازی مطرح شد و سپس با حمایت مافیای شرطبندی به ترکیه مهاجرت کرد. «میلاد حاتم آبادی فراهانی» فعالیت خود را از جزیره کیش و در اینستاگرام با انتشار تصاویر دختران شروع کرد و مدعی بود مری بدن‌ساز اختصاصی است. بعد از این ماجرا عنوان «آقای مری» را برای خود انتخاب کرد تا این که ادامه فعالیت‌اش در ایران ممکن نشد و به ترکیه مهاجرت کرد. بعد از شروع همکاری با سایت‌های شرطبندی همچون «پویان مختاری» و «داوود هزینته» تصاویری از زندگی لاکچری خود را در ترکیه به نمایش گذاشت. میلاد برای دیده شدن بیش‌تر چالش‌هایی نظیر پایین کشیدن شلوار اعضای خانواده جلوی دوربین را راه انداخت و برای بهترین آن‌ها نیز جایزه تعیین کرد که در ادامه این چالش‌ها به سمت و سوی شوخی‌های جنسی نیز کشیده شد. میلاد حاتمی برای رسمیت دادن به سبک زندگی خود در ترکیه با «زینب مهدی‌پور» مشهور به «سحر» وارد رابطه شد و برای متفاوت نشان دادن خود بعد از به دنیا آمدن فرزندشان با همسرش ازدواج کرد.



در نهایت این شاخ مجازی در ۱۹ اسفند ۱۳۹۹ با پیگیری‌های سپاه و پلیس اینترنتی، تحویل مسوولان امنیتی ایران داده شد.



- میلاد حاتمی اصلاً کی بود؟

یکی از شاخ‌های اینستا بود که ده پله از ساشا سبحانی بدتر بود، چالش‌هایی که برگزار می‌کرد، این قدر مسخره و چندش بودن که من اصلاً حرفی برای گفتن ندارم!



- چالش‌هاش چی بود؟

یکی از چالش‌هاش این بود که بیهویی و بدون خبر شلوار یکی از اعضای خانواده‌ات رو بکشی پایین و از عکس‌العمل اون آدم فیلم بگیری یا یکی دیگه‌اش این بود که خانم‌ها بازترین لباسی رو که دارند بپوشند و بگن که می‌خوام برم بیرون و از عکس‌العمل مردهای خانواده فیلم بگیرند! یا یکی دیگه از چالش‌هاش این بود که خانم‌ها بطری بذارند روی سرشون و برقصدن ولی از پشت! یکیش خیلی افتضاح بود و واقعاً این رو نمی‌گم!





بعد طرز لباس پوشیدن همه خیلی افتضاح بود، یعنی اکثراً فاصله‌ای با لخت شدن نداشتند، تازه اون یکی چالش افتضاحش که اصلاً چیزی پاشون نبود یا این قدر لباس شون نازک بود که بودن و نبودنش فرقی نداشت!



- خود دخترها براش می‌فرستادند؟

آره. چالش بود دیگه. هر چالش هم ۳ تا ۱۵ میلیون جایزه‌اش بود.

- همه این‌ها رو پست می‌کرد؟

نه، استوری می‌کرد، خیلی زیاد بودند خدایی.

- با همین‌ها معروف شد؟

نه، اول که توی ایران بود، یک ویدیو توی اینستا گذاشت که یک دختر با سِت نیم تنه ورزشی داشت ورزش می‌کرد و میلاد گفت که این هیکل کار منه. بعد از اون هم هر روز هی از دخترهای خوش‌هیکل فیلم می‌گرفت که این‌ها همه کار منه و من مربی شونم و همه دیگه اون زمان بهش می‌گفتند: آقای مربی! با سحر هم همین طوری آشنا شد دیگه.

- سحر؟

سحر زنشه، اون زمان یکی از همین دخترهایی بود که میلاد می‌گفت مربی شونم و هیکلش هم خیلی خوب بود و مثل این که از همون جا با میلاد دوست شده بود و دیگه با میلاد هم پاشد اومد ترکیه.

- بعد این کلیپ‌ها رو هم توی ترکیه ادامه داد؟
توی ترکیه که اومد، سایت شرط‌بندی زد و اصلاً زندگیش از این رو به اون رو شد، اصلاً یک دم پایی داشت که می‌گفت، این دمپایی من ۴۰ میلیونه!
ماشین‌ها آخرین مدل، ماشین‌هایی بودند که تازه تولید شده بودند، خونه‌اش هم قصر بود، لباس‌های خودش و سحر هم که همه برند.
- ماجرای دعواش با محسن افشانی چی بود؟
محسن افشانی^۱ به زن و بچه‌اش فحش داده بود و گفته بود که بچه‌اش بچه خودش نیست و حروم‌زاده هست.



این رو هم حالا نمی‌دونم نمایشی بود یا نه، چون خودش که توی اخبار گفت، الکی بوده، ولی خود محسن افشانی کلی مدرک نشون داد که واقعی بوده و حتی محسن افشانی ازش رفته بوده شکایت کرده و ویس‌های میلاد رو هم پخش کرده بود که گفته بود می‌خوای شکایتت رو ادامه بدی بده، ولی من این جام و تو ایرانی، من أبروم مهم نیست برام که از ریختنش ناراحت باشم، تازه اگه یکی دیگه أبروم رو ببره، ازش ممنون هم می‌شم، ولی تو نه، می‌تونم بگم که تو پول دادی تا من بدزدمت نه این که من دزدیدمت.

- دزدیده؟

آره دیگه، سر اون ماجرای دعواش با محسن افشانی، این رو گروگان گرفته بود و حتی کلیپ رو هم توی اینستاگرام پخش کرد که به محسن افشانی گفت، بگو * * * خوردم تا ولت کنم و ازش می‌پرسید که صاحب ترکیه کیه؟ اونم می‌گفت: آقا میلاد.

- جدی؟!

بابا این که چیزی نیست!

۱ - محسن افشانی، زاده ۱۱ فروردین ۱۳۶۸ در روستای وانسان گلپایگان، بازیگر و مجری ایرانی است. پس از انتشار ویدیویی در اینستاگرام افشانی که در آن از اسلحه و چاقو استفاده شده بود، پلیس فتا وارد عمل شد و به دستور مقام قضایی، افشانی دستگیر و روانه زندان اوین شد. پس از بازداشت، ویدیو از صفحه اینستاگرام افشانی حذف شد.

پارسال که همه جا به خاطر کرونا قرنطینه شده بود، این احمق یه استوری گرفته بود که ماشین پلیس ترکیه جلوش بود و بعد سوار شد و گفت که وقتی می‌گم آقا میلاد سلطان ترکیه است، منظورم اینه که ماشین پلیس برای اسکورتش توی قرنطینه میاد تا بهم گیر ندن، حالا مسأله پشم ریزونش این بود که ریموت ماشین پلیس جلویی دست میلاد بود و دکمه‌هاش رو می‌زد و صدای آژیر ماشین پلیس جلویی بلند می‌شد، ولی چند روز بعد دستگیرش کردند.

- از کجا فهمیدند، چرا همون شب خب نگرفتنش؟

هیچی دیگه، ایرانی‌های مقیم ترکیه که استوری میلاد را دیده بودند، رفتند اداره پلیس و استوری‌ها رو به پلیس نشون دادند، پلیس هم میلاد رو دستگیر کرد و هم اون پلیسی که ماشین رو به میلاد داده بود، اخراج کرد، الآن که به این مسأله فکر می‌کنم، می‌بینم این مسأله کم چیزی نبود برای ترکیه، چون یه جورایی امنیتش زیر سوال رفت دیگه.

- راستی محسن افشانی چرا به زن و بچه‌اش فحش داده بود؟

آخه موقعی که دخترش به دنیا اومد، توی اینستاگرام شایع شده بود که این دختر این نیست و دختر پدرام، داداش پویانه که پویان تکذیب کرد و گفت که داداش من چه توی ایران و چه توی ترکیه اصلاً این خانم رو ندیده و نمی‌شناسه، خود سحر و میلاد هم به فالوراش گفتند که توی امور شخصی زندگی شون دخالت نکنند.

- آخه این‌ها که ازدواج کردند، این حرف‌ها چیه دیگه؟

نه، بعد از به دنیا اومدن بچه‌شون ازدواج کردند، قبل از اون فقط با هم دوست بودند و با هم زندگی می‌کردند.

- کی دستگیرش کردند؟

اسفند پارسال بود.

- توی اخبار چی گفت، زن و بچه‌اش چی شدند؟

هیچی دیگه، اومد همون چیزایی رو گفت که هر کی توی اینستا باشه می‌دونه، عملاً چیز جدید و تازه‌ای نگفت، سحر هم پیجش رو بستن و خبری ازش نیست، ولی خب می‌گن مثل این که اون رو هم گرفته بودند، ولی خب آزاد شد.

- قبل از این که توی اخبار نشونش بدن، می‌دونستید که دستگیر شده؟

اصلاً موقعی که دستگیر شد، استوری گرفته بود و پلیس توی ماشین متوجه شد که این گوشی داره و بعد گوشی رو ازش گرفت، بعد هم که سحر لایو گذاشت و همه‌اش گریه می‌کرد و می‌گفت که من با بچه‌ام الآن چه کار کنم؟

مثل این که رفته بودند خرید و توی بازار بودند که یه دفعه پلیس‌ها میان و میلاد رو دستگیر

می‌کنن!

- بقیه واکنشی نشون ندادن؟

چرا، دنیا یک سری استوری درباره میلاد گذاشت و ماها با این کار دنیا مطمئن شدیم که واقعاً دستگیر شده و الکی نیست!

- مگه قبلاً الکی دستگیر شده؟

آره، خیلی‌ها از این کارا می‌کنن، مثلاً هم پویان و هم ساشا سبحانی دستگیر شده بودند، ولی الکی بود، به خاطر همین ما جدیش نمی‌گرفتیم.

- آخه من الکی بودنش رو نمی‌فهمم! منظورت از الکی چی هست؟

بین اون کسانی که سایت شرط‌بندی دارند، توی کشورهای خارجی باید مالیاتش رو هم بدن، بعد من خودم فکر می‌کنم از قصد مالیات رو نمی‌دن.

- چرا؟

همین که الکی جو بدن که آقا ما رو گرفتن و فالورهاشون بره بالا، همه‌شون هم به محض این که پاشون به اداره پلیس می‌رسه، مالیات رو پرداخت می‌کنند و دوباره خوش و خرم برمی‌گردند.

سر همین قضیه ما جدی نمی‌گرفتیم تا این که این قدر دنیا جلز و ولز کرد که ما گفتیم، آقا حتماً گرفتنش که این هم این قدر ترسیده.

- بعد از اعترافش توی اخبار بقیه چه واکنشی داشتند؟

دنیا گفت که دست ایران بخواد به من برسه جلوتر خودم قرص برنج می‌خورم و خودکشی می‌کنم، الان هم از ترکیه رفت دیگه، سر همین موضوع پا شد رفت لندن.

- پویان مختاری چه طور؟

پویان هم گفت که یا من از این جا می‌رم یا قبل این که دست‌شون به من برسه خودکشی می‌کنم.

- کس دیگه‌ای هم چیزی گفت؟

والای تتلو خیلی خووووب بود! می‌گفت که اگه مسوولین ایران می‌خوان چیزی رو فاش کنند، حداقل چیزی رو فاش کنند که مبهمه و هیچ‌کی نمی‌دونه، این‌ها که همه تکراریه و همه هم می‌دونستند و ماها هم خودمون گفتیم، گناه‌کار اصلی ماها نیستیم، گناه‌کار اصلی اون کسانی هستند که ما رو به این سمت کشوندند. فقط ما هم نه، همه‌ی جوون‌ها رو، جوونی که کار نداره و بی‌کار هست، فکر می‌کنه که این راه درآمدشه.

گفت که ما هیچ چیز پنهونی از طرف دارهامون نداریم و تونستیم که یوتیوبمون رو به حدی برسونیم که درآمد برامون داشته باشه!

- پس میلاد اولین نفر بود که بقیه رو به فکر مهاجرت از ترکیه و خودکشی انداخت؟

نه، پارسال وحید خزایی^۱ هم بود.

- وحید خزایی؟

آره دیگه، اون رو هم تیر ۹۹ گرفتن و اخبار نشونش داد.

- وحید خزایی کیه دیگه؟

وحید خزایی بابا همون که بهش پسر ابرونی یا پسر تلگرامی می‌گفتند.



- نمی‌شناسم!

این بدبخت خیلی الکی الکی معروف شد و سر زبون‌ها افتاد، چند سال پیش چندتا عکس ناجور از این با چندتا دختر که لباسشون خیلی مناسب نبوده، توی کل تلگرام پخش می‌شه و چون قیافه‌هاشون هم معلوم بوده، همه دیگه این رو می‌شناسند و این هم که یکی از همون دخترها بهش زنگ می‌زنه و می‌گه که یک ویدیو بگیر و بگو که این دخترها فامیل‌هام و دختر خاله‌هام هستند و گوشیم رو دزد زده و این عکسا این جور پخش شدند!

این هم می‌ره ویدیو رو می‌گیره و آخرش می‌گه که پلیس فتا حواسش به همه چی هست، هیچی دیگه، سر همین حرف آخرش و اون ویدیو، بیش‌تر مسخره‌اش می‌کنند و کلی کلیپ طنز و جوک، درباره این موضوع در تلگرام و اینستا پخش می‌شه که قضیه این قدر بالا می‌گیره که میان وحید رو بازداشت می‌کنند و اون دخترها هم از وحید شکایت می‌کنند، وحید هم برمی‌گرده می‌گه که من یک کارگر ساده هستم و الکی آبروی من ریخته شده و بقیه داستان که حالا من زیاد نمی‌دونم، ولی خلاصه این رضایت همه رو به غیر از ۳ تا دختر به دست میاره و به قید وثیقه آزاد می‌شه.

۱ - وحید خزایی متولد ۱۳۶۴ در تهران، پسر معروف تلگرام، از شاخ‌های مجازی است. وحید تحصیل کرده مقطع دیپلم است که با پخش عکس‌های هنجارشکنش با دختران مختلف در ویلاهای مجلل بازداشت شد، اما پس از آزادی موقت به ترکیه فرار کرد و با گفتن این که «پلیس فتا حواسش به همه چیز هست»، حسابی مشهور شد تا بعد از نزدیک به ۴ سال به ایران بازگشت و در فرودگاه امام خمینی دستگیر شد.

بعد از این ماجرا مثل این که هر موقع توی خیابان راه می‌رفته، مردم تا می‌شناختندش شروع به کتک زدنش می‌کردند و همین طور یکی از نماینده‌ها درخواست کرده بوده که حکم فاسد (مفسد) فی الارض بهش بدن که وحید هم می‌ترسه و قاچاقی ترکیه می‌ره و اون جا درخواست پناهندگی می‌کنه.

- مگه نگفتی که کارگر ساده است، پس وثیقه و پول مهاجرت و ... رو چه جوری جور کرده؟
خب گفته بود، ولی مثل این که توی سعادت آباد زندگی می‌کرده و بوتیک داشته، البته خودش گفته که ارث پدری نبوده و با زحمت خودش به این جور جاها رسیده. اون حرف رو هم گفته بوده تا راحت‌تر تبرئه شه، فکر کنم!

- توی ترکیه بعد از اون چه کار می‌کرد؟
اصلاً توی ترکیه فکر کنم خیلی داغون شد، چون توی لایوهاش مشروب می‌خورد و مست می‌کرد و مواد می‌کشید و فحاشی می‌کرد و حتی یک‌بار به آتاتورک فحش داده بود که پلیس ترکیه بازداشتش کرد و یک ماه در زندان بود.

- پلیس ترکیه از کجا فهمید؟
یکی از ایرانی‌های پیجش که مقیم ترکیه بود به پلیس خبر داد.

- اوضاع مالیش توی ترکیه چه طور بود؟
اوایل که از طریق تبلیغات پول درمیاورد، اما بعداً با تبلیغ سایت‌های شرط‌بندی دیگه، درآمدش به اوج خودش رسید و ماشینش رو عوض کرد و از این خونه‌های لاکچری گرفت.
- مگه چه قدر درآمد داشت؟

خودش که می‌گفت هفته‌ای ۹۰۰ دلار درآمد داره، ولی یهو گفت که این سایت‌ها الکی پول مردم رو دارند می‌خورند و دیگه تبلیغ نمی‌کنه، بعد تیرماه پارسال هم که باشد و اومد ایران که پلیس توی فرودگاه دستگیرش کرد.
- الان زندانه هنوز؟

حتماً دیگه، من که خبر قطعی ندارم، ولی از تیرماه فکر کنم درگیر دادگاه و اینا هست.
- خوب وقتی می‌دونست که دستگیرش می‌کنند، چرا برگشت؟
آخه می‌دونی، وحید توی لایو آخرش پته‌ی همه‌ی سایت‌های شرط‌بندی و کلاه‌برداری‌هاشون رو، رو کرد!

بعد مثل این که مافیای شرط‌بندی تهدید کرده بود که می‌کشنش، این هم از ترس برگشت ایران و یک جورایی پناه آورد.

- محسن افشانی که با این میلاد حاتمی دعواش شده بود چی، مگه باز یگر نبود؟

زارت ... این روی بازیگری! این باور کن الکی ایران مونده، چون من مطمئنم با این گندایی که بالا آورده، واقعاً کدوم کارگردانی دلش می‌خواد با این کار کنه؟! - چه کار کرده مگه؟

بابا این هم اومد خر بازی بقیه رو انجام داد، اول از همه که عکس زنش رو نمی‌داشت، یعنی می‌داشت‌ها، ولی گوشی رو جلو صورتش می‌گرفت تا معلوم نباشه چهره‌اش! بعد توی مصاحبه که زنش هم بود و همه دیگه زنش رو دیدن، عکس‌های زنش رو توی پیجش می‌داشت و هم ویدیوهای دابسمش‌هاشون رو پست می‌کرد. - خوب کارهای این که در حد بقیه نبود!

بابا توی یکی از دابسمش‌هاش که در اصل تبلیغ یک آهنگ بود، یهو تفنگ و چاقو درآورد و تازه پشت فرمون هم بود و همون طور که با زنش داشت آهنگ رو می‌خوند، این چاقو رو هم توی هوا تکون می‌داد، بعد چاقوش، چاقوی کوچک و عادی نبود! از این خنجر بزرگا بود که لات‌ها توی دعوا ازش استفاده می‌کنن.

پلیس هم به خاطر نشر کلیپی که ازش سلاح گرم و سرد استفاده کرده بود، دستگیرش کرد و براش فکر کنم یک سال حبس بریدند.

- خسته نباشه پس!
نه، به اون اول که عکس زنش رو نشون نمی‌داد، نه به بعداً که عکسش رو موقعی که توی استخر بود گذاشت.

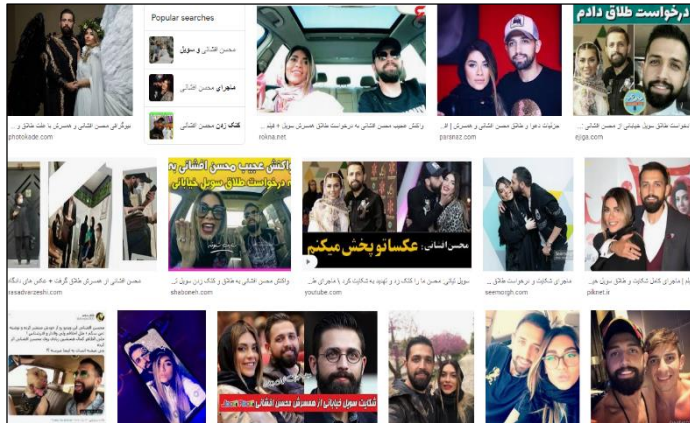
- توی استخر بود؟
آره، با همین محسن توی استخر بود و پشت اون و ایستاده بود ولی خب تا حدودی معلوم بود دیگه! البته اینم خوبه، پسر ع****عکس‌های خصوصی زنش رو پخش کرده بود توی اینستا به صورت ناشناس.

- چی؟
زنش طلاق می‌خواست، بعد این گفته ۵ میلیارد بده تا طلاق بدم، زنش هم قبول نمی‌کرده که گفته پس ۲ میلیارد بده که باز زنش قبول نکرده، این هم گفته نه تنها طلاق نمی‌دم، بلکه اگه پول رو ندی عکس‌ها رو پخش می‌کنم.

- زنش چرا شکایت نکرد؟
شکایت کرد ازش، اینا رو هم توی مصاحبه گفته بود، چون همه تعجب کرده بودن چرا زنش ازش شکایت کرده، زنش می‌گفت که رفته بوده خونه‌اش وسیله‌هاش رو جمع کنه که محسن به خودش و مادرش و خدمتکار خونه‌شون حمله کرده و اینا رو زده.

- توی پست‌های اینستاگرامش هم همین جوری هست؟

نه بابا! من اصلاً کپ کردم چرا ازش شکایت کرده، چون این دوتا خیلی با هم اوکی و خوب بودن و محسن زرت و زرت توی لایو و استوری و کلیپ، دست و سر زنش رو می‌بوسید! اصلاً همه‌اش با هم بیرون بودن و خارج رفته بودن و کلی گشته بودند و حتی از پاساژها هم فیلم گرفته بودن و خب همه فکر می‌کردن که چه کاپل باحالی هستند و با هم اوکی و جورن.



- این آدم‌ها رو چرا فالو می‌کنی؟ چون وقتی که درباره‌شون حرف می‌زنی، احساس می‌کنم که مسخره‌شون می‌کنی، البته مطمئن نیستم، ولی برام جالبه اگه از اینا خوشت نیامد، چرا کارهاشون برات مهم هست و با این جزییات می‌دونی!

از همه‌شون خوشم نیامد ولی نمی‌دونم چرا! آخه از اول همین طور بوده و من دنبال‌شون می‌کردم و چیز جدیدی نیست خب که بگم چرا این کار رو می‌کنم. مثلاً من از ندا یاسی و دنیا از بقیه شنیده بودم، یعنی قبل از این که من بخوام باهاشون توی اینستا آشنا بشم، از قبل می‌شناختم‌شون و خب کنجکاو بودم، ببینم واقعاً چه جور هستن و بعداً هم همین جور از سر کنجکاوی دنبال‌شون می‌کردم، وگرنه من از سایت‌های شرط‌بندی‌شون هم استفاده نمی‌کنم، ولی خب دنبال‌شون می‌کنم.

- یعنی فقط از سر کنجکاوی دنبال‌شون می‌کنی؟

آره، مثل مهراد و دنیا، خب هر روز پیج هر دوتا‌شون رو چک می‌کنم که ببینم از مهراد خبری شده یا نه، پلیس گرفته‌اش یا داره راحت توی ایران زندگی می‌کنه یا دنیا واقعاً حامله هست! نمی‌دونم واقعاً همینه و چیز دیگه‌ای نیست.

- چرا این حس کنجکاوی رو داری؟

هیجان داره خب، دعواشون با هم می‌شه و با هم دیگه دوست می‌شن.

- به طور خلاصه کاربردی که از اینستاگرام داری توی چه حیطه‌هایی هست؟

خیلی حرف زدیم‌ها، کف کردم واقعاً!

خوب همون طور که اول بحث‌مون گفتم، برای عوض شدن حال و هوام از محتواهای طنز و واینرها استفاده می‌کنم،

رشته‌ام کامپیوتره و خب اینستا آموزش‌های خوبی برای محتواسازی و فتوشاپ و ورد و بقیه چیزا داره که به دردم می‌خوره.

شاخ‌ها رو هم که برای عوض شدن حال و کنجکاو می‌کنم.

ولی بیش‌تر توی اکسپلور می‌چرخم، یعنی این‌جوری نیست که برنامه‌ریزی برای هر کدام از این‌ها کرده باشم و بگم خب الان وقت اینه که برم محتوای طنز رو ببینم، یعنی می‌دونی بیش‌تر توی اکسپلور برای خودم می‌چرخم و بیش‌تر پست‌هایی که می‌بینم، اصلاً پیجش رو نه می‌شناسم و نه فالو کردم، اگه خوشم بیاد، سیوش می‌کنم و لایکش می‌کنم، وگرنه هم که نه، به عبارتی به قول مامانم ول می‌چرخم توی گوشه!

- چه زمانی از اینستاگرام استفاده می‌کنی؟

کلاً هر زمانی من استفاده می‌کنم، (با خنده) در هر زمان و در هر مکان.

- از لحاظ روحی چه طور؟

اون هم فرقی نداره، خوشحال باشم می‌رم اینستا، حالم بد باشه، باز هم می‌رم اینستا، ولی خب بیش‌تر زمانی که حوصله ندارم یا کلافه‌ام و اعصابم خورده می‌رم تا یه کم حواسم پرت شه.

- به نظرت اینستاگرام تونسته تأثیری توی محیط زیست داشته باشه؟

صد البته، یادته ۲ سال پیش شهرداری سگ‌ها رو می‌سوزوند؟ خب اخبار که نیومد این افتضاح رو به ما نشون بده که ماها توی اینستا دیدیم و خب با اعتراض‌هایی که مردم کردن، شهرداری اومد توضیح داد و رویه‌اش رو عوض کرد و خب به نظرم اینستا، توی زمینه حمایت از حقوق حیوانات، خیلی خوب داره کار می‌کنه یا مثلاً این فعال‌های محیط زیست پیج دارند و آگاه‌سازی می‌کنند.

- خیلی ممنون عزیزم از این‌که چند بار در طول هفته وقتت رو به من اختصاص دادی.

خواهش می‌کنم.

تأملی دوباره:

نسترن ۱۷ ساله، در مصاحبه خود درباره اثرهای کاربری از شبکه اجتماعی اینستاگرام، به مباحثی حول محورهای اثرهای آموزشی، اجتماعی، اخلاقی- تربیتی، اقتصادی، خانوادگی، روان‌شناختی، زیباشناختی، زیستی، زیست محیطی، سیاسی، عقیدتی و فرهنگی اشاره داشته است.

نسترن در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل آموزشی کاربران، به مواردی مانند: تولید محتوا در اینستاگرام، فنی شدن کاربران، رواج کاربری از پیام‌رسان‌های خارجی برای

تدریس، نقد آموزش مجازی آموزش و پرورش، بی‌علاقگی نسبت به درس در جریان بصری شدن فرهنگ، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

نسترن در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در رفتار اجتماعی کاربران، به مواردی مانند: نقد سیاستهای اجتماعی برای جوانان، الگوهای متفاوت نسل جدید، بروز شکاف و گسست نسلی، ترجیح سخنان سلبریتی‌ها به اخبار رسانه داخلی، افزایش اثرگذاری اینستا بعد از شیوع ویروس کرونا، اهمیت یافتن میزان فالور، تبعیت و پیروی کورکورانه از شاخ‌های مجازی، تبعیت از الگوهای ویرانگر، ترویج خیانت در بین کاربران، تهدید به انتشارات اطلاعات خصوصی یکدیگر، کاهش حریم خصوصی افراد (با انتشار مشکلات شخصی و خانوادگی آنان) و نظایر آن، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

نسترن در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در رفتار اخلاقی کاربران، به مواردی مانند: پذیرش نسبیت‌گرایی ارزشی، رواج چالش‌های ضد اخلاقی و ارزشی در اینستاگرام، رواج فحاشی و بی‌احترامی در اینستاگرام، ساخت کلیپ‌های طنز با استفاده از مسایل جنسی به صورت مستقیم و غیرمستقیم، ترویج خیانت در بین کاربران، کاهش حریم خصوصی افراد (با انتشار مشکلات شخصی و خانوادگی آنان) و نظایر آن، اشاره داشته است.

نسترن ۱۷ ساله، در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل اقتصادی کاربران، به مواردی مانند: اهمیت یافتن افراطی پول، اهمیت درآمدزایی از اینستاگرام، خرید و فروش رمان مجازی در اینستاگرام و نظایر آن، اشاره داشته است.

نسترن در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل خانوادگی کاربران، به مواردی مانند: عدم آگاهی والدین از فضای مجازی، عدم تمایل برخی از کاربران به تشکیل خانواده، کشاندن موضوعات شخصی و خانوادگی به فضای مجازی، توهین کردن شاخ‌های مجازی به خانواده یکدیگر، جایگزین کردن حیوانات خانگی به جای فرزندان، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

نسترن در مصاحبه‌اش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل روانی کاربران، به مواردی مانند: نسل هیجان، جادوی اینستا، خلاقیت‌های هرز رفته کاربران، نبود بستری مناسب برای تخلیه هیجانی نوجوان، اتلاف وقت گسترده در اینستاگرام، افزایش اعتماد به نفس کاذب با مدیریت تصاویر، احساس سهولت و روانی در برخوردهای نارویاروی، ترس از دست دادن مطالب مهم، ترس عقب ماندن، اینستاگرام به مثابه یک گریزگاه، کنجکاو هرز رفته جوانان، دنبال کردن شاخ‌های مجازی به علت کنجکاو، خستگی ناشی از بمباران اطلاعاتی فرد با مباحث مبتذل، خستگی ذهنی فردی و اجتماعی کاربران (به همین سبب کاربران غالباً در حد هشتک زدن فعالیت می‌کنند)، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

نسترن در مصاحبه‌اش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در علایق زیباشناختی کاربران، به مواردی مانند: اخذ معیارهای زیبایی از اینفلوئنسرها و بلاگرها، رواج تتو و خالکوبی، اشاره داشته است.

نسترن ۱۷ ساله، در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل زیستی کاربران، به اختلال در خواب، اشاره داشته است.

مصاحبه شونده در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل زیست محیطی کاربران، به ترغیب برخی از کاربران و صفحات اینستاگرامی مبنی بر ضرورت عطف توجه به حمایت از محیط زیست، اشاره داشته است.

نسترن در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در رفتار سیاسی کاربران، به عدم مقبولیت مسوولان کشور در بین نوجوانان، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

نسترن در مصاحبه‌اش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل عقیدتی کاربران، به مواردی مانند: تحریف دین، ارایه قرائت جدیدی از دین‌مداری، تبلیغ مشاغل غیرمشروع نظیر دعانویسی و فال‌گیری در اینستا، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

نسترن ۱۷ ساله، در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در علایق فرهنگی کاربران، به مواردی مانند: کاهش سن کاربری از اینستاگرام، ترجیح ایستاگرام بر دیگر نرم افزارها نقد سیاستهای فرهنگی داخل، نقد سیاستهای فرهنگی برای جوانان، ترجیح رسانه‌های خارجی به رسانه داخلی، تحولات مقوله مطالعه کاربران، گسترش نگاه تحقیر آمیز و ابزاری به زنان، اثرگذاری اینفلوئنسرها و سلبریتی‌ها در فضای مجازی، کسب فالور از طریق حواشی ساختگی، کلاهبرداری فرهنگی در اینستاگرام، گسترش فحاشی و بددهنی در جامعه، تحول زبانی نسل جدید، درگیری سلبریتی‌ها و شاخ‌های مجازی در اینستاگرام، اثرگذاری‌های فرهنگی اینفلوئنسرهای جدید در فضای مجازی، اخذ ارزش از پدیده جدید اینفلوئنسرها و به اصطلاح بلاگرها، بصری شدن فرهنگ، تبدیل شدن اینستاگرام به ویتترین زندگی، بروز شکاف فرهنگی در کنار شکاف نسلی، بروز گسست فرهنگی، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

اگر در زمینه مباحث مطرح شده در مصاحبه نسترن ۱۷ ساله، با ارجاع سایر محورهای مطرح شده به دیگر کتاب‌های مجموعه حاضر، توجه خود را صرفاً معطوف به ابعاد فرهنگی (که مورد بحث اثر حاضر است) کنیم، می‌توان بیان داشت، نسترن در مصاحبه خویش ضمن نفی خطمشی‌های فرهنگی، اجتماعی، عقیدتی و سیاسی کشور، در کنار اخذ ارزش از رسانه‌های خارجی و سلبریتی‌ها و پدیده جدید اینفلوئنسرها و بلاگرها، در عمل گسستی فرهنگی در کنار گسست نسلی موجود در جامعه را رقم می‌زند.

نسترن در مصاحبه خود به لحاظ سیاسی نگاه مثبت خود به غرب را به معرض دید نهاده و در ابعاد اجتماعی با ترجیح رسانه‌های خارجی به رسانه‌های داخلی و پیروی از سلبریتی‌ها و شاخ‌های مجازی، در عمل تبعیت از الگوهای ویرانگر را در دستور کار خود قرار داده است. به همین ترتیب وی به لحاظ عقیدتی دست به پذیرش خطمشی لذت‌طلبی زده است و سرانجام به لحاظ فرهنگی از بروز یک شکاف فرهنگی در کنار شکاف نسلی پدید آمده، حکایت می‌کند. برخی از مشخصه‌هایی که نسترن در معرفی شکاف و گسست فرهنگی از آن‌ها یاد کرده است، عبارتند از: پذیرش خطمشی لذت‌طلبی، استقبال از چالش‌های غیراخلاقی، پذیرش فمینیسم افراطی، توهین کردن به خانواده یکدیگر، جایگزین کردن حیوانات خانگی به جای فرزندان، تحول در مقوله محتوای مورد علاقه فرهنگی جوانان، رواج تتو و خالکوبی.

بنابراین می‌توان به اجمال نتیجه گرفت، با فیلتری که اینستا برای دیدن جهان و هستی فراوی فرد در ابعاد مختلف فرهنگی، اجتماعی، عقیدتی و سیاسی ایجاد کرده است، کاربران شکاف‌های مختلفی را در ابعاد پیش‌گفته تجربه کرده و در خود به منصفه ظهور می‌گذارند.

مصاحبه با ترانه، ۲۱ ساله

یه پیج فیکم دارم که باهش اکسم رو استاک می‌کنم.

- سلام ترانه جان!

سلام.

- ترانه جان، خوبی؟

خوبم مرسی، تو چه طوری؟

- منم خوبم، ممنون.

- از همکاریت برای مصاحبه متشکرم. اجازه می‌دی مصاحبه خودمون رو شروع کنم. بفرمایید.

- اول یک دورنمای خانوادگی از خودت می‌دی؟

بله. من ۲۱ سالمه و دانشجوی مهندسی هستم. در یک خانواده سه نفره با پدر و مادرم زندگی می‌کنم. خانواده ما مذهبی نیست و از لحاظ مالی هم در سطح متوسطی قرار داریم، کافی هست؟ متشکرم.

- عزیزم چند سالت بود که اینستاگرام رو نصب کردی؟

از اول دبیرستان فکر کنم، چند سال می‌شه؟

- هفت، هشت سال حدوداً؟

آره، همون.

- یادت هست که چی شد اینستاگرام رو نصب کردی؟

اون زمان تازه وایبر رو همه استفاده می‌کردن، زیاد کسی اینستا نداشت، همه توی کف فیسبوک بودن، من فیسبوک نداشتم البته، وایبر رو هم به زور داشتم، با اون همه قطع و وصلیش.

- خوب؟

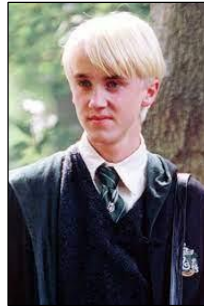
اون موقع یکی از بچه‌ها گوشیش رو آورده بود مدرسه، گفت اینستا چه آیه باحالیه، منم خوشم اومد، دان کردم.

- چی شد که به نظرت برنامه باحالی اومد؟

چون دیدم واو! سلبریتیا پیج خودشون رو دارن، وقتی فالوشون می‌کردم، حس این رو داشتم که از نزدیک دیدمشون، در این حد تباه.

- چه سلبریتی‌هایی رو فالو می‌کردی؟

تام فلتون، بازیگرای هری پاتر، اونایی که توی اینستا بودن.



- یادت هست چه پست‌هایی می‌گذاشتن؟
- عکس از خودشون، اون موقع اینستا بیش تر آپ عکاسی بود.
- پس عکس‌هاشون رو دنبال می‌کردی؟
- آره.
- خودت از اینستاگرام چه استفاده‌ای می‌کردی؟
- اون موقع آپشن نداشت اینستا مثل الان، فقط در حد لایک و کامنت بود. استوری که هیچ، ولی یه فن پیج داشتم.
- برای طرف‌داری از چه کسی بود؟
- اون موقع یه گروه بود دبل اس فایو او وان که بعد دیس‌بند شدن.



- دیس بند یعنی چی؟

یعنی گروه‌شون از هم پاشید.

- چه چیزی از شون توی فن پیجت پست می‌کردی؟

عکساشون و اخبارشون، مقایسه با بقیه آرتیستا، اون موقع هم ناموساً خوب بالا رفت، ۳۵ تا فالوینگ داشتم، حدود ۳۷۰۰ تا فالور، تعداد کامنتا مثلاً ۱۰۰ تا، ۱۲۰ تا برای پستایی که روش کار می‌کردم، بود، ولی اکسپلور و کسب درآمد نداشت که اون موقع، اگه الان بود یه پولی ازش درمی‌آوردم، البته از دلایل موفقیتیم این بود که توی اکیپی بودم همه‌شون فالور بالا، اونام پروموت می‌کردن به نوعی.

- چه طوری؟

اون زمان یکی بود فن پیجش ۲۰ هزار بود، دیگه اون قدر صمیمی شدیم پسورد اکانتش رو داده بود من، براش پست بذارم، در این حد.

- اون موقع از طریق اینستاگرام دوست هم پیدا کردی؟

آره، همین اکیپ فن پیجا، کسایی که مثل سیریش برام کامنت می‌داشتن، با اونا دوست شدم.

- دوستی تون محدود به اینستاگرام بود یا توی واقعیت هم باهاشون دوست شدی؟

نه، همون اینستا فقط، نمی‌شناختمشون که.

- چون نمی‌شناختی شون توی واقعیت باهاشون دوست نشدی؟

آره.

- هنوز هم باهاشون در ارتباط هستی؟

نه، با همون فن پیجم که گذاشتم کنار، ارتباطم باهاشون قطع شد، در حد همون پروموت کردنم

خوب بودن که خوب هم پروموت کردن.

- چی شد که فن پیجت رو کنار گذاشتی؟

یه بار نمی‌دونم چی شد، اینستا قاطی کرد یه سری پیجا رو پروند، ببین پروندا، هیچ اثری از پیج

نموند، دوباره پیج زدم دوستانم پروموت کردن، کم کم رسید به دو هزار، ولی دیگه سرد شده بودم،

کم کم ولش کردم، ولی اون موقع اگه اینستا امکان کسب درآمد داشت، پولی درمی‌آوردم، چون پیجم

بزرگ بود.

- چرا با این که امکان کسب درآمد نداشت، باز هم فن پیجت رو هنوز داشتی؟

چون لایکت می‌کنن، لایکا بالا می‌ره، فالورا بالا می‌ره، یه حس اعتماد به نفسی بهت دست

می‌ده که داری یه پستی درست می‌کنی، بقیه خوششون میاد.

- یادت هست اون موقع چند ساعت از روز رو برای اینستاگرام وقت می‌گذاشتی؟

درست یادم نیس، شاید سه ساعت در روز، ولی تابستونا کلاً پلاس بودم توی اینستا و تلگرام.

- اون موقع به خاطر استفاده از اینستاگرام، به درست لطمه خورده بود؟
- معمولاً خوب هندل شون می کردم، مگه این که خیلی توی اینستا غرق می شدم.
- الان چه قدر توی روز از اینستاگرام استفاده می کنی؟
- الآن خب اینستا برای من سودی نداره، توی این چند سال اخیر فقط سه تا پست توی پیج شخصیم گذاشتم، چند بارم دی اکتیوش کردم تا الآن.
- الان پیج دیگه ای به جز پیج شخصیت داری؟
- همین پیج شخصیمه، یه پیجم دارم برا درس اندیشه، استاده مجبورمون کرده، پیج بز نیم تولید محتوا کنیم، برا اندیشه اسلامی، یه پیج فیکم دارم که باهش اکسم رو استاک می کنم.
- استاک یعنی چی؟
- یعنی بدون این که طرف بفهمه، پیجش رو زیر نظر داشته باشی.
- اون پیج رو برای همین کار ساختی؟
- نه، ولی برای استاک کردن ازش استفاده می کنم.
- خوب از پیج اصلیت چه استفاده ای می کنی؟
- الآن هیچ استفاده ای اون جور ای ندارم از پیجم، کلاً سه تا پست دارم، استوری هم مودیه، تهش اگه یه فیلمی ببینم معرفی می کنم، عکس چوب شورم رو می ذارم (خنده)، در کل استوری گذاشتم هم، خیلی کم شده نسبت به دو سال پیش، بیش تر از تلگرام استفاده می کنم.
- از تلگرام چه استفاده ای می کنی؟
- برای پیام دادن به بقیه، ولی الآن شاپ دارم بیش تر درگیر اونم.
- توی تلگرام فروش داری؟
- آره.
- چه فروشی؟
- از کره، مرچ وارد می کنم.
- مرچ چی هست؟
- به وسایل رسمی که یه سلبریتی منتشر می کنه، مرچ می گن.
- مرچ های چه سلبریتی ای رو وارد می کنی؟
- مال هر کی که مشتریام بخوان.
- چه قدر برایت سود داره؟
- فعلاً اوایل کارمه، حدود صد میلیون فروختم، ده درصدش سوده.
- فروشت فقط توی تلگرام هست؟
- آره فعلاً.

- بعد جای دیگه‌ای هم می‌خواهی اقدام به فروش کنی؟

آره، مشتریام بیش تر بشن، توی اینستا هم پیج می‌زنم.

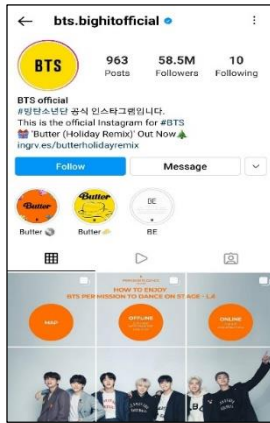
- چرا الان نمی‌زنی؟

چون باید یه کم اول مخاطب جمع کنم که وقتی رفتم اینستا، برم اکسپلور مشتریام بیش تر شن.

- خوب چه پیج‌هایی رو توی اینستاگرام دنبال می‌کنی؟

بی‌تی‌اس که تازه اومدن اینستاگرام، پیج خودشون رو زدن، بازیگرایی که دوست دارم، مثل لئو،

جانی دپ، تیموتی شالامه.



۹۰/ چند مصاحبه با جوانان کاربر اینستاگرام درباره اثرهای فرهنگی کاربری از اینستاگرام جلد ۴

خواننده‌هایی هم که دوست دارم، د ویکند و ایوا مکس هستند.



- بیش‌تر پیج کدوم یکی از این افراد رو چک می‌کنی؟

پسرا هم بی‌تی‌اس با این که تازه اومدن اینستا.

- طرفدار بی‌تی‌اس هستی؟

آره، خیلی.



- چی شد که طرفدارشون شدی؟

ازشون آهنگ بلک سوان رو شنیدم، روش قفلی زد، بقیه آهنگاشونم گوش کردم، خوشم اومد،

دیگه طرفدارشون شدم.

- آهنگ‌هاشون چه ویژگی‌ای داشت که ازشون خوشت اومد؟

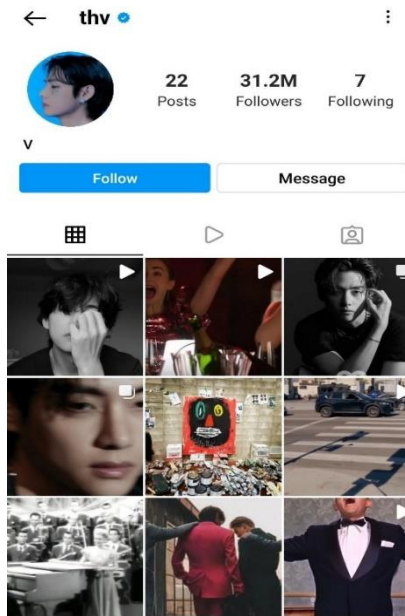
اولش که ریتم‌شون رو پسندیدم، بعد متن‌شون رو خوندم، دیدم چه پر معنی‌ان، بیش‌تر پسندیدم.
- آهنگ‌هاشون درباره چی هست؟
درباره موضوعای مختلف سلف‌لاو، اعتماد به نفس داشتن، موضوعای فلسفی.



- آهنگ‌هاشون روی شما تأثیری هم گذاشته، مثلاً درباره‌ی اعتماد به نفس؟
آره، چون می‌گن خودت رو همون جوری که هستی بپذیر و دوست داشته باش.
- شما هم همون جوری که هستی خودت رو دوست داری؟
شاید نه دقیقاً، ولی سعی‌ام رو می‌کنم.
- به غیر از آهنگ‌هاشون، پیگیر زندگی شخصی‌شون هم هستی؟
آره، هستم.
- به نظرت ویژگی‌های مثبت‌شون چی هست؟
ویژگی مثبت هر کدوم‌شون رو بگم یا در کل؟
- ویژگی مثبت هر کدوم رو بگو.
مثلاً نامجون به عنوان لیدر از چیز مدیریتی بالایی برخورداره و می‌دونه که توی هر موقعیتی چه جوری برخورد بکنه و هندل کنه، جین توی هر موقعیتی سعی می‌کنه جوک‌های بابا بزرگی بگه، تهیونگ خیلی وقتاً تایم استراحتش رو میاد با فنانش گیم می‌زنه، با این که سرش شلوغه، جیهوپ خیلی مهربونه، اصلاً مهربون‌تر از این بشر نی، وای یه‌سری نامجون به یه فنه توی فن میتینگ، گفته بود ببخشید که فتوکارت من رو درآوردی، این قدر متواضع بود.
- دیگه چی؟
دیگه در کل جنسیت زده نیستن، سعی می‌کنن به همه ادیان و مذاهب هم احترام بذارن، خیلی وقتاً به مناسبت‌های مختلف به خیریه‌ها کمک‌های بزرگ می‌کنن توی هر زمینه‌ای، از خواننده‌های تازه کاری که دیده نمی‌شن، حمایت می‌کنن تا بتونن کارشون رو به ملت نشون بدن، از برندهای سطح پایینی که فروشی ندارن، استفاده می‌کنن تا فروش اون برندا بالا بره، دیگه خیلی از این کارا می‌کنن.



- این ویژگی‌های مثبت‌شون چه قدر روی شما تأثیر گذاشته؟
وقتی آیدلات این قدر با رفتاراشون با آهنگاشون ویژگی‌های مثبت رو یاد می‌دن، تو هم سعی می‌کنی، یادشون بگیری.
- بیش‌تر کدوم ویژگی مثبت‌شون تحت تأثیرت قرار داده؟
این که این قدر مهربون و متواضع ان و به همه احترام می‌ذارن.
- از نظرت ویژگی‌های منفی‌شون چه چیزهایی هست؟
چیزایی که نشون دادن از خودشون این بوده که مثلاً جین زود عصبانی می‌شه و حساسه، تهیونگ خیلی احساساتی‌ه، ولی چندسال اخیر خیلی درون‌گرا شده و حتی به گفته خود اعضاء با بقیه هم زیاد درباره چیزایی که اذیتش می‌کنه، حرف نمی‌زنه، نامجون و جیهوپ حس خود کم بینی داشتن، الان البته خیلی بهتر شدن، ولی بازم هست هنوز، ویژگی منفی موقعیتی هم که توش هستن اینه که نمی‌تونن یه زندگی راحت داشته باشن، راحت توی پابلیک قرار بذارن یا هر عکسی دوست داشتن پست کنن، با تتو و پیرسینگ و سیگار قضاوت می‌شن، جونگکوک هم خیلی خجالتی بود، نمی‌دونم منفی حساب می‌شه یا چی.
- این ویژگی‌های منفی شده روی شما اثر بگذاره؟
نه که روم اثر بذاره، ولی منم مثل جونگکوک خجالتیم بعضی وقتا، مثل تهیونگم درون‌گرام.
- چه قدر پیگیر پیج اینستاگرام‌شون هستی؟
برم توی اینستا ببینم پست گذاشتن، لایک می‌کنم، تهیونگ هی استوری می‌ذاره از خودش، استوریاشون رو می‌بینم.



- به غیر از افراد مشهور، چه پیج‌های دیگه‌ای رو دنبال می‌کنی؟
آشناها رو فالو می‌کنم، دوستانم.
- دوست‌ها و آشناها چه فعالیتی توی اینستاگرام دارن؟
پست و استوری می‌ذارن از خودشون و بچه‌هاشون، توی گروه فامیلی پست می‌فرستن.
- با پست‌هایی که می‌گذارن، ارتباط برقرار می‌کنی؟
ارتباط برقرار می‌کنم؟
- منظورم این هست که لایک می‌کنی یا کامنت بگذاری و باهاشون ارتباط برقرار کنی؟
آره، ولی بیش‌تر فامیلای نزدیک و دختر خاله‌هام، بقیه نه.
- دیگه چه پیج‌هایی رو دنبال می‌کنی؟
پیجای لباس زیاد فالو می‌کنم، پیجای خبری رو جدیداً کم‌تر فالو می‌کنم، چون اخبار رو می‌خونم، اعصابم خورد می‌شه.
- چه اخباری اعصابت رو خورد می‌کنن؟
اخبار سیاسی، اقتصادی، این که هر روز داریم بدبخت‌تر می‌شیم.
- برای این اخباری که می‌گی مثال می‌زنی؟
بگم چه اخباری اعصابم رو خورد می‌کنه؟
- آره، بگو مثل چه خبری؟

مثل خبر این مذاکرات شون که یه مشت بی سواد و اُس**، رفتن مذاکره که ما رو بدبخت تر کنن، بالا و پایین شدن قیمت دلار که اون رو مجبورم دنبال کنم. یه سری سر شاپم به یه کلاه بردار کره‌ای خوردم، ۵۰ دلار پول بی زبونم رو خورد، این قدر حرص خوردم، آه.
- دیگه چه اخباری؟

اون سری که زنه توی تبریز بود، اردبیل بود، کجا بود، دوتا دختر رو زیر گرفته بود، چون حجاب نداشتن، همه‌ی اینا با اعصابم بازی می کردن، دیدم کم تر دنبال شون کنم، واقعاً روانم راحت تره، کم تر حرص می خورم.

- از چه پیج‌هایی توی اینستاگرام اخبار رو دنبال می کردی؟
بی بی سی پرسن، ایران اینترنشنال، آنفالوشون کردم ولی.

- قبل از این که دنبال شون کنی، چه دیدی به اوضاع اقتصادی و سیاسی داشتی؟
هر چی اخبار کم تر ببینی، کم تر می دونی چه خبره و کم تر حرص می خوری. اون موقع هم اندازه چند وقت پیش پیگیر اخبار نبودم، با این که اتفاقای مهم و داغون رو می دونستم، ولی زیاد دقیق اخبار رو پیگیر نبودم، کم تر حرص می خوردم.

- پس از قبل هم دید مثبتی نسبت به اتفاق‌های سیاسی نداشتی؟
نه، نداشتیم.

- ولی بعد از دنبال کردن اخبار از طریق پیج‌ها، دیدت منفی تر شد؟
نمی شد که نشه.

- برای همین دیگه پیج‌های اخبار رو دنبال نکردی؟
واسه این که کم تر اعصابم رو بهم بریزم.

- اخبار رو از طریق پیج‌های داخلی و دولتی هم دنبال می کنی؟
نه، اونا که حرفاشون صد من یه غازم نمی ارزه.

- چرا؟

چون زیر دست همین حکومت کار می کنن، همه چی رو ماله می کنن، گل و بلبل نشون می دن.
- از اول بهشون اعتماد نداشتی؟

آره، چون معلومه کارشون چیه.

- خوب گفتم که پیج‌های لباس هم زیاد دنبال می کنی؟
آره.

- برای خرید؟

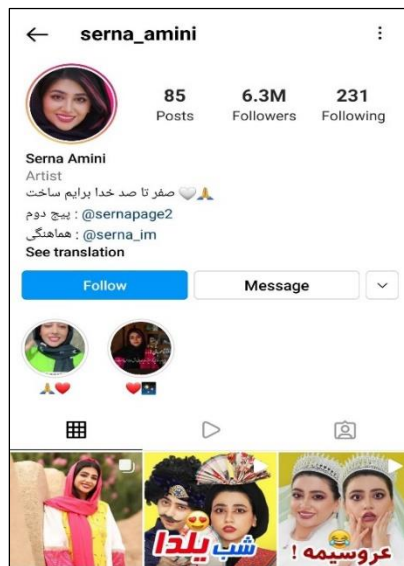
شاپ خرید که هست، ولی معمولاً فقط سیوشون می کنم، نمی خرم.

- چه نوع لباس‌هایی رو برداشت می کنی؟

پالتو و پافر آلآن که فصل سرماست، لباس مجلسی.

- سلیقه‌ات بعد از دنبال کردن پیج‌های لباس، توی پسندیدن لباس فرق کرده؟
آره، بالاخره که تأثیر که دارن، مثلاً قبلاً نمی‌دونستیم پافر چیه، هودی چیه، آلآن می‌دونیم چی
اند، می‌خریم، می‌پوشیم‌شون.

- افرادی که توی اینستاگرام معروف شدن رو دنبال می‌کنی؟
اینایی که واینرن ویدیوی فان درست می‌کنن رو فالو می‌کنم.
- مثل کی؟
مثل سرنا امینی.



- درباره‌ی سرنا امینی می‌گی؟
سرنا امینی یه واینره که ویدیو فان درست می‌کنه می‌ذاره که پیجش خیلی زود رشد کرد، چون
خیلی فان بود، آلآن چند میلیون فالور داره.
- چه طور شد دنبالش کردی؟
یکی از ویدیوهایش رو دوستم برام فرستاد، خیلی خندیدم، خیلی هم با استعداد بود، فالوش کردم.
- منظورت از بااستعداد چی هست؟
خوب می‌تونه کاراکترای مختلف رو دربیاره، خودش رو بذاره جای مامانش، جای باباش، اگه بخواد
بازیگر خوبی هم می‌تونه بشه.



- پس چون با استعداد هست ازش خوشت میاد؟
- آره و از استعدادش پول درمیاره.
- شما هم می‌خواهی از استعدادت پول دربیاری؟
- دلیم می‌خواد، ولی نمی‌شه.
- چرا؟
- چون که باید یه بیس چهره و اعتماد به نفس اجرا رو داشته باشی که من الان ندارم.
- چرا این دید رو نسبت به چهرهات داری؟ خیلی خوبه که.
- مرسی، ولی در کل با قیافه‌ام مشکلی ندارم، چون نرماله، ولی کسانی که خودشون رو جلو چشم مردم می‌ذارن، ویدیو می‌گیرن، یه مینیوم استانداردایی رو قیافه‌شون داره، اون مینیوم استاندارد رو نداشته باشی، بیش‌تر قضاوت می‌شی، منم تحمل کامنتای چرت و پرت رو ندارم.
- اون استانداردهایی که می‌گی، چی هستن؟
- مثلاً خوش استیلن، دماغ کوچیک، چشمای درشت، موی خوب.
- چه طور به این نتیجه رسیدی که این‌ها استانداردهایی هستن که کسانی مثل سرنا امینی دارن؟
- می‌بینم که ویدیوهاشون رو، اکثراً این شکلی‌اند.
- نظرت راجع به بلاگرها چی هست؟
- بستگی داره چه بلاگری باشه، اکثر بلاگرا الکی معروف شدن، از زندگی معمولی‌شون فیلم می‌گیرن، فالور می‌گیرن می‌رن بالا. مثلاً یه پست می‌ذارن، این بچه‌ام رو نگاه کن، چه کار می‌کنه، خب چه کار کنم، همه‌ی بچه‌ها همون کار رو می‌کنن، فکر می‌کنن بچه‌شون تحفه هست، کلی هم ازش پول درمیارن یا این فودبلاگرا، مهدیس فود، مستر تیستر، بهشون پول می‌دن برن مفت مفت غذا بخورن، بعد از غذاشون تعریف کنن.
- ازشون خوشت نمیاد؟
- نه، چون نجسب ان اکثرشون.
- چرا نجسب هستند؟
- چون مفت می‌چرخن پول پارو می‌کنن، اکثراً هم آدمای درست و حسابی‌ای نیستن.

- فقط از یک تعداد کمی شون مثل سرنا امینی خوشت میاد؟
- آره، چون اون با استعداد تو کارش، مثل بقیه شون مفت خور نیست.
- مرسی که وقت گذاشتی، مورد دیگه‌ای هست که بخوای در مورد اینستاگرام بگی؟
- باشه برای دفعه بعد.
- باشه، پس ممنونم ازت.
- (امکان انجام مصاحبه دوم فراهم نیامد).

تأملی دوباره:

ترانه ۲۱ ساله، در مصاحبه خود درباره اثرهای کاربری از شبکه اجتماعی اینستاگرام، به مباحثی حول محورهای اثرهای آموزشی، اجتماعی، اقتصادی، خانوادگی، روان‌شناختی، زیباشناختی، زیستی، زیست محیطی، سیاسی، عقیدتی و فرهنگی اشاره داشته است.

ترانه در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل آموزشی کاربران، به امکان بهره‌برداری آموزشی از اینستا اشاره داشته است.

ترانه در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در رفتار اجتماعی کاربران، به مواردی مانند: تعامل با فن پیج‌های همسو، نقد اجتماعی، شکل‌گیری هویت پنهان، کاهش سرمایه اجتماعی و نظایر آن، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

ترانه ۲۱ ساله، در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل اقتصادی کاربران، به مواردی مانند: تمایل به خرید کالا جدید، تحول آفرینی اینستا برای پسران و دختران جویای شغل، کاربری اقتصادی از اینستا، وجود کلاه‌برداری‌های اقتصادی در فضای مجازی، حرص خوردن از اوضاع اقتصادی کشور و نظایر آن، اشاره داشته است.

ترانه در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل خانوادگی کاربران، به پنهان‌کاری کاربران در برابر خانواده اشاره داشته است.

ترانه در مصاحبه‌اش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل روانی کاربران، به مواردی مانند: افزایش و ارتقای اعتماد به نفس، نقد اولیای کودکان کار سایبری، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

ترانه در مصاحبه‌اش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در علایق زیباشناختی کاربران، به مواردی مانند: دنبال کردن مدهای روز، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

ترانه ۲۱ ساله، در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل زیستی کاربران، از آسیب‌های زیستی استفاد مفرط از فناوری‌های ارتباطی، اشاره داشته است.

مصاحبه شونده در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل زیست محیطی کاربران، به ترغیب برخی از کاربران و صفحات اینستاگرامی مبنی بر ضرورت عطف توجه به مسایل محیط زیست، اشاره داشته است.

ترانه در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در رفتار سیاسی کاربران، به مواردی مانند: منفی تر شدن دید نسبت به اوضاع سیاسی، بی‌اعتمادی به رسانه‌های داخلی، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

ترانه ۲۱ ساله، در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در علایق فرهنگی کاربران، به مواردی مانند: استفاده از محصولات طنز و سرگرمی، پر رنگ شدن و شمول و گسترش مسایل اقتصادی در عامه افراد جامعه، توجه و گرایش زیاد جامعه به مقوله مدگرایی، تحولات بیانی که در کاربران اینستا رخ داده است، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

اگر در زمینه مباحث مطرح شده در مصاحبه ترانه ۲۱ ساله، با ارجاع سایر محورهای مطرح شده به دیگر کتاب‌های مجموعه حاضر، توجه خود را صرفاً معطوف به ابعاد فرهنگی (که مورد بحث اثر حاضر است) کنیم، می‌توان بیان داشت، ترانه در مصاحبه خویش ضمن تأکید شمول و گسترش مسایل اقتصادی در عامه افراد جامعه و توجه و گرایش زیاد جامعه به مقوله زیبایی، تحولات کلامی قابل ملاحظه‌ای را در خودش به معرض دید نهاده است. به کارگیری کلمات انگلیسی به فارسی مانند هندل کردن، پرموت کردن، استاک کردن اکس، آپشن، آیدل، پابلیک، فان، دیس بند و به کار بردن کلمات کم‌تر متعارف نظیر قفلی زدن، تباه بودن، اسکل، سیریش، ناموساً، نمونه‌های از کلمات مورد استفاده ترانه ۲۱ ساله که دانشجو هم هست، به شمار می‌روند.

مصاحبه با ثنا، ۱۵ ساله

من همیشه خدا رو شکر می‌کنم که فن بلک پینک و بی‌تی‌اس شدم.

- سلام، از این که قبول کردی با من همکاری کنی، متشکرم، اگه می‌شه اول بهم بگو که اسمت چیه و راحتی چی صدات کنم؟

سلام ممنونم ازت، باعث افتخاره، من ثنا ام، ملقبم به ماری ولی فرقی نداره هر طور صدام کنی.

- خوب ثنا خانم شما چند سالته؟

۱۵ سالمه.

- می‌توننی بگی معنی لقبی که داری چیه و این که چرا این لقب رو داری؟

خب می‌دونم من زیاد انیمه نمی‌بینم، خیلی کم، شاید تو عمرم چهار پنج‌تا دیده باشم، ولی یکی که دیدم، وقتی ماری اون جا بود، این انیمه خیلی خیلی به روح من نفوذ کرده بود و واقعاً شخصیت ماری رو خیلی دوست داشتم و یه جواری باهاش همزاد پنداری می‌کردم و به خاطر همین وقتی تصمیم گرفتم یه لقب برا خودم بذارم، تصمیم گرفتم ماری رو انتخاب کنم.



- به نظرت چرا حتماً باید یه لقب داشته باشی؟

خب می‌دونی نوجوونای امروزی همه‌شون برای خودشون یه لقب می‌ذارن و خب منم نزدیک یک ساله فک کنم این لقب رو دارم. خب می‌دونی مثلاً اگه تو بخوای وارد گپا بشی، خب مسلماً دوس نداری اسم خودت رو بگی، حالا فرق نداره هر اسمی داشته باشم و خب مثلاً بین یک جمعی که مثلاً هزار نفر ممبر اون گروه ان و من واقعاً دوس ندارم اسم خودم رو بگم اون جا، به خاطر همین لقب داشتن خیلی خیلی بهتر از اسم خودته، ولی خب کلاً زیاد از مارنی استفاده نمی‌کنم چون زیاد تو گپ نیستم، فقط تو یکی دوتا گپم.

- این گپ‌هایی که می‌گی توشون هستی، در مورد چی هستند؟

توی کی‌پاپ هستن. یک زمانی بود که همه تو کی‌رول بودن، نمی‌دونم اسمش رو شنیدی یا نه، به احتمال زیاد شنیده باشی، من الآن اصلاً عضوش نیستم و واقعاً از اون فضا خوشم نمی‌اومد، من نزدیک چند ماه پیش، فک کنم عید امسال، رفتم واردش شدم و هر کی باید یه نیک نیم انتخاب کنه و منم همین کار رو کردم، ولی انگار عین یه روح بودم اون جا و فقط نگاه می‌کردم به بقیه و الآنم از همه گپاشون لفت دادم، به خاطر اون نیک نیم انتخاب کردم واقعیتش و الآنم که توی تلگرامم، گپایی که در مورد بی‌تی‌اس هستن و گروه‌هایی که دوست دارم و استن‌شون می‌کنم، که البته من فقط دوتا گروه رو استن می‌کنم، بلک پینک و بی‌تی‌اس، من خودم توی این چیزا اصلاً صحبت نمی‌کنم و آدمی‌ام که خیلی درون‌گرام.

- متوجه شدم، فقط اگه بشه که یه کم در مورد کی‌رول که گفتمی واسم توضیح بدی، ممنون

می‌شم.

خب ببین کی‌رول یک فضاییه که تو می‌تونی هرکسی باشی اون جا، به طور خلاصه بگم، می‌تونی رول یکی رو برداری، مثلاً جانی دپ، بعد می‌تونی مثلاً سن خیالی انتخاب کنی، بعد می‌تونی تاپ، باتم یا ورس باشی که فکر کنم دیگه خودت می‌دونی که تاپ یعنی چی، باتم یعنی چی، و رسم که بی‌طرف هست که منم کلاً بی‌طرف بودم اون جا. همونجا میان باهم دیگه رول می‌رن. می‌دونی واسه بعضیا واقعاً اون جا فضاش خوب بود و بعضیا خیلی دوسش دارن، ولی الآن توی این چند ماه خیلی فضای مزخرفی توش ایجاد شده. داشتم می‌گفتم، اون جا مثلاً می‌تونی بری خرید، می‌تونی هرکاری بکنی، می‌تونی کاپ بزنی با دختر یا پسر، فرقی نداره یا می‌تونی اسمات بشی به صورت چت، نمی‌دونم شاید اسمات رو بدونی، ولی اگر نمی‌دونستی، بگو بگم بهت، آره کلاً همچین فضاییه، یک زمانی هم در موردش خیلی صحبت شد و اینا.



- اسمات رو نمی‌دونم چیه، می‌شه بهم بگیش؟

تا اون جایی که می‌دونم به معنای سکس چت هستش.

- می‌تونی بگی اصلاً چرا به نظرت این محیط می‌تونست مفید باشه؟

می‌دونی برای من مفید نبود، چون یه فضایی بود که دیگه خیلی بچه بازی شده بود مثلاً همه پروفایلشون رو دارک و سیاه و اینا می‌کردن و همه می‌خواستن خیلی خشن و اینا باشن و مثلاً این جور خیلی گنگ می‌شد طرف. ولی من مثلاً با کسانی که اون جا صحبت می‌کردم، بهم می‌گفتن که قبلاً کی رول خیلی فضای خوبی داشته، می‌دونی من نزدیک یک ساله فک کنم اون جام ولی چهار پنج ماه هم هست در اومدم، بعد از نظر اونا گفتم، چون اونا گفتن که فضای خوبی هم براشون داشته.

- متوجه شدم، بعد این که چرا تو دوست نداشتی تو اون فضا باشی یا فعالیت کنی توش؟ چه

چیزی رو در مورد فضایی اون جا دوست نداشتی؟

خب می‌دونی همون طور که گفتم همه دوست داشتن خیلی خودشون رو سرد نشون بدن یا خیلی دارک باشن یا مثلاً چه طوری بگم، به صورت مجسمه طور رفتار کنن و خیلی بدم می‌اومد این طوری که خودشون رو از بقیه بالا می‌بینن و هر چی که مثلاً فکر کنن دارک‌تر باشن، خیلی مردم دنبال اونا می‌فتن و اصن از اینش خوشم نمی‌اومد یا مثلاً تو بعضی از گپاش اجازه نداشتی از اموجی استفاده کنی و قانونای مسخره‌ای داشت یا مثلاً صحبت کردنشون و اینا، می‌دونی خودت نمی‌تونستی باشی و باید تظاهر می‌کردی.

- اصلاً بیا برگردیم به این که تو از کی کی پاپر شدی و این که چند ساله کی پاپری؟

من بخوام دقیق بگم توی دی ماه ۲۰۲۰ بود فک کنم، نزدیکای ۲۰۲۱ بود یا شایدم زودتر، من بلینک شدم و الان نزدیک دو ساله فک کنم فندومم، حالا کی پاپر جنرال نیستم ولی از همه گروه‌ها و سولویکس‌ها یک دونه آهنگ رو دارم و می‌شناسمشون، الانم که پارسال تابستون شهریور ماه من آرمی شدم، از قبلش بی‌تی‌اس رو می‌شناختم، ولی استنش نمی‌کردم.

- اصلاً چی شد که با بلک پینک آشنا شدی که باعث شد بلینک بشی؟

باورت می‌شه خودمم دقیق نمی‌دونم چه طوری و چی شد که این جور شد، من همیشه‌ام فک می‌کنم که دقیقاً چی شد که اون موقع با بلک پینک آشنا شدم که بلینک شدم، ولی یه چیزایی یادمه که من یه ویدیویی از شون دیدم، اون موقع که با سلینا گومز داده بودن آهنگ آیس کریم رو، نمی‌دونم الان شاید بگی سلناعه، ولی واقعیتش من تلفظ اصلی اسما رو راحت‌ترم، برای همین می‌گم سلینا، بازم ببخشید، فیت داده بودن که من واقعاً از اون آهنگ خوشم اومد و واقعاً کانسپت اون آهنگ خیلی کیوت بود و خب من بیش‌تر چیزای هات رو دوس دارم، ولی واقعاً خیلی کیوت بود و من واقعاً عاشق شون شدم و در این حد بود و بعدشم که من بلینک شدم و من اگه بخوام بگم، به طور کلی بایسم لیسا بود، ولی الان که نزدیک یک سال و نیمه اوتی فورم، یعنی هرچهارتاشون رو به یک اندازه دوست دارم.

- گفتی که خیلی محتوای اون آهنگه جذاب بود که با سلنا خوندن، متنش در مورد چی بود و چی اون برات جذاب بود؟

می‌دونی اگه بخوام در مورد لیریکش بگم، می‌دونی کلاً من همیشه اول موزیک ویدیو یه آهنگ رو می‌بینم، اگه داشته باشه یا معنی‌هاشون رو بعد خود آهنگ رو گوش می‌دم، می‌دونی لیریکش از اونا نیست که زیاد آموزنده باشه و خب می‌دونی اون موقع من دوازده سالم اینا بود حدوداً و کاملاً سر در نمی‌آوردم از اون لیریک، ولی خب چه طوری بگم، لیریکش یک جاش می‌گه که منو تو فریزر بذار و خیلی لیریک جالبی داره و مفهومی عجیبی توش داره، اگه بخوای یک عکس برات می‌فرستم ازش یا یک اسکرین شات می‌گیرم که لیریکش رو بخونی، ببینی چیه.

- آره، حتماً برام بفرست.

اوکی، لیریک زیاد مفهومی‌ای نداره (با خنده) ولی خب من دوستش دارم.

- یکی از چیزهایی که گفتی، این بودش که تو بیش‌تر لیریک‌های داغ رو دوس داری، چرا؟

می‌دونی منظورم لیریک نبود، مثلاً کانسپتای خیلی هات رو دوس دارم، می‌دونی من سبک هات رو بیش‌تر به کیوت ترجیح می‌دم ولی خب به موقعش خیلی کیوت و سافتم دوست دارم، ولی خب من بیش‌تر به معنای آهنگ دقت می‌کنم، لیریک هات گوش می‌دم، ولی نه این که فیوریتیم باشه، ولی اون لیریکایی که خیلی معنی قشنگی دارن رو واقعاً دوست دارم، درست گفتی؟ نه اون آهنگایی که لیریک قشنگی دارن رو دوس دارم، و این که یک معنایی دارن مثلاً به شخصه، بعضی از آهنگا هستن که واقعاً معنای جالبی ندارن، مثلاً همین آهنگای جدید ایرانی امروزی‌مون، حالا من نمی‌دونم خودت طرفدار چه خواننده‌ای هستی یا مثلاً ایرانی زیاد گوش می‌دی یا هر گروهی یا هر سولویکسی، ولی من واقعاً سبک پاپ امروز ایرانی رو دوس ندارم و من خودم به شخصه شادمهر رو دوس دارم، چون معنی آهنگاش قشنگه، می‌دونی آهنگای سنتی و قدیمی خیلی معنی قشنگه نسبت به

آهنگای امروزه، حالا به رپا کار ندارم که سیاسی ان و معنیش، واقعاً مشکلات مردم رو بیان می‌کنه، خلاصه می‌گم که من اون لیریکایی رو دوست دارم که خیلی پر معنی ان و امیدوارت می‌کنن و یک حسی که درونش نهفته هست رو بهت نشون می‌دن.

- بعد می‌شه از این لیریکایی که می‌گی دوس شون داری مثلاً چندتا مثال بزنی؟
خب می‌دونی آهنگای زیبای هستن، مثلاً من الآن بخوام از بلک پینک مثال بزنم مثلاً آهنگ forever young که به جوونی و اینا اشاره داره، یه آهنگیه با سبک عاشقانه و سبک تینجیری مانند که مثلاً می‌گه بیا رو جوونی مون قمار کنیم و معنی قشنگی داره و من لیریک شو خیلی دوس دارم، سولو جنی هم فوق‌العاده هست و به قوی بودن و تنهایی اشاره داره و می‌تونیم تنهایی هرکاری بکنیم و اینا، hope not بلک پینک خیلی وایب آروم و ریتم خیلی قشنگی داره، underground رزی هم لیریکش فوق‌العاده هست و به معنای اینه که هر چی که نیاز دارم، روی زمین و اینا و خیلی قشنگه لیریکاشون، اگه بخوام از آهنگای ایتسی بگم، گروه ایتسی رو من همه آهنگاشون رو شنیدم و دارم و واقعاً آهنگاشون فوق‌العاده هست و بیش‌تر به خودمون بودن اشاره داره و مثل آهنگ دالا و خیلی از آهنگای دیگه که نمی‌دونم یادم بیاد یا نه، خیلی خیلی گروه ایتسی رو به خاطر لیریکاشون دوست دارم، و از بی‌تی‌اس هم که کلاً نماد لاو یور سلف و دوست داشتن خود هست، بی‌تی‌اس واقعاً آهنگاشون یک لول دیگه هست و نکست لول هست و آهنگاش دیگه سبک خودش رو داره و همون طور که می‌دونی بی‌تی‌اس دیگه جزء کی‌پاپ نیست، چند سال پیش بی‌تی‌اس از کی‌پاپ جدا شد و خودشونم حتی گفتن دیگه جز کی‌پاپ نیستن. خلاصه می‌گفتم آهنگای بی‌تی‌اسم واقعاً خیلی قشنگن، مثلاً آهنگ idol رو من خیلی دوست دارم یه جاش که می‌گه I love myself، البته بیش‌تر آهنگاشون این رو می‌گن ولی خب آهنگ idol معنی خوبی داره و کلاً خیلی آهنگا هست، می‌دونی بی‌تی‌اس صد و خورده‌ای آهنگ داره و بیش‌تر آهنگاشونم که لاو یور سلف داره. بعد اگه بخوام از مورد علاقه‌هام بگم که البته همه‌شون مورد علاقه من ان، مثلاً life goes on، blue and gray، fix you، where is my angel، من واقعاً جدا از هر چیزی شاید معنی خاصی نداشته باشه که البته داره، من واقعاً اون پارت رو دوس دارم و دیگه خیلی آهنگا هست که بخوام بگم می‌شه شیشصد هفتصدتا. البته آهنگ we are bulletproof هم هست.

- پس بیش‌تر آهنگ‌هایی که مفهوم امید و عشق به خود و این چیزها رو داره دوست‌شون داری، درسته؟

دقیقاً، آهنگایی که شخصیت و نیاز به یه نفر و نیاز به یه پسر نداشته باشه و اول از خودش شروع کنه و خودش رو دوس داشته باشه و خودش رو تقویت کنه و خودش رو تقویت کنه و این جور آهنگا رو دوست دارم. البته آهنگای عاشقانه یه چیزیه که همیشه تو آهنگا هست و خب اونم دوس دارم، چرا که نه، ولی خب بیش‌تر این سبکی به دل من می‌شینه.

- چرا فکر می‌کنی که این نیاز به یک مرد یا پسر داشته بده یا مثلاً اگر دختر به جاش باشه بهتره؟ صرفاً مشکل اون پسر بوده هست یا کلاً نیاز داشتن به یک فرد دیگه؟

خب می‌دونی من نمی‌گم انسان باید تنها باشه، می‌دونی انسان‌ها به هم دیگه نیاز دارن، انسان یک موجود اجتماعی و باید با دیگران ارتباط برقرار کنه، ولی خب واقعاً بعضی آهنگا هستن که فقط به این اشاره دارن که مثلاً به یک نفر نیاز داره و فقط همین، می‌دونی بی‌معنی بعضی از حرفاشون، ولی خب بعضی عاشقانه‌ها رو هم داریم که خیلی خیلی قشنگ عشق رو به تصویر کشیده و همون طور که قبلاً هم گفتم، من آهنگای عاشقانه هم گوش می‌دم و این سبکم دوست دارم ولی این نیست، می‌دونی چه دختر چه پسر اول باید خودش رو قوی بکنه و بعدش نیمه گمشده‌اش رو یک روزی پیدا کنه و یا هر کسی که بتونه بهش تکیه کنه و اونم بهش تکیه کنه، به نظر من دو نفر باید بهم تکیه کنن و نه صرفاً یک نفر، می‌دونی ولی برا هر کس یه جوره.

- می‌تونی مثلاً بهم بگی توی کدوم آهنگ‌ها تونستی این عشقی که مد نظرت هست رو پیدا کنی و مثلاً لیریک‌شون چه جوریه بوده و اسم آهنگ‌شون چی و چه جوریه بود؟
خب من آهنگ dandelions از Ruth B رو خیلی دوست دارم، می‌دونی تصویر قشنگی از عشق رو به تصویر کشیده، مثلاً می‌گه من تا ابد رو تو چشمت دیدم و می‌دونی معنی قشنگی داره و ریتمش ملایمه، یکی‌ام آهنگ love song از سلینا گومز، البته من کلاً فن سلینا هم هستم، البته اول بلینک بودم، بعد سلینا، بعد آرمی.

آهنگای زیادی تو ذهنم ندارم، ولی این دوتا آهنگ خیلی قشنگ ان. یک آهنگ دیگه‌ام هست که خیلی پارادوکس قشنگی داره، اسمش I hate you, I love you هستش که از اولویا و گوناش هس یه همچین چیزیه و تلفظش رو درست نمی‌دونم و این آهنگه هم از اسمش معلومه که می‌گه از این متنفرم که دوست دارم، می‌دونی یک پارادوکس خیلی قشنگی داره و من اینش رو خیلی دوس دارم. یه آهنگ دیگه هم هست که الآن یادم اومد، آهنگ Talking to the moon از برونو مارس.

- می‌تونی بهم بگی که چرا اصلاً سراغ بلک پینک رفتی؟

دوس داشتن یه چیزیه که یهویی خودش پیش میاد و می‌دونی دست عقل نیست و من بلک پینک رو وقتی شناختم، اولش موزیک ویدیوشون رو هر روز می‌دیدم، دنساشون رو تمرین می‌کردم و اینا، بعدش دیدم کار هر روزم شده آهنگاشون رو گوش بدم و الآن هر روز، هر روز من آهنگای آلبوم جدیدشون رو گوش نکنم، آروم نمی‌گیرم واقعاً و نمی‌دونم یه علاقه خاصی بهشون ایجاد شد که انگار می‌دونی با این که از من خیلی بزرگ‌ترن، ولی یه حس کاملاً خانوادگی بهشون دارم و احساس می‌کنم که واقعاً جزئی از من ان و یه چیزیه که خود به خود پیش اومد و یه جاذبه‌ایه که

به سمت اونا منو جذب کرد و تونستم باهاشون خو بگیرم، اون یکی گروه هم هست که دوسشون دارم، ولی مثل بلک پینک باهاشون خو نگرفتم و خب این قدرت بلک پینکه.



- فکر می‌کنی که برای تو چه چیزی بلک پینک رو از گروه‌های دیگه‌ای که دوستشون داری جدا کرده؟

باورت می‌شه، من تا حالا به این سوالا فکر نکرده بودم و تا حالا این سوالا رو از خودم نپرسیده بودم و چه قدر خوب که ازم پرسیدی تا فکر کنم، بینم واقعاً چه طوری شد که اونا برام فرق دارن، به نظر من می‌دونی دقیق نمی‌دونم و برمی‌گرده به یه چیز قلبی، ولی خب همه هم آهنگای هات دارن، هم خیلی کیوتن، یعنی کانسپتای خیلی متفاوتی دارن، بعد بلک پینک هم همین طوره و همیشه حفظ می‌کنه تعادل رو، ولی بیش‌تر هات هست و من به اون هات بودنش کار ندارم، اصلاً و واقعاً اون جداست، ولی دلیل مشخصی نداره و من وقتی می‌بینم خوشحال ان، می‌خندم و وقتی می‌بینم حالشون بده، حالم واقعاً گرفته می‌شه، الآن مثلاً لیسا حالش بده و من حالم گرفته اس به خاطر این که گردنش درد می‌کنه و حال جسمی خوبی نداره یا مثلاً الآن من همه برنامه‌ها و مستندا و هر چیزی که در مورد بلک پینک فکر می‌کنی، رو من دیدم و واقعاً یه چیزیه که دلپه و شاید اینه که من اونا رو مثل یک خانواده می‌بینم و بقیه گروه‌ها رو اون جوری نمی‌بینم و اینه که اینا رو جدا کرده. می‌دونی نمی‌شه گفت، الآن مثلاً شاید بعضیا بگن که به خاطر اینه که چون خیلی به طرفداراشون اهمیت می‌دن، درسته واقعاً خیلی به طرفداراشون اهمیت می‌دن، ولی این خیلی بی‌انصافیه که بگیم بقیه گروه‌ها به طرفداراشون اهمیت نمی‌دن، شاید یکی خیلی بیش‌تر عشق بورزه، ولی در حقیقت همه سلبریتی‌ها طرفداراشون رو واقعاً دوست دارن.

- دوست دارم بدونم مثلاً اینی که می‌گی شبیه خانواده‌ات هستن و یک جورایی شدن یه بخشی از تو، چه چیز خاصی توشون دیدی که بتونی بگی آره من این رو دیدم و حس کردم که مثل خانواده‌ام هستن؟

خب می‌دونی بازم حرف قبلیم رو تکرار می‌کنم که هر کسی می‌تونه با یک گروهی خو بگیره یا با یک سولویستی، ولی چیزی که من دیدم، توی اونا این بودش که خیلی خیلی خودمونی ان یا شاید من این طوری می‌بینم، می‌دونی این طوری شده که هر روز ویدیوهاشون رو می‌بینم، مومنتاشون رو چک می‌کنم، اخبارشون رو خیلی خیلی زیاد دنبال می‌کنم، قربون صدقه می‌رم و خیلی دوس شون دارم و این به نظر من بچه بازی هم نیست و شاید بزرگا فکر کنن که این بچه بازیه و اینا، ولی من واقعاً دوس شون دارم، چطور یه آدم خانواده‌اش رو دوست داره و بهشون عشق می‌ورزه و منم اون طوری‌ام و جوریه که کل زندگی‌شون رو می‌دونم و احساس نزدیکی خاصی بهشون می‌کنم.

- خیلی ممنون ازت، این ویدیوهایی که در موردشون می‌گی می‌بینی، بیش‌تر چه مدل ویدیوهایی هست؟
خب می‌دونی الان بلک پینک بعد از دوسال استراحت و این که دوسال فعالیت نکردن به صورت گروهی، بعد از دوسال آهنگ بیرون دادن و الان تور جهانی گذاشتن که خب علاوه بر خودشون کلاً خیلی باحال و جذابه هم از لحاظ طراحی صحنه‌هاش که خیلی خاص و جالب شده، برعکس قبلاً که ساده‌تر بود و کامبک دادن کلاً و اینا و منم اخبار کنسرت‌شون رو و پست اینستاگرام‌شون رو دنبال می‌کنم یا مومنتایی که بیرون می‌دن از کنسرت‌شون و اینا، حالا قبلاً تو پینترست و اینا می‌گشتم و ویدیوهاشون رو می‌دیدم و الان تقریباً هیچ ویدیویی نیست که ندیده باشم و همه برنامه‌هاشون رو هم دیدم و دیگه چیزی نیست و اجراهاشون هم که دیدم و دارم برنامه‌هایی که جدید بیرون می‌دن، مثلاً بلک پینک مموریس تا قسمت ۳ اومده و یکی دیگه‌ام بیرون دادن که اونم دیدم، ولی اسمش الان یادم نیس، بیش‌تر این جور چیزا و اخبارشون رو و مثلاً روزمره‌شون رو دنبال می‌کنم.

- بیش‌تر پس روزمره و ایناشون رو دنبال می‌کنی، فکر کنم گفتی فرد مورد علاقه اولت لیسا بود و بعد همه‌شون شدن، می‌خوام بدونم چرا اول اون بود و بعد چی شد که همه‌شون شدن؟
خب می‌دونی وقتی یه گروه رو دنبال می‌کنی یا فنش می‌شی، بیش‌تر افراد اولش از یک عضو خوش شون میاد و من از لیسا خوشم اومد، به خاطر این که من نمی‌دونستم اون موقع گروه خونی‌مون باهم یکیه، ولی خب گروه خونی‌مون باهم یکی بود، بعدش که فهمیدم، اخلاقمون رفتارمون و حتی مامانم می‌گه که بین اعضای بلک پینک من شبیه لیسام و اگه بخوایم چهره رو شبیه بکنیم، شبیه اونم، و خب می‌دونی بازیگوشی‌هامون و دیوونه بازی‌هامون خیلی شبیه هم بود و خب استایلامون خیلی شبیه هم بود و انگار شبیه‌ترین کس به خودم رو انتخاب کردم و وقتی بلک پینک رو شناختم

و اعضاءش رو تو گوگل سرچ کردم، اول از لیسا خوشم اومد و واقعیتش گفتم، این قیافه‌اش از همه بهتره و بعدش اون موقعی جنی و لیسا رو دوست داشتم و بیش تر لیسا بعدش، بعدش رزی و بعد جیسو، یادمه اولش با جیسو خو نمی‌گرفتم و برعکس دختر خالم با هر سه تاشون خو گرفته بود. من بلک پینک رو به دختر خالم معرفی کردم ولی با لیسا نه، ولی الان من جوری شیفته هر چهار نفرشون هستم، یعنی اگه الان بهم بگن یکی بالاتره من سریعاً رد می‌کنم. من الان واقعاً نمی‌تونم بین هیچ کدوم از این چهار نفر هیچ تبعیضی قایل بشم، به مرور زمان هر کی طرفدار گروهی باشه و بایسی داشته باشه، به تغییر می‌کنه و به احتمال زیاد همه اعضای گروه رو دوست داشته باشه، به احتمال زیاد و منم همین طورم و الان به حد مرگ‌باری عاشق جیسو ام، یعنی واقعاً خیلی دوشم دارم و همه‌شون رو فوق‌العاده عاشق شونم. آها این رو یادم رفت بگم که چرا اوتی فور شدم، به خاطر این که اونا یک گروه ان و به نظر من باید هر چهارتا رو به یک اندازه دوست داشت یا مثلاً هفت نفری که اعضای بی‌تی‌اسن یا هر کی، به خاطر این که اونا به یک اندازه زحمت کشیدن و اون گروه رو ساختن و اگه یکی از اون افراد نبود، اون گروه نبود و به این ترتیب و به خاطر همین من اوتی فور شدم و بدون اون گروه دیگه معنا نداشت.

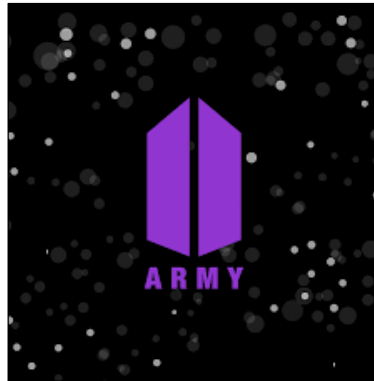
- بین تو اینجا در مورد استایل دخترهای بلک پینک گفتمی که توی لباس پوشیدن یا مدل آرایش و مدل موهات ازشون تقلید می‌کنی و به نظر خودت تأثیر گرفتی؟
اول از همه بگم که من آرایش نمی‌کنم، نه این که اجازه نداشته باشم، ولی دوست ندارم یعنی روحیه‌ام با آرایش سازگار نیست و با این که همسن و سالام همه‌شون این طوری ان، می‌دونی اصلاً چیز بدی نیست، ولی خب من اصلاً دوست ندارم، یعنی فعلاً تا دانشگاه برم و اینا. من از استایل‌شون الگو نگرفتم تا حالا، چرا مثلاً از استایل جیسو من قبلاً خیلی استفاده می‌کردم، من لباسای دارک و سیاه و لش و گشاد بیش تر تابستون می‌پوشم، ولی تو زمستون و پاییز سبک کلاسیک رو استفاده می‌کنم و مثلاً چون لیسا استایلش دارک و لش و گشاد هست، ولی جیسو استایلش کلاسیکه، من بیش تر از استایل تهیونگ الگو می‌گیرم، در صورتی که استایل جیسو و تهیونگ خیلی شبیه همه، ولی من تا حالا از مدل مو و اینا الگو نگرفتم واقعیتش.



- در مورد این که گفتی از استایل تهیونگ بیش تر الگو می گیری، می تونی بگی که استایلش چه مدلیه و چی رو بیش تر توی تیپش دوست داشتی که باعث شد از این آدم الگو بگیری؟
خب می دونی من بیش تر آدم کلاسیکی ام و کلاً سبک و استایلم کلاسیکه، نوع لباس پوشیدنم و اینا، همه اطرافیانم می گن که من کلاً وایب قهوه ای و کلاسیک و این طوری بهشون می دم، بعد تهیونگ هم دقیقاً همین طوره، وایب واقعاً خیلی زیادی کلاسیک می ده و انگار از دهه نود اومده، مثلاً کلاه های برد فرانسوی و اینا یا مثلاً پالتوهای قهوه ای بلند و همچنین استایلی می زنه و مثلاً شلوارای گشاد، لش و اسپرت نه، یه نوع شلواراییه قدیمیا می پوشیدن و من خیلی خیلی این استایلا رو دوست دارم، به خاطر همین از استایلش خیلی خوشم میاد و می خوام الگو برداری کنم.
- از تهیونگ گفتی، یادمه تو حرفهات گفتی که قضیه آشنا شدن با گروه بی تی اس و هوادار شدنت یه داستان جالبی بوده، می تونی برام تعریف کنی که اصلاً چی شد که با بی تی اس آشنا شدی و طرفدارشون شدی؟

خب می دونی آره واقعاً داستان جالبی داشت، من نزدیک یک سال بود که بیلینک بودم اون موقع و در مورد بی تی اس شنیده بودم و زیاد ازشون خوشم نمی اومد، بعدش داشتم تو اینستا می گشتم و یکی از پستا رو دیدم که نوشته بود کی پاپ و عکس یک گروه پسرانه بود و من فکر کردم بی تی اسه در حالی که تی اکس تی بود و من گوش دادم و گفتم عه این بی تی اسه و گفتم اصن از سبک شون خوشم نیومد و اینا، قبل از این اصلاً در مورد بی تی اس هیچ حسی نداشتم، نه بد، نه خوب، ولی بعد از اون گفتم نه خوشم نیومد دوست ندارم و اینا، بعدش فهمیدم که تی اکس تیه و اینا و آرمی شدم و اتفاقاً همون آهنگ تی اکس تی رو دانلود کردم و واقعاً عاشقش شدم، تی اکس تی هم واقعاً به نوبه ی خودش خیلی خیلی گروه توانمنديه، خلاصه قبل از این که آرمی بشم، با دوستانم که داشتیم ویدویو کال می کردیم که اصن کی پاپ نبودن و گفتن که بی تی اس رو می شناسی و اینا، بعد منم به خاطر این که کم نیارم گفتم که آره من تهیونگ رو دوس دارم و گفتم تقدیرم گره خورده که بایسم بی تی اس باشه و اینا، ولی بعد از یک ماه اوتی سون شدم.





- می‌تونم بهم بگی که چرا از بین همه شون تهیونگ رو دوست داری و این که در نهایت چی شد که بعد یک ماه طرفدار همه‌شون شدی؟
همون طوری که گفتم، چون دوستانم می‌گفتن تهیونگ خیلی خوبه و ما دوشش داریم و اینا، خب منم گفتم اوکی و منم بایسم تهیونگ می‌شه و من واقعاً خیلی دوشش داشتم و چون به عنوان بایسم انتخاب کرده بودم، شاید همه رو دوس داشتم ولی تهیونگ رو یک درصد بالاتر دوست داشتم، شاید چون بایسم بود، ولی بعد از یک ماه من اوتی سون شدم، چون فهمیدم واقعاً نمی‌شه فرق گذاشت و واقعاً بی‌تی‌اس یه گروه هفت نفره هست و نمی‌شه فرق گذاشت و من واقعاً همون طور که در مورد بلک پینک بود، در مورد بی‌تی‌اسم همین طوره و من واقعاً نمی‌تونم بین شون فرق بذارم و همه‌شون رو واقعاً به یک اندازه دوست دارم.



- پس به خاطر دوست‌ها بود که شروع کردی که از تهیونگ خوشت بیاد، بعد این که می‌خوام بدونم که کدوم یکی از آهنگ‌های بی‌تی‌اس رو بیش‌تر باهاس ارتباط برقرار می‌کنی و بیش‌تر دوست داری؟

خب اولین آهنگی که می‌گم وکالاین خوندنش که کل اعضای بی‌تی‌اس نخوندن و کلاً چهارنفرشون خوندن و واقعاً آهنگ قشنگیه و هیچ وقت نشده از این آهنگ زده بشم، هر چه قدر

گوشش می‌دم و ماجرای قشنگی که پشتشه، در مورد زود از دست دادنه و در مورد عشقه و داستانش اینه که یک مردی ظاهر زشت و ترسناکی داشته و توی قلعه شنی خودش رو حبس کرده بوده و یک روز می‌بینه یک دختره میاد از باغش گل می‌چینه و چندتا گل می‌چینه، ولی نمی‌ره خودش رو نشون بده چون از ظاهرش خوشش نمی‌اومده و بعد عصبی می‌شه و اینا و هر روز میاد این دختر می‌چینه و می‌بره و بعد مرده می‌ره دنبال دختره. یک بار بر ترسش غلبه می‌کنه و بعدش می‌بینه، دختره یک دختر خیلی فقیریه که می‌بره اون گلا رو می‌فروشه، این مرده هم می‌ره بهترین گلا رو می‌چینه اون جا، تا دختره بتونه فروش زیادی داشته باشه، بعد از این که یک روز تصمیم می‌گیره خودش رو نشون بده و بره به دختره کمک کنه می‌ره می‌بینه دختره مرده و بعدش که برمی‌گرده قلعه همه‌اش خودش رو سرزنش می‌کنه که چرا زودتر نرفته بهش کمک کنه و اینا و همه‌اش پشیمونی و از دست دادن و اینا بوده و با صدای زیبای و کالاین واقعاً گوش بدی، می‌فهمی من چی می‌گم و به روحت نفوذ می‌کنه. بعد یه آهنگ دیگه‌ای که همه افرادش خوندن، اسمش life goes on هست و در مورد اینه که زندگی گذراست و همه چیز درست می‌شه و اینا و در مورد عشق نیست و انگیزشی و خیلی آرامش بخشه و من خیلی دوش دارم.

- یک جا بهم گفتم قبل این که آهنگ‌ها رو گوش بدی، می‌ری متن آهنگ‌ها رو سرچ می‌کن تا داستان پشت‌شون رو بدونی، می‌خوام بدونم که خودت آهنگ‌های کره‌ای رو می‌توجه می‌شی؟
خب می‌دونی من کره‌ای متوجه نمی‌شم زیاد، البته من خیلی سریالای کره‌ای دیدم، ولی مثلاً در حد سلام علیک و اسمم اینه و چیزای خیلی روزانه و سطحی کره‌ای بلدم، مثلاً وقتی می‌گن دوست دارم یا مثلاً حرفایی که خیلی تو روزمره‌شون استفاده می‌شه رو تو آهنگا متوجه می‌شم، ولی سعی نکردم فعلاً که کره‌ای یاد بگیرم، دوست دارم، ولی سعی نکردم، چون به نظرم اول انگلیسی رو تکمیل کنم واجب‌تره، چون انگلیسی بیش‌تر به دردم می‌خوره، همه زبانا خوب ان، ولی خب خودت می‌دونی دیگه الان انگلیسی زبان اینترنشناله، دیگه زبان جهانیه.

- حالا برنامه‌ای داری برای این که بخوای بعد از این که انگلیسی خودت رو تکمیل کردی، کره‌ای یاد بگیری؟

چرا که نه، آره، برنامه دارم ولی به احتمال زیاد بعد اون فرانسوی یاد بگیرم و بعدش کره‌ای، یا شایدم اول کره‌ای یاد بگیرم و بعدش فرانسوی نمی‌دونم.

- برنامه‌ای برای مهاجرت به کره داری یا نه؟

فک کنم شنیده باشی، اکثریت خیلی دوست دارن به کره مهاجرت کنن برای تحصیل، کار، ادامه زندگی یا هر چیزی، می‌دونی تحصیل تو کره واقعاً فوق‌العاده هست، ولی خیلی سخت گیرن و من کلاً دوست ندارم به کره مهاجرت کنم، چرا دوست دارم به عنوان مسافرت برم و ببینمش، ولی اصلاً دوست ندارم برم زندگی بکنم، به خاطر این که واقعاً همه چیزی که اون جاست، گل و بلبل نیست،

کره انگار جوریه که آهنگاش و فیلماش گرفته‌اش بالا و به نظر من همچین چیزی خوب نیست و اگر به صورت منطقی بخوابم فکر کنیم، نه واقعاً من دوست ندارم مهاجرت کنم به کره، به خاطر این که کلاً خیلی مشکلات اقتصادی اون جا هست و می‌دونی کلاً اوکی نیست.

- به نظر خودت چی باعث شده که برعکس همه که می‌گن چه قدر کره خوبه، تو به این نتیجه برسی که کره اون قدر هم متفاوت از جاهای دیگه نیست؟

خب چون می‌دونی من آدم خیلی منطقی‌ای هستم و همیشه همه جهت‌ها رو در نظر می‌گیرم و به چیزیم هست که از اون خیال پردازش نیستم و مثلاً بعضیا می‌گن می‌رم اون جا و یکی از اعضاء منو می‌بینه و یک دل نه، صد دل عاشقم می‌شه و می‌دونی یا با یکی شون وارد رابطه می‌شم و اینا، اینا همه‌اش خیالاته و من دوست ندارم این طوری، خیلیا مثلاً واسه تحصیل می‌رن و موفق می‌شن یا مدلینگای مشهور و من از اون فنای تعصبی یا از اون فنایی که خیلی غرق شده باشن تو اینا نیستم، طرفدار خیلی خیلی دو آتیشه‌ای هستم، ولی واقع‌بینم هستم.

- بحث سر مدلینگ شد، خب می‌دونی که معمولاً ایدلای کره‌ای رژیم‌های سختی می‌گیرن یا مثلاً ممکنه عمل‌های زیبایی مختلفی انجام می‌دن، می‌خوام بدونم که آیا این مسأله تأثیری روت نداشته که مثلاً بخوای یک رژیم خیلی سخت بگیری که هیکلت مثل اونا باشه یا تصمیم بگیری که وقتی خیلی بزرگ‌تر شدی، عمل‌های زیبایی انجام بدی؟

نه، نه، به هیچ وجه، من خودم رو طبق اونا وقف (وقف) نمی‌دم هیچ وقت، شاید از بعضی اخلاقای خوب‌شون الگوبرداری کنم ولی نه، من سبک زندگی خودم رو دارم، بعد به نظر من به اندازه بخوره آدم و خودش رو محدود نکنه، من به شخصه اضافه وزن ندارم و اگر هم داشته باشم، مشکلی نداره و هر کسی با هر بدنی، شگفت‌انگیزه، عمل هم نه به هیچ وجه دوس ندارم، چهره خود آدم هر چی باشه، قشنگه، چون خدا چیز زشتی نیافریده و هر کی به نوبه خودش قشنگ و شگفت‌انگیزه، رژیمم که من سعی می‌کنم به اندازه بخورم و همیشه به چیزی رو که دلم می‌خواد، هیچ وقت جلوی خودم رو نمی‌گیرم و می‌گم که مگه زندگی چه قدره و اصلاً به رژیم و اینا اعتقاد ندارم، (با خنده) البته بگم با این که این همه خوردم بازم اضافه وزن پیدا نمی‌کنم، نمی‌دونم چرا.

- از اخلاقیات گفتی، اخلاقیات خوبی که گفتی سعی می‌کنی از شون تأثیر بگیری، مثلاً از کدوم-

شونه و کدوم اخلاقیات رو سعی کردی بگیری؟

خب می‌دونی من از لپسا یاد گرفتم که از سن کمم می‌شه موفق شد و واقعاً اونا خیلی تلاش کردن و موفق شدن و از شون تلاش کردن رو یاد گرفتم و از جنی یاد گرفتم که هر چی بهم می‌گن، برام مهم نباشه چون می‌دونی جنی پر هیئت‌ترین ایدل کی‌پاپه و سعی کردم که حرفای اطرافیانم برام مهم نباشه و حتی فحش بهم بدن، لبخند ملیح می‌زنم بهشون، نامجو که استاد همه آرمی هاست، واقعاً چون خیلی خیلی از اون آدمای فلسفی و ضریب هوشی خیلی بالایی داره و اتفاقاً یک

آهنگم بی‌تی‌اس داره در مورد درس خوندن، اگه اشتباه نکنم اسمش پاید پیپر و همچین چیزیه و در مورد درس خوندن می‌گه برو درس تو بخون و به زندگیتم برس و واقعاً خیلی چیزا باز یاد گرفتم و زیادن، در حقیقت تلفظش پاید پایپره.

- یکی از چیزهایی که گفتمی این بود که بی‌تی‌اس و بلک پینک هردوشون جزو بهترین بوی بند و گرل بند شدن، به نظر تو چه چیزی باعث شد که به عنوان بهترین گروه پسرانه و دخترانه انتخاب بشن؟

بازم می‌گم همه گروه‌ها به نحو خودشون عالی و پرفکت ان و درش شکی نیست، بی‌تی‌اس و بلک پینک، می‌دونی اینا خیلی تلاش کردن و این که گروه‌های قدیمی هستن و بازم به نظرم در آینده هم گروهی به اینا نمی‌رسه و خیلی تلاش کردن و به طرفداراشون اهمیت می‌دن و از اون جایی که یک گروه معروف می‌شه، مخاطبا کنجکاو می‌شن که این گروه چیه، برم یکی از آهنگاشون رو گوش بدم یا یک ویدیو ازشون ببینم، و این طوری می‌شه که بعضیا هیت می‌شن و بعضیا فن، ولی بیش‌تر به همین استعداد و سبک مربوط می‌شه، سبک دوتا گروه به بیش‌تر سبکا می‌خوره و جدا از هر سبکی هست و کلاً سبکی جدا دارن، مثلاً آهنگای بی‌تی‌اس که بیش‌ترش عاشقانه نیست و انگیزشی هست و البته عاشقانه هم دارن، کی‌پایم خیلی آهنگای انگیزشی داره، مثلاً گروه ایتسی، ولی کلاً سبک جدایی دارن و خودشون رو به همه ثابت کردن و درش شکی نیست، نمی‌دونم خوب توضیح دادم یا نه.

- آره، بعدش می‌خواستم بدونم که گفتمی حالا دیگه بی‌تی‌اس از گروه‌های کی‌پاپ جدا شده، چرا جدا شد؟

خب می‌دونی من قضیه‌اش رو می‌دونستم، ولی الان کامل یادم نیست، یادمه که بی‌تی‌اس نمی‌دونم سر چی به اتفاقی افتاده بود، فنای گروه‌های دیگه اومدن هشتگ زدن که بی‌تی‌اس باید از کی‌پاپ خارج بشه و اخراج شه و آرمیا هم از این فرصت استفاده کردن و اون هشتگا رو گسترش دادن و می‌خواستن بی‌تی‌اس از کی‌پاپ در بیاد و دوس داشتن بی‌تی‌اس کلاً یک سبک جدا داشته باشه و موفق شدن و بی‌تی‌اس از کی‌پاپ در اومد و خود بی‌تی‌اس گفته که ما جزء کی‌پاپ نیستیم و ما کاملاً جدایییم.

- کلاً چه چیزی باعث می‌شه که یک گروه جزء کی‌پاپ باشن یا یک گروه نباشن؟
خب نه من تا این حد نمی‌دونم، ولی تا اینجایی که من می‌دونم، قانونای خاص، مثلاً اگه ضد دولت باشن، اینا مطمئن منحل می‌شه، یه همچین چیزی.

- یعنی بی‌تی‌اس ضد قوانین دولت‌شون بودن که باعث شد از گروه‌شون بیان بیرون؟

نه، نه، هیچ وقت، اتفاقاً از طرف دولت فکر کنم تشویق شده بود یا به عنوان برترین گروه شده بود، طرفدارا هم عصبانی شده بودن، می‌دونی یک افتخاری چیزی آورده بودن و طرفدار بقیه گروه‌ها عصبانی شده بودن.

- آهان، فهمیدم قضیه از چه قرار بوده، بعد این که حالا بحث ضد فن‌ها شد، می‌خوام بدونم که تو می‌دونی که هر کدام از الگوها یا هر کدام از گروه‌ها با کدام سلبریتی مشکل دارن یا از کدام سلبریتی خوش‌شون نمیاد یا اون باهاشون مشکل داره؟

می‌دونی تاحالا این اتفاق نیفتاده، البته من نمی‌دونم پشت سر چه بحثایی شده، ولی تاحالا جلوی دوربین ای‌دلا هیچ اختلافی باهم نداشتن، شایعه‌ها خیلی زیاده و یه سریا می‌گن، اینا باهم مشکل دارن، ولی اگر مشکل داشته باشن، پشت سر هست، اصلاً جلوی دوربین نیست و واقعاً باهم دوست و رفیق ان باهم.

- حالا مثلاً هست این مدلی که بدونی کسی از سلبریتی‌های امریکایی، انگلیسی، خارج از دنیای کره و کی‌پاپ با اعضای گروهی که تو دوست‌شون داری، مشکل داشته باشه و تو هم از همین طریق از اون فرد بدت بیاد؟

آره، تو خود ایران خودمون مه‌راهیدن خیلی به بی‌تی‌اس توهین کرد و ماجراش هم طولانیه واقعیتش یا مثلاً شاهرخ استخری گفت بی‌تی‌اس یک بیماریه و چی ان اینا، یا همین کارشناس صدا سیما اومده بود گفته بود یا فکر کنم رضا صادقی بود که از فن آرت تهیه‌نگ کپی کرده بود گذاشته بود روی کاور آهنگش و آره خلاصه، بعد آرمیا گفته بودن، چرا بدون اجازه از اون طرف کپی کردی و گفته بود نه من این کار رو نکردم، مه‌راهیدن هم گرفته بود از لوگوی بی‌تی‌اس کپی برداری کرده بود، برای یک آهنگش و بین طرفدارای اکسو و بی‌تی‌اس جنجال راه افتاد و طرفدارای بی‌تی‌اس گفتن که چرا تو کپی کردی و اینم به بی‌تی‌اس فحش داد و طرفدارای اکسو زیاد واکنش نشون دادن و حالت یه رقابت بود و بعد اونم گفت، آره، طرفدارای اکسو خیلی بهتر از طرفدارای بی‌تی‌اس ان، بعد انگار فن‌وار راه انداخته بود، فن‌وار یعنی جنگ بین دو یا چندتا فن‌دوم، بعدش من خیلی ناراحت شدم و اصلاً ازش خوشم نمیاد واقعیتش، سلبریتی‌های امریکایی ام با بی‌تی‌اس خیلی خیلی دوست ان، ولی یک بار گفته بود که طرفدارای بی‌تی‌اس دخترای نوزده ساله ان، بعد آرمیا گفتن تو دیگه برا ما بسته شدی و دیگه کاری بهت نداریم. اونم معذرت خواهی کرد و آرمیا هم بخشیدنش، خیلیا بی‌تی‌اس رو دوست دارن.

- فهمیدم چی شد، تاحالا سعی کردی باهاشون ارتباط بگیری؟ مثلاً بهشون دایرکت بدی یا از این جور کارها؟

خب می‌دونی کی پاپرا برنامه مخصوص خودشون رو دارن، مث وی‌ورس و وی‌لایو و خیلیای دیگه، قبلاً توی وی‌لایو بیش‌تر فعالیت داشتن و چند ماهیه که تو وی‌لایو دیگه کلاً فعالیت ندارن

گروه‌ها و الآن توی وی‌ورس لایوآشون رو می‌زارن، تو اینستاگرام فعالیت می‌کنن‌ها فردی، ولی کلاً وی‌ورس جایبه که می‌تونن لایوات رو بذاری یا تیزر و برنامه‌های اعضا یا مثلاً می‌تونن پیام بده آر티ست یا مثلاً استوری بذاره برا کل کسایی که اون رو سابسکرایب دارن، بعد می‌تونن لایک کنن یا ریپلای کنن، بعد مثلاً خودمونم می‌تونیم پیام بدیم، پست بفرستیم یا هاید فرام آر티ست رو بزنینم، ویدیو رو نمی‌دونم می‌شه یا نه، ولی کلاً عکس و متن می‌ذارن و همه می‌تونن ببینن و بعد آر티ست اگه آنلاین باشه و ببینه، بعدش می‌ره جواب اونو می‌ده و به صورت رندومه، توی اینستا تاحالا لایو نداشتن، توی اینستا هم من شانسی همین طوری رفتم به تهیونگ پیام دادم ولی خب مطمئناً سین نمی‌کنن و واقعیتش اجازه ندارن سین کنن.

- فهمیدم، پس یک پلتفرم خاص خودتون رو دارین دیگه، تو خودت تاحالا عکس و متن یا چیزی گذاشتی که بهت ریپلای بززن؟
نه تا به حال به من ری‌اکشن نشون ندادن.

- خودت تاحالا چه عکس یا متنی رو اون جا پست کردی؟
این که بهت نشون می‌دم، اولین پستی هست که من برای بی‌تی‌اس پست کردم، اون یکی پست رو نمی‌دونم چی بوده، چون فیلترشکن وصل نیست و با پروکسی هم نمی‌تونم برم وی‌ورس، ببینم چی نوشتنم، در مورد این بودش که در مورد آرمیای ایرانی گفتم، در مورد فن‌گرلا، گفتم که ماها چه قدر از شما امید می‌گیریم و اینا، بعد یک بارم به جیمین وقتی که کرونا گرفته بود، فکر کنم نوشته بودم، امیدوارم خوب بشی و اینا و یک بارم به جین دادم که روزمره‌اش رو پرسیده بودم، به بلک پینک یک بار از جیسو روزمره‌اش رو پرسیده بودم و کلاً همین بود، کلاً من زیاد فعالیت ندارم تو فضای مجازی.

- گفتم که اعضای گروه اجازه ندارن دایرکتار رو سین کنن. چرا اجازه ندارن؟
به خاطر قوانینی که کمپانی‌اشون می‌ذارن خب.
- در مورد کمپانی‌اشون چی می‌دونی؟

اول از همه از اسم‌اشون شروع می‌کنیم. کمپانی‌های زیادی هستن، ولی اسم معروف‌اشون فقط شنیده می‌شه، مثل بیگ هیت، وای‌جی، جی‌وای‌پی، اس‌ام.

بیگ هیت که سال ۲۰۰۵ توسط بنگ شی هیوک تأسیس شد و در مارس سال ۲۰۲۱ زیر نظر هایب کورپوریشن (بیگ هیت انترتینمنت کورپوریشن سابق)، تغییر عنوان داد. همچنین کمپانی هست که بی‌تی‌اس و تی‌اکس‌تی و... در اون فعالیت دارن. کمپانی اس‌ام، توسط لی سومان در سال ۱۹۸۹ تأسیس شد و در حال حاضر، بزرگ‌ترین شرکت سرگرمی در کره جنوبی هست و رتبه اول را در آسیا داره. اس‌ام، به پایه‌گذاری و جهانی کردن صنعت کی‌پاپ معروفه. با موفقیت و پیشرفت

چشم‌گیر هنرمندایی مثل بوآ، گروه اکسو به عنوان یه موج کره‌ای شناخته می‌شه. اکسو، گرلز جنریشن، ردولوت، شاینی، ان‌سی‌تی و اسپا در این کمپانی فعالیت دارن.

وای‌جی توسط یانگ هیون سوک در سال ۱۹۹۶ تأسیس شد و به عنوان ناشر موسیقی، شرکت تولید موسیقی و همچنین آژانس استعدادیابی فعالیت می‌کنه. علاوه بر این‌ها، تحت یک کمپانی بازرگانی جدا به اسم وای‌جی پلاس آژانس مدیریت گلف، یک برند لوازم آرایشی و یک خط لباس رو اداره می‌کنه. بلک پینک، بیگ بنگ، وینر، آیکن، ترژر و سومی توی این کمپانی فعالیت می‌کنن. جی‌وای‌پی، یک کمپانی چند ملیتی سرگرمی و ناشر موسیقیه که توسط جی‌وای‌پی در سال ۱۹۹۷ تأسیس شد. در سال ۲۰۱۸ به دنبال موفقیت‌های زیاد گروه توایس، تونست به رتبه اول بزرگ‌ترین کمپانی کی‌پاپ دست پیدا کنه. توایس، استری کیدز و ایتزی در این کمپانی فعالیت دارن.

- از قوانین شون چیزی می‌دونی؟

خب دقیق نمی‌دونم، ولی خب بیش‌تری‌هاشون اجازه قرار گذاشتن ندارن و بیش‌تر کمپانی‌ها توی زندگی شون دخالت می‌کنن، مثلاً اجازه صحبت با جنس مخالف رو ندارن، البته بعضی از کمپانی‌ها این طور نیستن فقط در حد سلام می‌تونن صحبت کنن، حتی سعی می‌کنن برنامه‌ها رو طوری بذارن که باهم ملاقات نکنن، ولی الان یه کم بهتر شده و اونایی که با هم توی یه کمپانی هستن، اوکی ان، البته بعضی از کمپانی‌ها این طور نیستن و فقط در حد سلام می‌تونن صحبت کنن، حتی سعی می‌کنن، برنامه‌ها رو طوری بذارن که باهم ملاقات نکنند، ولی الان یه کم بهتر شده و اونایی که با هم توی یه کمپانی هستن، اوکی ان یا مثلاً وزن آیدل‌ها رو کنترل می‌کنن و بهشون رژیم‌های سخت می‌دن، مثلاً روزی یه موز یا مثلاً تغییر استایل با اجازه کمپانی انجام می‌شه و خودت حق نداری موها رو کوتاه یا بلند یا رنگ کنی یا مثلاً منیجرها هر موقع که دل شون می‌خواد، می‌تونن گوشی کارآموزها رو چک کنن.

- به نظرت این کنترل توی زندگی شون چه تأثیراتی داشته؟

خب مسلماً روح و روان شون رو تحت تأثیر قرار می‌ده و جسمی رو روحی به مشکل برمی‌خورن.

- تا حالا شده الگوها خودکشی کنن؟

آره. سولی، جونگهیون، گوهارا.

- می‌تونن بهم بگی چی شد که این‌ها خودکشی کردن؟

سولی خیلی دختر شادی بود، ولی به خاطر هیت‌هایی که بهش می‌دادن، خودکشی کرد. گوهارا هم یک ماه بعد از اون. جونگیون هم سال ۲۰۱۷ خودکشی کرد و همه ی اینا با هم دوست بودن. همه‌شون هم به خاطر هیت‌ها، ولی فکر کنم گوهارا به خاطر سولی این کار رو کرد.

- دید مردم خود کره نسبت به کی‌پاپرها چه جوریه؟

آدمایی که سن بالان، حتی اسماشون رو هم نمی‌دونن و بیش‌تر موسیقی قدیمی کره‌ای گوش می‌دن. توی کره یه چیز بشه مردم به اون آیدل بدبخت هیت می‌دن یا قضاوتش می‌کنن و نسل نوجوان و جوان بیش‌تر طرفدارشون هستن، البته از نسل قدیم هم طرفداری خاص خودشون رو دارن.

- برای از بین بردن این هیت‌ها کاری هم می‌کنن؟

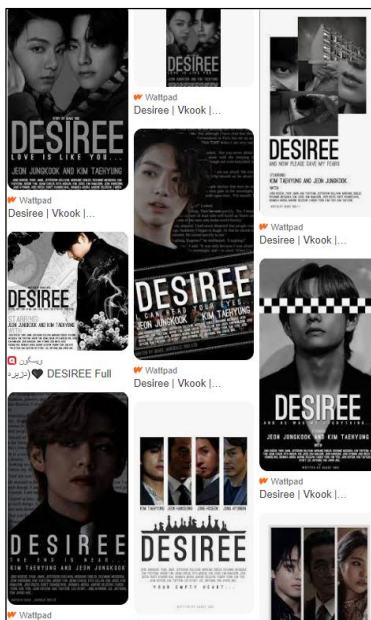
نه متأسفانه هیت‌های مردم رو نمی‌شه کنترل کرد. ولی خب بعضی وقت‌ها آیدل‌ها می‌گن، لطفاً به ما هیت ندید.

- در مورد حواشی‌شون چیزی می‌دونی؟

حواشی که زیاد دارن، هر روز یه حاشیه. مثلاً همین چندماه پیش شایعه شده بود تهنی (تهیونگ و جنی) باهم قرار می‌ذارن. ولی همین چند وقت پیش توی یکی از کنسرت‌های تور جهانی بورن پینک، بلک پینک جنلیسا (جنی و لیسا)، ادای ژست‌های ادیت‌های تهنی رو در آوردن که مثلاً اونا باهم تو رابطه نیستن.

- در موردشون داستان و فن فیک می‌خونی یا مثلاً خودت فن فیک می‌نویسی؟

(با خنده) حدس می‌زدم به اینجای کار برسی، خب این داستانش طولانیه، من هیچ وقت ازشون فیک ننوشتم، ولی من گی شیپر بودم اولش و مومنتاشون رو می‌دیدم و اینا، فیک نمی‌خوندم ازشون و اون موقع وان شات بود و من و بیش‌تر آرمیا کلاً از وان شات متنفر بودیم و اصلاً دوست نداریم خودمون رو تصور کنیم که با بی‌تی‌اس کارای خاک بر سری می‌کنیم و من مخصوصاً حالم بهم می‌خوره و سر این موضوع هم واقعاً عصبی می‌شم و می‌دونی که توی اعضای بی‌تی‌اس بین‌شون آرمیا رو شیپ می‌کنن، هم فرندشیپ و هم گی شیپ، و نصف‌شون هم شیپ نمی‌کنن و مخالف ان، کلاً چهار دسته داریم: گی شیپر، فرندشیپ و یکی‌ام که فرند شیپ هست، ولی به گی شیپرا زیاد تعصب داره و باهاشون دعوا می‌کنه و یکی‌شون هم که گی شیپره و به فرندشیپرها می‌خواد تحمیل کنه که اینا باهم تو رابطه ان، ولی زیاد نداریم این جور و هر کی سرش تو کار خودشه و ما سعی می‌کنیم با این کارامون به اعضای آسیبی نرسونیم، ولی من گفتم نه درست نیست و داریم به اعضای آسیب می‌رسونیم و بعد از دوماه، من فقط فرندشیپ بودم و من الآن همه اعضای رو فرند شیپ می‌کنم و من اصلاً فیک نمی‌خوندم، چرا یکی دوبار خونده بودم و بعدش پشیمون شدم و گفتم درست نیست، بعد یک فن فیک هست به اسم دزیره، نمی‌دونم شنیده باشی یا نه، بین جوری معروفه که همه خونده بودن، منم وسوسه شدم و رفتم خوندم و واقعاً جوری به قلبم نشست، از اون موقع به بعد بیش‌تر به چیزای کلاسیک علاقه‌مند شدم و در حقیقت فیکشن هست و فوق‌العاده قشنگ بود و عالی بود و بعد از اون به دوستم معرفی کردم و گفت من نمی‌خونم و اینا و در عرض چند روز دیوونه‌اش شده بود.



البته من بعد از اون یک فیک دیگه خوندم، فیک بلند می‌خونم، پنج هزار صفحه، دوهزار صفحه و اینا، الآن در حال خوندن اسلحه‌ام که سه فصل هست و نزدیک دویست صفحه مونده تمومش کنم، ولی اصلاً حال نمی‌کنم بخونمش، چون درس دارم و می‌دونی من تاحالا پستی منتشر نکردم که اینا گی ان و اینا و می‌ترسم اعضاء آسیب ببینن و اینا با هر کی ازدواج کنن، با هر دختری یا پسری برا من فرقی نداره و بهشون احترام می‌ذارم و به من ربطی نداره و چون من یک فنم و نباید تو زندگی ایدولم دخالت کنم و آره حقیقتش دارم این رو می‌خونم و تمومش نکردم هنوز اسلحه رو، چون درس دارم، ولی اگه خواستی بگو برات بفرستم دزیره رو، دزیره خیلی قشنگه، یعنی من واقعاً عاشقشم.

- می‌تونی در مورد داستان دزیره یه کم برام توضیح بدی؟

اوه. بحث دزیره شد. خب دزیره در مورد کاپل تهکوک و کاملاً وایب کلاسیکی داره، خب اگه بخوام خلاصه‌ای ازش رو بگم... داستان در قرن نوزدهم اتفاق می‌افته زمانی که بیش‌تر افراد عشق بین دو همجنس رو گناه می‌دونستن، در مورد عشق بین تهیونگ و جانگکوک که تهیونگ ۱۹ سال از جانگکوک بزرگ‌تره وهمچنین شوهر خواهر جانگکوک.

خواهر جانگکوک بر اثر خودکشی فوت می‌کنه و چون فهمیده بوده ایدز داشته و به همراه یه نفر دیگه خودکشی می‌کنه (شوهر جیسو) و لازم به ذکره که سویون (زن تهیونگ) و تهیونگ یه دختر هم به اسم آچا داشتن که چند ماهش بود. می‌رسیم به جانگکوک، جانگکوک از بچگی تو فرانسه زندگی می‌کرده، یعنی از ۹ سالگی فکر کنم، به خاطر این که خیلی پسر با استعدادی بوده، مدیر

مدرسه به خانواده‌اش پیشنهاد می‌ده که بفرستش فرانسه، چون فکر کنم فقط سهمیه یه نفر رو داشتن و خب تهیونگ هم به خانواده جانگکوک می‌گه که فرصت خیلی خوبیه و اونا رو قانع کرد که بفرستش کره و فکر کنم خانواده‌اش هم باهاش رفتن. این رو هم باید بگم که اون موقع هیچ علاقه‌ای بین این دوتا نبوده مسلماً ولی خیلی با هم صمیمی بودن. و وقتی جانگکوک می‌فهمه که تهیونگ خانواده‌اش رو قانع کرده که بفرستش فرانسه، دیگه باهاش صحبت نمی‌کنه و حتی وقتایی که خواهرش از کره می‌رفت فرانسه، بهش سر می‌زد، هیچ عکسی از خودش نمی‌داده که بیره به تهیونگ نشون بده خلاصه که خواهرش می‌میره و اون مجبور می‌شه به کره بره.

جانگکوک یه همخونه داشت به اسم هوسوک که اون گی بود، ولی با جانگکوک فقط دوست صمیمی بودن، ولی وقتی اون هم چند روز بعد جانگکوک به کره بر می‌گرده، عاشق جیمین برادر همون کسی می‌شه که سویون باهاش خودکشی کرد و اگه بخوام بگم که چه طوری خودکشی کرد، خب وقتی سویون بچه‌اش رو به جیسو می‌سپره و با شوهر جیسو که فکر کنم اسمش تیون بود، می‌ره دکتر و می‌فهمه که ایدز داره و وقتی داشتن برمی‌گشتن، اون راننده بوده و می‌گیره ماشین رو چپ می‌کنه و می‌میرن. بعد این رو هم باید بگم که جانگکوک اون موقع اصلاً به مردا گرایش نداشت و همچنین تهیونگ. وقتی جانگکوک برگشت کره، داستان‌های زیادی اتفاق می‌افته که عشق بین این دو نفر به وجود میاد.

- خیلی شایعه‌ها در مورد این افراد هست که مثلاً این با اونه و گی و بایسکشوال هستن، تو در موردش چی فکر می‌کنی؟ یعنی روت تأثیر داشته که تو فکر کنی گرایش چه مدلیه؟

به هیچ وجه، به خاطر این که می‌دونی انسان بعد از بیست سالگی گرایش جنسی‌ای که به طرف مقابل داره، معلوم می‌شه و قبل از اون جوگیری و خودنماییه، چون من خیلی دیدم، باورت می‌شه تو کلاس ما انقد هستن که می‌گن من فلانی رو دوست دارم و کاپل می‌شن و اینا همش در دوران بلوغه و جوگیری‌های نوجوانانه هست، ولی من از اون افراد نیستم، از اون نوجوانا نیستم که زود جو بگیرم و به جنس موافق خودم گرایش ندارم، در مورد جنس مخالفم گرایشم اون جور نیست که مثلاً بینمش تحریک بشم، این طوره که اگه بخوام انتخاب کنم در آینده، خب جنس مخالف رو انتخاب می‌کنم و بخوام ازدواج کنم و اینا و البته گرایش من بعد از بیست سالگی مشخص می‌شه و الان اصلاً اون طوری نیستم و اصلاً به این چیزا فکر نمی‌کنم و فکرم رو درسمه که می‌خوام رشته خودم رو چه جور انتخاب کنم (باخنده).

- کاملاً متوجه شدم چی می‌گی، گفته بودی که ادیت می‌کنی، می‌توننی بگی چه ادیت‌هایی داری؟

خب می‌دونی من از کی پاپ ادیت می‌زنم و دوست دارم از خواننده‌های هالیوودی ام ادیت بزنام، ولی واقعاً وقتش رو ندارم و الان حتی برای کی‌پاپم وقت ندارم که ازش ادیت بزنام، من معمولاً

ادیتای ترند تیک‌تاک، زیرنویس آهنگا و اینا رو می‌زنم یا مثلاً وقتی ترک شات داون و بلک پینک اومد توی شهریبور ماه، به جرأت می‌تونم بگم اولین نفری بودم که لیریکش رو زدم، اگه بخوای می‌تونم یک نمونه‌اش رو برات بفرستم، البته ترک shut down چون هیچ کس ترجمه‌اش نکرده بود، یه کم از ترنسلیت کمک گرفتم، به خاطر همین یک اشتباهاتی پیش اومد، ولی درست بود، این نوع ادیتایی که می‌زنم، دلیه همه‌اش، اگر بخوام بگم یک نوع ادیتایی هست که ما کی‌پاپرا مخصوصاً آر‌میا از دیالوگای فیکتی که خیلی معروف ان ادیت می‌زنیم، منم این کار رو کردم، مثلاً از فیک دزیره که خیلی ادیت هست و منم از دزیره زدم، چون دیالوگای خیلی قشنگی داره.

- آره حتماً برام بفرست، بعدش این که پیچ اینستا یا جایی داری که این‌ها رو توش بگذاری یا این که مثلاً درآمد داشته باشی از اون پیجت؟

خب نه، من تو پینترست می‌ذارم و تو پینترستم درآمدی نداره و همین جوری دلی می‌ذارم.
- پس تو پینترست می‌گذاری، می‌خواستم بدونم که از قبل بلد بودی و بعدش که کی‌پاپر شدی ازش استفاده کردی یا این که مثلاً کی‌پاپر بودی و این برات انگیزه شد که مثلاً بری ادیت یاد بگیری و بتونی ادیت‌های مختلف بزنی؟

من از قبل یه کم بلد بودم، خیلی کم، ولی وقتی کی‌پاپر شدم، رفتم ادیتای مختلف رو دیدم و آموزشش رو یاد گرفتم، از پایه یاد گرفتم و الان در حد متوسطم.

- تو از الگوها و گروه‌های مورد علاقات و وسایلی که اونا استفاده می‌کنن رو داری و استفاده می‌کنی؟

خب، نه، می‌دونم بیشتر ما کی‌پاپرای ایرانی مرچ‌ها و وسایلی که ایدلامون دارن رو نداریم و از وی‌ورس شاپ، مثلاً سفارش بدیم نمیاره و باید بریم از اینستا بگردیم و سفارش بدیم، من مثلاً فوتو کارت دارم، می‌دونم بعضیا هستن که خیلی خیلی غرق ان و همه چیز شون رو از بی‌تی‌اس یا گروه مورد علاقه‌شون می‌کنن، اما من به سبک خودم پیش می‌رم، ولی از اعضاء چیز می‌گیرم، مثلاً یادمه از شون فوتو کارت گرفتم و استیکر گرفته بودن و قاب موبایل بلک پینک رو گرفته بودم و لباس بلک پینک و بی‌تی‌اس رو هم گرفته بودم و فوتو کارتای بلک پینک، از این موارد و خیلی یادم نمیداد، فکر کنم از این روسری کوچیکاشم گرفتم، ولی اصلاً ازش استفاده نکردم، یه خورده ریزایی هم هست، می‌دونم، ولی یادم نمیداد.

- خب می‌دونم کلاً اعضای کی‌پاپ، دنسای مخصوص خودشون رو دارن، می‌خواستم بدونم که تو خودت اون‌ها رو انجام می‌دی؟

من آره دنساشون رو کاور می‌کنم و واقعاً معتاد دنساشونم، مثلاً بی‌تی‌اس دنساش واقعاً سخت‌تره از بلک پینکه، البته بلک پینکم سخته دنساشون، ولی باز بی‌تی‌اس واقعاً سخت‌تره، مخصوصاً رام

بی‌تی‌اس که آهنگ جدیدشونه، ولی من همه‌ی دنسای بلک پینک رو بلدم، بی‌تی‌اسم چندتاشون رو بلدم و هر روز کارم اینه که دنساشون رو کاور کنم، یعنی دنسرم.

- دوست داری این کار رو به عنوان این که شغلت باشه انجامش بدی؟

خب گفتم که من واقعاً خوندن و رقصیدن رو خیلی دوست دارم، ولی متأسفانه توی ایران اصلاً امکانش نیست و علاقه واقعی من همینه، خوندن و رقصیدن، ولی واقعاً نمی‌شه تو ایران، می‌دونی می‌تونم معلم رقص بشم، ولی دوست ندارم، دوست دارم درکنارش بخونم، ولی اصلاً امکانش نیست. - پس احتمالاً برای مهاجرت باید برنامه داشته باشی. بله.

- حالا اگه بخوای مهاجرت کنی کجا می‌ری، مقصدت کره هست یا جای دیگه؟

اول از همه بگم که من عاشق کشور خودمم، ولی خب می‌دونی گزینه‌ی خوب الان امریکاست و امریکا رو خیلی دوست دارم برم، به خاطر این که امکانات خیلی خوبی داره، فقط باید بورسیه بشم دیگه.

- بعد این که تو گفتی که کی‌درامرم هستی، می‌خوام ببینم که کدوم فیلم یا سریال رو بیش‌تر

دوست داری و چرا؟

خب می‌دونی من یکی از کی‌درامایی که دیدم و خیلی قشنگ بود، گابلین بود و خیلی معنای عمیقی داشت و در مورد درک زندگی می‌گفت و خیلی نکته‌های قشنگی داشت از زندگی توی خودش و من واقعاً گابلینو خیلی دوست داشتم و واقعاً مورد علاقه‌ام بود.



- فن بودن تا الان چه خوبی‌ها و چه بدی‌هایی برات داشته؟

خب می‌دونی فن بودن یک چیز خیلی مقدسه از نظر من، این که تو بتونی با خنده‌های یک نفر بخندی و با گریه‌هاش گریه کنی، با ناراحتی‌هاش ناراحت بشی و با موفقیت‌هاش احساس موفقیت کنی. بعد من همیشه فکر می‌کنم اگه اونا نبودن الان من چی کار می‌کردم، اگه اونا نبودن من الان

واقعاً آدم افسرده و خشکی بودم و با آهنگاشون به زندگیم واقعاً روح و امید بخشیدن و بیش تر به خودم فهموندن که باید خودم رو دوست داشته باشم با هر شرایطی و فهمیدم که چند نفر هستن که من رو واقعاً از ته دل شون دوست دارن و با این که اونا رو ندیدم، ولی به من عشق می‌ورزن و حرفاشون شاید از نزدیک‌ترین آدمای زندگی من، بیش تر رو من اثر داشته یا مثلاً برنامه‌هاشون رو که می‌بینم، احساس می‌کنم جزئی از خانواده من هستن و واقعاً این قشنگه و من همیشه خدا رو شکر می‌کنم که فن بلک پینک و بی‌تی‌اس شدم.



- تا الان سعی کردی دوست‌ها رو که کی‌پاپ نبودن، کی‌پاپ کنی؟
خب من تاحالا دوستی نداشتم که کی‌پاپ نباشه، ولی مثلاً بوده که بلینک بوده می‌خواستم آر‌میش کنم یا مثلاً آرمی بوده می‌خواستم بلینکش کنم. ولی نشدن، می‌دونی به علاقه بستگی داره واقعاً، مثلاً شاید یکی تعریف کنه، من بگم چه جالب، چه قدر خوب و اینا، ولی نخوام فن‌شون بشم و واقعاً دلیه.

- برای آخرین سوال این که تاحالا شده از فن کی‌پاپ بودن و کی‌پاپ بودن خسته بشی یا فکر می‌کنی که این مسأله ممکنه یک روز پیش بیاد؟

می‌دونی من تاحالا به ذهنم خطور نکرده حتی که کی‌پاپ نباشم و واقعاً اونا به من عشق می‌دن، می‌دونی به این فکر کردم که در آینده فن‌شون باشم یا نه یا مثلاً بزرگ‌ترا می‌گن بزرگ بشی یادت می‌ره و اینا مال دوران تینیجریه و اینا، مامان و بابای من که همیشه حمایت کردن و حتی مامان من خودش آرمیه و همیشه بهم می‌گن تا صدمه نزده به درست، ما اوکی ایم و می‌دونی منم همیشه فکر می‌کنم، می‌گم که شاید یه روز بزرگ شدم و علاقه بهشون داشتم، ولی دیگه انقد دنبال نکنم، دم به دقیقه بشینم اخبارشون رو دنبال کنم و ببینم چه اتفاقاتی افتاده و اینا، ولی بازم به عنوان یک طرفدار سعی می‌کنم بمونم، ولی باز از آینده‌ام خبر ندارم.

- از وقتی که برای مصاحبه گذاشتی، متشکرم.
خواهش.

تأملی دوباره:

ثنا ۱۵ ساله، در مصاحبه خود درباره اثرهای کاربری از شبکه اجتماعی اینستاگرام، به مباحثی حول محورهای اثرهای آموزشی، اجتماعی، اخلاقی- تربیتی، روان‌شناختی، زیباشناختی، عقیدتی و فرهنگی اشاره داشته است.

ثنا در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل آموزشی کاربران، به مواردی مانند: زبان آموزی، یادگیری برنامه‌های ادیت و یادگیری رقص، اشاره داشته است.

ثنا در مصاحبه‌اش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در رفتار اجتماعی کاربران، به مواردی مانند: الگوبرداری، مهارت‌های زندگی، هویت رباتیک، هویت شبکه‌ای، هویت گروهی، تمایل به مهاجرت و نظایر آن، اشاره داشته است.

ثنا در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در رفتار اخلاقی کاربران، به مواردی مانند: پیش گرفتن تسامح در ارتباط با دیگران، برده‌داری مدرن، دامن زدن به اخلاق مبتنی بر شهوت‌گرایی و نظایر آن، اشاره داشته است.

ثنا در مصاحبه خودش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل روانی کاربران، به مواردی مانند: یادگیری فعال، دامن زدن به خلاقیت افراد، انگیزشی، آشنا شدن با انواع انحرافات جنسی، تشویق روابط نامتعارف جنسی و ترغیب غیرمستقیم به خودکشی، اشاره داشته است.

ثنا در مصاحبه‌اش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در علایق زیباشناختی کاربران، به مواردی مانند: اخذ الگو در پوشش، اشاره داشته است.

ثنا در مصاحبه‌اش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل عقیدتی کاربران، به مواردی مانند: دامن زدن به اخلاق مبتنی بر شهوت‌گرایی، اشاره داشته است.

ثنا ۱۵ ساله، در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در علایق فرهنگی کاربران، به مواردی مانند: ایجاد فرهنگ زبانی خاص بین طرفداران و تحولات بیانی کاربران گروه‌های کی‌پاپ، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

اگر در زمینه مباحث مطرح شده در مصاحبه ثنا ۱۵ ساله، با ارجاع سایر محورهای مطرح شده به دیگر کتاب‌های مجموعه حاضر، توجه خود را صرفاً معطوف به ابعاد فرهنگی (که مورد بحث اثر حاضر است) کنیم، باید بیان داشت، ثنا در مصاحبه خویش در درجه نخست، انبوهی از کلمات انگلیسی را به فارسی (مانند: ممبر، دارک، گپ، جنرال، آیس‌کریم، هات، کیوت، تینیجر، پارت، پارادوکس، کانسپت، ریپلای، استوری، پست، سلبریتی، سابسکرایب، لش، ویدیوکال، استایل، کلاسیک، مدلینگ، پرفکت، آنالین، لایو، رندوم، سین، پلات‌فرم، دایرکت، ری‌اکشن، آژانس، کاپل، وایب، ادیت، ترند، دیالوگ، دنس، دنسر و ...) به کار برده است.

در درجه بعدی اهمیت، ثنا بسیاری از اصطلاحات خاص گروه‌های مورد علاقه‌اش (نظیر: استن، هیت، هیتر، سولویکس، فن‌دوم، فن‌وار، فیت، بایس، لیریک، اوتی‌فور، اوتی‌سون، ایدول، کی‌رول، کی‌پاپر، بوی‌بند، گرل‌بند، لوگو، وی‌ورس، وی‌لایو، تیزر، فن‌فیک، فیکشن، منیجر، مرچ و ...) را به کار برده است.

ثنا برای کاهش شناخت کلمات رکیک مورد استفاده خودش (مانند: تاپ، باتم، ورس، اسمات، گی، بایسکشوال) هم از معادل‌های انگلیسی این کلمات سود برده است.

استفاده از عبارات انگلیسی در بیانات ثنا (مانند: *young, hope not, underground, where is my blue and gray, fix you, life goes on, forever I love myself, idol, I hate you, I love, love song, Ruth B, dandelions, we are bulletproof, angel, shut down, Talking to the moon, you*)، فراز دیگری از تحول بیانی وی و هم‌نسل‌های او را به نمایش می‌گذارد.

تحول بیانی نسل جدید، نمود بارزی از ضعف کار فرهنگی در داخل و هم‌زمان قدرت کار فرهنگی (یا ضدفرهنگی) در فضای رسانه‌های خارجی و فضای مجازی را به نمایش می‌گذارد.

مصاحبه با امیرحسین، ۱۸ ساله

قدیما که یه کار زشتی می‌کردم، عذاب وجدان شدید می‌گرفتم، از خدا می‌خواستم من رو ببخشه ... الآن نه، عین خیالم نیست.

- سلام امیرحسین جان!

سلام!

- امیرحسین جان خوبی؟

خیلی ممنون، شما خوبی؟

- منم خوبم، امیرحسین جان آماده‌ای یک کم با هم صحبت کنیم؟

بله، در خدمتم، بفرمایید.

- امیرحسین جان شما کلاس چندمی؟

دوازدهم تجربی هستم.

- خوب شما گوشی داری؟

بله.

- از چند سالگی گوشی داری؟

من تقریباً از ۱۳ سالگی گوشی دارم.

- چی شد که گوشی خریدی؟

یعنی چی، منظور تون رو متوجه نشدم.

- یعنی این که چی باعث شد که فکر کنی به گوشی نیاز داری؟

من به یک سنی رسیدم که وارد اجتماع شدم، از اون طرف هم می‌خواستم که با دوستانم و هم‌کلاسی‌هام در ارتباط باشم، واقعاً حس کردم که یه چیز لازم و ضروریه و الآن باید گوشی داشته باشم. به خاطر این که بتونم به همه کارهام برسم، مجبور شدم که متأسفانه گوشی بگیرم برای خودم.

- چرا متأسفانه؟

درسته که گوشی یه چیز خیلی مهمیه و خیلی از کارهای آدم رو راه می‌اندازه، ولی از یه طرف هم خیلی وقت آدم رو می‌گیره. من خودم به شخصه، خیلی از وقتم رو می‌ذارم پای گوشی، به کارهای دیگه‌ام نمی‌رسم و کلی از درسام عقب افتادم. سر همین موضوع خیلی خوشحال نیستم که گوشی دارم، چون وقتم واقعاً داره تلف می‌شه، ولی نیازهامم داره برطرف می‌کنه یه جورایی.

- چه طور مگه، مگه چه کار می‌کنی که نمی‌تونی به بقیه کارهات برسی یا احساس می‌کنی که داره وقتت رو می‌گیره؟

چون امروزه تکنولوژی خیلی پیشرفت کرده و برنامه‌های مجازی هم خیلی زیاد شدن، واقعاً آدم وقت زیادیش رو پای این‌ها می‌ذاره، خصوصاً الآن که کرونا اومده و تقریباً همه چی مجازی شده، من هم تقریباً بیش‌تر وقتم رو پای فضای مجازی می‌ذارم، خصوصاً اینستاگرام و تلگرام، واقعاً خیلی وقتم رو می‌گیره، بیش‌تر از همه‌شون هم اینستاگرام.

- خوب من بین حرفهات شنیدم که گفتی برنامه‌ی اینستاگرام، از وقتی که گوشی گرفتی از همون موقع برنامه اینستاگرام رو نصب کردی؟

اون اوایل که تازه گوشی گرفته بودم این برنامه خیلی مد نبود و من هم نداشتمش، ولی بعد از یه مدتی دیدم که خیلی‌ها دارن اکانت می‌سازن توی این برنامه، من هم ترغیب شدم که برم و دانلود کنم، متأسفانه الآن خیلی درگیر این برنامه شدم و چند سالی می‌شه که این برنامه رو دارم. - امیرحسین جان خانواده‌ات با این که شما توی ۱۳ سالگی گوشی بگیری مشکلی نداشتند، یعنی این که خیلی راحت برات گوشی رو خریدن؟

خیلی که راضی نبودن، ولی خوب اون‌ها هم به این نتیجه رسیدن که توی این دنیای تکنولوژی یه بچه ۱۳ ساله هم به گوشی نیاز داره، حتی من جزو اون دسته از آدم‌هایی بودم که به موقع گوشی گرفتم، وگرنه الآن خیلی‌ها هستند که توی سن کم‌تر هم گوشی دارن.

- شما طریقه‌ی آشناییت با اینستاگرام چه طور بود؟

من از طریق دوستانم با اینستاگرام آشنا شدم، می‌اومدن راجبش صحبت می‌کردن و می‌گفتن که تقریباً شبیه به فیسبوکه، من چون فیسبوک نداشتم، اون زمان هم فیسبوک فیلتر بود، دیگه تصمیم گرفتم به جاش اینستاگرام رو نصب کنم.

- یعنی دوستانت قبل شما توی گوشی‌شون اینستاگرام داشتن؟

همه‌شون که نه، ولی یه سریاشون که خیلی پی‌گیر فضای مجازی و این جور چیزا بودن آره، زودتر از من داشتن.

- پس یعنی این که دوستانت که اینستاگرام داشتن ترغیبت کرد که این برنامه رو نصب کنی؟ آره.

- خانواده‌ات با این که اینستاگرام رو توی گوشیت نصب کنی، مشکلی نداشتند؟

نه، اون‌ها هم اصلاً نمی‌دونستن، چون بعد این که من گوشی گرفتم، زیاد پی‌گیر گوشیم و برنامه‌هایی که داشتم نشدن. از طرفی اینستاگرام هنوز این‌قدر مد نشده بود که خانواده‌ها ازش با خبر باشن.

- نظر خانواده شما در مورد برنامه اینستاگرام چی هست، اون‌ها خودشون برنامه اینستاگرام رو توی گوشی شون دارن؟

نه، خودشون ندارن. ولی می‌دونن که اینستاگرام چیه و چه جوریه، زیاد هم خوششون نمیداد از این برنامه.

- به نظرت دلیل این که اون‌ها از اینستاگرام خوششون نمیداد، چی هست؟

فکر می‌کنم دلیلش این باشه که محتوای خیلی خوبی نداره اینستاگرام، از طرفی به هر حال الان نمونه‌ای شده که اخبار خیلی خوب منتقل می‌شه. افرادی هستن توی اینستاگرام، مثل پویان مختاری و امثال این‌ها که وجهه خوبی ندارن توی اجتماع، خانواده‌ها هم در جریان اند از این موضوع، سر همین به نظرم مخالف اند با فضای اینستاگرام.

- امیرحسین جان تا حالا اعضای خانواده برای این که از اینستاگرام زیاد استفاده می‌کنی به شما چیزی گفتن یا مثلاً گیر دادن؟

آره خب، خیلی هم برام پیش اومده، چون من واقعاً مدت زیادی رو پای گوشیم هستم. میان می‌گن چی داره این اینستاگرام، چرا این قدر وقت رو می‌ذاری پاش، چه کار می‌کنی توی گوشت (با صدای مادرش صحبت می‌کند)، از این حرفا می‌زنن... و من هم بعضی وقت‌ها دروغ می‌گم که سر کلاس و دارم کارام رو انجام می‌دهم، ولی در حقیقت دارم توی اینستاگرام می‌چرخم (می‌خندد).
- امیرحسین لابه‌لای حرفات شنیدم گفتم پویان مختاری و امثال این‌ها، آیا پیجشون رو دنبال می‌کنی؟

این جور نیست که فالو داشته باشمشون و برم پیجشون رو بررسی بکنم، ولی توی اکسپلور مواجه شدم و فیلم‌هایی که از خودشون می‌ذارن رو دیدم.

- این جور که می‌گی یعنی این پیج‌ها جذبت می‌کنه و جوری نیست که بی تفاوت باشی نسبت بهشون، درسته؟

من دلیل این که توی اینستاگرام می‌چرخم، بیش‌تر برای این که خودم رو سرگرم کنم، حالا دیگه برام مهم نیست محتوای چیزی که دارم می‌بینم چیه یا کی اون رو گذاشته. می‌خواد پویان مختاری باشه یا تتلو یا هر کس دیگه، به هر حال با دیدن اون‌ها خودم رو سرگرم می‌کنم (با حالتی مغرور می‌گوید).

- پس یعنی اصلاً این مهم نیست که توی چه پیج‌هایی می‌ری و چه محتویاتی دارن، درسته؟
نه، این که کلاً برام مهم نباشه، خوب یه سری از پیج‌ها رو متناسب با علاقه‌ام دنبال می‌کنم، ولی یه تایمی هم توی اکسپلور می‌چرخم، اون‌جا دیگه برام مهم نیست که چه مطالبی هست، فقط برای سرگرم کردن خودم می‌بینم عکس و فیلم‌هاشون رو.

- یعنی امیرحسین اصلاً مشکلی نداره که با پست‌هایی مواجه بشی که محتویات مستهجن داشته باشن؟

به نظرم کارایی اصلی اینستاگرام برای اکثر آدم‌ها لذت بردن و تفریح کردنه، خب آدم توی تفریح کردن که نباید خودش رو سانسور کنه، بگه خب الان این موضوعش بده و نباید ببینم و بزنم بره. - خوب نگران تأثیراتش نیستی؟

چرا هستم، همون طور که قبلاً گفتم روی نوع نگاهم به جنس مخالف تأثیر گذاشته، ولی هر چیزی به توانی داره دیگه، به نظرم این تفریح کردنه و لذت بردن از اینستا، توانش همین طرز نگاهمه که درگیرش شده.

- تا حالا سعی نکردی که این ویدیوهایی که محتوای بدی دارن رو توی اکسپلور رد کنی؟ راستش اولاش که بچه مثبت بودم (می‌خندد) رد می‌کردم خیلیاش رو، ولی بعضیا رو تک و تک و نگاه می‌کردم، تا کم کم دیگه درگیرش شدم، بدون فکر نگاه‌شون می‌کنم که اکثراً هم مدلاایی هستن که لباس مناسب ندارن توی عکس و فیلماشون.

- وقتی این پست‌ها رو می‌بینی، باز دلت می‌خواهد که بیش‌تر ببینی و ادامه بدی؟
خب اگه راستش رو بخواهید بله.

- شما پیج این مدل‌ها رو فالو هم کردی؟
نه.

- چرا؟

چون خب فکر کنم خودتم می‌دونی که وقتی کسی رو فالو می‌کنی، بقیه فالورات می‌تونن بفهمن که کی رو فالو کردی، خب اون جووری زشته به کم (با خنده می‌گوید).

- دوستانت چه طور، اون‌ها هم پی‌گیره این مدل‌ها هستن؟

آره، بعضی موقع‌ها هم واسه همدیگه می‌فرستیم پستاشون رو توی دایرکت.

- دوستانت پیج‌شون رو فالو کردن؟

آره، یه سریا چون فامیل و آشنا توی پیج‌شون نیست، با خیال راحت فالوشون کردن این مدلا رو.

- می‌تونن چندتا از آن‌ها رو نام ببری؟

اسم خیلیاشون رو نمی‌دونم و فقط عکساش رو می‌بینم، ولی بعضیاشون رو بلام، مثل هانا مهرگان؛ ورونیکا راجک یا مثلاً النورا برتولی.



- نظرت راجع به پویان مختاری و میلاد حاتمی و امثال این‌ها چی هست، این که با کارشون موافق هستی؟

من خودم خیلی قبول شون ندارم، واقعاً به نظرم آدم‌های بی‌استعدادی‌اند که فقط به دنبال جذب کردن فالور و بالا بردن ممبرهاشون هستند. اون هم به خاطر این که پول دربیارن، واقعاً اونا آدم‌های بی‌استعدادی‌اند که به غیر از پول هیچی ندارن، الکی فقط معروف شدن توی اینستا (با عصبانیت می‌گوید)، مردم هم نمی‌دونم رو چه حسابی میان این‌ها رو دنبال می‌کنن و پست‌هاشون رو نگاه می‌کنن. به نظرم باید جمع بشن این جور آدم‌ها و واقعاً این‌ها فضای مجازی رو آلوده کردن.

- امیرحسین خودت توی گفته‌ها گفتی که بعضی موقع‌ها پست‌هاشون رو می‌بینی و پی‌گیر یک‌سری پست‌هاشون هستی، می‌شه یک کم بیش‌تر توضیح بدی؟

نه، من منظورم از پی‌گیری اینه که یه‌سری‌ها هستند که واقعاً طرف‌دار دو آتیشه این جور افرادن، می‌رن پست می‌ذارن راجع به این افراد، زیر پستاشون کامنت می‌ذارن و فن پیج‌هاشون رو می‌زنن. من واقعاً این جور افراد رو درک نمی‌کنم، جوریه که تو تا می‌گی پویان مختاری بهشون برمی‌خوره که می‌گن فلانه طرف. من این جور افراد مد نظرمه، من خودم پی‌گیرشون نیستم، صرفاً هم ویدیوهایی که برام میاد رو یه نگاه سرسری بهشون می‌کنم فقط.

- امیرحسین جان از طرف‌دارهای دو آتیشه‌ای که گفتی، از دوستانت و آشناها کسی هست که این جوری باشه؟

آره، توی دوستانم چند نفری هستن که واقعاً پی‌گیر این افرادن و تا اونا لایو می‌ذارن می‌رن توی لایوشون، بعدش هم میان راجب‌شون صحبت می‌کنن، حتی با همدیگه جر و بحث‌های بی‌خودی می‌کنن، از همم آخر دل‌خور می‌شن (با خنده می‌گوید).

- معمولاً چی به هم می‌گن؟

خیلی با شور و اشتیاق راجب این چیزهایی که نیلی افشار از پویان مختاری جدا شد، نمی‌دونم پویان مختاری ازدواج کرد، میلاد حاتمی رو گرفتن، از این جور موضوع‌ها میان صحبت می‌کنن.

- پیچ این دوستان رو هم دنبال می‌کنی؟

آره، پیچ دوستانم دارم و با هم در ارتباطیم.

- توی دایرکت برات از پست‌های این جور افراد و شاخ‌های مجازی می‌فرستن؟

آره، برام می‌فرستن. ولی من خیلی پی‌گیر نیستم که نگاه کنم، اگر حال داشته باشم، بعضی وقتا یه نگاه می‌اندازم، ولی واکنش خاصی ندارم.

- امیرحسین تا حالا به فکر خودت زده که مثل این شاخ‌های مجازی باشی؟

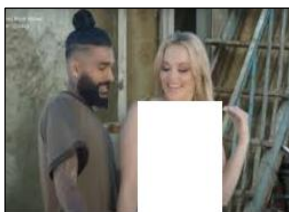
خوب شهرت رو همه دوست دارن، منم به نوبه خودم دوست دارم که آدم مشهوری باشم، اما نه به هر قیمتی. مثلاً طرف اومده از یک چیزهایی فیلم گذاشته توی اینستاگرام که واقعاً به نظر من مبتذله. مثال بزمنم برات مثل اون هلیا که اومد قمه‌کشی کرد، چه قدر هم بازدید خورد و فالوراش زیاد شد.



ولی به نظر من محبوبیت مهم‌تره تا معروف شدن و صرفاً به هر قیمتی دوست ندارم فالورام زیاد بشن. یه سری از اینا میان یک کارهایی می‌کنن توی ویدیوشون که واقعاً یک ویدیویی که ۴۰۰ هزار نفر هم شاید اون رو نبینند، یهو مثلاً تماشاگراش به ۲ میلیون نفر هم برسه، مثل ساسی مانکن که اومد یه شخصی رو آورد توی فیلمش که واقعاً هیچی نداشت، این فیلم به نظرم و صرفاً به خاطر این که یه شخص خاصی توی این فیلم بازی کرده بود که حالا اسم نمی‌برم، ویوی خیلی بالایی خورد.

- شما خودت اون ویدیو رو دیدی؟

خودم ندیدم، ولی خوب تیکه‌هاش رو توی اکسپلور دیدم که اون روزا اومده بود، واقعاً هم خیلی سر و صدا کرد این فیلم. شاید بتونم بگم که حدود ۲ میلیون ویو فقط توی یوتیوب خورد، حالا توی اینستاگرام و جاهای دیگه خدا می‌دونه که چه قدر بازدید داشته این ویدیو.



- امیرحسین تا حالا سعی کردی که با اسم و مشخصات فیک برای خودت اکانت بسازی؟
بله (با خنده).

- چرا، می‌شه یک کم توضیح بدی؟
آره، یه دو، سه باری اکانت فیک ساختم. قصدم این بود که چندتا از دوستانم رو باهاش سر کار بذارم.

- یعنی چی کارها کردی؟
من رفتم از پیجی که پیج دختر بود، چندتا از عکس‌هاش رو برداشتم و با یه اسم دختر اکانت فیک رو ساختم، رفتم پیام دادم به چندتا از دوستانم که دو نفرشون توی دام من افتادن (با خنده)، تونستم که اونا رو سر کار بذارم، حالا اگه دوست داشته باشید بیشتر توضیح بدم.
- بله حتماً.

هیچی دیگه، این اکانت رو که ساختم، رفتم دایرکت‌شون پیام دادم که من پستات رو دیدم و ازت خوشم اومده، دوست دارم بیشتر تر با هم آشنا بشیم، یه کم صحبت کردیم، با یکی‌شون حتی تا چند هفته داشتیم با هم صحبت می‌کردیم و تهش خودم خسته شدم، دیگه بهش گفتم دست انداخته بودم.

- واکنش دوستت چی بود؟
هیچی دیگه، کلی خندیدیم و خیلی هم خجالت کشید، ولی تهش جمع شد دیگه.
- اون دختری که عکسش رو گرفته بودی و گذاشته بودی پروفایل خودت رو می‌شناختی یا نه؟
آره، دوست خودم بود، باهاش هماهنگ کرده بودم.
- یه کم راجع به این دوستت برای من می‌گی، این که چه طوری با همدیگه آشنا شدید؟
خب این دختره اسمش نداست و دوست صمیمیه دختر داییمه، یه روز که با دختر داییم بیرون بودیم، چون خونه دختر داییم نزدیکه خونه‌ی ماست، این دوستش اومد پیشمون، اون‌جا بود که دیگه با ندا آشنا شدیم.

- آی دی اینستاگرامش رو از خودش گرفتی؟
نه بابا اون گرفت (با خنده)، همون روز گوشیم رو گرفت، آی دی اینستااش رو زد توی گوشیم، فالو کرد خودش رو و شمارشم بهم داد.
- رابطه‌تون با هم صمیمی هست؟
نه آن‌چنان، چون بیرون که همون یه بار رفتیم با هم، بقیه‌اش هم فقط در حد دو، سه تا پی‌ام و این چیزا بود.

- نظر ندا چی بود، اون هم راضی بود با این کاری که می‌خواستی بکنی؟
آره، اونم اوکی بود، مشکلی نداشت.

- یعنی خیلی راحت به شما گفت مشکلی نداره این کار رو انجام بده؟
خب اولش که بهش گفتم، یه سری سوالاتم کرد و انگار یه کم شک داشت و می‌ترسید، ولی بعدش که بهش گفتم طرفی که می‌خوام دست بندازمش دوستمه و جای دیگه‌ای عکست پخش نمی‌شه، اوکی شد.

- چه سوال‌هایی از شما پرسید؟
مثلاً اولش با تعجب گفتش که امیرحسین جان من می‌خواهی بری با کی صحبت کنی یا مثلاً این که می‌گفت امیرحسین واسم شرّ نشه و اینا... ولی من بهش گفتم چیزی نمی‌شه و طرفی که می‌خوام دستش بندازم دوستمه، دیگه راضی شد.
- هنوز هم اون اکانت رو داری؟
نه دیگه، ازش اومدم بیرون، ولی پاکش نکردم اکانتت رو، همین جوری بدون کاربر افتاده توی اینستا.

- دوستان خودت چه طور، اون‌ها تا حالا شما رو دست انداختن؟
آره، بعد از اون قضیه با هم دسیسه کردن و چند باری با اکانت فیک اومدن دایرکتم، ولی چون من خودم این کار رو کرده بودم، شک کردم بهشون و فهمیدم.

- چی به شما می‌گفتن؟
دیوونه‌ها همون حرفایی که من با اکانت فیک بهشون می‌زدم رو می‌زدن، پیش خودشونم فکر می‌کردن الان من رو دست انداختن (می‌خندد).

- شما چی بهشون می‌گفتی؟
منم چون زود می‌فهمیدم دست می‌انداختمشون، می‌گفتم یه ویس می‌دی ببینم صدات چه جوریه (پوزخند می‌زند).

- بعد دوستانت چه کار می‌کردن؟
هیچی، بنده خداها هنگ می‌کردن، نمی‌دونستن چی بگن، آخر می‌خندیدن و ویس می‌فرستادن.
- امیرحسین استوری و پست هم توی اینستاگرام می‌گذاری؟
آره، پست می‌ذارم، نه اون قدری که بخوام مثلاً هر ماه ۵ تا ۶ تا پست بذارم، ولی فعالیت دارم، ماهی یه دونه پست رو شاید بذارم.

- استوری چه طور، استوری هم می‌گذاری؟
آره، استوری رو بیش‌تر از پست می‌ذارم.

- موضوع پست و استوری‌هایی که می‌گذاری چی هست؟
پست‌هام اکثراً از خودم عکس می‌ذارم، ولی خب استوری‌هام بیش‌تر مطالب خنده‌دار و این‌جور چیزا رو استوری می‌کنم.

- عکس‌هایی که از خودت می‌گذاری رو ادیت می‌کنی یا همین جور بدون فیلتر پست می‌کنی؟
آره، از ادیت هم استفاده می‌کنم.

- چرا؟

چون به نظرم با ادیت خیلی عکسام قشنگ‌تر می‌شه.

- مگه بدون ادیت عکس بگذاری توی اینستاگرام، چه مشکلی داره؟

به دلم نمی‌شینم زیاد بدون ادیت، چون یه کم رو عکسام حساسم، به خاطر همینم هست که پست کم می‌ذارم.

- چرا پیش خودت فکر می‌کنی که از نظر ظاهری خوب نیستی؟

اینم بگم که منظور من از ادیت، اسنپ چت و این جور ادیت‌های خیلی زیاد نیست. یه مقدار فاز عکسم رو عوض می‌کنم، سیاه سفیدش می‌کنم، دارک می‌کنم، چون خودم با این جور عکسا بیش‌تر حال می‌کنم.

- دوست‌هات چه طور، اون‌ها هم از ادیت توی عکس‌هاشون استفاده می‌کنن؟

اوووووو تا دلت بخواد، من پیش اونا هیچم توی بحث ادیت، یکی از دوستام اصلاً هیکل نداره،

نمی‌دونم چه طوری با ادیت و افکت شکمش رو شیش تیکه می‌کنه (با تعجب می‌گوید).

- تا حالا نپرسیدی ازش از چه برنامه‌ای استفاده می‌کنه؟

نه والا، چون من نمی‌تونم خودم رو گول بزنم، شاید فالورام رو بتونم گول بزنم، ولی خودم که

می‌دونم مثلاً شکمم شیش تیکه نیس. والا دیگه اینستا شده مسخره بازی، همه فیک شدن.

- امیرحسین جان تا حالا به عمل جراحی زیبایی فکر کردی؟

نه، بهش فکر نکردم تا حالا، به نظرم نیازی به عمل جراحی ندارم.

- از بین دوستان خودت چه طور، اون‌ها جراحی زیبایی انجام دادن؟

آره، یکی از دوستام اسمش متینه، بینیش رو عمل کرده، حالا که بحث اینستاگرامه، اینم بگم

همه عکسای قبل عملش رو پاک کرده توی اینستا (با خنده می‌گوید).

- چرا؟

می‌گه عمل کردم که از این به بعد همه من رو این جور ببینن دیگه.

- به نظرت پست‌ها و استوری‌های ادیت که توی اینستاگرام می‌بینی، روی اعتماد به نفس

ظاهرت تأثیر گذار بوده؟

نه زیاد، چون قیافه خودم رو دوست دارم، خودمم افکت می‌زنم روی عکسام، ولی اون جور افکت‌ها

رو اصلاً دوست ندارم، چون کلاً قیافه‌ام رو عوض می‌کنه و اون شخص دیگه من نیستم.

- امیرحسین شما کدوم سلبریتی‌ها رو دنبال می‌کنی؟

خیلیا رو دنبال می‌کنم. مثلاً مهدی طارمی، بیلی آیلیش، هیوجک من، تتلو رو هم قدیم دنبال می‌کردم، ولی جدیداً دیگه خیلی پی‌گیرش نیستم.



- بین سلبریتی‌های ایرانی و خارجی کدام رو بیشتر دنبال می‌کنی، بیش‌تر کدومش رو دوست داری؟

بیش‌تر خارجی‌ها رو دنبال می‌کنم.

- چرا؟

چون بیش‌تر دوس‌شون دارم و جذب اونا شدم، به خاطر این که کیفیت موسیقی و فیلم خارج واقعاً خیلی بهتر از ایرانه.

- به نظرت این دیدگاهی که الان داری می‌تونه متأثر از اینستاگرام باشه؟

خب به نظر من رسانه فقط یک واسطه است و اینستاگرام می‌تونه توی دیده شدن این هنرمندان واقعاً تأثیر گذاشته باشه، ولی روی کیفیت کار اون‌ها که تأثیری نداشته. واقعاً کارشون خوبه و به واسطه‌ی اینستاگرام دارن بیش‌تر به جهان شناخته می‌شن، منم خودم همین‌جا باهاشون آشنا شدم.

- یعنی این که اینستاگرام باعث شد این سلبریتی‌ها رو بشناسی و پی‌گیر کارهاشون بشی؟

با یه سری‌هاشون از قبل آشنایی داشتیم. مثلاً آهنگ‌های بیلی آیلیش رو قدیم گوش می‌دادم، خب توی اینستاگرام هم بیش‌تر باهاش آشنا شدم، ولی یه سری هنرمندا هم بودن مثل هیوجک من که یکی، دوتا از فیلم‌هاش رو دیده بودم، بعد توی اینستاگرام که دنبالش کردم، واقعاً دیدم شخصیت

خیلی خوبی هم داره و به شخصیتش هم واقعاً علاقه پیدا کردم، الآن خیلی بیش تر کارهاش رو دنبال می‌کنم.

- یعنی این که روی این هنرمندها تعصب خاصی داری، مثلاً اگر کسی از دوستانت راجع به این هنرمندها بد صحبت کنه یا سلیقه‌اش رو اعلام کنه، شما ناراحت می‌شی؟

آره واقعاً، روی یه سری از سلبریتی‌ها خیلی حساسم و خیلی ناراحت می‌شم، اگه کسی راجع بشون خیلی بد بگه. ولی حس می‌کنم همین فضای مجازی روی خود سلبریتی‌ها هم تأثیر گذاشته، برای مثال بیلی آیلیش اون زمان لباس‌های گشاد و لش می‌پوشید، من خیلی دوست داشتم اون زمانش رو. الآن احساس می‌کنم که شخصیتش کلاً عوض شده، بیش تر لباس‌های جذب داره می‌پوشه و این‌ها، شاید به خاطر این باشه که اون هم اسیر این تکنولوژی شده و دوست داره فالوراش رو ببره بالا، هر چند فالوراش رو هم داره، ولی واقعاً نمی‌دونم چرا داره این کار رو می‌کنه، به نظرم توی جو فضای مجازی قرار گرفته اونم، با این که سلبریتیه ولی جو روی هر آدمی می‌تونه تأثیر بذاره.

- طوری شده که بخوای این سلبریتی‌ها رو الگوی خودت قرار بدی؟
آره، استایل بیلی آیلیش رو اون زمان که لش می‌پوشید دوست داشتم، یه جورایی جذب استایل خفنش می‌شدم.

- خودت هم تیپ‌های لش می‌زنی؟

آره.

- خوب آیا این لش پوشیدن رو از بیلی آیلیش یاد گرفتی؟

یه جورایی این دوتا در راستای هم بودن، یعنی هم لش پوشیدن من، باعث شد که بیش تر از بیلی آیلیش خوشم بیاد و هم این که اون این جور تیپ می‌زد، باعث شد که من بیش تر به این لش پوشیدنم ادامه بدم، یه جوراً مکمل همدیگه ان این دوتا.

- عکس‌های بیلی آیلیش رو توی همون اینستاگرام می‌بینی؟

آره، می‌تونم یه چیزی بگم؟

- بله حتماً.

به نظر من هیچ کس نمی‌تونه بگه که من از اینستاگرام تأثیر نگرفتم، چون چه بخوای چه نخوای تو توی اون محیط هستی، خواه یا ناخواه داری متأثر می‌شی از این فضا. فقط می‌تونم تلاش کنی که کم تر متأثر باشی که من خودم به نوبه خودم سعی کردم که کم تر تأثیر بگیرم.

- امیرحسین می‌گی که خودت کاری کردی که تأثیر نگیری از اینستاگرام، چه کارهایی کردی

که جلوی این تأثیر رو بگیری؟

کلاً شخصیت من یه جوریه که وقتی حس می‌کنم یه چیزی داره خیلی زیاد روم تأثیر می‌ذاره، دیگه خودم رو زیاد درگیر اون موضوع نمی‌کنم، سعی می‌کنم خودم رو از اون موضوع دور بکنم و دیگه بهش فکر نکنم.

- یادم هست گفتم اینستاگرام خیلی وقتت رو می‌گیره.

آره واقعاً، خودم هم خیلی دوست دارم تایم رو کم بکنم و کم‌تر توی فضای مجازی باشم، ولی هر کاری کردم این یه دونه رو نتونستم کاریش بکنم، واقعاً مثل یک عادت شده برام.

- یادمه که گفتم تتلو رو قبلاً دنبال می‌کردی ولی الان دیگه دنبالش نمی‌کنی، دلیلش چی هست؟

یکی از دلایلم اینه که خیلی پیچ عوض می‌کنه، من خودم پنج، شیشتا از پیچ‌هاش رو فالو داشتم و هر ماه پیچش رو می‌بست و یه پیچ جدید می‌زد، دیگه خسته شده بودم. ولی خب دلیل اصلیش برای من واقعاً شخصیتشه که حس می‌کنم داره عوض می‌شه، از اولم خیلی شخصیت خوبی نداشت، ولی باز قابل تحمل بود، ولی الان جدیداً خیلی شخصیتش بد شده، حتی شنیدم توی کنسرتش لخت شده، واقعاً دیگه دلم رو زده یه جورایی.

- راستی گفتم کنسرت تتلو، کنسرت تتلو رو دنبال کردی؟

آره، خیلی تیکه‌های زیادیش رو توی اینستا گذاشته بودن، خیلی از پیچ‌های رپی هم اون رو بازنشر کرده بودن، خیلی هم سر و صدا کرد. خودمم راستش دوست داشتم که برم کنسرتش، ولی فقط نتونستم توی اینستاگرام کنسرت رو ببینم که همون بهتر نرفتم.

- چرا؟

همون قضیه لخت شدنش دیگه، چه کاریه آخه (با تعجب می‌گوید).

- امیرحسین گفتم پیچ‌های رپی، پیچ‌های رپی رو هم توی اینستاگرام دنبال می‌کنی؟

آره، یه سری هاشون رو دنبال می‌کنم.

- می‌شه چندتا رو نام ببری؟

یه چندتایی هستش یکی، دوتاش رو الان یادمه، بیا توی رپ، رپ فارسی، اینا رو دنبال می‌کنم.

- به موسیقی رپ علاقه داری؟

آره خیلی.

- این پیچ‌های رپی که دنبال می‌کنی علاقه‌ات رو بیشتر کرده؟

آره، الان خیلی‌ها به رپ علاقه دارن، منم از قبل علاقه داشتم، ولی نه به اندازه‌ای که الان علاقه پیدا کردم. واقعاً وقتی که این پیچ‌ها رو دنبال کردم علاقه‌ام خیلی بیشتر شد، دیدم اون‌جا

آهنگ‌ها رو می‌ذارن، همون باعث شد که برم اون آهنگ‌ها رو دانلودشون کنم، حتی با خیلی از رپرای جدید آشنا شدم.

- به وسیله این پیج‌ها با چه خواننده‌هایی آشنا شدی که قبلاً نمی‌شناختی‌شون؟
خواننده نه، رپر.

- مگه فرق دارن؟
آره، رپ اصلاً داستانش فرق می‌کنه با پاپ و سبکای دیگه، واسه همین بقیه خوانندن، رپرا، رپرن.
- خوب به وسیله این پیج‌ها با چه رپرهایی آشنا شدی؟
خیلیا، مثل بامداد^۱، فرشاد^۲، رض^۳، تس^۴.



۱ - بامداد جعفری ملقب به بامداد ششم تیرماه سال ۱۳۷۲ دیده به جهان گشود. بامداد فعالیت رسمی خود را از سال ۱۳۸۷ در سن ۱۵ سالگی آغاز کرد. بامداد و داریوش اولین رپکن‌های تشکل پلاک بودند، اما داریوش پس از مدتی از پلاک خارج شد و وارد تشکل ملتفت شد. دیگر به عنوان رپکن و یارا به عنوان رپکن و آهنگساز اعضای دیگر تشکل پلاک هستند. از همکاری‌های بامداد می‌توان به حضورش در مجموعه‌های سرباز صفر از داریوش، مجموعه یک از نوید، مجموعه نا از دیگر و همچنین مجموعه شهروند از رض که به تازگی منتشر شده اشاره کرد.

۲ - فرشاد متولد دوازدهم دی ماه سال ۶۷ است. او فعالیت رسمی خودش را از سال ۸۶ و در سن ۱۹ سالگی آغاز کرد. وی ابتدا با لقب «گوستی» به معنای «روح» قدم به عرصه رپ گذاشت. سبک «فرشاد» اعتراضی و همراه با به چالش کشیدن اتفاقات روزمره زندگی با نگاهی منفی است. از وی ۵ آلبوم به نام‌های «یک روز کابوس»، «پوچ»، «لغو»، «دیشب» و «انفراد» منتشر شده است که در این میان مجموعه «انفراد» حاصل همکاری مشترک او با «بامداد» بوده است.

۳ - رض با نام اصلی رضا، رپکنی خلاق از اعضای لیبل دیوار می‌باشد. وی متولد ۲۵ مرداد سال ۱۳۶۱ در شهر تهران است. سبک اشعار رض فلسفی، حاوی کنایه و استعاره‌های ساده و در عین حال مفهومی است.

۴ - تس یک رپر زیر زمینی است.

- پیج‌های اصلی این پررها رو دنبال می‌کنی یا نه، صرفاً فقط آهنگ‌هاشون رو دانلود می‌کنی و گوش می‌دی؟

آره، پیج‌های اصلی‌شونم رو دنبال می‌کنم. راستی یادم رفت بگم پیج شاهین نجفی رو هم دارم که کارهای اون رو هم دنبال می‌کنم، واقعاً اون رو هم خیلی دوست دارم، به نظرم واقعاً یکی از بهترین سلبریتی‌های ایران.



- یک کم می‌تونم راجع به شاهین نجفی توضیح بدی؟ چون تعریف‌هایی که کردی نشون می‌ده که خیلی دوستش داری.

خوب شاهین نجفی جز اون دسته از خواننده‌هایی بود که از همون اول خیلی سیاسی کار می‌کرد، اون زمان واقعاً طرف‌دارهای الان رو نداشت، خیلی طرف‌داراش کم‌تر بود، چون واقعاً موسیقیش درک نمی‌شد به نظرم، جزو اولین نفراتی هست که وقتی من اینستاگرام رو نصب کردم اون رو فالو کردم (با ذوق می‌گوید).

- آهنگ‌هاش رو از چه طریقی دنبال می‌کنی؟

آهنگ‌هاش رو هم بیشتر سعی می‌کنم توی ساندکلود و اسپوتی فای گوش بدم که بتونم حق این خواننده رو ادا کنم، حتی چندتا از آلبوم‌هاش رو هم خریداری کردم و این که علاوه بر موسیقی و خوانندگی، شاهین نجفی کتاب هم نوشته، توضیحات فلسفی هم می‌ده که من اون‌ها رو هم خیلی

۱ - مرتضی نجفی‌پور مقدم (زاده ۱۹ شهریور ۱۳۵۹) که با نام حرف‌های شاهین نجفی شناخته می‌شود، خواننده، ترانه‌سرا، تهیه‌کننده موسیقی و نویسنده ایرانی است. او فعالیت در موسیقی را از سال ۱۳۷۹ در سبک‌های رپ و راک آغاز کرد. شاهین نجفی، تا قبل از مهاجرت به آلمان، در سال ۲۰۰۵ میلادی، در ایران، یک موسیقی‌دان زیرزمینی و فعال سیاسی بود. وی پس از مهاجرت به آلمان، تاکنون به فعالیت خود در موسیقی رپ و راک و موضوعات سیاسی و اجتماعی و مدنی ادامه داده‌است. او مدعی است تلاش می‌کند که عناصر شاعرانه و ادبی و اصطلاح‌های فلسفی و سیاسی در ترانه‌هایش حضور داشته باشند. به گفته نجفی مضمون بیشتر ترانه‌هایش استبداد سیاسی، حاکمیت دینی، فقر، تبعیض جنسی، سانسور، کودکان کار، اعدام، اعتیاد، هوموفوبیا و امپریالیسم فرهنگی است.

دوست دارم. حتی توی کست باکس پادکست‌هایی که می‌ذاره رو هم دنبال می‌کنم و خیلی هم روی زندگیم تأثیر گذاشته.

- امیرحسین جان گفتی کست باکس، با این برنامه چه طوری آشنا شدی، می‌شه یک کم توضیح بدی؟

والا من خودم اصلاً نمی‌دونستم چی هست این برنامه، یه سری توی اینستاگرام دیدم که شاهین پست گذاشته و گفته که برید توی کست باکس، سری پادکست‌های سوفیا رو دنبال کنید، من اون جا رفتم و با این برنامه آشنا شدم، دیدم که چه قدر برنامه کاربردی و مفیدیه، خیلی از کتاب‌ها رو به صورت صوتی اون جا داره، من حتی کتاب هری پاتر رو قبل خواب گوش می‌دم، خیلی هم باهوش حال می‌کنم.

- خوب شما که پی‌گیر رپ هستی، من شنیدم که الان توی اینستاگرام خیلی حاشیه‌های رپ‌ها زیاد شده و خیلی بحث‌ها راجع بهش می‌شه، شما هم از این حاشیه‌ها با خبر هستی؟
مگه می‌شه دنبال نکنم (با تعجب می‌گوید)، توی اینستا حتی یه سری خیلی حاشیه‌ها زیاد شده بود از طرف میلاد حاتمی و امثال این‌ها که اومده بودن با رپ‌ها درافتاده بودن که از اون طرف شایع اومد آلبوم عصبانی رو داد برای مقابله با اینا که البته من خودم جدیداً با شایع هم خیلی موافق نیستم.



چون خودش توی اون آلبوم اومد گفت که امثال این‌ها دارن پول ملت رو می‌دزدن، در صورتی که خود شایع کنسرتی که گذاشته بود، بلیط وی‌آی‌پیش تقریباً به پول ایران ۳۰ میلیون بود، این نشون می‌ده که خود شایع هم دنبال پوله، وقتی میاد از این حرفا می‌زنه، دیگه نباید بیاد بلیطش رو این قدر گرون بکنه.

حتی کامنت‌های زیادی هم زیر پست‌هاش نوشته شد در این موضوع که حس می‌کنم الان طرفداراش خیلی کم‌تر شدن و دیگه راضی نیستن ازش و اون محبوبیت قبل رو نداره.

- مگه توی کامنت‌ها چی می‌نوشتن؟

خوب این رو همه می‌دونن که شایع اکثر آهنگاش رو برای قشر ضعیف جامعه خونده و توی کامنتا یه سری نوشته بودن که بلیطها این قدر گرون بود که اصلاً قشر ضعیف جامعه نتونست بره به این کنسرت، فقط پول دارا توانستن برن یا یکی دیگه کامنت گذاشته بود که طرف با آیفون ۱۱ پرو مکس اومده اون جا، داره آهنگی رو هم خونی می‌کنه که برای بچه‌هاییه که پایین شهر زندگی می‌کنن.

- امیرحسین خودت هم اهل کامنت گذاشتن هستی و زیر پست کامنت می‌گذاری؟
نه، من خودم زیر هر پستی کامنت نمی‌ذارم و اصلاً هم موافقش نیستم. موافق این که بیان نظر خودشون رو به کسی تحمیل کنن یا حتی فحاشی کنن نیستم، اصلاً این جور چیزا رو نمی‌پسندم.
- می‌تونن راجع به این جور کامنت‌ها یک کم مثال بزنی؟

آره، مثلاً زیر پستای تتلو یا همین شایع، خیلیا میان برای این که انتقاد بکنن از هنرمندا، فحش می‌دن، واقعاً به نظر من این کار درستی نیست، اگه طرف خوشش نیاد از این رپر یا هر سلبریتی دیگه‌ای، حتی آدمای معمولی، می‌تونن دنبال نکنه کاراشون رو، ولی دلیل نمی‌شه بیاد کامنت بذاره، بخواد فحش بده و این جور چیزا.

- دوستانت چطور، اهل کامنت گذاشتن هستن؟
والا پی‌گیر کامنتا هستن، چون بعضی موقع‌ها راجبش صحبت می‌کنن، ولی تا اون جایی که من می‌دونم اهل کامنت گذاشتن و این حرفا نیستن، فقط زیر پستای همدیگه کامنت می‌ذاریم که اونم فقط تعریف می‌کنیم از هم.

- این چیزها که زیر پست‌های هم می‌نویسید یعنی چی؟
معنی خاصی نمی‌ده، چند وقتییه این کلمات مد شده توی اینستا، مثلاً مردم می‌خوان ابراز محبت کنن به هم می‌گن سوتون یا سلطان و این چیزا.
- حالا چرا می‌گن سوتون یا سلطان؟

مثلاً این جور لاتی‌تره، نمی‌دونم داستانه اینستا چیه، هر کی می‌خواد خودش رو پول‌دار و در عین حال لوتی و پایین شهری نشون بده.

- پس چرا خودتون هم زیر پست‌های همدیگه از این چیزها می‌نویسید؟
والا ما هم این قدر توی اینستا دیدیم از این چیزا که دیگه تأثیر گرفتیم و ناخواسته می‌گیم (با خنده می‌گوید)، ولی خدایی قصد من یکی حداقل لوطی نشون دادن خودم نیست، از روی عادت می‌گم.

- قبل از این که اینستاگرام نصب کنی و وارد فضای مجازی بشی از این لفظها به هم می‌گفتید؟
نه والا، من که اصلاً نمی‌گفتم، دوستانم بلد نبودن از اینا، ولی الان ببین چیا می‌گن، همه رو هم از این واینرها یاد می‌گیرن می‌گن.

- مثلاً چی می‌گن؟

زیاده (با خنده می‌گوید)، مثلاً می‌گن (این‌جا خوب داره، خوبش به تو نمی‌رسه) یا مثلاً (به ما نمی‌خوری، بخوری فر می‌خوری) یا مثلاً جای داداش می‌گن داداچ و از این چیزا.

- دوستانت این لفظها رو از کدوم واینرها یاد گرفتن؟

از محمد معماریان و حامد تبریزی و امثال اینا.

- شما هم این واینرها رو فالو کردی؟

نه، راستش اصن به نظرم اونا بامزه نیستن، کلیپاشون سر درد میاره، نمی‌دونم چرا رفیقام دوس-شون دارن والا.

- مگه کلیپ‌هاشون چه طوری هست؟

فقط می‌خوان بگن ما خوبیم، ما داریم عشق و حال می‌کنیم و کلی لفظ بلدیم، فقط هم سر تبلیغایی که می‌کنن کلیپ می‌سازن که پول بگیرن.

- امیرحسین نظرت راجع به کسایی که وارد صنعت مدلینگ می‌شن و توی اینستاگرام عکس می‌گذارن چی هست؟

الآن توی اینستاگرام خیلی مد شده که خیلی‌ها می‌رن توی صنعت مدلینگ، چه دختر و چه پسر، عکس می‌ذارن و از اون کسب درآمد می‌کنن و فالور جمع می‌کنن. والا الآن که من هر کی رو می‌بینم توی اینستاگرام، واقعاً هم بدن‌های خوبی دارن و هم قیافه خوبی دارن، یه جوروی شده که قیافه متوسط نداریم، اصلاً توی اینستا و همه‌شون واقعاً در سطح عالی‌ان، همین باعث شد که حتی من برم کلاس‌های بدن‌سازی هم ثبت نام کنم، به نظرم کار خوبیه ولی خب سلیقه‌ایه دیگه.

- امیرحسین شما خودت دوست داری وارد این صنعت بشی؟

این که خودم بخوام وارد صنعت مد و این جور چیزها بشم نه، زیاد علاقه‌ای ندارم، ولی خوب آره، منم دوست دارم که یه بدن خوب مثل مدلینگ‌ها داشته باشم.

- چرا علاقه نداری؟

آخه می‌دونی چیه، زیاد دید خوبی نسبت بهش ندارم، چه طوری بگم خیلی رو مودم نیست، چون من آینده و زندگیم رو، توی یه سری چیزای دیگه می‌بینم که اصلاً مدلینگ توش جایی نداره.

- آینده‌ات رو توی چه چیزی می‌بینی، می‌تونی بگی؟

آره، چرا که نه. من دوست دارم پرستار بشم، چون هم علاقه دارم بهش، هم خیلی پول خوبی توی این کار هست.

- پس یعنی تا حالا به این فکر نکردی که از اینستاگرام درآمد کسب کنی؟

نه، چون اصلاً به تبلیغای اینستا و خریدای اینترنتیش اعتماد ندارم، واسه همین اصلاً حس خوبی نسبت به درآمدش ندارم.

- چه طور مگه؟

یه بار فقط یه بار توی عمرم اومدم خاص باشم، از این پیجای خرید اینترنتی یه کتونی بخرم، رفتم توی پیجش کتونیاش رو دیدم، از یکیش خوشم اومد، هم قیمتش خوب بود، هم خیلی خوشگل بود توی عکسش، بعد که سفارش دادم اومد جلو در، بازش که کردم یه لحظه فکر کردم اشتباهی آوردنش، اصلاً هیچیش شبیه اونیه که توی عکس بود نبود، دقیقاً مثل بستنی عروسکی که روی جلدش یه بستنیه خیلی خوشگله، بازش می‌کنی اصلاً شبیهش نیست (با خنده می‌گوید).

- واکنش خانواده‌ات به این قضیه چی بود؟

والا این قدر کتونی زشت بود، بهشون قیمت اصلیش رو نگفتم، گفتم ارزون خریدم (با خنده می‌گوید).

- راجع به اون پیج از کسی مشورت نگرفتی؟

نه.

- دوستانت چه طور، برای اون‌ها هم این اتفاق افتاده؟

نه، چون ما کلاً توی فاز خرید اینترنتی نیستیم، هر وقت خرید داریم، می‌ریم بازار با دوستانم همون جا می‌خریم. این سریم که سفارش دادم حال نداشتم برم بازار، مامان و بابام که اصلاً از این خرید اینترنتی سر درنمیاری (با خنده).

- اون پیج لباس رو از کجا پیدا کردی؟

توی اکسپلور بود، منم دیدم لباساش رو خوشم اومد، نمی‌دونستم همه‌اش افکته که.

- امیرحسین دلیل این که می‌گی همه بدن‌ها خوب شده و دیگه قیافه و بدن متوسط توی

اینستاگرام نیست، چی هست؟

به نظر من شاید یه سریاً واقعاً به طور مادرزادی، حالا چهره قشنگ یا بدن خوبی داشته باشن، ولی نه دیگه در این حد، چون خیلی زیاد شده واقعاً. الآن این قدر برنامه‌های افکت زیاد شده که من حس می‌کنم اکثراً دارن از این برنامه‌ها استفاده می‌کنن، اکثرش به نظر من به خاطر همین افکت‌هایی که می‌ذارن، ولی خوب از حق نگذریم، کسایی هم هستن که واقعاً بدن و قیافه خوبی دارن.

- از دوستانت کسی هست که وارد صنعت مدلینگ شده باشه و توی اینستاگرام عکس‌های

خودش رو بگذاره؟

آره، یکی از رفیقای دورم که قبلاً با هم هم‌کلاسی بودیم، الآن وارد این صنعت شده، از خودش عکس می‌ذاره با لباسای مختلف، چندتا از برندها هم اسپانسرش شدن، فالوراش هم خیلی بالا رفته توی همین مدت کم.

- هنوز هم با این دوستت در ارتباط هستی؟

نه، در ارتباط نیستیم، مخصوصاً الآن که فالوراشم رفته بالا دیگه فکر نکنم اصلاً من رو تحویل بگیره (پوزخند می‌زند). حتی خیلی از فالوینگاش رو که شامل منم می‌شه، آنفالو کرده، به خاطر این که فقط فالوراش از فالوینگاش بیش تر باشه.

- مگه فرقی می‌کنه؟

از وقتی که اینستاگرام اومد این فرهنگ جا افتاد که هر کی فالوراش بیش تر از فالوینگاش باشه آدم شاخ‌تریه، حتی یه سری هستند که میان من رو فالو می‌کنن، وقتی منم فالوشون می‌کنم، می‌بینم من رو آنفالو کردن که فقط فالوراش رو بیره بالا، به نظرم این خیلی فرهنگ بدیه که جا افتاده.

- خودت تا حالا این اتفاق برات افتاده، یعنی این کار رو کردی که یک کسی رو فالو کنی، بعد آنفالوش کنی؟

نه، خودم این کار رو نمی‌کنم، ولی از اون جایی که خیلی وقته اینستاگرام دارم، یه سری پیچ‌ها هستن که فالو داشتیم قبلاً، ولی الآن فعالیتی نمی‌کنن و بعضی از اون‌ها رو می‌رم آنفالو می‌کنم، چون دیگه پی‌گیری کردن اون‌ها اهمیتی نداره.

- امیرحسین دلیل آنفالو کردن چی هست، یعنی چه فعالیت‌هایی باید داشته باشن؟

نه این که قصدم این باشه که فالوینگام رو کم بکنم، ولی خوب خودم دوست ندارم توی فالوینگام کسایی باشن که بی‌فایده اند و فعالیتی ندارن. دوست دارم همه اونایی که فالو دارم فعالیت داشته باشن توی اینستاگرام.

- علی نسبت به اون زمان که تازه اینستاگرام نصب کرده بودی میزان فعالیتت تغییر کرده؟

الآن خیلی فعالیتت بیش تر شده، چون اوایل که اینستاگرام اومده بود، نمی‌دونم شما یادتون هست یا نه، هم خیلی کاربرها کم‌تر بودن، هم امکاناتش کم‌تر بود. مثلاً اصلاً چیزی به اسم استوری نداشت اون زمان و فقط پست بود، توی اکسپلور هم فیلم‌های کم‌تری می‌اومد، خوب قاعدتاً منم وقت کم‌تری روش می‌داشتم. ولی الآن هم امکانات بیش تر شده، هم کاربرها خیلی بیش تر شدن، از یک طرف کسایی که میان پست‌ها و استوری‌های طنزی که می‌ذارن مثل عرفان علیرضایی و محمدامین کریم‌پور و امیر ویکتور و امثال اینا زیاد شدن، باعث شده که من وقت بیش تری رو توی اینستاگرام بگذرونم.





- پیج‌های این کسایی که نام بردی رو دنبال می‌کنی؟
آره، چون خیلی پست‌های قشنگی می‌دارن و واقعاً سرگرم می‌کنن من رو، دوست دارم واقعاً پستاشون رو دنبال کنم و پی‌گیرشون باشم.
- خودت هم سعی کردی که مثل شون فیلم‌های طنز بگذاری توی اینستاگرام که فالورهایت بیشتر بشه؟
نه این که بخوام به صورت جدی مثل اونا فیلم از خودم بسازم، ولی استوری و پست‌های خنده‌دار می‌ذارم. بعضی وقتا و برای بالا بردن فالورام پیجم رو از حالت پرایوت در میارم و روی حالت عمومی می‌ذارم که یه مقدار فالورام بیشتر بشه.
- امیرحسین این کاری که کردی تأثیری هم روی زیاد شدن فالورهایت داشته؟
اون قدر نه، ولی تقریباً یه ۲۰، ۳۰ تایی اضافه می‌شه هر بار که این کار رو می‌کنم.
- چرا این کار رو می‌کنی؟
خب دوست دارم منم مثل بقیه پست‌ها و استوریام بیشتر دیده بشه.
- چه طوری این کار رو می‌کنی؟
وقتی پست یا استوری می‌ذارم، سعی می‌کنم هشتگایی که بازدید زیاد دارن بزنم، چون وقتی بقیه اون هشتگ رو سرچ می‌کنن، پست یا استوریه من میاد بالا، خوب بعضیاشون می‌بینن و فالو می‌کنن، اگه خوششون بیاد.
- الان پیجت شخصی هست یا عمومی؟
الان شخصی.
- چرا؟
چون وقتی پیجم عمومی‌ه، احساس می‌کنم کنترل ندارم روی پیجم، هر کسی بدون اجازه می‌تونه فالوت کنه.
- امیرحسین جان پیج شخصی هم برای خودت ساختی که فقط دوستانت دنبال کنن؟
نه، فقط همین یه دونه پیج رو دارم، اون پیج فیک‌ها رو هم دیگه ندارم.
- چرا؟

چون دیگه حوصله‌اش نیست چندتا پیج رو بچرخونی، همون تمرکزت رو بذاری روی یه پیج

بهتره.

- در روز چه قدر از وقتت رو برای اینستاگرام می‌گذاری؟
تقریباً ۵، ۶ ساعت.

- چه وقتی در روز بیش‌تر توی اینستاگرام هستی؟

بیشتر شب‌ها قبل خواب، می‌رم توی اینستا که یه کم چشم خسته شه و خوابم ببره.

- یعنی اگه شب‌ها نری توی اینستاگرام خوابت نمی‌بره؟

چرا می‌بره، ولی خیلی سخت، مگر این که خیلی خسته باشم.

- توی اکسپلور چه مطالب و پست‌هایی رو بیش‌تر دنبال می‌کنی؟

بیش‌تر مطالب رپی، فوتبالی و طنز رو دنبال می‌کنم.

- توی پیج‌های فوتبالی، کدوم رو دنبال می‌کنی؟

من بیش‌تر فوتبال نیوز رو خیلی دوست دارم و کاراش رو دنبال می‌کنم با پیج بارسلونا.

- اخبار ورزشی رو از همون‌ها دنبال می‌کنی؟

آره.

- چرا؟

چون خیلی راحت‌تره و مثل اخبار تایم خاصی نداره، هر وقت که بخوای می‌تونم بری توی پیجش

و بخونی خبراش رو.

- تا حالا توی اینستاگرام با کسی آشنا شدی؟

آره، با یه سرپا آشنا شدم و چت کردم باهاشون، ولی اون قدری نبوده که بخوام باهاشون رفیق

صمیمی بشم.

- چرا؟

خیلی با دوستی مجازی میونه خوبی ندارم.

- چه طور مگه؟

خوشم نیامد خیلی، چون که کسی که ازش اطلاعاتی ندارم و فقط صرفاً چندتا پست ازش دیدم

و یه کم باهاش چت کردم، نمی‌تونم بهش اعتماد کنم که، اصلاً این شخص آیا یک شخص واقعیه

یا اکانت فیکه. زیاد خوشم نیامد که توی مجازی با کسی آشنا بشم، ترجیح می‌دم که حضوری باشه

و یه ارتباط چشمی داشته باشم با طرف که بتونم بهش اعتماد کنم و اون رو دوست خودم بدونم.

- اون‌هایی که باهاشون آشنا شدی، هنوز هم باهاشون در ارتباط هستی؟

نه اون‌قدر، مثلاً چی بشه استوری همدیگه رو ریپلای کنیم.

- معمولاً توی ریپلای خودتون به هم چی می‌گید؟

خب بستگی به استوری که می‌ذاریم داره، اگه عکس خودمون باشه، معمولاً قلب می‌فرستیم واسه هم، اگه یه نوشته خنده‌دار باشه، استیکر خنده می‌فرستیم، اگه یه موضوع جدی باشه و حالش رو داشته باشیم بحث می‌کنیم درباره‌اش و... .

- اون‌ها چی به شما اعتماد دارن؟

فکر نکنم خیلی زیاد، ولی یکی‌شون هست خیلی دایرکت می‌ده، منم خیلی حوصله ندارم جوابش رو بدم.

- چی می‌گه؟

اسمش نیماست، احساس می‌کنم کمبود داره یا اصلاً دوس و رفیق نداره، صبح تا شب هر چی واسش اتفاق می‌افته رو دایرکت من می‌گه.

- واکنش شما چی هست؟

من چون خیلی حوصله‌اش رو ندارم، سرد جوابش رو می‌دم که دیگه پی‌ام نده.

- مثلاً چی می‌گی؟

اون با شوق و ذوق چهار خط می‌نویسه، من یه کلمه می‌گم آها یا چه جالب، دلم نمیاد بلاکش کنم (باخنده).

- یعنی امکان داره یک روزی بلاکش کنی؟

اگه همین جوری پی‌ام بده، صد در صد.

- تا حالا شده که خودت یا از دوستان و آشناهات از این دوستی مجازی ضربه ببینن؟
برای خودم پیش نیومده، ولی یکی از دوستانم بود که با یه دختری آشنا شد توی اینستاگرام، بعد که با هم رفتن بیرون، دوستم دید که اصلاً قیافه‌اش اون چیزی که توی اینستاگرام بود نیست، حتی اخلاقش هم خیلی فرق داره با اون جوری که توی اینستاگرام چت می‌کرد. این قضیه برای خود من تجربه شد که به کسی دل خوش نکنم توی فضای مجازی، خصوصاً توی اینستاگرام.

- چرا خصوصاً توی اینستاگرام؟

چون این برنامه یه برنامه‌ایه که هم اکانت فیک توش خیلی زیاده، از طرفی چون یک برنامه‌ای که چشم و هم چشمی توش خیلی زیاده، از اون طرف افکتهای خیلی زیادی هم داره، هر کسی می‌تونه بیاد خودش رو ظاهرسازی بکنه و به جای یک شخص دیگه خودش رو جا بزنه که واقعاً این شخص نیست. چون این برنامه اعتبارسنجی هم نداره، واقعاً یکی می‌تونه هر هویتی برای خودش بسازه و آدم نمی‌فهمه که این شخص حقیقی یا جعلیه.

- رابطه‌ی دوستت با دختره به کجا رسید؟

نیما تا رسید خونه پی‌ام داد بهش که ما به درد هم نمی‌خوریم و زود بلاکش کرد (با خنده).

- واکنش اون دختر چی بود؟

دختره خودش فهمید نیما ازش خوشش نیومده، واسه همون زود قبول کرد.

- امیرحسین تا حالا به این فکر افتادی که اینستاگرامت رو پاک کنی؟

آره، خیلی وقتا پیش اومده که پاکش کردم، بعضی وقتها دیدم واقعاً داره وقتم رو می‌گیره و به درسم هم داره صدمه می‌زنه، تصمیم گرفتم که پاکش کنم تا یه کم به درسام برسم، ولی خوب متأسفانه هر بار که پاک کردم، دیدم دوباره بهش نیاز دارم و دوباره نصبش کردم.

- قبل از این که اینستاگرام نصب کنی از نظر درسی بهتر بودی؟

صد در صد، قبلاً همیشه درسای فردام رو مرور می‌کردم، واسه همین هر وقت سوالی می‌پرسیدن یا امتحانی می‌گرفتن بلد بودم، البته قدیم. اما این اینستاگرام داره نابودم می‌کنه، نه فقط من رو، بلکه همه رو، الآن اصلاً درس خوندن یادم رفته.

- چرا اینستاگرام نمی‌گذاره درس بخونی؟

خیلی سعی کردم مثل قدیم درس خون بشم، ولی تا میام درس بخونم اصلاً اینستا واسم جذاب‌تر از همیشه می‌شه (با خنده). پیش خودم می‌گم یه استراحتی به خودم بدم، بعد بشینم درس بخونم، می‌رم توی اینستا کلیپ اول رو که می‌بینم، همین جوری می‌رم تا ته کلیپا رو می‌بینم، یه دفعه به خودم میام می‌بینم دو ساعت گذشته.

- دوستانت هم وضعیت‌شون مثل شما شده؟

آره، دقیقاً اونا هم مثل منن، یعنی اگر ازشون همین سوال رو بپرسی، دقیقاً همین جواب رو بهت می‌دن، چون با هم که صحبت می‌کنیم تجربیاتمون مثل همه توی این مورد.

- چی باعث شد فکر کنی که به این برنامه نیاز داری و نمی‌تونی پاکش کنی؟

یه جورایی بود که انگار جای یه چیزی خالی بود توی زندگی‌م، مثلاً قبل خواب که می‌خواستم بخوابم دیگه چیزی نبود که باهاش سرم رو گرم کنم که بخواد چشمم رو خسته کنه و خوابم ببره، واقعاً جای خالی‌ش رو حس می‌کردم توی زندگی‌م.

- به نظر خودت این اعتیاد رو نسبت به اینستاگرام داری؟

قبلاً فکر می‌کردم که نه اعتیاد ندارم، ولی بعد از این که چند بار پاکش کردم و دیدم دوباره بهش نیاز دارم و نصبش کردم، الآن می‌تونم بگم که آره، واقعاً اعتیاد دارم به این برنامه.

- به نظر خودت این اعتیاد به اینستاگرام می‌تونه آسیب‌زا باشه؟

فکر نمی‌کنم آسیب جدی بزنه، چون ۴-۵ ساعت چیز نرمالیه به نظرم، ولی برای اون دسته افرادی که صبح تا شب زندگی‌شون رو پای اینستاگرام می‌ذارن، اونا رو واقعاً می‌شه گفت که دارن آسیب می‌بینن از این برنامه و خطر جدی براشون داره، ولی برای من فکر نمی‌کنم مشکلی پیش بیاد.

- امیرحسین جان آیا اینستاگرام تأثیری روی اعتقاداتت گذاشته؟

آره واقعاً، تأثیر داشته، نه تنها روی من بلکه حس می‌کنم رو کل جامعه این تأثیر رو گذاشته. شما اگر نگاه کنید از لحاظ پوشش، واقعاً قدیم خیلی سخت‌گیرتر بودن خانواده‌ها، چه برای دختر، چه برای پسر. ولی الآن می‌بینیم که خیلی راحت دختر و پسر دارن با تیپ‌هایی می‌گردن که شاید توی گذشته خانواده‌ها خیلی راضی نبودن به این سبک از پوشش و می‌شه این رو از آثار اینستاگرام به حساب آورد یا از طرفی رابطه بین دختر و پسر که قدیم خیلی هضمش سخت بود برای خانواده‌ها، ولی الآن خیلی راحت‌تر شدن و حتی یه سری‌ها می‌رن و با خانواده‌هاشون درمیون می‌دارن این قضیه رو و خیلی راحت می‌پذیرن این جور مسایل رو.

- امیرحسین این تأثیر روی خودت رو چه جوری می‌بینی، چی باعث شده که فکر کنی روی اعتقادات تأثیر گذاشته؟

اگه به مثال بخوام بزنم، واقعاً روی نگاه من خیلی تأثیر گذاشته اینستاگرام، باعث شده که من نگاهم خیلی هرز بشه، (با ناراحتی) الآن توی جامعه وقتی دارم می‌رم بیرون، مخصوصاً دخترها رو که نگاه می‌کنم، خیلی چیز طبیعی شده برام پوشش نامناسب‌شون، چون این قدر توی اینستاگرام دیدم که دیگه چشم‌ام عادت کرده، توی فضای واقعی هم ناخودآگاه دخترا رو نگاه می‌کنم و احساس پشیمونی هم نمی‌گیرم از این ماجرا، چون دیگه عادی شده برام، قدیم که یه کار زشتی می‌کردم، عذاب وجدان شدید می‌گرفتم، از خدا می‌خواستم من رو ببخشه یا این که قدیم حتی نماز می‌خوندم، الآن نه، عین خیالم نیست.

- دوستان خودت چه طور، برای اون‌ها هم این اتفاق افتاده؟

آره، روی دوستانم هم تأثیر گذاشته. حتی اونا خیلی بیش‌تر از من تأثیر گرفتن، من تازه خوب خوبه‌شونم، بعضی وقتا می‌گن که بریم یه جایی که مثلاً شلوغ‌تر باشه که بتونن دخترای بیش‌تری رو دید بزنن.

- شما چه کار می‌کنی، باهاشون می‌ری؟

خب آره، دوستانم، منم هر جا اونا برن می‌رم باهاشون.

- شما خودت از این کار خوشت میاد؟

خب راستش ته دل‌م راضی نیست، ولی خب چی کارش کنیم، چشم‌مون آلوده شده.

- امیرحسین تا حالا در ارتباط با کاربری از اینستاگرام دنبال فرهنگ سازی بودی؟

یعنی چی؟ منظورت رو نمی‌فهمم.

- مثلاً این که بیای راجع به یک کتاب یا فیلمی که دیدی یا خوندی متنی بنویسی و توضیح

بدی و دیگران رو ترغیب کنی که مثل شما اون کار رو انجام بدن.

آره، چون من خودم یه آدمیم که خیلی اهل فیلم دیدنم، حتی یه هایلایت درست کردم که توی

اون هر فیلمی که خوشم میاد رو استوری می‌کنم، سعی می‌کنم به فالورام هم معرفی‌شون کنم.

- از این استوری‌هایی که می‌گذاری از طرف فالورهایت بازخوردی هم دیدی؟
آره، خیلی بازخورد داشته. یه سری‌ها میان استوری‌م رو ریپلای می‌کنن و یه سری توضیحاتی راجب فیلم می‌خوان یا حتی یه سری بعد از این که فیلم رو دیدن میان پیام می‌دن و تشکر می‌کنن و راجب فیلم با هم بحث می‌کنیم، بازخورد خوبی داشته در کل.
- شما تا الان چندتا فیلم معرفی کردی؟
دقیقش رو نمی‌دونم، ولی حدوداً فکر کنم ۲۰ تا می‌رو معرفی کرده باشم.
- خوب این فیلم‌ها رو چه جوری معرفی می‌کنی؟
به عنوان مثال، اگه بخوام براتون فیلم سون رو معرفی کنم، اول میام یه عکسی از این فیلم می‌ذارم، بعد اسم هنرپیشه‌های معروفش رو مثل برد پیت، مورگان فیری من، کوین اسپیسی و این‌ها رو مشخص می‌کنم، یه خلاصه داستانی می‌ذارم که یه شخصیه میاد ۷ نفر رو که آدم‌های بی‌مصرفی بودن توی زندگی شون می‌کشه و دوتا کارآگاه هم هستن که دنبال این قاتل ان و حالا اتفاقاتی می‌افته که بیش‌تر از این هم توضیح نمی‌دم که اسپویل نشه فیلم برای کسی که می‌خواد اون رو ببینه.



- امیرحسین اینستاگرام چه تأثیرات جسمی منفی روی شما گذاشته؟
روی چشمم که واقعاً تأثیر گذاشته، ولی خوب نمی‌تونم بگم که فقط اینستاگرام بوده، بیش‌تر می‌شه گفت تأثیر گوشیه، چون خیلی به صفحه گوشی نگاه می‌کنم، واقعاً چشمم رو ضعیف کرده و حتی شاید عینک لازم باشم. دیگه کلی هم سر دردای یه دفعه‌ای گرفتم، چون خستگی چشم باعث می‌شه که آدم سر درد هم بگیره، خیلی از شب‌ها پیش اومده که این قدر توی گوشی بودم که

۱ - هفت (به انگلیسی seven) که گاهی به صورت SE7EN نیز نوشته می‌شود، محصول سال ۱۹۹۵ کمپانی آمریکایی نیو لاین سینما، یک فیلم تریلر روانشناسانه آمریکایی به کارگردانی دیوید فینچر است. این فیلم عناصری از ژانرهای جنایی و وحشت را در هم آمیخته‌است. ستاره‌های این فیلم را برد پیت و مورگان فریمن، به همراه گوئینت پالترو، رونالد لی ارمی، جان کریستوفر مک‌گینلی و کوین اسپیسی تشکیل می‌دهند. کارگردانی فیلم را دیوید فینچر بر اساس فیلم‌نامه‌ای از اندرو کوین واکر انجام داده است.

حتی از سر درد نتونستم بخوابم، بعضی موقع‌ها مادرم می‌گه این قدر توی گوشه بودی عصبی شدی، ولی خودم نمی‌تونم این رو تشخیص بدم.

- این موارد باعث نشده که استفاده کردن از اینستاگرام رو کم تر کنی؟
چرا، تصمیم گرفتم کم کنم، یه دو، سه روزی هم عمل کردم بهش، ولی به صورت ناخودآگاه بعد از چند روز دوباره به خودم اومدم، دیدم که همون تایم قبلی رو دارم واسش می‌ذارم. دیگه یه چیزی شده که واقعاً نیاز بدنه و یه چیز طبیعی شده، مثل غذا و آب آدم بهش احتیاج داره، من خودم به شخصه نمی‌تونم تایمش رو کم تر کنم.

- شما مسایل سیاسی رو توی اینستاگرام دنبال می‌کنی؟
نه، خیلی علاقه‌ای به مسایل سیاسی ندارم و دنبال نمی‌کنم، ولی خوب ویدیوهای رائفی پور رو دیدم، نمی‌دونم به مسایل سیاسی مربوط می‌شه یا نه. پیج من و تو آرو هم دارم، بعضی وقتا اخباری که می‌ذاره رو دنبال می‌کنم، در همین حد فقط.

- توی فیلم‌ها آقای رائفی پور راجع به چه موضوعاتی صحبت می‌کنه؟
بیش تر راجب مسایل ایلومینادی و شیطان پرستی و این جور چیزها صحبت می‌کنه. نمی‌دونم مرتبط می‌شه به بحث سیاسی یا نه، ولی خوب در همین حد من پی‌گیر این جور مطالب هستم.



۱ - علی اکبر رائفی پور (زاده ۸ اردیبهشت ۱۳۶۳)، سخنران ایرانی است که با سخنرانی‌های متعددی که در دانشگاه‌ها درباره شیطان پرستی، فراماسونری، صهیونیسم، مهدویت و تئوری‌های توطئه انجام می‌دهد، شهرت پیدا کرده‌است. در حال حاضر گستره سخنرانی‌های وی به تمامی علوم تسری یافته‌است. به ادعای خودش دارای مدرک کارشناسی حسابداری است. رائفی پور در سال ۱۳۸۹، مؤسسه فرهنگی «مصاف ایرانیان» و جنبش مصاف را افتتاح کرد. مصاف مخفف «مبارزه با صهیونیسم، اومانیسم و فراماسونری» است. در بعضی رسانه‌های داخلی گاهی از وی به عنوان پژوهشگر و محقق نیز یاد می‌شود.

۲ - من و تو یک شبکه تلویزیونی ماهواره‌ای بین‌المللی سرگرمی خدمات عمومی رایگان به زبان فارسی است که در اکتبر ۲۰۱۰ راه اندازی شد و متعلق به شبکه تلویزیونی مرجان است که توسط کیوان عباسی و مرجان عباسی تأسیس شده است. این مرکز در لندن مستقر است و برنامه‌های سرگرمی - علمی و سیاسی آن شامل مستندها، فیلم‌ها، سریال‌ها، اخبار و گزارش است. بر اساس یک نظرسنجی جدید گمان، ایستگاه‌های تلویزیونی فارسی‌زبان مستقر در لندن، ایران اینترنشنال و من‌وتو از «محبوب‌ترین» تلویزیون‌های ایرانی در بین ایرانیان به شمار می‌روند.

حامیان مالی این شبکه افراد نامشخصی هستند که هرگز نام آن‌ها فاش نشد؛ این کانال منبع منابع مالی خود را مخفی نگه می‌دارد. جمهوری اسلامی از ایالات متحده، عربستان سعودی و اسرائیل به عنوان حامیان مالی آن نام برده و من‌وتو را به تبلیغ برای خاندان پهلوی متهم می‌کند.

- شبکه من و تو چه طور، اخباری که می‌گذاره سیاسی هست؟
آره، بعضی از مطالبی که می‌ذاره حس می‌کنم که سیاسی باشه، چون راجب اشخاص سیاسی ایران مطلب رو می‌ذاره.

- نظرت راجع به اخبار شبکه من و تو چی هست؟
به نظرم اخبارش خیلی صادقانه‌تر و بهتره تا رسانه‌های داخلی.



- چه طور مگه؟

از اون جایی که من خودمم توی ایرانم و به هر حال توی این شرایط اجتماعی و سیاسی هستیم، خودم هم یک‌سری مسایل رو حس می‌کنم، حتی راجبش صحبت می‌شه بین دوستا و آشناها، ولی خب راجب همین موضوعات پیش پا افتاده که دیگه همه می‌دونن، چون به ضرر خود دولته، خبر رو نمی‌گن توی رسانه یا مثلاً فلان جای کشور آب آشامیدنی ندارن، رسانه‌ی ملی یه خبر راجبش پخش نمی‌کنه که به بقیه اطلاع رسانی بشه که شاید کسی بتونه کمک کنه، بعد می‌ری توی اینستا می‌بینی من و تو همون خبر رو پست کرده، در کل اطلاع رسانی و تبادل اطلاعات توی اینستا خیلی خوبه و خیلی تأثیر می‌ذاره روی افکار آدم‌ها که مردم بتونن مطالب و خبرایی رو حتی از کشورهای دیگه بدونن، چون یه سری از پیج‌ها هستن میان راجب مسایل سیاسی و فرهنگی و چیزهای دیگه‌ی کشورای مختلف صحبت می‌کنن که حتی باعث شد من علاقه‌مند بشم که بخوام مهاجرت کنم به یکی از کشورهای اروپایی که حالا مد نظر خودم کشور آلمانه.

- چرا ترغیب شدی که به آلمان بری؟

من یه سری پیج‌هایی دارم که راجب کشورهای مختلف میاد و مطالب می‌ذاره، توی اون پیج واقعاً مطالب خوبی راجب آلمان خوندم، این که چه قدر نظام اقتصادی قوی‌ای داره، یکی از بهترین کشورا برای زندگی کردنه، از طرفی هم چون نژادشون خیلی به نژاد ما نزدیکه، حس بهتری به آلمان دارم، احساس می‌کنم که زندگی راحت‌تری می‌تونم توی این کشور داشته باشم.

- آیا با کسی که شخصاً خودش توی آلمان زندگی می‌کنه توی اینستاگرام در تماس هستی؟

نه، با کسی که در ارتباط نیستم. ولی خیلی دوست دارم با یه شخصی که الان توی آلمان داره زندگی می‌کنه ارتباط بگیرم، تا بتونم از دیدگاه اون هم راجب آلمان اطلاعات بگیرم. ولی خب از اون جایی که خودم خیلی فوتبالیسم، چندتا از فوتبالیستای معروف آلمان رو هم دنبال می‌کنم. برای

مثال پیچ توماس مولر^۱ رو دارم، وقتی استوری‌های مولر رو نگاه می‌کنم که توی اون طبیعت آلمان داره ورزش می‌کنه، خیلی بیش‌تر ترغیب می‌شم که هر چی زودتر برم آلمان.



- خیلی ممنونم امیرحسین جان از وقتی که گذاشتی.
خواهش می‌کنم.
- خداحافظ.
خداحافظ.

تأملی دوباره:

امیرحسین ۱۸ ساله، در مصاحبه خود درباره اثرهای کاربری از شبکه اجتماعی اینستاگرام، به مباحثی حول محورهای اثرهای آموزشی، اجتماعی، اخلاقی- تربیتی، اقتصادی، خانوادگی، روان- شناختی، زیباشناختی، زیستی، زیست محیطی، سیاسی، عقیدتی و فرهنگی اشاره داشته است. امیرحسین در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل آموزشی کاربران، به مواردی مانند: افزایش اطلاعات کاربران در زمینه‌های مورد علاقه آنان از سویی و شیوع گسترده افت درسی کاربران از سوی دیگر، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است. امیرحسین در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در رفتار اجتماعی کاربران، به مواردی مانند: اتکای اطلاعاتی به فضای مجازی، رواج به اشتراک‌گذاری نظرات درباره موضوع‌های مختلف، تعامل با دوستان مجازی، اثرپذیری عمیق نوجوانان و جوانان از الگوها و الگوهای ویرانگر،

۱ - توماس مولر (Thomas Mueller) اولین بازی‌اش را برای تیم بایرن مونیخ انجام داد و قهرمانی در بوندسلیگا و جام حذفی را تجربه کرد. این دستاورد سبب دعوت او به تیم ملی شد و در جام جهانی ۲۰۱۰ هم شرکت کرد. جایی که او آقای گلی جام جهانی را به دست آورد. او بهترین بازیکن جوان جام جهانی و همچنین کفش طلای جام جهانی را به خاطر آقای گلی دریافت کرد. مولر همچنین در لیگ قهرمانان اروپا سال ۲۰۱۳ حضور داشت و همراه بایرن قهرمان شد. توماس مولر همراه تیم ملی آلمان در سال ۲۰۱۴ قهرمان جهان شد.

علاقه به مهاجرت و شکل‌گیری هویت‌های کاذب و جعلی و نظایر آن، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

امیرحسین در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در رفتار اخلاقی کاربران، به مواردی مانند: کاهش حساسیت نسبت به اوامر و نواهی اخلاقی و دینی، وجود فضای بی‌اعتمادی و بی‌اخلاقی در اینستا و تحقق روابط مبتنی بر فریب در فضای اجتماعی و نظایر آن، اشاره داشته است.

امیرحسین ۱۸ ساله در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل اقتصادی کاربران، به مواردی مانند:

وجود برخی از سوءاستفاده‌های اقتصادی از کاربران در فضای مجازی و اینستا، اشاره داشته است. امیرحسین در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل خانوادگی کاربران، به مواردی مانند: کاهش حساسیت‌ها نسبت به روابط دو جنس و پوشش فرزندان، افزایش آسیب دیدگی اخلاقی فرزندان در اثر بی‌توجهی اولیا در فضای مجازی و سوق یافتن به طرف دروغ‌گویی، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

امیرحسین در مصاحبه‌اش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل روانی کاربران، به مواردی مانند: اتلاف وقت، جادوی اینستا، کم‌اثر شدن تدریجی حساسیت کاربران نسبت به برخی از مسایل مهم، عصبی شدن، وابستگی و اعتیاد به فضای مجازی و توجه مفرط به مسایل جنسی در فضای شبکه‌های اجتماعی و نظایر آن، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

امیرحسین در مصاحبه‌اش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در علایق زیباشناختی کاربران، به مواردی مانند: بی‌توجهی نسبی به زیبایی‌های معنوی، دیگرپیروی برخی از کاربران در ابعاد زیباشناختی از سلبریتی‌ها، اینفلوئنسرها و شاخ‌های مجازی، عمده کردن جذابیت بدنی در چشم و دل کاربران و غوغای اندیشه‌تن، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

امیرحسین ۱۸ ساله در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل زیستی کاربران، به مواردی مانند: ناراحتی‌های چشمی و ضعف بینایی، سردرد و سرگیجه، اختلال در خواب، اشاره داشته است.

مصاحبه‌شونده در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل زیست محیطی کاربران، به ترغیب برخی از کاربران مبنی بر ضرورت عطف توجه به مسایل محیط زیست، اشاره داشته است.

امیرحسین در مصاحبه‌اش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل عقیدتی کاربران، به مواردی مانند: کاهش حساسیت نسبت به اوامر و نواهی اخلاقی و دینی، نقش پررنگ لذت و شهوت‌گرایی در فضای مجازی، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

امیرحسین ۱۸ ساله در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در علایق فرهنگی کاربران، به مواردی مانند: ارتقای فکری و فرهنگی کاربران، پوشش دادن اینستا به قسمت مهمی از سرگرمی و تفریح جوان ایرانی، همکاری دختران و پسران در سرکار نهادن دیگران، سرگرمی‌های مخرب و تحول آفرینی‌های نامناسب در زبان و نظایر آن، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

اگر در زمینه مباحث مطرح شده در مصاحبه امیرحسین ۱۸ ساله، با ارجاع سایر محورهای مطرح شده به دیگر کتاب‌های مجموعه حاضر، توجه خود را صرفاً معطوف به ابعاد فرهنگی (که مورد بحث اثر حاضر است) کنیم، می‌توان بیان داشت، امیرحسین در مصاحبه خویش خاطرنشان می‌سازد، مصرف فرهنگی نوجوانان و جوانان از اینستا و شبکه‌های اجتماعی در صورتی که با بسترسازی‌های فرهنگی و دقت نظرهای لازم توأم نشود، رفته رفته از حساسیت کاربران نسبت به اوامر و نواهی اخلاقی و دینی کاسته، با سایه‌افکن شدن سیطره لذت و شهوت‌گرایی بر کاربران فضای مجازی، در عمل به تحولات عقیدتی آنان خواهد انجامید.

مصاحبه با رضا، ۱۸ ساله

حتی سگاشون رو مثل این مهد کودکا که بچه‌ها رو می‌برن، سگاشون رو همچین جاهایی می‌برن، بهش می‌گن هتل سگ.

- سلام، خوب هستی؟

سلام، ممنون.

- خودت رو معرفی می‌کنی؟

رضا هستم، ۱۸ ساله از ...

- خواهر یا برادر داری؟

بله، یه آبجی بزرگ‌تر از خودم دارم، یه آبجی کوچیک‌تر.

- خانواده‌ی شما از اینستاگرام استفاده می‌کنن؟

بله، همه اینستاگرام داریم به جز آبجی کوچیکم.

- خواهر کوچیکت چند سالش هست؟

۱۰.

- گوشی نداره؟

داره، مگه می‌شه الان گوشی نداشت، ولی اجازه ندادم اینستاگرام نصب کنه.

- می‌تونم علتش رو بپرسم؟

مناسب سنش نیست.

- به نظرت کی مناسب سنش هست؟

حدوداً بالای ۱۶.

- خواهرت نمی‌گه اجازه بدید اینستاگرام رو نصب کنم؟

گفت چند بار، ولی گفتم نه، دیگه نمی‌گه.

- الان هم‌سن‌های خواهرت دارن. چرا به نظرت مناسب نیست؟

محتوای خوبی نداره، الان هر ننه قمری سوس ماست می‌گه، یه سری **** سرهم می‌کنه

می‌گه که فقط دیده بشه.

- به نظرت تأثیر می‌گذاره؟

آره، خیلی.

- روی خودت تأثیر داشته؟

نه، اون جووری بستگی به خود آدم داره.

- خوب خودت چند سال هست اینستاگرام داری؟
۵ سالی می‌شه.
- داخل اینستاگرام پیجت شخصیه یا باز هست؟
اول باز بود، ولی الآن بستم.
- چرا؟
دوست دخترم خوشش نیامد دخترت رو فالو کنم یا اونا فالوم کنن، به خاطر همین بستم.
- پس قبلاً پیجت باز بود؟
آره، ولی دیگه با دوست دخترم دوست شدم، بستم.
- پس دوست دخترت به شما گفته باندی؟
اون جورى نگفت، ولی گفت اگه من این کار رو کنم، خودشم پسرا رو فالو می‌کنه، منم از این کار خوشم نیامد، ترجیح دادم ببندم.
- (پیج اینستاگرامش را که دیدم، در بیو اینستاگرامش زده بود in rell در این رابطه از وی پرسیدم).
- چرا داخل بیوی پیج اینستاگرامت in rell زدی؟
بینن توی رابطه‌ام، گفتم دوس دخترم یه کم حساسه.
- فامیل‌هاتون یا خانواده‌ات پیجت رو نمی‌بینند؟
می‌بینن.
- می‌دونن دوست دختر داری؟
آره.
- خانواده‌ی دوست دخترت چی، اون‌ها هم می‌دونن شما دوست هستید؟
مامانش می‌دونه، ولی باباش نه.
- چه قدر برای اینستاگرام وقت می‌گذاری؟
روزی دو، سه ساعت، زیاد وقت نمی‌کنم.
- چرا، امسال کنکور داری، داری بیش‌تر درس می‌خونی؟
نه، می‌رم سر کار بعد از ظهرها تا شب، صبحم که سر کلاس آنلاین هستم، فعلاً الآنم برای بعضی درس‌ها مجبور شدیم صبحا بریم مدرسه.
- خوب چه زمان‌هایی بیش‌تر اینستاگرامت رو چک می‌کنی؟
شبا که آزادم.
- شده به خاطر اینستاگرام دیرتر بخوابی؟
آره.

- داخل اینستاگرام چه پیج‌هایی رو دنبال می‌کنی؟

پیج‌های فان.

- این مدتی که اینستاگرام داشتی به نظرت چه تأثیرات مثبت و منفی اینستاگرام روی شما

گذاشته؟

تأثیر اینستا روی زندگی من اون قدر نبوده، ولی وقتی توی این فضا باشیم، اونم به صورت طولانی مدت، قطعاً تأثیراتی داره، حالا هر چند کوچیک، مثلاً من فکر می‌کنم، زمانی که وقت زیادی برای اینستا می‌ذارم، آستانه‌ی تحملم پایین تر میاد، زود از کوره درمی‌رم، شاید این تأثیر چیز دیگه باشه، ولی من وقتی زمان زیادی برا اینستا می‌ذارم این موارد برام بیش تر اتفاق می‌افته.

- گفتی زمانی که از اینستاگرام استفاده می‌کنی فکر می‌کنی زودتر از کوره درمی‌ری، می‌شه بگی

مثلاً چه کاری می‌کنی؟

مثلاً اگه یه نفر هی صدام کنه، عصبانی می‌شم، همین خواهر کوچیک‌ترم، وقتی کارم داره، من

توی اتاق هستم، اونم توی اتاقش، از اون‌ور هی صدام می‌کنه، یهو می‌رم سرش داد می‌زنم یا یه

بار هی می‌اومد توی اتاقم، یه چی جلو دستم بود، عصبانی شدم، پرتش کردم.

- تا حالا شده خودت رو با افراد داخل اینستاگرام مقایسه کنی؟

خودم نه، ولی اتفاق افتاده که به درآمد عجیب غریب افراد که از طریق اینستا درمیارن، اونم بدون

هیچ خلاقیت خاصی فکر کنم و ذهنم درگیر بشه. الان دوتا دختر اومدن فقط واسه این که راجب

ماشین یه چی گفتن، به خاطر لهجه‌شون معروف شدن، اول همه مسخره‌شون کردن، ولی حالا دارن

تبلیغ می‌کنن.

- چی می‌گفتن یادت هست؟

آره، می‌گفت: «روی سنگ گرم بنویسید، اگه عشگ ماشین نبود، شاید دیگه گبری نبود»، واسه

این که یه گبری گفت و اون یکی به جای قول بده، می‌گفت گول بده، همین جووری الکی معروف

شدن، همه‌ی پیجای فان، کلیپای اینا رو گذاشتن، اول مسخره‌شون می‌کردن، بعد همه رفتن

فالوشون کردن، توی کامنت‌های این پیجای فان، همه می‌نوشتن کسی آیدی پیج اینا رو نداره،

همین جووری واسه هیچی، الان با حدود ۹ هزار فالور می‌تونن به راحتی پول دربیارن، مثل همون

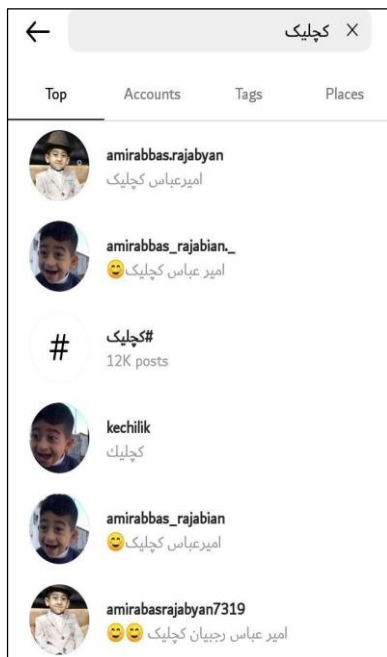
بچه که یه کچلیک گفت، چه قدر معروف شد.





- جریان کچلیک چی هست؟

چند سال پیش از یه بچه فیلم گرفتن، می‌گفت کچلیک خوردم و این چیزا، بعد یهو فیلمش همه جا پخش شد، بعد دیگه می‌رفت با گلزار و برنامه احسان علیخانی و کارای دیگه کرد، الان پیج اینستاگرام داره ۷۵ ک، تبلیغ می‌کنه، اینم مثل بقیه حالا هیچ استعدادی نداره.



حتی براش فن پیج زدن، اون فن پیجاشم تبلیغ می‌ذارن، از طریق این پول درمیارن. برای هلیای قمه کش هم الان بعضی‌ها حتی فن پیج زدن و طرفداریش رو می‌کنن.



- اطرافیان چه طور، اون ها توی اینستاگرام شده خودشون رو مقایسه کنن؟
چندتا از پسر عمه هام، این جورى هستن كه خيلى خودشون رو مقايسه مى كنن، سر كار موقع استراحت مى رن اينستا شون رو چك مى كنن، به منم نشون مى دن كه خوش به حال اينها، مثلاً چه زندگى راحتى دارن، براى سگ شون كيك تولد مى گيرن، اونم كيك مخصوص براى خود سگا.



یا یکی یه گربه خریده بود، چندین میلیون، بعد براش یه عالمه وسیله نزدیک ۱۵ میلیون خرید، حالا بعداً چه قدر هزینه می‌کنن براشون، مثلاً دیده بودم کرم، شامپو و شونه مخصوص دارن سگ و گربه‌هاشون.



اون وقت یکی، برای بچه‌اش نمی‌تونه لباس نو بخره، همین چیزا رو یه وقتایی بهم نشون می‌دن، منم یه جور می‌شم دیگه، اینا مرفه هستن، چه قدر فاصله هست بین مردم واقعاً، حتی من دیده بودم سگه مسواک و خمیر دندان خاص خودش رو داشت، حالا چند باشه خوبه، ۴۰۰ و خورده‌ای بود یه مسواک و خمیر دندان، حالا مسواک و خمیر دندان من دوتاش با هم ۵۰ تومن نمی‌شه.



حتی بعضی‌ها یه جشن تولدی برای سگشون می‌گیرن که من تا حالا اون جورى تولد نگرفتم.



- این‌ها رو از کجا می‌دونی؟

توی پیجای اینستاگرام نشون می‌دن، حتی سگاشون رو مثل این مهدکودکا که بچه‌ها رو می‌برن، سگاشون رو همچین جاهایی می‌برن، بهش می‌گن هتل سگ.

- می‌تونى پیج‌هاشون رو به من معرفی کنی؟

آره، پسرعمه‌هام فالوشون کردن (از طریق پیج اون‌ها بهم معرفی کرد) این پیج، @theferesh وقتی بزنی پت شاپ توی اینستاگرام، پیج‌های زیادی میاره یا حتی الان بعضی از این سلبریتی‌ها برای سگ و گربه‌شون پیج اینستاگرام می‌زنن، عکساشون رو می‌ذارن مثل hny - @chico خیلی فالور داره، برای سگش لباس می‌خره و تولد می‌گیره، از بچه بیشتر بهش می‌رسه صاحبش.



- به نظرت این جورى خوب هست؟

نه واقعاً، همین کارا رو می‌تونن یه کم کم‌ترش کنن به بچه‌هایی که نیازمندن بدن، من خودم حالا نمی‌خوام پیام بگم خیلی خوبم، ولی همین پول که می‌رم سر کار پول درمیارم، هر وقت یه بچه بینم داره فال می‌فروشه یا گل این جور چیزا، همیشه ازش یه چیز می‌خرم، هر چند نیاز نداشته باشم، ولی کمکش می‌کنم، اینا خیلی اگه حیوونا رو دوست دارن به این سگا و گربه‌های توی خیابونم یه کم کمک کنن، بهشون غذا بدن، به نظرم این چیزا فقط نمایشه.

واقعاً آدم فکر می‌کنه چه آدمایی پیدا می‌شن، اون وقت این همه آدم گشنه داریم، هیچ‌کی به هیچ کجاش نیست.

- نمایش چی؟

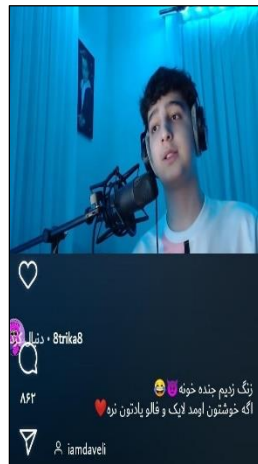
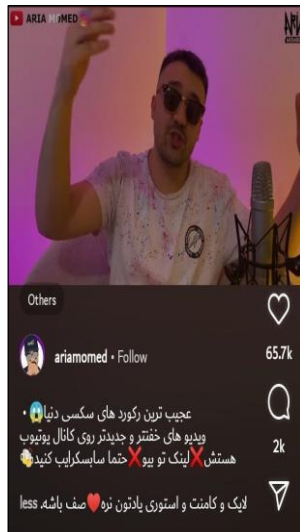
لاکچری بودن و می‌خوان این جورى نشون بدن خیلی پول دارن و هزینه می‌کنن. یه پیجی، دختره گربه‌اش از خونه فرار کرده بود، دختره گریه می‌کرد استوری می‌ذاشت که بچه‌ام رفته، دعا کنید پیداش کنم، بعد حالا گربه چند روز بعد پیداش شد، اومده بود می‌گفت آره، گربه‌ام چون ماده هست فرار کرده، الان فصل جفت گیریشه، منم نرفتم عقیمش کنم، این جورى شد، حالا فردا می‌خوام ببرمش. حیوونا رو دارن به خاطر خودشون اذیت می‌کنن.



- به نظرت اینستاگرام تأثیر مثبتی توی زندگیت داشته؟
اینستا هیچ تأثیر مثبتی توی زندگی من نداشته، تنها تأثیر که می‌شه گفت مثبت بوده، بعضی وقتا کلیپ‌های طنز که دیدم و روحیم باهاش عوض شده.

- می‌تونی چندتا از این پیج‌ها فان رو به من معرفی کنی؟
@ariamomed

- مثلاً چه چیزهای خنده داری درست می‌کنن؟
میان به این شماره‌هایی که می‌گن خاله هستم، دختر دارم، از تمام شهرها برای رابطه زنگ می‌زنن، اذیت می‌کنن، بعد فیلم می‌گیرن یا میان چیزای خنده‌دار دیگه درست می‌کنن بیشتر، حالا چندتا کلیپای مزاحم تلفنی درست می‌کنن، خنده داره، یه چیزایی می‌گن طرف رو اُسکل می‌کنن.



- اینستاگرام باعث شده مثلاً چیزی ببینی که لازم نداشتی ولی خریدیش؟
آره، به عنوان مثال یه گردنبد جنس سنگی بود، با این که هیچ علاقه‌ای من به این چیزا ندارم دیدم و خوشم اومد گرفتم یا چیزای دیگه که لازم داشتیم به راحتی تونستم بگیرم.

- مثلاً چی به راحتی تونستی بگیری؟
ولنتاین پارسال، می‌خواستیم برای دوست دخترم کادو بخرم، ولی وقت نداشتم برم بیرون خودم بگیرم، توی اینستا از این باکس‌های کادو آماده که توش همه چی بود سفارش دادم، خیلی راحت بود برم.

- نظرت راجع به این که بعضی پیج‌ها از هم‌جنس‌گراها و ترنس‌ها حمایت می‌کنن چی هست؟
اصلاً خوشم نیامد، خیلی حال بهم زنه، وقتی همچین چیزایی می‌بینم، بیش‌تر توی اکسپلور اینستا پست‌ها و کلیپ‌ها بر اساس سلايق نشون می‌ده، من چون خوشم نیامد از این چیزا توی اکسپلور اون طوری نیامد.

- چه طوری اینستاگرام بر اساس سلايق نشون می‌ده؟
یه مدل پست بیش‌تر لایک کنی یا سیو کنی، اینستاگرام دیگه علاقه‌ات رو متوجه می‌شه و توی اکسپلورت میاره، مثلاً الان اکسپلور من رو نگاه کنی، همه‌اش فوتبال، ولی اکسپلور دوست دخترم توی اینستا رو ببینی، همه‌اش فیلم و آهنگ میاد، من همین راجب هم‌جنس‌گرایی اینا که دیدم، بیش‌تر توی فوتبال بحثش داغ بود.

- توی فوتبال چه طور بحث این چیزها هست؟
شبکه‌های ایران یه تایمی که اینا میان، از همینا حمایت می‌کنن و فوتبال پخش نمی‌کنن، چون مثلاً کفش و لباس‌شون همه رنگین کمونی می‌شه، کاپیتان بازو بندش رنگین کمونیه یا فوتبالیست‌هایی که توی فوتبال مخالف اینان به مشکل می‌خورن، بعد یادمه حمایت می‌کرد تیم انگلیس از ال‌جی‌بی‌تی.

- به نظرت چرا ازشون حمایت می‌کنن؟
خب توی کشورهای که تز آزادی اندیشه دارن از این قضیه حمایت می‌کنن.
- چه طور فوتبالیست‌ها به مشکل می‌خورن، می‌شه راجع بهش بیش‌تر توضیح بدی؟
آره، یه بازیکنی که مخالف ال‌جی‌بی‌تی بود، بعد از این که گل زد، موقع شادی بعد از گل، از قصد رفت پرچم کرنر که اون رنگین کمونی بود رو شکوند، داور بهش کارت زرد داد.

کلاً بزرگ‌ترین حمایت کننده این داستان‌ها مثل این که یهودی‌ها هستن، چون لیگ جزیره تنها لیگی که از این داستان حمایت می‌کنه، اکثر سهام‌دارای باشگاه‌های بزرگم یا یهودین یا با یهودی‌ها ارتباط دارن، مثل خانواده گلیر صاحب‌های منچستر.



- لایوهای اینستاگرام رو نگاه می کنی؟

آره، بعضی وقتا.

- بیش تر چه لایوهایی رو دنبال می کنی؟

من لایوهایی که فالورای خودم می ذارن رو نگاه می کنم، یکی از پسر عمه هام که شهرستانه، هر موقع میاد عرق می خوره لایو می ذاره، همین جوری منم نگاه می کنم.

- پیجش باز هست؟

آره.

- توی اینستاگرام شده پیجهایی دنبال کنی که اطلاعات عمومیت زیاد بشه؟

آره، یه پیجی بود در مورد افراد نابینا گفته بود که اینایی عصاشون علاوه بر رنگ سفید، قرمز هست معلولیت شناوییم دارن یا بعضی پیجای تاریخی رو دنبال می کنم.

- پیجهای تاریخی چه جوری هستند؟

میان راجب تاریخ ایران می گن، بعد استوری هایی می ذارن ۴ گزینه ای در اون مورد می پرسن یا حتی من پیج های علمی زیادی می شناسم.



- خوب مطمئنی همه‌ی مطالبی که می‌گذارن، درست هست؟
این رو نمی‌دونم، ولی یه بار راجب آشوری‌ها بود، من بلد بودم گزینه صحیح رو زدم، اگه گزینه غلط بزنی باز یاد می‌گیری، وقتی بعداً بذاره یادت مونده.
- دیگه چه چیزهایی خودت یا اطرافیانت از اینستاگرام یاد گرفتی که به نظرت توی زندگی ت فایده داشته؟
ما می‌خواستیم ماشین بخریم، بعضی از این پیج‌های اینستاگرام مشخصات خودرو رو می‌داشتن، بعد کامنت‌ها رو می‌خوندم. جدیداً بابام می‌خواست کویک بخره، ولی من کامنتا رو خوندم و نظرات

خوبی راجبش نبود، حتی با چند نفر صحبت کردیم گفتن به درد نمی‌خوره، ما منصرف شدیم. به نظرم این کامنت‌های اینستاگرام این‌جا توی خرید ماشین برای ما خوب بوده یا حتی پیج‌هایی که برای بورس من نگاه می‌کردم، قبلاً چند بار یه چیزایی یاد گرفتم یا بابام موهاش که می‌ریخت، ما توی اینستاگرام یه دکتر پوست و مو پیدا کردیم، همه ازش راضی بودن، الان بابام یه مدت رفته شامپو و قرص‌ها رو مصرف می‌کنه، دیگه موهاش اون قدر نمی‌ریزه.

- چه طور با دکتر آشنا شدید؟

توی پیج اینستاگرام ... ، پیج دکتره رو پیدا کردیم، همه کامنتاش خوب بود و ازش راضی بودن.

- پس اینستاگرام برایت مفید بوده؟

آره، حتی با دوست دخترم می‌خواهم بریم کافه پیجا رو نگاه می‌کنیم، بعد انتخاب می‌کنیم کجا بریم، این جور دیگه جایی که می‌ریم می‌دونیم خوبه، حتی برای تماس تصویری از بقیه جاها بهتره.

- چرا بهتر هست؟

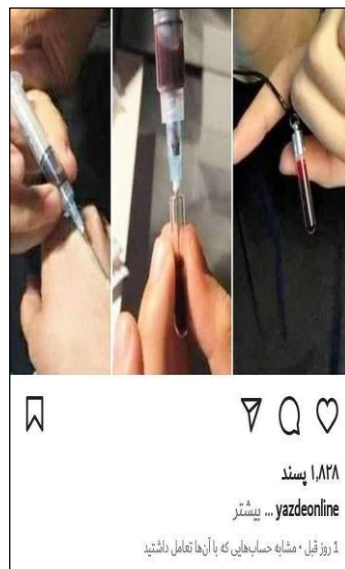
با کیفیت‌تر نشون می‌ده.

- توی اینستاگرام چه چیزهایی دیدی که خیلی وایرال شده؟

همین که خون بگیرین بندازن توی گردن شون یا جریان غزاله و آرمان.

- یعنی چی توی گردن شون خون بندازن؟

وقتی دو نفر با هم هستن، می‌رن خون هم رو می‌گیرن، می‌ریزن توی این شیشه کوچیک، بعد می‌اندازن توی گردن شون. برخی آنلاین شاپ‌ها هم در حال فروش شیشه نگه‌داری خون هستن که به صورت گردن‌بند افراد در گردن خود بندازند.





- به نظرت خوب هست؟

نه، مسخره هست، بهش می‌گن گردن‌بند خون محبوب یا حتی میان موهای دوست دخترشون رو می‌گیرن، دستبند می‌کنن، می‌اندازن توی دستشون، بعد عکس می‌ذارن. دوست دخترم دوست داشت منم این کار رو کنم، ولی خوشم نمیاد.



یا از این فیجت‌های ضد استرس و نرمالوهای گوشه‌توی اینستا هست من برای خودم و دوست دخترم خریدم، خیلی خوشش اومده.

- این‌ها چی هستن؟

فشارشون می‌دی نرمن، حس خوبی می‌ده، از پیج اینستاگرام سفارش دادم، واقعاً خوب بود، حتی قاب گوشه‌پایتم گرفتم باحال بود.

- این‌ها برای چی هستن؟

ضد استرسه، چندسال پیش از این اسپینرا خیلی بود.



- راجع به جریان غزاله و آرمان گفتمی، شما چی راجع بهشون می‌دونی؟
این که می‌خواست پسره اعدام بشه، خیلی از بازیگرا اومدن ازش حمایت کردن، ولی آخر که اعدامش کردن. همین یه مدت پیش هر جا توی اکسپلور بود راجب اینا پست گذاشته بودن، فقط برای دیده شدن پیج خودشون، من پیج شاهین صمدپور رو بیشتر وقتا نگاه می‌کنم، در این مورد خیلی کار کرد.

- بعد از مرگ آرمان، بازیگرهایی باز اومدن ازش حمایت کنن؟
آره، می‌گفتن ای کاش حالا خانواده غزاله قبول می‌کردن و این جووری نمی‌شد، حتی یه پیجه بود، اومده بود پست گذاشته بود که براش جشن فارغ‌التحصیلی گرفتن، بازیگرا رفته بودن، عکسش رو گذاشت این پیج @yazdeonline آخه دیگه طرف مرده، این جشن چیه، توی اینستا الان یکی کوچیک‌ترین کاری بکنه، سریع پخش می‌شه، اینا این جشن رو واسه همین چیزا گرفتن.

- شاهین صمدپور کی هست؟

مستند می‌سازه توی اینستا، خیلی معروفه.

الآنم یه سربازه اومده به یه خانومه کمک کرد، وقتی که خفت گیر داشت کیفش رو می‌زده، سربازه با ماشین زد به دزده، اگه اون‌جا اون دوربین مداربسته‌ی مغازه نبود، دزده می‌تونست ازش شکایت کنه، صمدپور اومد ازش مصاحبه کرد، اگه این قانون رو می‌دونست بازم کمک می‌کرد، گفت آره می‌دونستم و کمک می‌کردم، واقعاً بعضی قانونای ما خوب نیست.

- چرا؟

همین اگه دزد اومده خونیه‌ی ما دزدی کنه، ما بهش آسیب بزنینم ما مقصریم یا خونده بودم اگه دزد بیاد، حالا اتفاقی بیفته و دزده غیر عمد بمیره، خانواده دزده می‌تونن دیه بگیرن، اومده دزدی، بعد اون که ازش سرقت می‌شه مقصره، اگه اتفاقی برای دزده بیفته، هیچ‌جا این‌جوری نیست، این صمدپور حتی با یکی مصاحبه کرده بود راجب ترنس که پسر بوده عمل کرده دختر شد، توی پیجش محتواهای خوبی داره، کلاً کسایی که ترنس اکثراً خانواده‌هاشون طردشون می‌کنن، اصلاً به فرهنگ ما نمی‌خوره این چیزا.

- شما دوست داری مهاجرت کنی؟

نه.

- چرا؟

من با ایران مشکلی ندارم، با بعضیایی که دارن کارایی می‌کنن همه از این ممکلت برن مشکل دارم، الآن از هر کی پرسوی دوست داره بره، ما این همه منابع داریم، می‌تونیم ثروت‌مندترین مردم رو داشته باشیم، ولی اجازه نمی‌دن به بقیه چیزی برسه، همه گرفتن برای خودشون.

- توی اینستاگرام چه پیج‌هایی علاوه بر پیج‌های فان که گفتی دنبال می‌کنی؟

ورزشی، پیج مستر بد عکس، پیج منشن‌های وایرال و ...

- چه ورزشی؟

پارکور، خوشم میاد یاد بگیرم.

- تا حالا انجام دادی؟

نه، ولی بیش‌تر می‌رن توی پارکا این کارا رو می‌کنن، منم چند باری با دوستانم می‌رفتیم پارک همین‌جوری الکی یه کارایی می‌کردیم، ولی اون‌طوری بلد نیستیم، ولی یه بار با دوست دخترم رفته بودیم این باغ فاتح، پسرا داشتن تمرین می‌کردن و روی طناب راه می‌رفتن، یکی‌شون داشت ازش فیلم می‌گرفت، فکر کنم لایو بود، بعضیا میان توی پارکا آموزش می‌دن و پول درمیارن بدون حالا این که نیاز باشه باشگاهی چیزی باشه.

- پیج مستر بد عکس چی هست؟

براش عکس می‌فرستن، می‌گن ادیت کن برامون، اونم ادیتای باحال می‌زنه.



- شما عکست رو فرستادی؟

آره، ولی هنوز ادیت نزده.

- منشن‌های وایرال چی هست؟

توییت‌هایی که خیلی وایرال شدن میان می‌ذارن، یه بار یکی یه کیکی درست کرده بود، بعد همه

مسخرش کرده بودن، سیوش کردم.

- چرا مسخره‌اش می‌کردن؟

کیکه شبیه یه چیز دیگه بود.



- مزایای اینستاگرام به نظرت چی هست؟

از طریق پیجای گردشگری، وقتی می‌خوای جایی مسافرت بری، جاهای دیدنی اون‌جا رو پیدا کنی یا اطلاعاتت زیاد بشه خبرایی که می‌گذره توی ایران و جاهای دیگه متوجه بشیم.

خواهر بزرگ من از اینستاگرام یاد گرفته، از این جعبه‌های هدیه درست کنه، الآن می‌فروشه و از

این راه پول درمیاره، اینا خوبی اینستاست.

- معایب اینستاگرام به نظرت چی هست؟

حجم زیاد می‌بره، وقت آدم رو می‌گیره.

- بسته‌ی اینترنتت زود تموم می‌شه؟

آره، ولی اگه توی تلگرام یا واتساپ باشی اصلاً این قدر نمی‌بره.

- نظرت راجع به جشن‌های لاکچری که می‌گیرن و توی اینستاگرام به اشتراک می‌گذارن چی

هست؟

پول زیادی دارن خرج می‌کنن، ما یه فامیل داریم برای عروسی‌شون خیلی خرج کردن، ولی الآن

دارن طلاق می‌گیرن، ولی الآن یکی از پسر عمه‌هام یک سال از من بزرگ‌تره، الآن نامزد کرده با

یه دختره کلاس هشتمه، خیلی ساده زندگی‌شون رو می‌خوان شروع کنن.

- شما خودت ازدواج توی سن پایین رو قبول داری؟

خانواده‌ی ما این سن ازدواج می‌کنن، دوست ندارن پسر دوست‌دختر داشته باشه، الآن منم دارم،

همه می‌گن چرا با غریبه دوست شدم، من با دوست دخترم از طریق اینستاگرام دوست شدم.

- یعنی هم رو نمی‌شناختین؟

چرا، ولی دوستش با رفیقم دوست بود، بعد من فالوش کردم و چند بار استوریاش رو ریپلای

کردم، همین جوری حرف زدیم، تا بعدش هم رو دیدیم، الآن یک ساله با هم هستیم.

- شده توی اینستاگرام چالش‌های عجیبی دیده باشی؟

آره.

- می‌توننی به من بگی چی بودن؟

یه نفر چالش گذاشته بود چند سال پیش، می‌گفت دخترا عکس شکم‌شون رو بفرستن استوری

کنم، پسرا عکس سینه‌هاشون، الآن توی هایپالایت‌های اینستاگرامش هست.

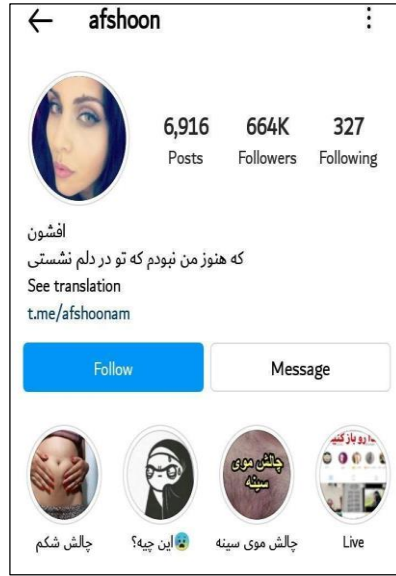
- اسم پیجش چی هست؟

افشون بود (@afshoon) تازه خیلیا براش فیلم فرستادن، حتی یکی از استوری‌هاش یادمه،

مرده از زنش فیلم گرفته بود، صورتش نیفتاده بودا، ولی می‌گفت اینم شکم زن من، اصلاً بی‌غیرت

شدن، اینا زنای همین پسرای هستن که میان ابروهاشون رو برمی‌دارن و موهاشون رو رنگ می‌کنن

دیگه.



- به نظرت چرا این چالش رو گذاشته بود؟

نمی‌دونم واقعاً هدفش چی بوده، ولی یه چیز که جالب بود، البته این ایرانی نبودش، توی ماشین که بودن به کسایی که رد می‌شدن، می‌گفتن مثلاً چه قدر قشنگی یا چه لبخند قشنگی داری، شبیه ستاره‌های سینمایی و از این جملات انرژی بخش، بعد از واکنش شون فیلم می‌گرفتن و اونا خیلی خوشحال می‌شدن و تشکر می‌کردن یا پیج خابی خوبه.

- خابی کی هست؟

میاد در مورد کسایی که یه کار آسون رو سخت انجام می‌دن، راحتش رو انجام می‌ده، می‌گه بیا

این جووری می‌شد. <<<<<<



- الان که می‌ری سر کار، برای کنکور درس می‌خونی؟
نه.

- چرا؟

همه چی درس نیست که.

- یعنی نمی‌خواهی کنکور بدی؟

نه، الان رئیس جمهور کلاس ششم داره، مگه درس خونده، حالا بعضیا درس می‌خونن دکتر می‌شن توی ایران، درس خوندن فایده نداره.

- چرا؟

الان درس بخونی باید تهرش بری اسنپ، همین توی اینستا جوک ساخته بودن دیگه، روز دانشجو اومده بودن گفته بودن، تبریک می‌گن به راننده‌های اسنپ آینده.

- توی اینستاگرام شده پیج‌هایی ببینی که دنبال کلاهبرداری باشن؟

آره، یکی از فامیلای ما برای این که گواهی‌نامه بگیره، سوالای آیین‌نامه رو از یه پیج اینستاگرام خرید، هیچ مشکلی هم پیش نیومد.

- یعنی سوالات رو می‌فروشن؟

آره، یه چندتا کارتکس آیین نامه هست، همیشه از همونا سوال میاد، دیگه نیاز نیست کتاب بخونی، همون فامیل ما سه بار رد شد، این رو خرید قبول شد، منم امسال می‌خوام از روی همون بخونم، گواهینامم بگیرم.

- می‌شه پیجش رو به من معرفی کنی؟

بنویسید توی سرچ اینستا آیین نامه، همه پیجاش میاد. تازه بعضی پیج‌ها اسم پیج‌های دیگه رو می‌گن از اون‌ها سوال نخرید، از ما بخرید، مال ما معتبر هست.



- شده توی اینستاگرام درگیر این بشی که توی کامنت‌ها با کسی دعوا کنی؟

نه، ولی یکی از فامیلامون دوتا پیج داره، یه پیج برای خودش شخصی، یه پیج برای شهرستان مونه دست خودش، بعد خودش می‌ره برای اون یکی پیجش کامنت می‌ذاره، از خودش تشکر می‌کنه یا یه انتقادی می‌کنه از شورای شهر توی اون پیج شهرستان مونه، بعداً میاد خودش تأیید می‌کنه، خیلی خوبه خیلی (می‌خندد).

- کسی نمی‌دونه هر دو خودش هست؟

نه، فقط من می‌دونم.

- شده توی اینستاگرام پست‌هایی ببینی که حالا نژاد پرستانه باشه؟

آره، خیلی، یه کلیپ بود حالا طرف سیاه پوست بود، دستش رو می‌برد زیر شیر آب که حسی بود، آب نمی‌اومد، بعد دستمال کاغذی که سفید رنگ بود زیرش می‌گرفت آبه می‌اومد، عجیب بود این برام.

- شما پیج‌هایی می‌شناسی که داخل اینستاگرام برای دیده شدن کارهای غیراخلاقی یا حالا غیر معمول و نامناسبی انجام بدن؟
آره.

- می‌شه معرفی شون کنی؟
بعضی پیجا برای این که خودشون دیده بشن و فالوراشون زیادتر بشن، میان کلیپ‌های این بچه‌هایی رو که توی تیک تاک و لایکی هستن برمی‌دارن و مسخره‌شون می‌کنن، حالا این بچه‌ها حدوداً هم سن خواهر کوچکیم هستن، به خاطر همین می‌گم، الان نباید خواهرم از این برنامه‌ها داشته باشه، وگرنه می‌ره مثل اینا کلیپ درست می‌کنه و می‌ذاره اون‌جا، بعداً اونا هم میان بدون هیچ اجازه‌ای کلیپ‌هاش رو برمی‌دارن و می‌ذارن توی پیجاشون و همه‌اش مسخره‌شون می‌کنن.
- می‌تونن اسم پیج‌هایی که این کارها رو می‌کنن به من بگی؟

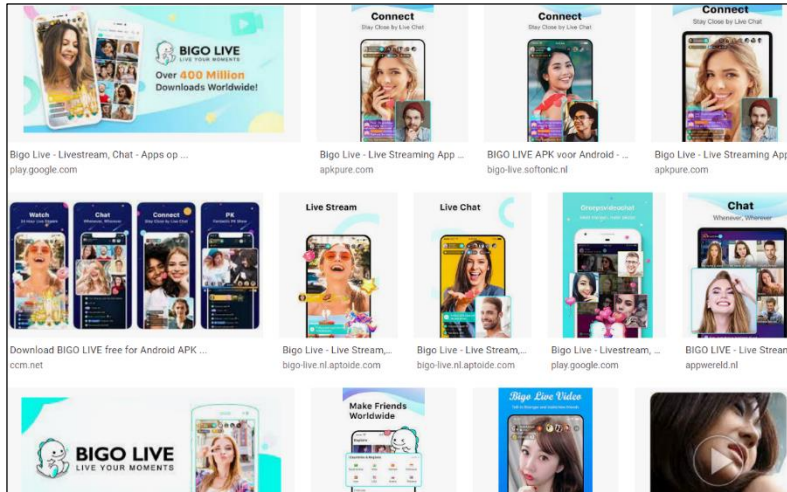
آره، پیج @funnymhv.

@Meriix- art

@Funtime- mori۴



پیج‌های Bigolive chat هم که حکایت خاص خودشون رو دارند.



- به جز این پیج‌ها که ویدیوهای دیگران رو می‌گذارن، دیگه چه پیج‌هایی رو می‌شناسی که برای دیده شدن میان و کلیپ یا عکس‌های خودشون رو می‌گذارن و اصولاً چه کارهایی می‌کنن؟

یه مدت پیش، یه بدنساز که اسمش سهیل سنگرزاده بود، می‌گفت چه طوری چون دل، برقراری عزیز، این شده بود تیکه کلام همه توی اینستا، هر جا می‌رفتی، هر پست و استوری نوشته بود چه طوری چون دل، برقراری عزیز، بعداً کلاً می‌اومد می‌گفت، هر روز صبح که بیدار می‌شی، خدا رو شکر کن و به همه عشق به ورز، غمگین نباش و... بعد حالا خودش یه گردنبنند الله بزرگ انداخته بود توی گردنش با اون پولی که داره، توی کالیفرنیا زندگی می‌کنه، بعد همه می‌اومدن مسخره‌اش می‌کردن، می‌گفتن معلومه با این زندگی که تو داری، باید بیای بگی غمگین نباش یا یه دختره دیگه هست، لاتی‌ش رو پر می‌کنه حرف می‌زنه، ولی از این پلنگای اینستا هست، یه بار می‌گفت، شما منتظر ۱۴ فوریه هستید که ولنتاین کادو بگیرید، ما منتظر ۲۲ بهمن هستیم که دور و بریامون عفو بخورن، خیلی لات بازی درمیاره، ولی اصلاً بهش نمی‌خوره این حرفا.

- اسم پیج‌های این افراد رو می‌تونن به من بگی؟

@XDonya

@Soheilsangarzadeh



- توی اینستاگرام بعضی شایعات که پخش می‌شه رو دیدی؟
آره، شایعه توی فضای مجازی خیلی سریع پخش می‌شه که مثلاً مهران مدیری زنش اینه یا بعضیا اصلاً میان شایعه درست می‌کنن برای خودشون که معروف بشن.

- می‌شناسی کسانی رو که این کار رو کردن و با شایعه‌ای که درست کردن معروف شدن؟
خیلی از بازیگرا برای دیده شدن بیش‌تر این کار رو می‌کنن، شاهرخ استخری می‌گفت، من هرگز عکس زن و بچه‌ام رو نشون نمی‌دم، ولی بعد این که دیگه فیلم اینا بازی نکرد، برای این که دوباره همه بهش توجه کنن، اومده هر لحظه عکسای زنش رو می‌ذاره یا همین ریحانه پارسا بود چه قدر این‌ور اون‌ور می‌رفت تا خودش رو نشون بده، الان که دیگه اون قدر خبری ازش نیست. علی ***
که بازیگر شده و قبلاً کلیپ می‌ساخت، همه‌اش با کلیپ‌های فان ۱۸+ می‌آمد جلب توجه می‌کرد.
- نظرت راجع به این کلیپ‌های ۱۸+ که می‌سازن چی هست، به نظرت این‌ها باعث نمی‌شن افراد از اخلاقیات دور بشن؟

بیش‌تر جنبه‌ی فان داره، اما به نظرم این بچه‌های کوچیکی که اینستا دارن و این کلیپ‌ها رو ببینن، واقعاً مناسب نیست براشون، پدر و مادرا باید حواس‌شون باشه که بچه‌هاشون این چیزا رو نبینن، علی ***، توی کلیپش زنش بهش می‌گه، نگاه کن خواهرم همه چی داره، من هیچی ندارم، بعد می‌گه اون شوهرشم اون قدر داره و... کلاً منظورش یه چیز دیگه، اصلاً برین کامنتای اون پستم بخونید، هیچ‌کی به داستان و محتوای فکری نمی‌کنه، همه به همون قسمت بهش اشاره می‌کنن و با اون نمک می‌ریزن.

- خوب شما قبلاً گفتمون که فامیل‌هاتون لایو می‌گذارن وقتی دارن مشروب می‌خورن، به نظرت انگیزه‌شون از این کار چی هست، می‌تونن توضیح بدن؟

به نظرم بیش‌ترین چیزی که باعث می‌شه وقتی دارن مشروب می‌خورن لایو بذارن، نشون دادن خودشون و خودنمایی، حالا یکی از فامیلامون که از من کوچیک‌تره، ازش پرسیدم چرا این کار رو می‌کنی، حداقل می‌خوری لایو نذار همه ببینن، اونم گفت واقعیتش دوستام می‌ذارن، منم می‌خوام

بذارم ببین منم می‌خورم، من حس کردم خودم یه نوع بزرگ پنداری چون توی بساط مشروب خوریه، همه سعی می‌کنن بگن برام عادیه، من رو نمی‌گیره.

- پس می‌گذارن که فقط به بقیه نشون بدن، همین فردی که گفتی چند سالش هست؟
۱۷ سالشه، به نظر من اینطوریه.

- شما چرا لایوشون رو نگاه می‌کنی؟
بیش تر برای خنده نگاه می‌کنم (استکیر خنده).

- مگه لایوشون چه چیز خنده‌داری داره؟
چون عرق بگیره، چرت پرت می‌گن، می‌خندم.

- مثلاً چی می‌گن که می‌خندی؟

کلاً مشروبات وقتی طرف رو بگیره، آدم مست یا فاز محبت برمی‌داره یا فازش می‌شه فحش اینا، خلاصه یا دنبال دعواس یا محبت بیش از حد نشون می‌ده، اینا برام با آدمایی که از نزدیک می‌شناسمش که اینطوری می‌شن برام جالب و بامزه است، مگه نه غریبه لایو مشروب خوری بذاره، نگاه نمی‌کنم.

- مثلاً توی لایو به جز حرف شده کاری کنن؟
آره، دعوا شده.

- موقع دعوا لایو گرفتن؟

آره، قبلاً داشتن لایو می‌گرفتن، بعد که مشروب اینا خوردن، این یه چیز می‌گه، اون یه چیز می‌گه، دعواشون می‌شه.

- شده کسایی رو بیارن بالا و باهاشون توی لایو صحبت کنن؟

آره، اینم هست، مثلاً یکی رو میارن بالا، دوستاش می‌گن، سلامتیت می‌خورم، داداشمی، بعد امکان نداره کسی که مشروب می‌خوره سیگار نکشه.

- شهرستان تون می‌ری، توی این جمع‌ها شرکت می‌کنی؟
می‌رم، ولی می‌گم من مزه خورم.

- مزه یعنی چی؟

یعنی، مزه می‌تونه هر چیزی باشه، چیپس، موز، نوشابه، دلستر، پفک، ماست موسیر و... .

- این افراد که گفتی همه ۱۷ سال شون هست؟

نه، از ۱۷ هست تا ۳۰ اینا، اینایی که مشروب می‌خورن، یعنی همون عرق سگی که بهش می‌گن، وگرنه اون مشروب اینا که برای قشر مرفه جامعه، اینا میان بطریش رو می‌خرن، توی خونه نگه می‌دارن یا از این بطری‌های مشروب که می‌شه با خودت همه جا ببری، می‌خرن.

- این چیزها رو مگه می‌فروشن؟

آره، توی پیجای اینستا، اینا پره، بعد اصلاً این دوغ عالیس هست، خود کارخونه مدل شامپاین می‌زنه، به شامپاین‌های عالیس معروفه، اینا جز همون مزه‌ها هستن، حتی الان توی باکس عیادت بیمار می‌ذارن.



تبلیغ عالیس به مدل نوشیدنی‌های الکلی ...

نوشیدنی گازدار قرمز عالیس شامپاین

آب انگور تشریفاتی عالیس؛ سلطان دنیای ...

- باکس عیادت بیمار چی هست؟

کسی می‌ره بیمارستان بستری می‌شه، از این جعبه‌های هدیه می‌برن برانش، کلاً از این لاکچری بازیاس دیگه، الان توی اینستا پر شده این چیزا.

- توی اینستاگرام افرای دیدی که فود بلاگر باشن؟
آره.

- نظرت در موردشون چی هست؟

بعضیاش واقعاً به درد بخوره، ولی بعضیاشون مسخره بازی درمیارن.

- می‌شه بیش‌تر راجع بهش توضیح بدی که به نظرت کدوم‌هاشون خوب هستن و کدوم‌ها بد؟
بعضیا هستن میان غذاهای مختلف تست می‌کنن، دختره اومده بود گوشی سوخاری کرده بود، توپ سوخاری کرده بود، واقعاً مسخره است. خب ولی یه پسره هست میاد مارک‌های مختلف خوراکی‌ها، انرژی‌زا و نوشیدنی و... تست می‌کنه، نظرش رو می‌گه که مثلاً کدوم انرژی‌زاها

بعضیاشون برای مزه خوبه، با همون مشروب و این چیزا که پیج @roko.show

این تست رو انجام می‌ده.



- گفتی دختره گوشتی سوخاری می کرد، واقعی بود؟

آره بابا، توی پیجش هست.

- می شه اسم پیجش رو به من بگی؟

آره، اینه north- foody.

- به نظرت الان توی اینستاگرام چه کلیپ‌هایی بیش تر دیده می شه؟

کلیپ‌هایی که ۱۸+ باشن، هر کلیپ که دختر باشه توش بیش تر دیده می شه، حالا همون کار رو

پسره کنه، اصلاً کسی بهش توجه نمی کنه، یه دختره با پرسینگ که داشت روی زبونش، اون رو

می آورد بیرون با ریتم آهنگ، کلی دیده شد.



همین کار مسخره رو یه پسر می کرد، حالا کلی مسخره اش می کردن، ولی این چون دختر بود،

همه می اومدن براش کامنت قلب و این چیزا می داشتن، بعد الان توی اینستا هر کلیپ بینی یا داره

می که چالیم چلیم با چلیم چی بود دادین پاچیدیم.. یا می گن بالام از زمان خاتمی و... تا یه آهنگ

باحالی خونده می شه، کل اینستا باهاش فیلم می گیرن، اصلاً حالا نمی دونن معنی چلیم چی هست

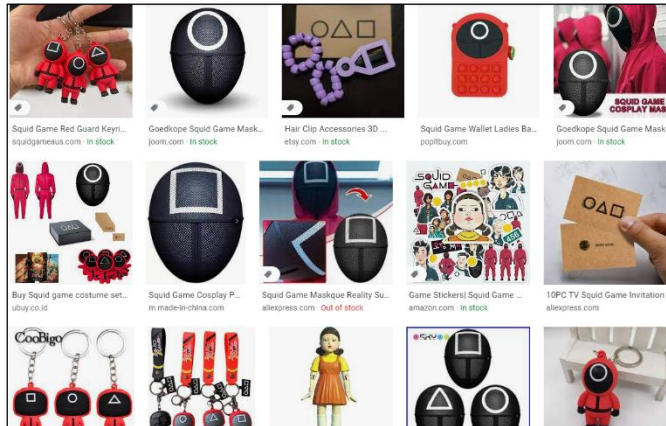
یا می‌رن کافه و رستوران غذا سفارش می‌دن، بعد همون جوروی می‌ذارن، میان استوری می‌گیرن، ما این همه غذا سفارش دادیم نمی‌تونیم بخوریم، فکر می‌کنن این جوروی خیلی خفن هستن یا میان یه ورزش‌هایی می‌کنن که فقط مخصوص دو درصدی‌ها هست.

- یعنی چی مخصوص دو درصدی‌ها، مگه چه ورزش‌هایی می‌کنن؟

همین تنیس و گلف و اسب سواری، خود راکت تنیس خوب یکی بخواد بخره، نزدیک ۸ میلیون یا بیش‌تر یا زمین گلف همه جا نیست که اینا برای این که *** بیان این طوری می‌کنن.

- دیگه چه کارهایی دیدی بکنن که بیش‌تر دیده بشن؟

فیلم اسکویید گیم بود، همه دیدن الان از اون موقع که این فیلم اومد، توی همه بوتیک‌های پسرانه، سوشی‌بار اسکویید گیم و هودی یا کفشش رو حتی آوردن، الان هر مغازه و پیج لباس برید ببینید، قشنگ یه چیز از اسکویید گیم هست، حتی کسایی که این فیلم رو ندیدن، می‌رن از این چیزا می‌خرن، بعد باهاش عکس و ویدیو می‌گیرن.



- شده توی اینستاگرام پیج‌هایی ببینی که همان‌طور مثل بعضی از بازیگرها که اومدن از آرمان

حمایت کردن تا اعدام نشه، بخوانند از افرادی حمایت کنن؟

آره، یه مدت هشتگ من ریاکار هستم می‌زدن، یه نفر می‌اومد پول جمع می‌کرد برای بچه‌هایی که مریض هستن، ولی بعدش انگار همه‌ی پول رو گرفت برای خودش و به کسی چیزی نداد، این جوروی شایعه شده بود، حالا راست و دروغش رو نمی‌دونم، الان بعضی از مادرا که بچه‌هاشون مریض هستن، میان پیج می‌زنن برای بچه‌شون، بعد عکسش رو می‌ذارن، نمی‌دونم حالا اینا می‌خوان دل مردم براشون بسوزه یا فالور به دست میان، وگرنه دلیل نداره همه‌اش عکس بذارن، به جاش بیش‌تر برن از بچه‌شون مراقبت کنن جای این کارا بهتره.

- دیگه چه چیزهایی می‌دونی که جدیداً سریع داخل اینستاگرام پخش شده؟

همین کنسرت امیر مقاره، یه بازیگر رفته روی سن، بعداً کلاً انگار مست بوده، همه‌ی فیلمش پخش شده، زدن حرکت نامتعارف خانوم بازیگر در کنسرت، این پیج‌ها میان یه تیتراژی می‌زنن که طرف سمتش بره و کنجکاو بشه نگاه کنه.



یادمه یه بار یه پیج دیدم، اومده بود نوشته بود، آره نظر خانوم بهاره رهنما نسبت به خیانت شوهرش، همین جوری چند اسلاید متن نوشته بود، آخرش اومده بود دمنوش لاغری تبلیغ کرده بود که آره اونم از این دمنوش‌ها خورده راضی بوده، کلاً دروغ بود، ولی داشت این جوری تبلیغ می‌کرد.

- یک سوال داشتم در مورد دوست دخترت، چند سالش هست؟
۱۷.

- دوست دخترت چه قدر ارزش‌های فمینیستی رو قبول داره؟
همینایی که می‌گن زنا و مردا برابرن؟
- آره، درسته.

توی فاز این چیزا نیست اصلاً، ولی یه بار می‌گفت که چرا ما باید شال بذاریم و مانتو بپوشیم، ولی مردا این قدر راحت می‌تونن لباس بپوشن یا به لباس ما گیر می‌دن، ولی با پسرا کاری ندارن.
- پس روی مسأله لباسش حساس هست؟

آره، خیلی، تا اون جا که می‌دونم، حتی الان دیگه توی ماشین یکی حجابش مناسب نباشه، اول براش پیام هشدار می‌دن، دفعه بعدی جریمش می‌کنن.
- نظر خودت راجع به این مسأله چی هست، خوبه؟

نه، قبول ندارم، اینا این کار رو کردن تا از این طریق پول دربیارن.
- خوب راجع به این صحبت کردی که اینستاگرام برای تماس تصویری از همه جا بهتر هست، منظورت چی بود؟

من و دوست دخترم بعضی شبا با هم تماس تصویری می‌گیرم، توی واتساپ اصلاً تصویر خوب نیست، ولی با همون نت وقتی توی اینستاگرام تماس تصویری می‌زنی خیلی واضحه.

- از وقتی که به من اختصاص دادید، متشکرم.
خواهش.

تأملی دوباره:

رضای ۱۸ ساله، در مصاحبه خود درباره اثرهای کاربری از شبکه اجتماعی اینستاگرام، به مباحثی حول محورهای اثرهای آموزشی، اجتماعی، اخلاقی- تربیتی، اقتصادی، خانوادگی، روان‌شناختی، زیباشناختی، زیستی، زیست محیطی، سیاسی، عقیدتی و فرهنگی اشاره داشته است.

رضا در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل آموزشی کاربران، به مواردی مانند: افزایش اطلاعات، آموزش ورزش‌های ممنوع- نظیر پارکور-، نهادینه کردن تقلب، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

رضا در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در رفتار اجتماعی کاربران، به مواردی مانند: اطلاع رسانی، ارتقای نقد اجتماعی، تفاخرطلبی، شکل‌گیری هویت‌های لاکچری، غوغای لایک و ویو و به دست آمدن شهرت‌های یک روزه و نظایر آن، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

رضا در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در رفتار اخلاقی کاربران، به مواردی مانند: تحول ارزش‌ها، عرصه فریب شدن اینستا، به فروش گذاشتن اخلاق، پذیرش اصل هدف وسیله را توجیه می‌کند و نظایر آن، اشاره داشته است.

رضای ۱۸ ساله، در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل اقتصادی کاربران، به مواردی مانند: کسب پول به هر طریق مثبت و منفی و افزایش مصرف‌گرایی و نظایر آن، اشاره داشته است.

رضا در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل خانوادگی کاربران، به مواردی مانند: دور زدن اولیا و مخفی نگه‌داشتن مقاصد خویش از دید اولیا در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

رضا در مصاحبه‌اش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل روانی کاربران، به مواردی مانند: تحولات عشق در فضای مجازی (سطحی و عینی شدن عواطف عاشقانه)، ارضای هیجان‌جویی در اشکال نامتعارف، عصبی شدن، از خودبیگانگی و هرزه‌نگاری، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

رضا در مصاحبه‌اش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در علایق زیباشناختی کاربران، به مواردی مانند: معیار قرار گرفتن استانداردهای مطرح شده زیبایی در فضای مجازی، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

رضای ۱۸ ساله، در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل زیستی کاربران، از عقیم سازی حیوانات خانگی (که به بهم خوردن تعادل زیستی حیوان می‌انجامد)، اشاره داشته است. مصاحبه شونده در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل زیست محیطی کاربران، به ترغیب برخی از کاربران و صفحات اینستاگرامی مبنی بر ضرورت عطف توجه به مسایل محیط زیست، اشاره داشته است.

رضا در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در رفتار سیاسی کاربران، به مواردی مانند: دید منفی و نامساعد خود و دوستانش به مقوله سیاست و سیاست‌ورزان کشور اشاره داشته است.

رضا در مصاحبه‌اش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل عقیدتی کاربران، به مواردی مانند: کاهش سطح اعتقادات خود و دوستانش اشاره داشته است.

رضای ۱۸ ساله، در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در علایق فرهنگی کاربران، به مواردی مانند: اینستا به مثابه عرصه گشوده‌ای جهت طرح مسایل مبتدل، دامن زدن به ابتدال فرهنگی توسط سلبریتی‌ها، بلاگرها، اینفلوئنسرها و کاربران عادی در فضای مجازی، اشاره داشته است.

اگر در زمینه مباحث مطرح شده در مصاحبه رضای ۱۸ ساله، با ارجاع سایر محورهای مطرح شده به دیگر کتاب‌های مجموعه حاضر، توجه خود را صرفاً معطوف به ابعاد فرهنگی (که مورد بحث اثر حاضر است) کنیم، می‌توان بیان داشت، رضا در مصاحبه خویش با تأکید سایه گستر شدن ابتدال فرهنگی در اینستا (مانند تلاش برای عادی سازی اقلیت جنسی، کاربری از سایت‌های چت سکسی، سرکار نهادن واسطه‌های فحشا، به نمایش نهادن حمایت تیم‌های فوتبال از جامعه ال‌جی‌بی‌تی، به نمایش نهادن مست‌بازی فلان سلبریتی، گذاشتن لایو مشروب‌خوری، به نمایش نهادن کارهای نامتعارف نظیر سوخاری کردن گوشی، استفاده و ترویج گردن بند خون -شیشه پر از خون معشوق- ، دست بند ساخته شده از موی معشوق و مانند آن، شرکت در چالش‌های مبتدل -نظیر ارسال تصویر شکم دختران یا سینه پسران- برگزاری جشن‌های لاکچری برای حیوانات، گرفتن جشن تولد برای سگ و گربه‌ها، بردن سگ و گربه‌ها به مهد -یا هتل سگ‌ها-، عقیم سازی حیوانات خانگی و نظایر آن‌ها)، در عمل با ترسیم ابتدال فرهنگی که گریبان‌گیر اقشاری از نوجوانان و جوانان این مرز و بوم شده است، ضرورت تجدید نظری اساسی در خطمشی‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، عقیدتی و سیاسی جامعه را مورد تأکید قرار می‌دهد.

مصاحبه با اشکان، ۲۱ ساله

آرین راجع به مرلین منسون پست می‌ذاره، درباره ابعاد دنیا که با مصرف روان‌گردان می‌شه دیدش می‌نویسه. می‌گه اگر مصرف کنین، چیزایی می‌بینین که الان نمی‌بینین.

- سلام اشکان!

سلام.

- خوبی اشکان؟

خیلی ممنون، خوبم.

- چند سالته؟

۲۱ سالمه.

- دانشگاه می‌ری؟

بله.

- رشته‌ات چیه؟

من دانشگاه اصفهان ... می‌خونم.

- اصفهان، چرا این قدر دور؟

عا، موقع انتخاب رشته اول اصفهان رو زدم. چون دوست دخترم اصفهان بود.

- اشکان تو چند ساله اینستاگرام استفاده می‌کنی؟

من تقریباً از سال ۲۰۱۳ اینستاگرام دارم. حدوداً ۸ ساله استفاده می‌کنم.

- چه قدر زیاد. یعنی کلاس هفتم نصب کردی؟

بله، کلاس هفتم اواخرش بود که نصبش کردم.

- چه طور شد که شروع به استفاده از اینستاگرام کردی؟

من از اولش عاشق تکنولوژی و اینترنت و همچین محیط‌هایی بودم. اون موقع‌ها دیدم توی

تویتر انگلیسی و خیلی جاهای دیگه مردم دارن راجع به یک شبکه مجازی جدید حرف می‌زنن.

مشتاق شدم ازش استفاده کنم و نصبش کردم.

- اینستاگرام رو اون اوایل چه طوری استفاده می‌کردی، استفاده‌ات مثل همین الان بود؟

قطعاً نه، اون اوایل اینستا کار برای خیلی خیلی کمی داشت. دوستان توی اینستاگرام نبودن جز

یکی دو نفر. اینستاگرام اون قدر قوی نبود ساختارش. اما رفته رفته خیلی قوی‌تر شد.

- منظورت از این که قوی‌تر شد، چیه؟

بین خیلی چیزها بهش اضافه شد. مثلاً اون اوایل دایرکت نبود یا اکسپلور نبود. دایرکت باعث شد کاربرا بتونن باهم حرف بزنن و احساس نیاز بیش‌تری داشته باشن به اینستاگرام و بینن می‌شه استفاده‌های دیگه‌ای هم از اینستا کرد یا با اومدن اکسپلور، هوش مصنوعی قوی اینستاگرام سعی می‌کرد براساس سلیقه هر کسی بهش یه محتوا پیشنهاد بده که رفته رفته همین پیشنهاداشم قوی‌تر شدن و مردم تا بهم بیش‌تری از اینستاگرام استفاده می‌کردن و اعتیاد خیلی بیش‌تری بهش پیدا کردن.

- تغییرات اخیر اینستاگرام چی بوده؟

خب اینستاگرام توی چند سال اخیر آپدیتاش خیلی تغییرات بزرگی ایجاد کردن. بخوام چندتا رو بگم مثلاً استوری اضافه شد، ویدیو کال اضافه شد، آپلود فیلمای طولانی اضافه شد.

- می‌شه درباره‌شون بیش‌تر بگی؟

اول درباره استوری بگم. به نظر خود من بزرگ‌ترین تغییر اینستاگرام بود که باعث شد مردم خیلی بیش‌تر ازش استفاده کنن. قبلاً این طوری بود که شما می‌تونستی فقط عکس و فیلم بذاری تو صفحه‌ات که برای همیشه می‌مونه تو صفحه و اگر بخوای نباشه، باید کلاً پاکش کنی. اما استوری این طوری بود که شما یک فیلم کوتاه یا عکس رو می‌توننی بذاری توی پیجت، جایی نمی‌گیره، و بعد ۲۴ ساعت پاک می‌شه. این قسمت بیش‌تر برای بیان داستان زندگی اضافه شد. یعنی شما می‌توننی از اتفاقات معمول طول روزت یه عکس یا فیلم کوتاه بذاری که بعد ۲۴ ساعت پاک می‌شه.

- این آپدیت باعث چه تغییراتی شد که به نظرت بزرگ‌ترین تغییر اینستاگرام بود؟

قبل از این آپدیت کاربرا فقط می‌تونستن پست بذارن و مثلاً وقتی تو یه رستوران غذا می‌خوردن یا با یه دوستی بیرون بودن یا سفر می‌رفتن، نمی‌شد که برای هر کدوم یه پست بذارن که. صفحه‌شون شلوغ و زشت می‌شد. اما بعد از اومدن استوری، همه راحت عکس و فیلم می‌گذارن و نگران چیزی نیستن. از یه جهت کاربرا راحت‌تر می‌تونن داستان زندگی‌شون رو بیان کنن و از یه طرف خیلی راحت می‌تونن داستان و اتفاقات زندگی بقیه رو دنبال کنن.

- به نظر شما تأثیر این تغییر روی مردم چی بود؟

یادمه که وقتی استوری اضافه شد، یهو دوباره صحبتا درباره اینستاگرام زیاد شد. انگار اینستا از نو متولد شد. کسایی که نداشتنش نصبش کردن. انگار یه بازی رسانه‌ای قوی هم پشت این تغییر بود. کاربرا اینستا خیلی بیش‌تر شدن و کم‌کم با استفاده بیش‌تر بخش استوری، دیگه بیان روزمرگی‌ها تبدیل به یه نیاز شد درشون. طوری که می‌شه گفت الان تبدیل به یک بحران شده.

- می‌شه بیش‌تر بگی درباره این بحران؟

جاهای مختلف در این باره صحبت می‌کنن که بهتره آدما همه بخش‌های زندگی‌شون رو در فضای مجازی منتشر نکنند. این هم از نظر امنیتی براشون می‌تونه مضر باشه و هم باعث می‌شه، رفتاراشون در جهتی سوق پیدا کنه که فقط دنبال اخذ توجه و رضایت دیگران باشند.

- مثال می‌زنی؟

افراد بعضاً در بعضی جلسات، مهمانی‌ها، مغازه‌ها و یا کافه‌هایی پا می‌گذارن که اصلاً قبلاً تجربه-اش رو نداشتن و دلیل این کارشون اینه که توجه و تشویق دیگران رو جلب کنن و بعضاً می‌خوان عقب‌تر از بقیه نباشند.

- می‌شه باز از این نوع رفتارها مثال بزنی؟

خیلی زیاد ان. بخوام چند مورد بگم. مثلاً وقتی دبیرستان بودیم بعضی بچه‌ها هر چند وقت یک بار عکس و استوری سیگار می‌داشتن. به مرور این نوع استوریا بین بچه‌ها زیاد شد یا مثلاً وقتی یکی استوری می‌ذاره از یک فیلم، سریع بقیه می‌رن به سمتش. بدترین نوع این رفتارها دربارۀ مصرف گل بود. چند بار استوری مصرف گل و الکل رو دیدم و خیلی برام ترسناک بود. مخصوصاً که هم مدرسه‌ای‌های دبیرستانم بودن.

- چرا برات ترسناک بود؟

انگار چیزای عادی هستن. استوری گذاشتن از این نوع کارا.

- چرا اصلاً از این کاراشون استوری می‌گذارن؟

فکر می‌کنن کاراشون خفنه، دنبال نشون دادن خودشون هستن. بعضی وقتا هم بر همین مبنا فخر فروشی می‌کنن.

- پدر یا مادرشون از این کارهاشون آگاه هستن؟

نه، قطعاً نه. ازشون پنهان می‌کنن.

- چه طوری پنهان می‌کنن؟

دروغ، دروغ می‌گن. خیلی راحت می‌گن دارم می‌رم شب با دوستم درس بخونم، ولی می‌رن مهمونی و مست می‌کنن.

- می‌تونن از رفتارای دیگه توی اینستاگرام بگی که برای جلب توجهه؟

الآن، توی اطرافیانم این رفتارها شکل دیگه‌ای پیدا کردن و قبلاً شکل دیگه‌ای داشتن. الآن مثلاً با ماشین‌گرونی بقیه عکس می‌گیرن پست می‌کنن. آخر هفته‌ها از میز الکل عکس می‌گذارن. پسرا با دخترای هی عکس می‌گذارن. دخترای مختلف، نه فقط یکیش. سعی می‌کنن با دخترای مختلف رابطه داشته باشن تا بگن خیلی خفن و خاص ان.

- این رفتار توی دخترا چه طوره؟ اونا هم که از مهمونیاشون عکس می گذارن، اما کارای خاصی که می کنن مثلاً هر روز لباسای مختلف می خرن با استایلی مختلف و تو مزونای مختلف عکس می گذارن. سعی می کنن با پسرای پولدار رابطه داشته باشن و عکس بذارن باهاشون.

- قبلاً شکل جلب توجه ها چه طوری بود؟

قبلاً بیش تر رفتارای پسرا رو می دیدم. بین هم کلاسیام یعنی. رو دستشون با تیغ خط می انداختن استوری می کردن. هر روز با سیگار عکس می داشتن. بعضاً دعوا می کردن باهم و دعوا رو کش می دادن به فضای مجازی.

- چرا روی دستشون خط می انداختن؟

افقی دستشون رو می بریدن بعد یه متن درباره عشق یا خودکشی می نوشتن روش. خیلیاشون دوستای من بودن، من می دونستم که به خاطر گرفتن توجه از بقیه و ابراز خودشونه.

- تا حالا شده بود خانوادهشون متوجه این رفتاراشون بشن؟

نه، فقط یک بار مادر یکی شون فهمیده بود و چیز خاصی نمی دونم در این مورد، فقط می دونم خیلی ناراحت شده بود و قهر کرده بود با پسره.

- چه طوری سیگار کشیدن رو شروع می کردن؟

بین نمی تونم دقیق بگم، اما به نظرم بیش تر تأثیر رسانه و به خصوص اینستاگرام بود. تصاویر اینستاگرام یه طوره که انگار سیگار کشیدن خیلی جذابه، شما رو بزرگ تر می کنه، عاقل تر می کنه، کسایی که سیگار می کشن درد و مشکل زیادی دارن و برای این که نشون بدی بزرگ شدی و عاقلی باید بری سمت سیگار. مخصوصاً که وقتی دوست هات هر روز با سیگار عکس می گذارن و عکساشون خوشگل و جذابه، تو هم ترغیب می شی.

- تو خودت رفتی دنبال سیگار؟

آره، برای همین این قدر واضح و روشن درباره اش حرف می زنم.

- چی شد که تو رفتی سراغش؟

منم مثل بقیه. البته من درگیر افسردگی شدیدی بودم. پیش روانپزشک هم می رفتم و دارو مصرف می کردم، اما این که دیدم تمام افراد تو اینستاگرام درباره سیگار و کمکش به کم شدن مشکلات و آرامش روانی حرف می زنن، ترغیب شدم تا ازش استفاده کنم.

- بعداً چی شد؟

بعداً متوجه اشتباهم شدم. بابام بهم توضیح داد و خب بزرگ تر شدم، بیش تر و بهتر فهمیدم و ترکش کردم. البته کلاً یک سال و نیم مصرف می کردم.

- چه طوری ترکش کردی؟

یه کتاب بود برای ترک سیگار که یک نفر توی استوریای اینستاگرام معرفی کرده بود. اون رو گرفتم و ازش استفاده کردم.

- دعوایی که به اینستاگرام می‌کشیدن، چه طوری بودن؟

اوه، اوه، ته حاشیه بودن. توی مدرسه سر چیزای ساده دعوا می‌کردن. بعد دو نفری که دعوا می‌کردن یه سری دوست داشتن که اونا هم باهم مشکل پیدا می‌کردن. بعد از فردا شروع می‌کردن هر روز استوری می‌داشتن به هم تیکه می‌انداختن فحش می‌دادن و رفتاری عجیب نشون می‌دادن. البته بعضاً این دعوای اینستاگرامی عجیب‌تر می‌شدن و سعی می‌کردن بگن شاخ‌تر و خفن‌تر هستن توی مجازی.

- در این جهت چه کارهایی می‌کردن؟

این کارا و رفتارا مربوط به الان نیست. توی دبیرستان اتفاق افتادن. سعی می‌کردن حاشیه بسازن تا فالور جمع کنن. رفتارهای عجیب انجام می‌دادن برای فالور گرفتن. بعضی وقتا هم فالور می‌خریدن.

- مثلاً چه طوری حاشیه می‌ساختن و چه رفتارهای عجیبی از خودشون نشون می‌دادن؟

یکی از ترسناک‌ترین رفتارهایی که دیدم، این بود که یکی از بچه‌های مدرسه عکس چاقو استوری کرده بود و روش طعنه و کنایه زده بود. این رفتارش در یکی از همین دعوای مجازی بود.

- در جهت خفن نشون دادن خودشون چه کار می‌کردن؟

بعضی رفتارها رو گفتم. مثل همین عکس گرفتن از بطری مشروب و سیگار و گل و حتی بدون گواهی‌نامه رانندگی کردن به خصوص با سرعت خیلی بالا.

- واکنش بقیه دوستانت که خارج از این قضایا بودن چی بود؟

اون‌ها دو دسته بودن. بعضیاشون تشویق می‌کردن و خودشون از دور تماشا می‌کردن و می‌خندیدن، بعضیاشون هم نصیحت‌شون می‌کردن و سعی می‌کردن مانع تکرار این رفتارها بشن.

- گفتم بعضیاشون فالور می‌خرن. چه طوری فالور می‌خرن و چرا؟

فالور زیاد داشتن تو اینستاگرام نشانه شاخ بودن. اما جذب فالور سخته. برای همین بعضی وقتا سعی می‌کنن پول بدن تا فالور فیک بخرن.

- خیلی از هم‌کلاسی‌ها فالور می‌خریدن؟

نه، فقط تعداد کمی شون. چون گرون بود نمی‌خریدن.

- اون‌هایی که نمی‌شد بخرن، چه کار می‌کردن؟

مفصل باید بگم، چون این قضیه رو هم کامل دیدم. خیلیا می‌خواستن فالور بخرن، اما قیمتش بالا بود. چون نمی‌شد فقط هزارتا خرید. حداقل باید پنج هزارتا می‌خریدی تا مسخره‌ات نکنن. بعضیا داشتن و می‌خریدن و بعضیا سخت‌شون بود و حسودی می‌کردن. یک بار اتفاق افتاد که یکی از بچه‌ها کلی سعی کرد پول جمع کنه و فالور بخره، بعد طرف پولش رو دزدید. چند بار هم بچه‌ها از

۱۹۰ / چند مصاحبه با جوانان کاربر اینستاگرام درباره اثرهای فرهنگی کاربری از اینستاگرام جلد ۴

باباشون پول دزدیدن برای فالور خریدن. باباشونم فهمید و دعوی بزرگی شد. کلاً داستان فالور خریدن خیلی مفصل بود تو مدرسه ما. یکی از بچه‌هامون چند میلیون داد و ۱۵۰ هزارتا فالور خرید.

- ۱۵۰ هزارتا فالور؟! واکنش بقیه چی بود؟

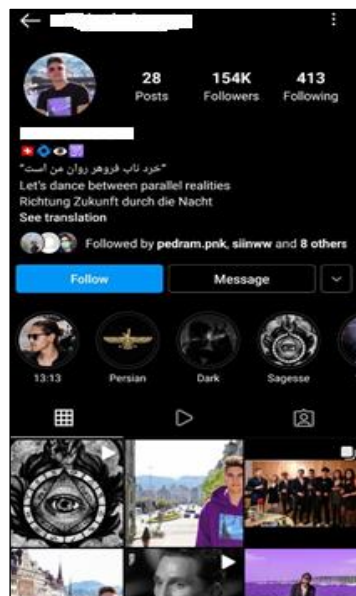
بعد از این اتفاق کلاً فضای رقابت فالوری خوابید. دیگه کسی امیدی به رقابت نداشت!

- این دوستتون که ۱۵۰ هزارتا فالور خریده پیجش عمومی بود؟

بله.

- می‌شه پیجش رو بفرستی؟

بله، حتماً.



- می‌شه درباره آرین بیش‌تر بگی؟

آرین از پرحاشیه‌ترین بچه‌های مدرسه بود. به خصوص توی فضای مجازی. حالا من بیش‌تر درباره رفتاراش توی اینستاگرام می‌گم. از این عکسی که فرستادم مشخصه آرین چه قدر به داشتن فالورای زیاد علاقه داره. شما عکساشو ببینی حدود ۱۵۰، ۲۰۰ تا لایک دارن، اما پیجش ۱۵۰ هزارتا فالور داره. یه زمانی می‌خواست برای هر پستش لایکم بخره، اما نشد. دید نمی‌شه هزینه‌اش زیاد می‌شه. آرین همیشه توی اینستاگرام رفتارهای پرخاشگرانه داشت و دعوا می‌کرد. همیشه با سیگار عکس می‌داشت و بعدها تبدیل به الکل و بعداً تبدیل به ماری‌جوانا شد. زمان دبیرستان رفتارهای عجیبی داشت و خیلی سعی می‌کرد دیده بشه. طوری که حتی لباسای عجیب و باطرح زشت هم

می‌پوشید و توی اینستاگرام عکس می‌ذاشت، اما الان پاک کرده عکس رو. روی یکی از تیشرت‌هاش تصویر یه زن نیمه لخت بود و پستش کرده بود.

- بعد از مدرسه رفتارهای آریین تو فضای مجازی چه طور بود؟
آریین بعد از یازدهم دیگه به مدرسه نیومد. بعدها فهمیدیم از کشور خارج شده و گویا الان ساکن سوئیس.

- پست‌ها و استوری‌های آریین درباره چی هستن؟
ع، داستان مفصلی داره. آریین از سال‌ها پیش شاهین نجفی^۱ رو دوست داشت. شاهین نجفی همیشه مخالف دین و نظام بود و همیشه نقد می‌کرد نظام و سیاست ایران رو. اما رفتارهای ناپهنجاری داشت و آریین هم به اون سمت کشیده شد.

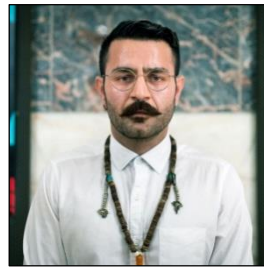
۱ - مرتضی نجفی‌پور مقدم (زاده ۱۹ شهریور ۱۳۵۹) که با نام حرفه‌ای شاهین نجفی شناخته می‌شود، خواننده، ترانه‌سرا، تهیه‌کننده موسیقی و نویسنده ایرانی است. او فعالیت در موسیقی را از سال ۱۳۷۹ در سبک‌های رپ و راک آغاز کرد. شاهین نجفی، تا قبل از مهاجرت به آلمان، در سال ۲۰۰۵ میلادی، در ایران، یک موسیقی‌دان زیرزمینی و فعال سیاسی بود. وی پس از مهاجرت به آلمان، تاکنون به فعالیت خود در موسیقی رپ و راک و موضوع‌های سیاسی و اجتماعی و مدنی ادامه داده است. او مدعی است تلاش می‌کند که عناصر شاعرانه و ادبی و اصطلاح‌های فلسفی و سیاسی در ترانه‌هایش حضور داشته باشند. به گفته نجفی مضمون بیش‌تر ترانه‌های وی استبداد سیاسی، حاکمیت دینی، فقر، تبعیض جنسی، سانسور، اعدام، اعتیاد، هوموفوبیا و کودکان کار و امپریالیسم فرهنگی است.

شاهین نجفی در نوجوانی قاری قرآن بود، بعد به سرودن شعر و ترانه روی آورد و از هجده سالگی نواختن ساز گیتار را در سبک‌های کلاسیک و فلامنکو نزد استادان این ساز، همانند سهراب فلک انگیز، فرزاد دانشمند و حامد حمیدی آموخت. وی آوازهای هارمونی و سلفژ را آموخت و سپس آواز خواندن را در سبک‌های راک و اسپانیولی در ایران به صورت زیرزمینی آغاز کرد و با چند گروه مختلف همکاری داشت. او دانشجوی رشته جامعه‌شناسی بوده است و نظر خود را در محیط دانشگاه به‌طور صریح بیان می‌کرده است که از این جهت وی را به علت هنجارشکنی از دانشگاه اخراج کردند.

نجفی در مصاحبه‌ای با رادیو فردا اعلام کرد که یک خدانا باور است و به مفاهیمی چون شیطان و خدا به صورت ایدئولوژیک باور ندارد.

شاهین نجفی پیش از مهاجرت به آلمان مدتی سرپرست یک گروه موسیقی زیرزمینی در ایران بود اما پس از دومین اجراء ممنوع فعالیت شد. وی در آلمان سرپرستی گروهی به نام «اینان» را نیز بر عهده داشت. وی سپس به گروه تپش ۲۰۱۲ پیوست. با پیوستن او به این گروه و اجرای شعرهای سیاسی- اجتماعی‌اش، گروه تپش ۲۰۱۲ بیش از پیش مورد استقبال مخاطبان و رسانه‌های فارسی‌زبان قرار گرفته است.

شاهین نجفی سال ۱۳۹۱ وقتی ۳۲ ساله بود با انتشار ترانه «نقی» سرنوشت زندگی خود را تغییر داد. این آهنگ که توهینی به امام دهم شیعیان بود، باعث شد، شاهین نجفی علاوه بر از دست دادن برخی از مخاطبین خود، به عنوان یک خواننده هتاک معرفی شود. چند روز بعد از هتاک حرمت شاهین نجفی، آیت الله «ناصر مکارم شیرازی» حکم ارتداد این خواننده را به دلیل توهین به مقدسات اسلامی صادر کرد. وبسایت شیعه آنلاین جایزه صد هزار دلاری و حامد زمانی (خواننده) هم جایزه صد میلیون تومانی برای اجرای حکم این خواننده (مرتد) تعیین کردند.



- یعنی ارزش تقلید می‌کرد؟

آره.

- چه طوری، می‌شه بیش‌تر توضیح بدی؟

در ابعاد مختلفی ارزش تقلید می‌کرد. از ظاهر و عقاید مذهبی و خداناباوری تا عقاید سیاسی.

- از نظر ظاهری چه طوری تقلید می‌کرد؟

آرین همیشه پیگیر شاهین نجفی بود و دنبالش می‌کرد تو جاهای مختلف، مخصوصاً اینستاگرام. یه روز شاهین نجفی طبق معمول که تغییر چهره داد بود با چهره و تیپ جدیدش یه عکس پست کرد. دقیقاً دو روز دیگه دیدیم آرین عین شاهین نجفی تیپ زده و اومد مدرسه. هم عینکش هم لباسش هم مدل موهاش عین شاهین نجفی بود. خیلی شبیهش شده بود.

- از نظر عقیده چه طوری تقلید می‌کنه؟

شاهین نجفی هر روز پست و استوری می‌ذاره و اذعان می‌کنه خداناباوره. آرین هم پستاش یا استوریاش رو ببینن، می‌بینن که دائماً درگیر این قضیه هست و بر خداناباوریش تأکید داره و بعضاً به خدا و مقدسات توهین می‌کنه. اون بارها توی استوریاش به مقدسات گفته این‌ها دروغ‌اند و همین‌طور گفته همه ادیان دروغ هستند.

- واکنش بقیه دوستان خودت در این زمینه چه‌طور بوده؟

خیلی وقتاً سعی کردن بهش هشدار بدن حتی سعی کردن بگن حرفاش خطرناکه و ممکنه به خطر بندازتش، اما آرین به اونا هم توهین کرد و بهشون فحاشی کرد، همون‌طور که توی استوریاش چندین بار به افراد متدین توهین کرده بود.

- آرین خودش رو جزو گروه و عقیده خاصی می‌دونه؟

مطمئن نیستم، اما یادمه قبلاً تو استوریاش گفته بود، من آتئیستم مثل شاهین نجفی. اما الان می‌بینم که نمادهای شیطان پرستی رو هم می‌ذاره تو پیجش و دقیق نمی‌دونم.

- شاهین نجفی آتئیسته؟

آره، فک کنم چندین بار تو همین اینستاگرام و یوتیوب گفته.

- آرین چرا نمادهای شیطان پرستی رو توی پیجش می‌گذاره؟

آرین کلاً دوست داره عقایدش رو نسبت به چیزای مختلف بیان کنه و اون‌ها رو گسترش بده. قبلاً هم درباره و آتئیست بودن می‌گفت و می‌نوشت، الان هم که ظاهراً شیطان پرستی در دستور کارش قرار گرفته.

- عقاید سیاسی آرین چه طور هست؟

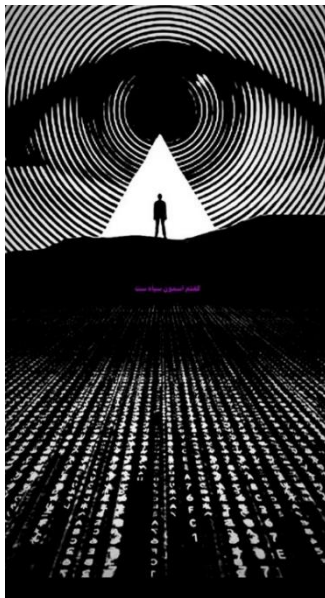
عقاید سیاسیش همون چیزیه که شاهین نجفی می‌گه. طرفدار پهلوی هم هست.

- شاهین نجفی در مورد سیاست چی می‌گه؟

مخالف جمهوری اسلامی، هم‌ااش فحش می‌ده به ایران و جمهوری اسلامی. به نظر من شاهین

نجفی متفکر نیست، فقط یه آدم لات و بی‌فرهنگه. همیشه هم تو رفتاراش نشون داده.

- مگه شاهین نجفی چه کار کرده؟



(بعضی از استوری‌های آرین با نمادهای خاص)

بارها رفتارهای تند و رادیکال و زننده با منتقدانش داشته. به همه توهین می‌کنه و انتقاد کردن بلد نیست. سواد کافی نداره. جنبه انتقاد نداره. خودش رو شرور و شرّ و شورشگر معرفی می‌کنه. حرف واضح و انتقاد واضحی نداره. به مقدسات توهین می‌کنه. به جای نقد سازنده دائماً تشویق به شورش و خرابکاری می‌کنه.

- آرین چه مطالبی در این مورد می‌گذاره؟

عجیب‌ترین پستی که دیدم از شما این بود که یه ویدیو جلوی سازمان ملل ضبط کرده بود و خودش بود و داشت درباره حکومت ایران حرف می‌زد و با اون مخالفت می‌کرد. خیلی هم از این ویدیوش استقبال شد و دیده شد.

- نقد می‌کنه یا فقط توهین می‌کنه؟

برخلاف شاهین نجفی آراین فقط توهین نمی‌کنه و بعضی وقتا رفتارای مسوولان و دولت رو نقد می‌کنه.

- گفتی آراین طرفدار پهلوی هم هست. اون این مسأله رو چه طوری ابراز می‌کنه؟

عکس‌های محمدرضا شاه پهلوی رو استوری می‌کنه، بعضی وقتا هم عکس‌های تخت جمشید رو استوری می‌کنه و روشون متن‌هایی درباره طرفداری از حکومت پهلوی و عرق ملی می‌نویسه. می‌نویسه که عاشق ایرانه و دوست داره برگرده و این جور حرف‌ها.

- درباره آراین چیزای دیگه‌ای هم هست که درباره فعالیتش تو اینستاگرام باشه و بخوای بگی؟

فقط یه چیز دیگه که عجیب و بده، اینه که آراین خیلی استفاده از روان‌گردان‌ها رو عادی کرده و بقیه رو هم تشویق می‌کنه استفاده بکنن.

- چه طوری تشویق می‌کنه؟

آراین راجع به مرلین منسون اپست می‌ذاره، درباره ابعاد دنیا که با مصرف روان‌گردان می‌شه دیدش می‌نویسه. می‌گه اگر مصرف کنین، چیزایی می‌بینین که الان نمی‌بینین.

۱ - مرلین منسون نام مستعار برایان وارنر متولد سال ۱۹۶۹ میلادی در یک خانواده فقیر و سطح پایین فرهنگی در منطقه کانتون اوهایو آمریکا است. وی دوران کودکی سختی را پشت‌سر گذاشته و همواره با آرزوهای کوچک، اما دست نیافتنی اقتصادی و مالی و آنچه در برهه زمانی مورد نظر، حداقل‌های یک زندگی را برای یک کودک و نوجوان در آمریکا لازم می‌ساخت، بزرگ شد. وارنر دوران کودکی پر از حسرت خود را به جوانی می‌رساند. در حالی که گروهی نیز اظهار کرده‌اند، وی مدتی را در یک مدرسه مذهبی مسیحی تحصیل کرده است. برایان در سن ۱۸ سالگی ضمن نقل مکان به منطقه تامپابای در فلوریدا به شغل روزنامه‌نگاری روی می‌آورد.

وارنر در طول این مدت مطالب مختلفی را با قلمی ضعیف و سطحی‌نگر در نقد اشعار موسیقی‌های مبتذل و سخیف «متال» و «راک» به رشته تحریر در می‌آورد. گروهی از هواداران وی به غلط او را منتقد متال معرفی می‌کنند. اما آنچه با اطمینان درخصوص این برهه زمانی شیطان مدرن می‌توان اظهار نظر کرد، این است که سال‌های جوانی برایان سال‌های آشنایی وی با فضای گروه‌های شیطان‌پرستی و اقمار آن نظیر گروه‌های متالیکا، هیپی و... است. وی پس از آشنایی با اسکات میچل گیتاریست فعال در برخی گروه‌های کوچک و نه چندان حرفه‌ای راک، گروه متال خود را تشکیل می‌دهد. وی در این سال‌ها نام مرلین منسون را با ترکیب نام دو نفر دیگر بر خود می‌گذارد. نام مرلین را از بازیگر زن بنام هالیوودی «مرلین مانرو» که شهرت به فساد و بازی در فیلم‌های غیراخلاقی داشت و از ظاهر زیبایی برخوردار بود و منسون را نیز از نام یک کشیش ناراضی فرقه‌گرایی مسیحی برمی‌گزیند.

پس از انجام اقدامات جسورانه گروه منسون در انتخاب رنگ‌بندی صحنه، نوع اجراء، گستاخی در استفاده از الفاظ رکیک و ترویج فحشا در آثار ایشان، ترنست رنوزر (یکی از فعالان گروه متال در آمریکا) در سال ۱۹۹۳ زمینه تبادیل نظر گروه منسون



- یه سوال، توی بعضی از عکسای قدیمی آرین تو پیچش، یه دستش کامل تتوه. دلیلش چیه؟ اون تتوها واقعی نیستن و با تغییر عکس اضافه شدن و دلیلش همون جلب توجهه، اما اخیراً تتو زده رو دستش.

- پیش‌تر در مورد جلب توجه دخترا و پسرا حرف زدیم. برگردیم و چندتا سوال بپرسم ازت. گفتی پسرا با ماشین و وسایل دیگران عکس می‌گیرن. می‌شه بیش‌تر در این مورد بگی؟ من این مسأله رو توی استوریای خیلی از دوستای دبیرستان و هم کلاسیای الانم دیدم. یعنی با ماشین، خونه و حتی ساعت و موبایل دیگران عکس می‌گیرن تا فخر فروشی بکنن. یکی از هم- کلاسیام هست که تمام سلفیاش با گوشی آیفون ۱۲ داییشه جلوی آینه.

- نتیجه این کارشون چیه؟

اعتماد به نفس شون جلوی بقیه می‌ره بالا، خیلی از دخترا فکر می‌کنن اینا پولدارن و پسرا سعی می‌کنن مخ اونا رو بززن.

- تا حالا دیدی از این روش کسی تونسته باشه با دختری دوست شده باشه؟
آره، بارها دیدم.

که دچار تغییرات رادیکال‌تری نیز شده بود را با مدیر یک شرکت فعال در حوزه موسیقی آمریکا را فراهم می‌آورد. عناصر تازه وارد گروه و مدیر شرکت یاد شده زمینه‌های گرایش بیش‌تر شیطان‌مدرن را به وحشی‌گری در صحنه‌های اجرا و انجام اعمال خارق‌العاده یک انسان سالم و دارای هویت انسانی را فراهم می‌آورند. منسون در این سال‌ها و به سرعت عصر توحش موسیقایی‌اش را پشت سر گذاشت و به ستاره مبتدل، اما پرمخاطب رسانه‌های آمریکایی بدل شد. این اقدامات او را از جایگاه یک مطرب محلی در فلوریدای جنوبی خارج و از او چهره‌ای ملی در آمریکا ساخت. در طول این مدت نگرانی‌های برخی از اقلشار اجتماعی از هنجارشکنی وحشت‌زای این فرد، زمینه‌های مقاومت‌های داوطلبانه و لغو برخی از برنامه‌های عمومی منسون را فراهم آورد. او در این سال‌ها آلبوم‌های ضد مسیح (یا آنتی کریست)، هالیوود، حیوانات مکانیکی و چند مورد دیگر را منتشر کرد.

سبک خاصی را نیز در ارایه آثار موسیقایی به منسون نمی‌توان نسبت داد، اگر چه همان طور که اشاره شد، پایه تم‌های آثار وی همان پایه‌های برگرفته شده از موسیقی متال است. عامل سودجویی در تبیین خطامشی منسون نقش ویژه‌ای را عهده‌دار است و اما باید یادآور شد که از فعالیت وی سود سرشاری نصیب کمپانی‌های طرف قرارداد تبلیغاتی با او کرده است که در زمینه‌های مختلفی از جمله زیورآلات، لباس و نظایر آن فعالیت اقتصادی دارند.

- چه طور؟ این وسایل که مال خودشون نیست.
- خیلی راحت، دروغ می‌گن. یه جوری دروغ می‌گن و کار رو پیش می‌برن.
- قصدشون چیه؟
- یا دنبال اینن که فقط مخ بزنی و اعتماد به نفس شون بره بالا و یا دنبال سکس ان.
- موفق می‌شن؟
- زیاد، خیلی زیاد.
- بیش‌تر کجا دنبال دوستن؟
- بیش‌تر که نه، همیشه دوستیاشون از اینستاگرام شروع می‌شه و از طریق اینستاگرام با هم دوست می‌شن.
- دوست‌ها تا حالا از طریق آشنایی از اینستاگرام با کسی رابطه جنسی داشتن؟
- آره، هستن کسانی که آشنا شدن با بعضیا و رابطه داشتن. کم اتفاق نمی‌افته.
- چه طوری رابطه رو شروع می‌کنن و پیش می‌برن؟
- خب دوستای متفاوتم روابط متفاوتی دارن. بعضیاشون رابطه‌شون با کسی هست که دوست دخترشونه. مدت‌هاست می‌شناسنش و دوشش دارن و ظاهراً قصد ازدواج با هم دارن. اما بعضیاشون با قصد رابطه جنسی پیش می‌رن. به دختره حرفایی می‌زنن که شاید اصلاً راست نیست و دروغه، اما سعی می‌کنن به این طریق مخش رو بزنی و بهش بگن که دوشش دارن و می‌خوان باهم باشن، اما بعد رابطه جنسی دعوا می‌کنن و رابطه رو به هم می‌زنن. اما یه سری از روابط هم هستن که دختره و پسره جفتشونم خواستشون رابطه جنسیه. همون وان نایت استند. تو اینستاگرام باهم آشنا می‌شن، اگر بفهمن جفتشونم خواستشون فقط همینه، رابطه رو این طوری پیش می‌برن.
- اون‌هایی که وان نایت استند هستن، چه طوری می‌فهمن که جفتشون چی می‌خوان؟
- حرف می‌زنن، بعد لاس می‌زنن، می‌بینن جفتشونم راحت ان که بعد بیان می‌کنن خواستشون رو.
- اون‌هایی که دروغ می‌گن چی؟
- کار خاصی نمی‌کنن، فقط دروغ می‌گن و گول می‌زنن. البته کارشون خیلی وقتا جواب نمی‌ده، اما بعضی وقتا هم کارشون جواب می‌ده و به چیزی که می‌خوان می‌رسن.
- گفتی پسر سعی می‌کنن با دخترای مختلف رابطه داشته باشن و این طوری حس می‌کنن خیلی خفن هستن و حتی عکس می‌گذارن. چرا این طوره؟
- کلاً وقتی دخترای بیش‌تری توجه می‌کنن به پسر، پسر اعتماد به نفسشون بیش‌تر می‌شه. طوری که خیلی از پسر با عکس گذاشتن با دخترای مختلف و زیاد سعی می‌کنن این قضیه رو نشون بدن به همه و بگن ما خیلی خفنینم.

- احساس نمی‌کنم این روابط می‌تونه خطرناک باشه؟

فکر نکنم خیلی در موردش آگاه باشن. من زیاد خوندم درباره خطرات این رفتارهای خطرناک و حتی توی اینستاگرامم خیلی دیدم مطالبی که درباره بعضی بیماری‌ها مثل HIV و HPV بودن و حتی سعی کردم این دوستانم رو هم آگاه کنم، اما گویا نمی‌بینن چیزی رو و درگیر جو به وجود اومده هستن و فقط می‌خوان باهم رقابت کنن.

- درباره لباس پوشیدن دخترا و عکس‌هاشون توی اینستاگرام گفتی. درباره پوششی که توی عکس‌ها و پست‌ها و استوری‌هاشون دارن، بیش‌تر می‌گی؟

خب من خیلی توی دخترا نبودم که دقیق بدونم، اما درباره پوشش و لباسای دخترایی که تو اینستاگرام دیدم، می‌تونم بگم. اول باید بگم توی یکی دو سال گذشته خیلی تو اینستاگرام مد و دیزاین و طراحی لباس و مزونای آنلاین زیاد شدن. تعداد کسایی هم که توی مشاغل تولید و طراحی لباس هستن به شدت افزایش پیدا کرده. توجه و علاقه زیادی رو به این سمت شده و این مشهوده. خب طبق همین گرایش گسترده توجه به پوشش و مد بین دخترا خیلی بیش‌تر شده. هر سال یک سری عکس‌ها رو بعد از هفته مد پاریس ادرباره این مراسم می‌بینم که بعد از چند هفته و ماه متوجه می‌شم که لباس دخترای زیادی شبیه به این عکس‌ها شدن و با این لباس‌ها عکس می‌گذارن.



- تو خودت از آنلاین شاپ خرید کردی تا حالا؟

من تقریباً کل خریدام از دیجی‌کالا هس. بعضاً از بعضی آنلاین شاپای اینستاگرامی خرید می‌کنم.

۱ - هفته مد پاریس یکی از چهار رویداد مهم مد در دنیا است که سالانه دو بار در شهر پاریس فرانسه برگزار می‌شود. هفته مد پاریس، در دو مقطع بهاره/تابستانه و پاییزه/زمستانه به معرفی جدیدترین مدها می‌پردازد. هفته مد پاریس در کنار هفته مد لندن، هفته مد میلان و هفته مد نیویورک به عنوان چهار رخداد مهم در دنیای مد مطرح هستند. این چهار رویداد در امتداد هم و ابتدا در نیویورک، سپس در لندن، سوم در میلان و در آخر به پاریس می‌رسد و هر سال مطرح‌ترین طراحان، برندها و فعالان حوزه پوشاک و مد در آن حضور دارند. به غیر از این چهار رویداد، بسیاری از کشورهای دنیا نیز هفته‌های مد بزرگ و کوچکی ترتیب داده‌اند، اما هم‌چنان این چهار هفته مد، به عنوان بزرگ‌ترین رخدادهای دنیای مد و فشن به حساب می‌آیند.

- از آنلاین شاپ‌های اینستاگرام چی می‌خری؟

فقط لباس.

- چه چیزهای دیگه‌ای توی پوشش دخترها نظرت رو جلب می‌کنن؟

چیزی که خیلی خیلی برام عجیبه و توی اینستاگرام متوجهش می‌شم اینه که پوشش‌های به شدت شبیه همه و هم‌زمان باهم عوض می‌شن. یهو می‌بینی تو خیابون و همه پستای صفحات مد و لباس همه شلوار چرم پوشیدن یا یهو یه نوع خاصی از کفش همه گیر شد.

- به نظرت دلیلش چیه؟

به نظرم دلیل اصلیش همین پیجای مد و لباس و اینفلوئنسران.

- نکته دیگه‌ای در این باره توی ذهنت داری؟

نه، چیز خاص دیگه‌ای ندارم.

- اشکان درباره عادی سازی موضوعات و مطالب مختلفی حرف زدیم. به نظرت چه چیزهای

دیگه‌ای هستند که توسط اینستاگرام عادی سازی شدن؟ این سوال کلی رو می‌پرسم تا درباره جزئیات چیزهایی که به ذهنت میان، بیش‌تر حرف بزیم.

این سوال خیلی کلیه و چیزای زیادی به ذهنم می‌رسن. در این باره زیاد صحبت می‌شه بین من و دوستانم. در مورد عادی سازی تو اینستاگرام باید بگم هم چیزایی عادی شدن که عادی شدن شون خیلی خوب و مفید بوده و هم بعضی چیزا عادی شدن که عادی شدن شون، خیلی اثرات منفی داشته برای جامعه.

از جمله چیزای منفی مثلاً بعضی خودنمایی‌های افراطی، مصرف دخانیات، فحاشی و استفاده از کلمات رکیک، بی‌احترامی و شوخی‌های زشت با پدر و مادر، مصرف‌گرایی و اسراف هست. اما عادی سازی بعضی چیزا هم خیلی مثبت بوده، مثل بیان احساسات و ابراز خود، انتقاد سازنده به دولت و مسوولان و دفاع از حقوق زنان.

- می‌شه درباره خودنمایی‌های افراطی بگی؟

من تقریباً از اوایل ورود اینستاگرام به زندگی مردم ازش استفاده کردم. کم‌کم عطش دیده شدن و فالور و لایک تو مردم به حدی شد که دست به کارای نابهنجار می‌زدن. یکی از این کارا که رفته رفته بیش‌تر شد، بدن‌نمایی‌هایی بود که قبلاً اصلاً عادی نبودن، اما به مرور و توی موج‌های مختلف کم‌کم عادی شد.

- مثلاً چه موج‌هایی؟

چالش‌های اینستاگرامی یکیشونه. مثلاً اوایل کرونا یه چالش بود توی اینستاگرام که هیچ لباسی تن شون نمی‌کردن و فقط با یک بالش خودشونو می‌پوشوندن. چالشای مختلف این شکلی خیلی زیاد بودن. یکی دیگه از چیزایی که باعث این نوع عادی سازی‌ها شد، مدهای پوششی جدید بودند.

- فحاشی چه طوری توی اینستاگرام عادی سازی شده؟
توی جوک‌های اینستاگرام و در کلام کم‌دین‌های اینستاگرام، استفاده از فحش و حرف‌های رکیک بسیار زیاده. طوری فحش می‌دن که انگار یک کار عادی و هیچ زشتی نداره.
- مصرف‌گرایی و اسراف چه طوری عادی شدن، می‌شه بیش‌تر توضیح بدی؟
اینستاگرام نقش زیادی داشت توی ساختن مد و مدگرایی. خیلیا سعی می‌کنن برای این که لباساشون تو پستای مختلف یکی نباشه، هی لباس بخرن و یا وسایلی صرفاً برای خوشگلی بخرن که البته لازم‌شون هم ندارن یا توی بعضی چالش‌های اینستاگرام غذای خیلی زیادی رو اسراف می‌کنن.



(یک چالش اینستاگرامی با اسراف مواد غذایی)

- درباره‌ی عادی سازی‌های مثبت هم گفتم. گفتم انتقاد از دولت و مسوولان عادی شده. می‌شه درباره‌اش بگی؟
قبلاً که اینستاگرام و فضاهای این شکلی نبود، مردم جایی برای بیان نظرات و انتقاداتشون نداشتن و مسوولان هم نمی‌تونستن انتقادات و پیشنهادات مردم رو درست بشنون، اما الان با ایجاد چنین بستری همه مسوولان صفحات اجتماعی خودشون رو دارن و با مطالعه نظرات مردم می‌تونن از وضعیت جامعه آگاه‌تر بشن و بهتر تصمیم بگیرن.
- عادی سازی‌های مثبت درباره حقوق زنان چه شکل و مسیری توی فضای اینستاگرام داشته‌اند؟

به نظر من بهترین اثر اینستاگرام روی مردم جامعه ما آگاهی از حقوق اولیه خودشان و حرکت در جهت گرفتن حقوق اولیه خودشان بود.

- می‌شه بیش تر بگی؟

پیجای زیادی هستن که درباره حقوق اولیه مردم می‌گن و آگاهشون می‌کنن. پیجای زیادی هستن که درباره حقوق زنان می‌گن و آگاهشون می‌کنن و تشویقشون می‌کنن تا حقشون رو بگیرن و اجازه ندن حقشون پایمال بشه.

- می‌تونن از این دست پیج‌ها یکی رو مثال بزنی؟
بله، حتماً.



پیج کارزار یکی از پیج‌های جالب اینستاگرامه. هم مردم رو از حقوق خودشان آگاه می‌کنه و هم بهشون کمک می‌کنه در جهت طلب حقوق خودشان فعالیت کنن.

- کارزار فعالیتش به چه شکل هست؟

مطالبات مدنی توی این پیج و سایتش بیان می‌شن و بعد اگر با موافقت نسبی مردم مواجه بشه، تبدیل به مطالبه مدنی رسمی می‌شه و با مراجعه به سایت می‌شه امضاء زد و درخواست برای اجرایی شدنش رو جدی‌تر کرد.

- می‌شه یه مثال بزنی؟

بله، آخرین مطالب‌های که هم دیدم و هم موافق بودم و امضاءش کردم مطالب‌های درجهت لغو ممنوعیت خروج خانم‌ها از کشور، بدون اجازه همسر بود.

- پیج‌های دیگه رو هم در جهت دیدگاه‌های فمینیستی دنبال می‌کنی؟

پیج خاصی رو فالو نمی‌کنم و پیگیرش نیستم، اما بعضی پیج‌ها رو دیدم که فعالیت‌های خوب و مثبتی داشتن و دائماً سعی دارن خانم‌ها رو نسبت به حقوق و وظایف فردی‌شون نسبت به خودشون و جامعه آگاه کنن. اما پیج‌های زیادی رو هم دیدم که فعالیت فمینیستی‌شون خیلی منفی بوده و بیش‌تر علیه خانم‌ها بوده.

- پیج‌هایی که فعالیت مثبتی دارن، سعی می‌کنن خانم‌ها رو نسبت به چه حقوق و وظایفی آشنا کنن؟

چیزی که خیلی روش تأکید دارن استقلال و به خصوص استقلال مالی. همیشه خانم‌ها رو تشویق به کسب استقلال مالی می‌کنن. سعی می‌کنن زنان رو نسبت به ازدواج آگاهانه و تنظیم عقد نامه دقیق و درست و به نفع خانم‌ها آگاه کنند و به سوالات‌شون هم پاسخ می‌دن.

- پیج‌های فمینیستی بعضی‌اشون چه نوع حرکاتی داشتن که به نظر تو به ضرر بانوان بوده؟
این تعداد پیج‌های خیلی زیاد هستند و یک مورد رو که من خیلی زیاد دیدم پیج فمینیسم روزمره هست. خیلی پست‌ها و مطالب عجیبی دیدم ازش. بعضی‌اش رو که خاطر من هستن مثلاً ترویج عجیب بی‌بند و باری و حتی خیانت به قیمت لذت بردن، تشویق چاقی و اضافه وزن، توهین به مردان و حقوق مردان.





- اشکان ایرادی نداره درباره استفاده خودت از اینستاگرام و پیج خودت صحبت کنیم؟
نه اصلاً.
- اول از همه می‌خوام بپرسم هر روز تقریباً چه قدر از اینستاگرام استفاده می‌کنی؟
بستگی به روزش داره و مقدار کاری که اون روز دارم. اینستاگرام برای من بیش‌تر حالت زنگ
تفریح داره. قبلاً خیلی بیش‌تر ازش استفاده می‌کردم.
- یعنی چی حالت زنگ تفریح داره؟
خیلی جدیش نمی‌گیرم. بعضی وقتا که کار خاصی ندارم یا می‌خوام استراحت کنم سر می‌زنم
بهش.
- قبلاً چه قدر استفاده می‌کردی که الان کم‌تر شده؟
قبلاً حداقل روزی یک یا یک و نیم ساعت استفاده می‌کردم، اما الان بعضی روزا کلاً استفاده
نمی‌کنم و بعضی روزا هم حداکثر ۴۰ دقیقه استفاده می‌کنم.
- چی شد که استفاده از اینستاگرامت رو کم‌تر کردی؟
نمی‌تونستم به کارام برسیم. مانع از این می‌شد که برسیم به کارام. گوشی رو می‌گرفتم دستم یه‌و
می‌دیدم یکی، دو ساعت گذشته و از کارام عقب موندم.
- مثلاً چه کارهایی؟
پروژه‌های کار و دانشگاه.
- چه طوری استفاده‌ات از اینستاگرام رو کم‌تر کردی؟

نرم افزار ScreenTime رو نصب کردم که نشون می‌داد هر روز چه قدر از موبایل و اینستاگرام استفاده می‌کنم. روش هشدار گذاشتم که وقتی ۴۰ دقیقه اینستاگرام استفاده می‌کنم، هشدار بده.

- بعد از ترک اینستاگرام به کارها بهتر می‌رسی؟

خیلی خیلی بهتر شدم. عذاب وجدانم هم کم‌تر شد. قبلاً این طوری بودم که اینستاگرام استفاده می‌کردم، بعد کلی عذاب وجدان جهت اتلاف وقتم داشتم و به خاطر اون عذاب وجدان نمی‌تونستم برسم به برنامه‌ام.

- دوست‌های خودت در این مورد چه طور هستن؟

اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی خیلی شدید بین دوستانم، خیلی زیاد. یکی از هم اتاقیام تو خوابگاه بود، فکر کنم هر روز ۲ ساعت فقط تو اکسپلور می‌چرخید.

- اکسپلور خیلی باعث اعتیاده؟

به شدت، طوری که من سعی می‌کنم اصلاً نرم سمتش. چون می‌دونم اگر بینم پستاش رو خوشم میاد و با تماشای بقیه پستا یهو می‌بینم یک ساعت تو اینستاگرام هستم.

- چرا اکسپلور این قدر جذابه؟

هوش مصنوعی اینستاگرام به شدت قویه و سلیقه کاربرا رو می‌شناسه و محتوایی رو بهشون پیشنهاد می‌ده که دوست دارن.

- تا حالا تجربه مثبت هم از اکسپلور داشتی؟

آره، خیلی پیش اومده. مطالبی درباره برنامه نویسی، طراحی سایت و طراحی یا مطالبی درباره فیلم و موسیقی در اکسپلور دیدم که به کارم اومده.

- چیزهای دیگه‌ای هم بوده که برات مفید باشه؟

ع، پستایی درباره اقتصاد و مدل درآمدی شرکت‌های بزرگ و زندگی‌نامه افراد باهوش و ثروتمند هم یه تیکه از پستایی هستن که برام خیلی مفید بودن.

- از چه جهت مفید بودن؟

مدل‌های فکری اقتصادی مختلف، نکات اقتصادی، نکاتی در مورد ساخت و شروع و پیش‌برد استارت‌آپ‌ها.

خودت تجربه حضور در استارت‌آپ‌ها رو داشتی؟

بله، یه استارت‌آپ شروع کردیم با چند نفر از دوستان و من برنامه‌نویسی می‌کردم. اما بعد از یک سال شکست خوردیم و به هم خورد.

- چیزهایی که از پیج‌های اینستاگرامی یاد گرفتی، برات مفید بوده؟

مفید، به این صورت بود که توی واقعیت و وقتی داشتم تجربه‌اش می‌کردم، متوجه می‌شدم که چه قدر واقعی و قابل لمس هستند، چیزایی که توی اینستاگرام دیدم.

- اشکان یه سوال کلی. می شه به اینستاگرامت نگاه کنی و بهم بگی وقتی می ری سراغ این نرم افزار بیشتر چه استفاده‌هایی ازش می کنی و غالب استفاده‌ها مربوط به کدوم پیج‌ها و مطالبه؟
... پیجای فوتبالی، درسی و مرتبط با کامپیوتر، یه سری پیج‌ها در مورد ارز دیجیتال، برنامه‌نویسی، مطالبی درباره فیلم و موسیقی، بعضی پیج‌های خاص مرتبط به طراحی، بعضی شخصیت‌های سیاسی و منتقد سیاسی، بعضی پیج‌های مرتبط با کتاب و معرفی کتاب، میم، آموزش زبان، مهاجرت و صفحات گردشگری و تورها و بعضی شخصیت‌های معروف مثل بازیگرا و خواننده‌ها، پیجای دوست و فامیل و هم کلاسی.

- درباره هر کدوم مفصل‌تر حرف بزنیم. پیجای فوتبالی، بیشتر تر چه پیج‌های هستن؟
تعدادشون خیلی بیشتر تر از چیزیه که بتونم هم‌ه‌اش رو بگم. یه سری پیجای خبر ورزشی هستن، مثل ورزش سه، بعضی پیج‌ها مربوط به تیم منچستر یونایتد اخبارش و بازیکنانش هستن و بعضی پیج‌ها مرتبط با مسابقات فوتبالی بزرگ.

- خودت فوتبال بازی می کنی؟
الآن کم تر شده، اما آره بازی می کنم، ولی قبلاً خیلی بیشتر تر بازی می کردم.

- هر روز خبر فوتبالی می خونن؟
آره، مخصوصاً خبرای مربوط به منچستر یونایتدو.

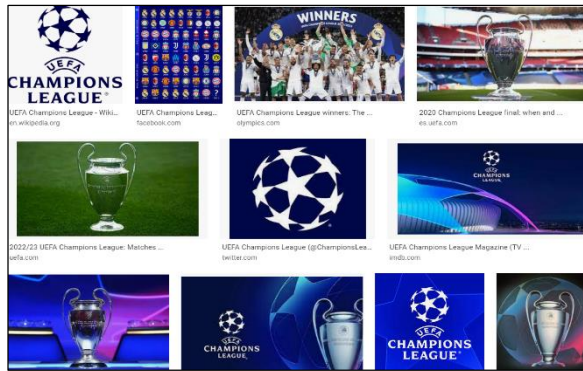
۱ - باشگاه فوتبال منچستر یونایتد یکی از باشگاه‌های حرفه‌ای فوتبال در لیگ برتر فوتبال انگلستان است. این باشگاه در سال ۱۸۷۸، با نام باشگاه فوتبال نیوتون هیث تأسیس شد. در سال ۱۹۰۲، نام این باشگاه به منچستر یونایتد تغییر یافت و در سال ۱۹۱۰، ورزشگاه الدترافورد به عنوان ورزشگاه خانگی این تیم انتخاب شد.
منچستر یونایتد بیش از هر تیم دیگری در فوتبال انگلستان جام کسب کرده است و پرافتخارترین تیم این کشور محسوب می‌گردد.

منچستر یونایتد یکی از پرتعدادترین باشگاه‌های فوتبال جهان محسوب می‌شود. این باشگاه در فصل ۱۷-۲۰۱۶ با درآمد ۶۷۶٫۳ میلیون یورویی، پردرآمدترین باشگاه فوتبال در دنیا و در سال ۲۰۱۷ با ارزشی معادل ۲٫۸۶ میلیارد پوند، با ارزش‌ترین باشگاه فوتبال جهان شد. تا اکتبر ۲۰۱۸، برند منچستر یونایتد با ۱٫۵۵ میلیارد یورو ارزش، با ارزش‌ترین برند فوتبالی است. بعد از عرضه سهام این تیم در بورس لندن در سال ۱۹۹۱، مالکوم گلیرز در مه ۲۰۰۵ با مبلغی بالغ بر ۸۰۰ میلیون پوند باشگاه را خرید. در اوت ۲۰۱۲، عرضه اولیه سهام باشگاه در بازار بورس نیویورک انجام گرفت.

منچستر یونایتد با قهرمانی در لیگ اروپا ۱۷-۲۰۱۶، یونایتد بعد از یوونتوس، آژاکس، بایرن مونیخ و چلسی به پنجمین تیمی تبدیل شد که به سه‌گانه اروپایی شامل سه جام اصلی اروپا یعنی لیگ قهرمانان اروپا، جام برندگان جام اروپا و لیگ اروپا/جام یوفا دست پیدا کرده است.



- چه قدر روی تیم منچستر حساسیت داری؟
از چه نظر؟
- کلاً، اهمیت اخبارش، برد و باختش.
به حدی که تمام بازیکنانش رو فالو کردم و هر روز پیگیر اخبارشون هستم (می‌خندد).
- قبل از این که اینستاگرام باشه هم در این حد پیگیر اخبار منچستر بودی و این قدر برات مهم بود؟
نه این قدر.
- چرا؟
دسترسی به اخبار راحت‌تر شده. وقتی دسترسی به اخبار بیش‌تر و راحت‌تر می‌شه، آدم حساس‌تر می‌شه.
- بیش‌تر از پیج‌های خبری ورزشی خارجی استفاده می‌کنی یا ایرانی؟
هم‌شون خارجی‌ان، فقط یه دونه ورزش سه که ایرانیه رو فالو می‌کنم.
- چرا خارجی‌ها رو به ایرانی‌ها ترجیح می‌دی؟
دلایل زیادی داره. انگلیسیا به روزترن، محتوای پیج‌های ایرانی یه کپی ناشیانه از پیجای انگلیسیه، شوخیای پیجای فارسی خیلی بی‌نمک و مسخره‌ان.
- تو زبانت در حدی هست که کامل محتوای پیج‌های انگلیسی رو بفهمی؟
آره، اصلاً من این طوری زبان یاد گرفتم. بیش‌تر چیزایی که از اول استفاده از اینستاگرام فالو کردم پیجای انگلیسی بودن مخصوصاً اون اوایل که پیج‌های فارسی خیلی کم بودن. به مرور بهتر و بهتر فهمیدم مطالب انگلیسی اینستاگرام رو و الان تقریباً ۱۰۰ درصد می‌فهمم.
- چه پیج‌هایی از بازیکنان و مسابقات فوتبالی رو فالو می‌کنی؟
تقریباً تمام بازیکنان منچستر رو فالو دارم. رونالدو، واران، سانچو و راشفورد و بقیه بازیکنان. پیج بعضی مسابقات مثل چمپیونز لیگ (رو هم فالو دارم).



- این پیج‌ها رو چرا فالو داری؟
- پیج بازیکنان رو دارم چون خب بازیکنای تیم مورد علاقه من هستند، طرفدارشونم. پیگیری وضعیت جسمانی و سلامت‌شون هم هستم.
- انواع طرفداری‌های دیگه فوتبالی تو اینستاگرام هم هست؟
- آره. خیلی زیاد هستن.
- مثلاً چه طوری هستن؟
- نوع خیلی بد طرفداری فحاشیه. می‌رن زیر پست داور، تیم حریف، بازیکن حریف شروع به فحاشی و توهین به خودش و خانواده طرف می‌کنن. یه سری فن پیجا هم هستن که وظیفه‌شون طرفداری از تیم‌ها و بازیکن‌های مختلف توی اینستاگرامه و براشون فالور جمع می‌کنن.
- حالا این فن پیج‌ها تهش چه کار می‌کنن؟
- دقیق نمی‌دونم، ولی چیزای زیادی در موردشون شنیدم. بعضی فن پیجای تیم‌های ایرانی قرار می‌گذارن باهم جمع می‌شن می‌رن استادیوم. البته این مربوط به قبل کرونا بود. البته همیشه مثبت نمی‌شه حرکات این پیج‌ها.
- از حرکات منفی‌شون بگو.
- خیلی از فحاشی‌های اینستاگرامی زیر سر این فن پیج‌ها هست که بعضاً باعث خشونت‌های فیزیکی و ضررهای مالی به تیم‌های فوتبال در دنیای واقعی می‌شن.
- چه طوری باعث زیان‌های مالی می‌شن؟
- بعضی فن پیج‌های طرفدارای زیادی دارن و رفتارهای خشونت‌آمیز زیادی نشون می‌دن. خیلی پیش اومده که این فن پیج‌ها تشویق به حمله به بازیکنان یا ماشین تیم حریف کرده‌اند و بعضاً آسیب جانی و مالی رسیده به تیم‌ها و بازیکنان.
- پیج‌های مسابقات فوتبال رو چرا فالو می‌کنی؟
- برای این که خبر داشته باشم از خبرای جدید.

- پیچ‌های درسی رو هم دنبال می‌کنی؟

چون رشته من کامپیوتره، پیچ‌های زیادی مطالب مختلفی می‌گذارن درباره‌اش. منم آره، دنبال شون می‌کنم.

- مطالب مفیدی دارن؟

آره، خیلی مفید بودن برا من مطالبش.

- بیش‌تر توضیح می‌دی، چه طوری مفید بودن؟

اینستاگرام محیطی نیست که بشه درباره چیزهای مختلف توش عمیق شد. بیش‌تر مطالب اینستاگرام تیتروار و گذرا هستند. اما همین مطالب کوچیک و تیتروار خیلی وقتا به آدم ایده می‌دن و باعث می‌شن برم دنبال یه موضوع و یاد بگیرمش. اما خب همین که مطالبش مختصر و گذرا هست، خیلی وقتا اثرات بدی داره.

- خودت از تجربه‌های مثبتت می‌گی؟ در این مورد که از مطالب اینستاگرام ایده بگیری و بری

دنبال یاد گرفتن بیش‌تر.

من خیلی وقتا توی اینستاگرام درباره یه لپ‌تاپ، کامپیوتر، سیستم خاص چیزایی به چشم خورده و رفتم دنبالش تا بهتر بفهمم و درک کنم اون مطلب رو.

- نتیجه این گشتن‌ها و یاد گرفتن‌های بیش‌تر چی بوده؟

این که تو سواد کامپیوتری من همیشه از دوستانم یه قدم جلوتر بودم.

- گفتم سطحی بودن مطالب اینستاگرام و عمیق نشدن شون گاهی زیان آورده. می‌شه در موردش

بگی مثلاً چه زیان‌هایی داره؟

بیش‌تر مردم دنبال لقمه‌ای هستن که راحت هضم بشه و نیاز به فکر و درگیری زیادی نداشته باشه و غالب مطالب اینستاگرام این طوری هستن. خیلی از این مطالب کامل نیستن، درست نیستن و یا صرف خوندن تیتروشون توی اینستاگرام اعتماد به نفس کاذبی به آدم القا می‌کنه. هم علم و اعتماد به نفس کاذبی دارن و هم بعضاً باعث ترویج شایعاتی می‌شن که با کمی جست و جو می‌شه مانعش شد.

- تا حالا دیدی شایعاتی رو که این طوری راحت پخش بشن؟

خیلی زیاده، یعنی هر روز می‌بینم.

- مثلاً چه طوری؟

خیلی ساده کار می‌کنن. مثلاً یه ویدیو که مربوط به چند سال پیش و یه کشور دیگه هست رو می‌گذارن و می‌گن امروز فلان جا سیل اومده و دولت کمکی نمی‌کنه و خیلیا بدون کم‌ترین پرس و جو و تحقیقی شروع به گسترش خبر می‌کنند. نتیجه همچنین موجی ایجاد جوّی متشنج و نادرست در کشوره.

- بیش تر شایعات مربوط به کدوم پیج‌ها هستن؟
- پیج‌های زیادی دست به پخش شایعات می‌زنند، ولی غالب‌شون پیج‌های غیررسمی و بی‌نام و نشان با تعداد فالور بسیار بالا و ناآگاه هستند.
- کسی از دوست‌ها هست که چنین پیج‌هایی رو دنبال کنه؟
- بله، خیلی کم. فقط دو نفر رو می‌شناسم.
- چرا همچین پیج‌هایی رو فالو می‌کنند.
- به نظرم دلیل اصلیش سواد پایین رسانه‌ای و سواد کم تو استفاده از اینستاگرامه.
- سواد پایین رسانه‌ای چه طور می‌شه که نتیجه‌اش می‌شه دنبال کردن چنین صفحاتی و پخش شایعات در اینستاگرام؟

دو نفر از دوستانم که همچین پیج‌هایی رو فالو می‌کنند، در زمینه استفاده از اینترنت و فضای مجازی تجربه بسیاری اندکی دارند و خیلی دیر وارد فضای مجازی شده‌اند. در نتیجه خیلی اوقات متوجه جو اینستاگرام، دروغ‌ها، تمایل صفحات به جذب فالور حتی به قیمت دروغ‌گویی نمی‌شوند و گرفتار دام این صفحات مجازی می‌شوند و به آن‌ها در جهت اهداف‌شون که شایعه پراکنی، حاشیه‌سازی و شناخته شدن هست کمک می‌کنند.

- استفاده‌های مستقیم درسی هم داشتی از اینستاگرام؟
- آره، با بعضی صفحات مثل فرادرس و مکتبخانه آشنا شدم از طریق اینستاگرام که نتیجه‌اش خرید برخی دوره‌های آموزشی ازشون بود که به درسام خیلی کمک کردند.



-دوست‌ها هم استفاده‌های درسی از اینستاگرام دارن؟

بعضیاشون استفاده‌های درسی مثل من دارند و بعضیاشون از اینستاگرام برای تقلب و پاس کردن درس‌ها استفاده می‌کنند.

- چه طوری؟

ووایس کال تلگرام یکی از راه‌های تقلبه اما یه راه جدیدم اخیراً به وجود آمده. بعضی پیج‌ها به وجود اومدن که توشون کسایی که یک درسی رو بلدن اعلام آمادگی می‌کنند و در نهایت کسایی که اون درس رو بلد نیستند با اون فرد ارتباط می‌گیرن و با پرداخت مبلغی اون فرد امتحان دانشجویان رو می‌ده. یک روش تقلب هم در زمان دبیرستان و کنکور وجود داشت توی اینستاگرام که بعضی از دوستانم استفاده می‌کردند.

- اون روش چه طور بود؟

موقع کنکور ما به شدت درگیر امتحانات مختلفی بودیم. مثل قلمچی، گاج، امتحانات نهایی. بعضی دوستانم سوالات آزمون‌های آزمایشی مثل گاج و قلمچی و جواباشون رو از بعضی پیج‌های اینستاگرامی می‌خریدن و امتحان رو خوب می‌دادن.

- پدر و مادرشون نمی‌فهمیدن؟

نه، ازشون پنهان می‌کردن.

- هیچ وقت متوجه نشدن؟

چرا، تقریباً همه‌شون بعد نتایج کنکور متوجه شدن.

- یعنی نتایج کنکورشون بد بود؟

بله، خیلی بد شد نتایج کنکورشون و این تقلب‌ها هم نقش زیادی داشتن توی خراب شدن نتایج‌شون.

- گفتم یکی سری مطالب درباره ارزشهای دیجیتال هم دنبال می‌کنی تو اینستاگرام. چه چیزهایی رو دنبال می‌کنی؟

من دوتا پیج تریدر بزرگ رو فالو می‌کنم که یاد می‌دن چه طوری ترید کنی. تقریباً ۱۰ تا پیج اخبار ارز دیجیتال رو هم فالو می‌کنم.

- چرا فالوشون می‌کنی؟

برادر من تریدره. یعنی از طریق ترید کردن و خرید و فروش ارزشهای دیجیتال پول درمیاره. اون این دوتا استاد معروف رو دو سال پیش بعد کنکور بهم معرفی کرد و منم رفتم دنبالش. تقریباً یک سال طول کشید، ترید کردن رو یاد بگیرم. بعدش یه مدت ترید کردم و درآمد خوبی داشتم، اما الان کم‌تر شده فعالیتیم چون یه جای دیگه هم کار می‌کنم.

- چه طوری یاد گرفتی؟

یه دوره آموزشی گرفتم از یکی از این استادها. با تماشای اون یاد گرفتم.
- از اطرافیان کس دیگه‌ای هم توی کار تجارت کردن هستند؟
الآن نه، اما خیلیا سعی کردن واردش بشن، اما به مشکل برخوردن.
- چه مشکلی؟

الآن توی اینستاگرام تعداد کسانی که دارن ترید کردن رو یاد می‌دن و کلاً تو این حوزه فعال هستن، خیلی زیاد شده. تنوع آموزش‌ها و آرایه دهنده خدمات در این مورد خیلی خیلی زیاد شده. بعضیا از آموزش‌های اشتباه و بی‌مصرف و غیرمفید استفاده کردن و از نتیجه ندادنش دلسرد شدن. بعضیا هم از خدمات و مراکز خدماتی اشتباهی استفاده کردن و یا ناآگاهانه وارد این محیط شدند و ضرر کردند.

- چرا اقدام به خرید همچین دوره‌های آموزشی می‌کنن؟

توی چند سال گذشته تبلیغات برای ورود به بازار رمزارزها خیلی زیاد شد. اساتید زیادی دوره‌های آموزشی برای ترید کردن تولید کردند و تبلیغات در این حوزه به شدت افزایش یافت. از طرف دیگه با افزایش قیمت ارزهای خارجی تمایل مردم به خصوص جوانان برای کسب درآمد دلاری بیش‌تر شد و بعضی اساتید با دست گذاشتن روی این نکته که با ورود به عرصه ترید کردن همه می‌توانند درآمد دلار زیاد داشته باشند با سواد ناکافی شروع به فروش دوره‌های آموزشی خود کردند.

- درباره کسانی گفتی که از خدمات اشتباه استفاده کردن. می‌شه بیش‌تر توضیح بدی؟

دنیاى ارزهای دیجیتال خیلی گسترده و پیچیده هست و وقتی با ناآگاهی یا آگاهی کم واردش می‌شی، ممکنه فریب بخوری. خیلیا تو سال‌های اخیر پول‌هاشون رو به دست افراد کلاه‌بردار دادند و یا اطلاعات شخصی‌شون رو به یک عده در سطح اینستاگران دادند تا براشون ترید کنند و سود بدهند.

- از نزدیکان کسی رو داشتی که گرفتار همچین کلاه‌برداری‌هایی تو اینستاگرام بشه؟

بله، پسر دایم.

- می‌شه بیش‌تر توضیح بدی؟

با یک پیج سیگنال‌دهی آشنا شده بود و دیده بود توصیه‌هاشون خیلی خوب جواب می‌ده و اونا ازش رمز کیف پولش رو خواسته بودن تا براش ترید بکنند. اونم بهشون داده بود و کیف پولش رو خالی کرده بودن.

- به نظرت دلیل چنین اشتباهی چیه؟

ناآگاهی و اعتماد اشتباه در فضای مجازی.

- تجربه دیگه‌ای از اعتماد اشتباه در اینستاگرام داری؟

خیلی اتفاقات در این مورد دیدم، بخوام کلی بگم، دیدم کسانی که به اشتباه به یک دختر اعتماد کردن، به آنلاین شاپ‌های نامعتبر اعتماد کردن، به همچنین پیج‌های سیگنال‌دهی به اشتباه اعتماد کردند.

- در مورد به اشتباه به کسی اعتماد کردن، می‌شه بیش‌تر توضیح بدی؟

قضیه‌اش مفصله. من و دوستانم اوایل اینستاگرام که کاربرای ایرانیش خیلی زیاد بودن و این قدر گسترده نشده بود، به اسم یه دختر و با عکسای دخترای دیگه پیج می‌ساختیم و با پسرا حرف می‌زدیم، مخ‌شون رو می‌زدیم و بعضاً ازشون پول هم گرفتیم!

- چرا این کار رو می‌کردین؟

رفتارای این شکلی زیادی داشتیم. اما الآن که به عقب نگاه می‌کنم متوجه می‌شم چه قدر بیش از حد از روی هیجان‌جویی رفتارهای عجیب و منفی نشون دادیم.

- دیگه چه رفتارهایی داشتین که از روی هیجان‌جویی بود؟

من برنامه‌نویسی بلد، دوران دبیرستان هم تا یه حدی آشنا بودم. خیلی سعی کرده بودم پیج اینستاگرامی افراد مختلف رو هک کنم، اما موفق نشده بودم، اما دو بارش رو موفق شدم.

- چه کار کردی بعد از هک کردن اکانتشون؟

به کسانی که تو دایرکت باهاشون حرف زده بود، پیام‌های بی‌معنی فرستادم. سعی کردم پاک کنم اکانتشون رو. کار خاصی نکردم. قصدم فقط هک کردن بود.

- اگر کار خاصی نکردی پس کلاً چرا اکانتشون رو هک کردی؟

خیلی کنجکاو بودم در مورد هک کردن و نفوذ به اکانت دیگران.

- بعد از خوابیدن حس کنجکاویت چه کار کردی؟

هیچی، همین طوری ول کردم اکانتشون رو.

- درباره برنامه‌نویسی چه مطالبی رو توی اینستاگرام دنبال می‌کنی؟

من شغل اصلیم برنامه‌نویسیه. من از راهنمایی دنبال کارای گرافیکی و برنامه‌نویسی بودم، اما دلیل اصلی که این قدر خوب تونستم برنامه‌نویسی رو پیش ببرم یه دوره آموزشی طراحی سایت بود که ۴ سال پیش خریدمش. خیلی مفید بود و باعث شد بعد کنکور کار کنم.

- الآن هم پیج‌های برنامه‌نویسی فالو می‌کنی؟

آره.

- چه پیج‌هایی رو فالو می‌کنی؟

یه سری پیج که نکات و اخبار برنامه‌نویسی رو می‌گن.

- چرا فالوشون می‌کنی؟

پیجایی که اخبار جدید در مورد اپلیکیشن، سایت‌ها و کلاً اخبار مهم در مورد دنیای تکنولوژی رو می‌گن، لازمه فالو کنم، چون باید به روز باشم. همین طور بعضاً بعضی نکات خاصی رو می‌گن که خیلی مفید و ریز هستن. یه سری پیجا هم هستن که کارشون جمع کردن برنامه نویسا در یه جا هست. بعضی پیج‌ها هم یه سری پستا می‌گذارن که زیرشون می‌شه توی کامنتا سوالات در مورد برنامه‌نویسی رو پرسید و رفع اشکال کرد.

- چه طوری برنامه نویس‌ها رو یه جا جمع می‌کنن؟

یه سری پیج هستن که اعلام می‌کنن، برنامه نویسا فلان روز تو فلان شهر میتینگ دارن و هر کسی بخواد می‌تونه حضور داشته باشه.

- این کار چه فایده‌ای داره؟

فایده که زیاد داره. در جمع کنار هم در مورد چیزای مختلف مربوط به برنامه‌نویسی حرف می‌زنیم، از هم یاد می‌گیریم و به هم یاد می‌دیم و مشکلات فنی و سوالات هم رو حل می‌کنیم.

- چه پیج‌هایی درباره فیلم و سینما فالو می‌کنی؟

بیش تر فیلم‌هایی که من می‌بینم ایرانی نیستن و به زبان انگلیسی هستن. به همین دلیل پیج‌هایی که در مورد فیلم و سینما فالو می‌کنم هم ایرانی نیستن. دوتا پیج اصلی که در مورد فیلم و سینما فالو می‌کنم filmthusiast و filmfilemedia هستن.



- چه محتوایی دارن؟

پست و استوریاشون در مورد چیزای مختلف سینما هست. در مورد فیلم‌های جدید و اخبار ساخت و اکرانشون. درباره فیلم‌های قدیمی و یادآوریشون. حواشی فیلم‌ها و بازیگراشون. فیلم‌های خوب و کم‌تر شناخته شده رو معرفی می‌کنن.

سکانس‌های فیلم‌های مختلف رو پست می‌کنن.

- تا حالا شده که براساس سکانس‌هایی که توی پیج‌های اینستاگرامی پست شده یا معرفی

پیج‌های سینمایی، یک فیلم رو تماشا کنی؟

اکثر فیلم‌های معرفی شده رو تماشا می‌کنم. درباره سکانس‌های فیلم‌ها هم اگر برام جذابیت داشته باشن، حتماً نگاهشون می‌کنم.

- اگر اینستاگرام نداشتی باز هم این قدر به فیلم و سینما علاقه‌مند بودی؟
نه، قطعاً نه.

- اینستاگرام چه نقشی توی علاقه تو به فیلم و سینما داشت؟

من با داشتن اینستاگرام دائماً غرق اخبار فیلم و سینما بودم و باعث شد بیش‌تر بدونم، برام جذاب‌تر بشه، و بیش‌تر برم سمتش.

- درباره موسیقی چه صفحاتی رو دنبال می‌کنی؟

فقط پیج هنرمندایی که دوست دارم رو فالو می‌کنم.

- چرا فالوشون می‌کنی؟

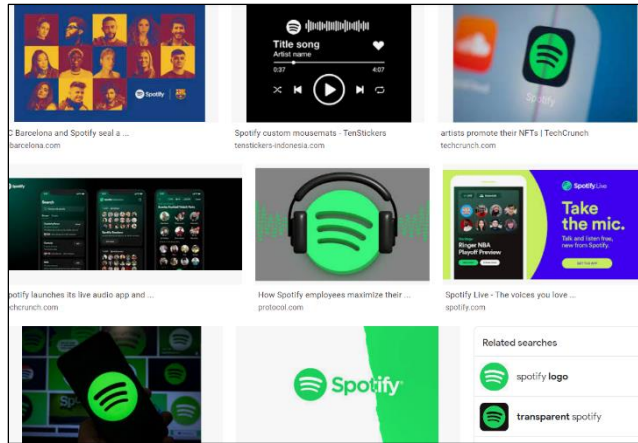
دلیل خاصی نداره، فهمیدن اخبار جدید درباره موزیکا و فعالیت‌شون.

- طرفدار شدید گروه موسیقی خاص یا خواننده خاصی هستی؟

فقط دامین رایس^۱ رو خیلی زیاد دوست دارم.



- اشکان بود و نبود اینستاگرام چه قدر روی علاقه تو به موسیقی و سلیقه موسیقی تو نقش داشته و اگر اینستا نبود به نظرت چه تفاوت‌هایی در ذائقه موسیقی تو ایجاد می‌شد؟
بودن اینستاگرام تأثیر چندانی روی سلیقه موسیقی من نداشته. من در رابطه با موسیقی و سلیقه‌ام وابسته به اینستاگرام نیستم. از اسپاتیفای استفاده می‌کنم.



- پیج هنرمندای مختلف و صفحات مختلف موسیقی هیچ تأثیری روی سلیقه موسیقی، موسیقی گوش دادنت و هیچ چیز در این باره نداشتن؟
تنها تأثیر اینستاگرام روی بخش موسیقی وجود من این بوده که با دیدن تصاویر و صحنه‌های کنسرت‌های موسیقی به کسانی که اون جا بودن حسودیم شده.
- حسادت در این باره رو به افراد نزدیک داشتی؟
آره، اواخر کنسرت‌های زیادی توی ترکیه برگزار می‌شن و خب خیلی از دوستان هستن که تو ترکیه زندگی می‌کنن و توی این کنسرت‌ها شرکت می‌کنن و من حسودیم می‌شه.
- درباره مهاجرت چه پیج‌هایی رو دنبال می‌کنی؟
یکی از اصلی‌ترین دلیل‌هایی که باعث می‌شه اینستاگرام استفاده‌اش برام مفید محسوب بشه، وجود پیج‌های مهاجرتی هستن. هر روز مطالب‌شون رو می‌خونم و درگیرشون هستم.
- چندتا پیج مهاجرتی فالو می‌کنی؟
خیلی زیادن. شاید حدود ۴۰، ۵۰ تا بشن!
- مطالب‌شون در چه مورد هستن؟
در مورد دانشگاه‌های خارجی، انواع روش‌های مهاجرت، پیشنهاد راه‌های مهاجرت، کلاً هر کمک و نکته‌ای که تو مسیر مهاجرت نیازه.
- قصد مهاجرت داری؟



آره.

- چی شد که به فکر مهاجرت افتادی؟

وضعیت اقتصادی کشور، وضعیت علمی کشور، آینده گنگ و نامشخص کشور، وضعیت علمی خوب کشورهای اروپایی و آمریکایی. آدم اینا رو می‌بینه، می‌فهمه مهاجرت بهتر از موندنه.

- مطالب پیچ‌های اینستاگرامی چه قدر مفید بودن؟

خیلی، باعث شدن دیدم بازتر بشه، با کسانی که رفتن و موفق بودن باعث شدن آشنا بشم و باهاشون آشنا بشم و تجربیاتشون رو بشنوم و راه پیش رو برام شفاف‌تر بشه و بهتر تصمیم بگیرم.

- وجود اینستاگرام چه قدر روی تمایل تو به مهاجرت نقش داشته؟

از دو جهت خیلی تأثیر داشته. یکی این مورد که اینستاگرام و پیچ‌های مختلف خبری و غیر خبری باعث شدن از وضعیت کل دنیا و حتی وضعیت ایران آگاه‌تر بشم و بفهمم مهاجرت راه بهتری هست. از یه طرف دیگه اینستاگرام و پیچ‌های مهاجرتی باعث شدن بینم مهاجرت یک راه قابل دسترسی و ممکنه. بدون این پیچ‌ها و مطالب و مصاحبه‌هاشون برای من مهاجرت خیلی چیز دور از دسترسی بود.

- می‌شه موضوع چند از پست‌های این پیچ‌های مهاجرتی رو بهم بگی؟

چک کنم بگم موضوع چندتا پست رو... الان بیش تر در مورد تاریخ اپلای دانشگاه‌های مختلف نوشتن، در مورد روش‌های گرفتن کمک هزینه تحصیلی، روش پیدا کردن دانشگاه مناسب، پیدا کردن استاد خوب و موضوعات این شکلی.

- اگر اینستاگرام نبود، به نظرت این تمایل به مهاجرت در تو و دوستانت کم تر می شد؟
آره، خیلی کم تر می شد.

- چرا؟

مثلاً بعضی دوستای من بعد از دبیرستان برای دانشگاه مستقیم رفتن ترکیه. چندتا شون از طریق مؤسسات مهاجرتی که تو اینستاگرام شناخته بودن مهاجرت کردن.

- چه دلیل‌های دیگه‌ای هست که به نظر تو اینستاگرام به وسیله اون‌ها تونسته باعث افزایش مهاجرت بشه؟

بالا تر هم گفتیم، مهاجرت رو ممکن نشون داده. از یه طرف تجربیات بقیه رو نشون می ده و خیلی کمک کرده به عادی سازی مهاجرت و پروسه مهاجرت.

- چه منتقدان و فعالان سیاسی رو تو اینستاگرام دنبال می کنی؟
تعدادشون کمه. فقط کاوه مدنی^۱ یادمه.

- ایشون کی هست؟

فعال سیاسی اجتماعی که بیش تر در زمینه محیط زیست فعاله. نظرات خیلی تخصصی و پخته‌ای داره.

۱ - کاوه مدنی متولد مرداد ۱۳۶۰ در تهران، دانشمند، پژوهشگر و فعال محیط زیستی ایرانی و معاون سابق سازمان حفاظت محیط زیست ایران و نایب رئیس مجمع محیط زیست سازمان ملل متحد است. وی استاد مرکز سیاست محیط زیست کالج سلطنتی لندن (امپریال کالج لندن) و استاد دانشگاه خواجه نصیرطوسی است و در جوامع علمی بین‌المللی به سبب «کمک بنیادی در تلفیق نظریه بازی‌ها و تحلیل تصمیم‌گیری با مدل‌های مدیریت منابع آب» مطرح است. مدنی بعد از فارغ التحصیلی در رشته مهندسی عمران از دانشگاه تبریز به منظور ادامه تحصیل عازم سوئد شد و در رشته منابع آب از دانشگاه لوند در مقطع کارشناسی ارشد فارغ التحصیل شد. سپس مدرک دکترا خود را در رشته مهندسی عمران و محیط زیست از دانشگاه کالیفرنیا دریافت کرد و پس از آن دوره پسا دکتري را در رشته اقتصاد و سیاست محیط زیست در همان دانشگاه به پایان رساند.

این محقق ۳۶ ساله در سال ۲۰۱۲ نیز توسط انجمن مهندسان عمران آمریکا به عنوان یکی از ده چهره جدید مهندسی عمران انتخاب شد.

او بعد از مشغول شدن در سمت خود فعالیت‌هایی را انجام داد و اندکی نگذشت که خبر بازداشت وی منتشر شد. شائبه‌ها در این زمینه فراگیر شده بود تا این که سرانجام وی در واکنش به دستگیری فعالان محیط زیستی توییتری را منتشر و به وضعیت موجود انتقاد کرد.

کاوه مدنی در طول خدمت خود در سازمان حفاظت از محیط زیست، همواره از نقض حریم خصوصی خود، نبود امکان فعالیت در ایران و بازجویی‌های بسیار ابراز ناراحتی می کرد. وی می گوید: «به محض ورود به تهران بازجویی شدم و ایمیل و اکانت‌های شبکه‌های اجتماعی من را بدون اجازه چک کردند». او در بهمن ۱۳۹۶ در جریان بازداشت فعالان محیط زیست متهم جاسوسی بازداشت شد. مدنی در فروردین ۱۳۹۷ هم‌زمان با بالا گرفتن تهدیدها از سمت خود استعفاء کرد.



- چرا دنبالش می‌کنی؟

باعث می‌شه عمیق‌تر متوجه بعضی مسایل زیست محیطی بشم. بعضی وقتا لایو می‌ذاره و یک سری مسایل رو توضیح می‌ده و بعضاً در قالب پست و استوری سخنانش رو بیان می‌کنه.

- بقیه منتقدانی که دنبال می‌کنی در چه زمین‌های فعال هستن؟
در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی.

- بررسی مطالبی که این منتقدان در صفحات‌شون منتشر می‌کنن، بهت کمک می‌کنه؟
آره، منتقدانی که من دنبال می‌کنم، افراد افراطی نیستند. غالباً انسان‌های باسوادی هستن که در حوزه تخصصی خودشون نظرات سازنده و آگاهی بخشی می‌دن.

- به نظرت نبود اینستاگرام تو فعالیت منتقدان و فعالان سیاسی اجتماعی مشکل ایجاد می‌کرد؟
نبودش به نظر من مشکل چندانی ایجاد نمی‌کرد، چون بسترهای دیگه‌ای مثل توئیتر وجود دارن، اما حذفش می‌تونه خیلی مشکل ساز باشه.

- چرا حذفش مشکل ساز می‌شه؟

توی اینستاگرام مخاطبای زیادی دارن، به مدل اینستاگرام عادت کردن و طبق اون مطالب‌شون رو تولید می‌کنن.

- پیج‌های مرتبط با کتاب رو هم دنبال می‌کنی؟

آره چندتا پیج هستن که خیلی دوس‌شون دارم، مطالب اونارو می‌خونم و می‌بینم.

- چه پیج‌های هستن؟

بعضیاشون پیج کتاب‌فروشی‌ای اینترنتی و مغازه‌های کتاب‌فروشی هستن که کتابای خیلی خوبی طبق سلیقه آدما معرفی می‌کنن. بعضیاشون صفحات کسایی هستن خیلی کتاب‌خون و سلیقه‌شون هم به سلیقه من نزدیکه و خلاصه کتاب و معرفی کتاب می‌گذارن. بعضیاشون هم صفحاتی هستن که خلاصه کتاب می‌گذارن.

- معرفی کتاب فروشگاه‌های کتاب برات مفید بوده؟
- آره، بارها براساس معرفی کتابی که داشتن ازشون خرید کردم.
- کسانی که کتاب خون هستن و کتاب معرفی می‌کنن، به چه شکلی کتاب معرفی می‌کنن؟
- بعد از خوندن کتاب یه پست می‌گذارن و خلاصه‌ای ازش رو می‌گن.
- فعالیت دیگه‌ای هم دارن؟
- بعضاً دوره‌می‌های کتاب‌خوانی برگزار می‌کنن.
- به چه شکلی برگزار می‌شه؟
- این پیج‌ها اطلاع‌رسانی می‌کنن و بعد دوره‌می یا به شکل حضوری برگزار می‌شه و یا اینترنتی.
- توی این دوره‌می‌ها چه کار می‌کنین؟
- از قبل یک کتاب تعیین می‌شه و همه سعی می‌کنن بخوننش. بعد توی دوره‌می درباره کتاب، نویسنده‌اش و چیزای مختلف مربوط به کتاب صحبت می‌کنیم و سعی می‌کنیم عمیق‌تر بشیم.
- برنامه‌های مرتبط با کتاب‌خوانی دیگه‌ای هم دارین؟
- چیزای خاصی نمی‌شه نه، شاید بعضی وقتا این پیج‌های شخصی کسانی که کتابخوان هستن، بعضاً لایو بذارن و باهم درباره چیزای مختلف مربوط به کتاب‌ها حرف بززن.
- مثلاً چه چیزهایی؟
- مثلاً با نویسنده کتاب اگر ایرانی باشه لایو می‌گذارن و یا اگر کتاب ایرانی نباشه، کتاب با متخصصای حوزه مربوط به کتاب لایو می‌گذارن. به سوالات مرتبط با کتاب پاسخ می‌دن.
- پیج‌هایی که خلاصه کتاب می‌گذارن، به چه شکلی هستن؟
- محتواشون چند حالت داره یا توی یه نرم افزار خلاصه کتاب رو می‌گذارن و توی اینستاگرام آدرس اون رو می‌گذارن و یا خودشون توی اینستاگرام به دو شکل خلاصه کتاب رو می‌گذارن. بعضیا محتوا رو به صورت فیلم طولانی پست می‌کنن و بعضیا چندین استوری می‌گذارن که می‌شه رشته استوری.
- تو از این موارد استفاده می‌کنی؟
- آره، خیلی استفاده می‌کنم. همیشه فرصت نمی‌کنم یه کتاب رو کامل بخونم، اما نیاز دارم کلی بدونم محتواش رو و مطالب این پیج‌ها تو این زمینه خیلی کمکم می‌کنن.
- اشکان بود و نبود اینستاگرام توی کتاب‌خوانی تو فرقی ایجاد می‌کنه؟
- آره، خیلی فرق می‌کرد، اگر اینستاگرام نبود.
- کم‌تر می‌شد کتاب خوندنت یا بیش‌تر؟
- خیلی کم‌تر می‌شد.
- چرا؟

به نظر خلیلا اون زمانی که روی اینستاگرام گذاشته می‌شه، به جاش کتاب خونده، اما به نظر من استفاده درست از اینستاگرام و دنبال کردن پیج‌های مناسب مربوط به کتاب خوانی هم باعث می‌شه با کتاب‌های خوب و جذاب و باب سلیقه آشنا بشیم و هم تماشای کتاب‌خوانی بقیه و این که کتاب‌خوانی چه قدر روی زندگی شون و آگاهی‌شون و علم‌شون تأثیر داشته، باعث می‌شه آدم بیش‌تر ترغیب بشه به کتاب خوندن.

- صفحات مرتبط با طراحی رو هم دنبال می‌کنی؟
آره.

- چه قدر پیگیرشون هستی و مطالب‌شون رو دنبال می‌کنی؟
الآن کم‌تر شده، اما قبلاً خیلی بیش‌تر بود چون شغلم مربوط به طراحی گرافیک بود. الان باز کمک می‌گیرم از این پیج‌های توی شغلم، اما استفاده‌ام کم‌تر شده.

- چه نوع پیج‌های گرافیکی رو فالو می‌کنی؟
یه سری شون نکات آموزشی و خلاق و کار با نرم‌افزارها رو یاد می‌دن. بعضی هم تصاویر گرافیکی و فیلم‌ها و انیمیشن‌های خاص با موضوع و محتوای جالب رو پست می‌کنن.
- محتواهای آموزشی این شکلی چه قدر برات مفید بودن؟

خیلی به کارم اومدن. جاهای مختلف، خیلی به کارم اومدن. حتی چند بار از طریق پیج‌های گرافیکی با بعضی سایت‌ها و پیج‌های دیگه آشنا شدم و باهاشون کار کردم.
- چه طوری؟

یه سری پیج‌های اینستاگرامی دنبال طراح لوگو بودند و من هم اعلام آمادگی کردم.
- اون گروه از پیج‌های گرافیکی که محتوا با موضوعات جالب پست می‌کنن رو چرا فالو می‌کنی؟
کاراشون خیلی خلاقانه هس. موضوعات مختلف رو به شکل غیرمستقیم و در قالب محتوای گرافیکی بیان می‌کنن.

- مثلاً چه موضوع‌هایی؟
موضوعات مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، زیست محیطی و درکل مسایل روزانه دنیا رو به شکل هنری و به زبان ساده بیان می‌کنن.

- می‌شه بیش‌تر بگی درباره این نوع محتواها؟
بله مثلاً این روزا که درگیر آلودگی هوا هستیم، کاریکاتورهای زیادی با این موضوع در اینستاگرام هستن و سعی در آگاه‌سازی مردم و انتقاد دارن.

- در مورد مسایل سیاسی و فرهنگی چی؟
طراحای گرافیک فعال توی اینستاگرام با طراحی‌هاشون بارها انتقادات سیاسی کرده‌اند. از مشکلات اقتصادی مختلف انتقاد کرده‌اند. به مسوولان کنایه‌های زده‌اند و انتقاد کرده‌اند.

- به نظرت این نوع انتقادات و محتواهای هنری توی اینستاگرام چه نقشی داشته‌اند؟
به نظر من نقش زیادی تو آگاه‌سازی مردم، عادی‌سازی انتقاد و درک مشکلات توسط مردم داشتن.

- چه طوری باعث درک مشکلات توسط مردم می‌شن؟
غالب مردم به محتواهای نوشتاری و خبرهای رسانه‌های خبری گارد دارن و به سختی بهشون توجه می‌کنن، اما وقتی این اخبار به شکل غیرمستقیم و از طریق آثار هنری جذاب بهشون نشون داده می‌شه، از اون‌ها استقبال می‌کنن.

- گفتی صفحات گردشگری رو هم فالو می‌کنی. چه صفحات گردشگری رو فالو می‌کنی؟
بعضی پیج‌ها درباره جاهای دیدنی و گردشگری ایران می‌نویسن و عکس می‌گذارن. بعضی صفحات مال تورهای گردشگری هستن و اطلاع‌رسانی می‌کنن برنامه‌هاشون رو.

- پیج‌هایی که مطالبی درباره مکان‌های گردشگری ایران می‌گذارن، برای تو مفید هستن؟
آره، خیلی. هم ازشون یاد می‌گیرم و هم ازشون استفاده کردم.
- چی یاد می‌گیری؟

بعضی مطالبشون درباره فرهنگ، غذاها، هنرها و رسوم مردم مناطق مختلف ایرانیه. در مورد آب و هوا و اقلیم نقاط مختلف ایران تو فصل‌های مختلف سال هم یاد می‌گیرم.
- تا حالا از پیج‌های تورهای گردشگری استفاده کردی؟
بله، اخیراً استفاده کردم. با یکی از تورهای اینستاگرامی سفر سه روزه‌ای به کویر داشتیم.



- دوستان هم از این پیج‌ها استفاده می‌کنن؟
خیلی از اطرافیانم با این تورها سفر می‌رن. حتی فعالیت‌های دیگه‌ای هم دارن این تورها.
- چه فعالیت‌هایی؟
مثلاً هر هفته کوهنوردی دارن یا برنامه‌هایی برای پاک‌سازی محیط زیست دارن.
- کوهنوردی به چه شکلی هست؟

هر هفته برنامه کوهنوردی سبک دارن روزای وسط هفته برای آمادگی بدنی اعضای دایم تور، منم بعضی وقتا می‌رم برنامه کوهنوردی.

- برنامه‌های مرتبط با محیط زیست چه فعالیت‌هایی هستن؟
برنامه‌های ماهانه یا فصلی برای جمع‌آوری زباله‌ها و آلودگی‌های محیط‌های طبیعی.



- گفتم پیج‌های آموزش زبانم فالو می‌کنی. این پیج‌ها برات مفیدن؟
خیلی.

- چه نوع محتوایی دارن؟

اکثراً اساتید زبان انگلیسی هستن که توی پیج‌شون به شکلهای مختلف زبان آموزش می‌دن.

- تو خودت تا حالا یاد گرفتی؟

آره ولی خیلی از طریق پیجا یاد نگرفتم. از مطالب یکی از صفحات خوشم اومد و با استادش هماهنگ کردم برای کلاس آنلاین تافل!

- اشکان اینستاگرام تا حالا به تو در گسترش روابطت کمک کرده؟

خیلی مؤثر بوده. من خیلی از دوستانم رو توی کار کردن، درس خوندن و مطالعه و سفر از اینستاگرام پیدا کردم. حتی از طریق اینستاگرام وارد رابطه عاطفیم شدم.

- چه طوری توی این فضا دوست پیدا می کنی؟
از طریق محتوای افراد می شه متوجه علایق و سلایق اون ها شد و اونا هم همین طوری متوجه علایق من می شن و بعد از این یکی از افراد قدم جلو می ذاره برای دوستی.
- گفتی تو این فضا وارد رابطه عاطفی هم شدی. می شه بیش تر بگی؟
سه سال پیش من با یک نفر آشنا شدم که نوشته هاش شبیه به نوشته های من بودن. به مرور بیش تر آشنا شدیم و به هم علاقه مند شدیم. وقتی رابطه مون جدی تر شد. منم تصمیم گرفتم بعد کنکور دانشگاه شهر ایشون رو انتخاب کنم. خانواده هامون هم از رابطه ما خبر دارن.
- دوستانت هم روابط عاطفی رو از طریق اینستاگرام شروع کردن؟
قبلاً هم گفتیم. بله، اما غالباً نتیجه جالبی نداشتن و بعد مدت کوتاهی تموم شدن.
- ممنون کمکم کردی اشکان، خیلی ازت متشکرم.
خواهش می کنم.

تأملی دوباره:

اشکان ۲۱ ساله، در مصاحبه خود درباره اثرهای کاربری از شبکه اجتماعی اینستاگرام، به مباحثی حول محورهای اثرهای آموزشی، اجتماعی، اخلاقی - تربیتی، اقتصادی، خانوادگی، روان شناختی، زیباشناختی، زیستی، زیست محیطی، سیاسی، عقیدتی و فرهنگی اشاره داشته است.
اشکان در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل آموزشی کاربران، به مواردی مانند: آموزش فعال، یادگیری برنامه نویسی از دوره های آموزشی اینستاگرام، درک عمیق مسایل زیست محیطی با توجه به مطالب برخی منتقدان و افراد آگاه در اینستاگرام، افزایش اطلاعات عمومی، آگاهی از مفاهیم و مطالب یک کتاب با توجه به خلاصه های اینستاگرامی، آشنایی با دوره های آموزشی درسی، یادگیری مطالب درسی، رفع اشکال درسی در اینستاگرام، یادگیری زبان انگلیسی با دنبال کردن مطالب انگلیسی، ارایه اطلاعات ناقص در اینستا، افت تحصیلی به خاطر استفاده بیش از حد از اینستاگرام، تقلب با دوستان در بستر اینستاگرام، وجود منابع غیرموثق در اینستا، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

اشکان در مصاحبه اش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در رفتار اجتماعی کاربران، به مواردی مانند: نودوستی، گسترش روابط اجتماعی، تسهیل ارتباطات، دسترسی آسان به جریانات خبری آگاهی از احقاق حقوق اجتماعی، جهانی اندیشیدن، برنامه ریزی مبتنیگ هایی با موضوعات تخصصی، بیان اخبار و مشکلات به شکل محتوای هنری جذاب، تشویق مهاجرت، الگوبرداری در پوشش

تا عقاید، ترجیح رسانه‌های ورزشی خارجی به داخلی، تلاش برای افزایش لایک و ویو و فالور، غوغای لایک، پوشش زنده و عجیب در فضای مجازی برای جلب توجه و مخاطب، شکل‌گیری و تحقق هویت لاکچری، در آرزوی هویت لاکچری (با خرید فالور و مخاطب فیک)، تلاش برای نمایش لاکچری بودن کاذب (با توسل به مواردی مانند دزدی)، تفاخرجویی (مثلاً با انتشار تصویر با دختران زیاد)، رقابت ناسالم و ناآگاهانه بین جوانان در فضای مجازی، خودنمایی با رفتارهای خطرناک و غیرقانونی، ورود به روابط بزهکارانه، سوءاستفاده از هویت دیگران در اینستاگرام، سوق یافتن برخی از درگیری‌ها به فضای مجازی، هک کردن اکانت دیگران در اینستاگرام، کلاهبرداری در اینستاگرام و نظایر آن، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

اشکان در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در رفتار اخلاقی کاربران، به مواردی مانند: تفاخرجویی، عادی سازی بدن‌نمایی، استفاده از اموال دیگران برای فخر فروشی، استقبال از برخی از رفتارهای غیراخلاقی، کلاهبرداری در اینستاگرام، عادی شدن فحاشی و استفاده از حرف‌های رکیک (در جریان فقدان سازوکار تهاجم شکن در ارتباط‌های مجازی)، فحاشی در جهت طرفداری ورزشی و نظایر آن، اشاره داشته است.

اشکان ۲۱ ساله، در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل اقتصادی کاربران، به مواردی مانند: یادگیری نکات اقتصادی، یادگیری حرفه درآمدزا از طریق اینستاگرام، عادی سازی مصرف‌گرایی و اسراف در اینستاگرام، دزدی و کلاهبرداری و نظایر آن، اشاره داشته است.

اشکان در مصاحبه‌اش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل خانوادگی کاربران، به دور زدن خانواده توسط فرزندان، اشاره داشته است.

اشکان در مصاحبه خودش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل روانی کاربران، به مواردی مانند: از خود بیگانگی، جادوی تصویری اینستاگرام، کمک جادوی تصویری به از خود بیگانگی، اعتماد به نفس کاذب، اعتیاد به اکسپلور اینستا، اضطراب‌های نوپدید، حساسیت زدایی، حل هیجان - مدار مسایل، احساس عذاب وجدان از مصرف بیش از حد اینستاگرام عادی شدن رفتارهای خطرناک، پیگیری تحقق روابط جنسی از طریق اینستاگرام، بیان آسان و بدون خجالت نیازهای جنسی در فضای مجازی، خودزنی و آسیب به خود در جهت کسب توجه، تشویق به استفاده از روان‌گردان‌ها، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

اشکان در مصاحبه‌اش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در علایق زیباشناختی کاربران، به مواردی مانند: تأثیر گسترده پیج‌های اینستاگرامی در پوشش مردم، الگوگیری از تصاویر لباس‌های مراسم‌های مد، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

اشکان ۲۱ ساله، در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل زیستی کاربران، به ترویج و تشویق چاقی (توسط جریان‌های فمینیستی)، اشاره داشته است.

مصاحبه شونده در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل زیست محیطی کاربران، به پاک سازی محیط زیست با هماهنگی برنامه‌های اینستاگرامی، اشاره داشته است. اشکان در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در رفتار سیاسی کاربران، به مواردی مانند: تحقق دموکراسی رسانه‌ای (گمنام ماندن نیز طرح انتقادات را تسهیل می‌سازد)، ایجاد بستری برای مسوولین جهت آگاه شدن از انتقادات مردم، ارتقای نقد سیاسی مردم، طرفداری از حکومت پهلوی در اینستاگرام، گسترش شایعات و ایجاد جو متشنج علیه دولت، مخالفت با حکومت اینستاگرام، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

اشکان در مصاحبه‌اش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل عقیدتی کاربران، به مواردی مانند: آشنا شدن با برخی از نحله‌های انحرافی از طریق فضای مجازی، توهین به مقدسات در اینستاگرام آشنا شدن با برخی از نحله‌های انحرافی از طریق فضای مجازی، توهین به مقدسات در اینستاگرام، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

اشکان ۲۱ ساله، در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در علایق فرهنگی کاربران، به مواردی مانند: آشنایی با کتاب‌های خوب از طریق معرفی کتاب پیج‌های اینستاگرامی، برگزاری برنامه‌های دوره‌می مرتبط با کتاب به صورت آنلاین، تشویق و اطلاع‌رسانی برای سفر کردن در برخی از پیج‌های اینستاگرامی، معرفی فیلم از طریق اینستاگرام، گذران اوقات فراغت با اینستاگرام، جابه‌جایی فرهنگ مکتوب با فرهنگ بصری، سواد پایین رسانه‌ای در برخی کاربران اینستاگرامی، تأثیر چالش‌های اینستاگرامی و مدهای جدید در عادی سازی پوشش‌های نیمه برهنه، ترویج بی‌بند و باری، رفتارهای نابهنجار به جهت دیده شدن، تبدیل شدن مصرف دخانیات و سیگار به نماد رشد و بلوغ، رکیک شدن بیان، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

اگر در زمینه مباحث مطرح شده در مصاحبه اشکان ۲۱ ساله، با ارجاع سایر محورهای مطرح شده به دیگر کتاب‌های مجموعه حاضر، توجه خود را صرفاً معطوف به ابعاد فرهنگی (که مورد بحث اثر حاضر است) کنیم، می‌توان بیان داشت، اشکان در مصاحبه نسبتاً مفصل خویش درباره اثرات اینستا در ابعاد مختلف آموزشی، اجتماعی، اخلاقی، اقتصادی، خانوادگی، روانی، زیباشناختی، زیستی، محیطی، سیاسی، عقیدتی و سرانجام فرهنگی به طرح مباحث متنوع و متعددی پرداخته است که در جهت روشنگری اثرات اینستا در کاربرانش بسیار پر اهمیت هستند، اما در میان تمامی مباحث پیش‌گفته، مقوله شکل‌گیری هویت جدید لاکچری به مثابه یک غایت، برای اقشار قابل تأملی از کاربران نوجوان و جوان اینستا، از اهمیت خاصی برخوردار است.

اگر بخواهیم از هویت لاکچری یک تعریف مفهومی به دست داده و ارایه کنیم، می‌توان گفت مختصات هویت لاکچری را می‌توان به مؤلفه‌های مختلف اقتصادی، فرهنگ-اجتماعی، روانی، عقیدتی-سیاسی، زیباشناختی و زیستی شکست.

هویت لاکچری در ابعاد اقتصادی از ویژگی‌هایی مانند: بهره‌مندی از امکانات لاکچری، مراجعه به مکان‌های لاکچری، کسب درآمدهای لاکچری و انجام رفتارهای لاکچری (نظیر اسراف و بریز و پاش و شرکت در چالش‌هایی مانند دور ریزی غذاها)، برخوردار است.

هویت لاکچری در ابعاد فرهنگ-اجتماعی از شاخصه‌ها و ویژگی‌هایی نظیر: تلاش برای موج‌آفرینی‌های اجتماعی، رقابت پنهان برای عقب نماندن از دیگران، تبعیت از شخصیت‌های خاص و در عرف اینستا لاکچری (مانند شاهین نجفی که اشکان از وی به عنوان آرزوی دوستش آرین یاد می‌کند)، برقراری رابطه با افراد لاکچری برای به نمایش نهادن آن در برابر دیگران، نداشتن ظرفیت گفتمان و نقدپذیری (نظیر رپرهایی که به سادگی دست به دیس همدیگر می‌زنند)، شرکت در چالش‌های نامتعارف (که اشکان در این جهت از چالش متکا یاد می‌کند)، برخوردار است.

هویت لاکچری در ابعاد روانی از ویژگی‌هایی همچون: گزینش پارت‌تر لاکچری، تعویض سریع پارت‌رها، توسل به بزرگ‌نمایی‌های مختلف (نظیر خرید فالور فیک که اشکان در مورد آرین از آن یاد می‌کند) و از خودبیگانگی (به معنای فراموش کردن عواطف و احساسات خویش و انجام اعمالی که فرد تنها در چشم دیگران مطرح شده و جلوه‌گر شود)، برخوردار است.

هویت لاکچری در ابعاد عقیدتی-سیاسی از شاخصه‌هایی نظیر: انجام برخی از رفتارهای نامتعارف برای جلب توجه دیگران (مانند توهین به افراد خاص یا جریان‌های فکری شاخص)، تبعیت از الگوهای نامتعارف (مانند الگو قرار گرفتن مرلین منسون که اشکان از آن یاد می‌کند)، تبعیت از ایدئولوژی‌های نامتعارف (نظیر بیانات آرین در مورد شیطان‌پرست شدن یا روی آوردن به سوی آنتیسم) و انجام رفتارهای سیاسی خاص (نظیر پر کردن ویدیو سیاسی آرین در برابر سازمان ملل)، برخوردار است.

هویت لاکچری در بعد زیباشناختی از ویژگی‌هایی مانند: استفاده فرد از البسه و وسایل آرایشی برند و گران قیمت، تلاش در جهت موج‌آفرینی در عرصه زیباشناختی (نظیر طرح مدی جدید یا استفاده از پوششی غیرمعارف و عجیب) و منطبق با مد روز حرکت کردن برخوردار است.

هویت لاکچری در بعد زیستی و جسمانی از شاخصه‌هایی همچون: برخورداری فرد از یک بدن لاکچری (که با اعمال جراحی‌های متعدد و پیکرتراشی محقق می‌شود)، انجام ورزش‌های مفرط و گرفتن رژیم‌های افراطی، برخوردار است.

با تأمل در اثرهای مختلف اینستا بر کاربرانش، می‌توان به وضوح در افرادی (خاصه نوجوانان و جوانان) که بدون هدف و سواد رسانه وارد اینستا شده‌اند، شواهدی از شکل‌گیری هویت لاکچری و غایت شدن این هویت را برای آنان احساس کرد.

مجموعه هویت‌های لاکچری ایجاد شده در جامعه، با اثرگذاری خود در فرهنگ جامعه، رنگ و بویی لاکچری به فرهنگ بومی جامعه خواهند داد.

مصاحبه با مهدی، ۲۱ ساله

من وقایع سیاسی - اجتماعی رو دنبال می‌کنم و گهگاهی هم درباره‌شون متن می‌نویسم. گاهی هم با دوستانم بحث‌های اجتماعی داریم که نتایج اون‌ها رو هم می‌نویسیم و ممکنه اون‌ها رو هم پست کنیم.

- سلام!

سلام.

- خوب هستید.

ممنون.

- قبل از شروع مصاحبه چند نکته خدمت‌تون عرض می‌کنم.

بفرمایید.

- اول این که لطفاً بهم بگید چند وقت این اینستاگرام دارید؟

چهار، پنج سال.

- خوب مصاحبه ما درباره فضای مجازی و در کل اینستاگرامه من سولاتی رو در این باره ازتون

می‌پرسم.

ببخشید می‌تونم اسم شما رو بدونم؟

- خواهش می‌کنم بله فراموش کردم لازمه منم خودم رو معرفی کنم بنده نیره... هستم.

خوشبختم از آشنایی با شما.

- اگر مشکلی ندارید مصاحبه مدتی طول می‌کشه و اگر هم خسته شدید زمانش رو می‌تونیم طی

دو الی سه روز تقسیم کنیم.

خواهش می‌کنم مشکلی ندارم.

- لطفاً یه بیوگرافی از خودتون بدید؟

مهدی ... هستم رشته انسانی رو می‌خونم، بیست و یک ساله دانشگاه ... درس می‌خونم.

- خوب حالا لطفاً بهم بگید از چند سالگی گوشی شخصی دارید؟

من تقریباً از شونزده، هفده سالگی فکر می‌کنم گوشی شخصی دارم.

- تهیه گوشی به اصرار خودتون بود؟

خودم اصرار داشتم و خانواده‌ام هیچ مشکلی با این که من گوشی شخصی بگیرم، نداشتن.

- حالا لطفاً بهم بگید از چند سالگی اینستاگرام نصب کردید؟

تقریباً نوزده سالگی بود فکر می‌کنم.

- چه جوری با این برنامه آشنا شدید؟

از طریق دوستانم آشنا شدم که تبلیغات می‌کردن و می‌اومدن می‌گفتن پست گذاشتیم، این قدر لایک خورد و من هم که اون موقع تازه می‌خواستی وارد این برنامه بشم، یه ذره کنجکاو شدم و رفتم ببینیم چه جوریه.

- می‌دونید دوستان شما از چه سنی این برنامه رو نصب کردن؟

اونا هم تقریباً هم‌سن و سال من بودن، ولی خب فکر می‌کنم یک مقداری زودتر نصب کردن شاید توی هفده سالگی و کمی زودتر از من.

- خوب لطفاً بگید دلیل کنجکاوای شما چی بود و از چه برنامه‌ای خوشتون اومده بود؟

کنجکاویم دلیلش این بود که اینا می‌اومدن تبلیغات می‌کردن هر روز می‌گفتن اینستاگرام این جوریه، اون جوریه، دخترا میان استوری می‌گذارن، ما می‌ریم لایک می‌کنیم، دایرکت شون می‌ریم و از این حرف‌ها. بالاخره ما هم اون موقع توی سن نوجوونی بودیم و کنجکاو شدیم بریم توی این برنامه ببینیم چه جوریه و اولش که خوشم اومده بود، چون تماماً وقتم رو صرف این برنامه می‌کردم، توی قسمت جست‌وجوش می‌رفتم و بالاخره ساعت‌ها وقتم رو اون جا می‌گذروندم و بدون این که بدونم چه قدر وقتم داره هدر می‌ره، واقعاً الکی وقتم هدر می‌رفت و بالاخره سرگرم بودیم. اولش خوشم می‌اومد و برام جذاب بود، اما الان تازه متوجه شدم که من چه قدر بیهوده توی این برنامه وقتم رو هدر دادم. بیش‌تر سعی می‌کردیم که فالور جمع کنیم، معروف بشیم، دیده بشیم و خودمونون رو نشون بدیم. از این جور چیزا. بعد می‌دیدیم که دوستانمون دوهزارتا، سه هزارتا، ده‌هزارتا فالور دارن. خب ما هم تلاش می‌کردیم که بیایم و فالور جذب کنیم و این طور حرفا که متأسفانه خیلی زیاد وقتمون رو می‌گرفت و وقت بسیاری از جوونا و نوجوونای امروزه رو متأسفانه داره هدر می‌ده.

- لطفاً بگید از زمانی که اینستاگرام رو نصب کردید چه فعالیت‌هایی داشتید؟ چه اون زمان که به‌نظر خودتون وقت تلف کردید و چه الان که نظرتون عوض شده؟

فعالیت خاصی که نداشتیم، خب کلاً مثل آدمای عادی دور هم با دوستان خودمون جمع می‌شدیم، استوری می‌داشتیم از هر جا می‌رفتیم که نشون بدیم، این جا رفتیم، اون جا رفتیم، با دوستانم این کار رو کردیم، اون کار رو کردیم و هر کاری که می‌کردیم رو استوری می‌داشتیم و به دوستانمون می‌گفتیم که ما رو تگ کنن، تبلیغات کنن تا بقیه ما رو فالو کنن و الان هم چون نظرم عوض شده، زیاد از اینستاگرام و فضای مجازی استفاده نمی‌کنم، ولی گهگاهی فکری که توی سرمونه یا اهدافی که داریم و یا هر چیز زیبایی رو که می‌بینیم، به تصویر می‌کشیم.

- خوب حالا لطفاً بهم بگید زمانی که اوایل نصب اینستاگرام بود، برای جذب فالور دقیقاً چه کار

می‌کردید و محتوای استوری‌هایی که می‌گذاشتید، بیش‌تر چی بودند؟

البته حالا که می‌خوام توضیح بدم لطفاً شخصی بین خودمون بمونه چون می‌خوام صادقانه جواب بدم.

- نه خواهش می‌کنم مشکلی نداره نیازی به تأکید نیست. وظیفه‌ام اینه که اسامی محرمانه باشند. خوب، استوری‌هامون که اکثر اوقات غمگین بود و یا مثلاً استوری‌هایی که حرف بسیار زیادی داریم یا این که خیلی مدعی بودیم حق‌مون رو خوردن یا این که روزگار این طوره، اون طوره یا از این متنای اینستاگرامی غمگین ویا پست‌ها و استوری‌های غمگین. بعد این که یه جور تظاهر می‌کردیم که ما یه جور آدمای خوشبختی هستیم که به همه‌چیز دسترسی داریم، هر جا بخوایم می‌ریم، هر کاری بخوایم می‌کنیم و به همه‌چیز دسترسی داریم. این طور تظاهر می‌کردیم در صورتی که این طور نبود و کلاً زندگی‌مون زندگی تظاهری بود. همین طور که الآن درصد بالای کسانی که در اینستاگرام هستن همین طوری زندگی تظاهری خودشون رو به نمایش می‌گذارن، نه زندگی واقعی خودشون یا این که از تک چرخ زدن استوری می‌گذاشتیم.

- قبل از این که درباره استوری‌ها سوال کنم، لطفاً بگید اون زمان چندتا دوست داشتید و چه جوری استوری می‌گذاشتین، به صورت دسته جمعی یا هرکدوم تنها؟

دوستای بسیار زیادی داشتیم، مثلاً توی هر منطقه‌ای دوست داشتیم. با اینایه جا می‌نشستیم و از کارهایی که می‌کردیم، استوری می‌گذاشتیم و خب بالاخره توی یه جمعی بودیم، پنج، شش یا بیست نفر اینا می‌اومدن توی استوری‌شون همدیگه رو تگ می‌کردن که با فلانی هستیم، فلان جا می‌ریم، فلان کار رو می‌کنیم. بیش‌تر استوری‌امون به صورت جمعی بود، فردی نبود، ولی همدیگر رو تگ می‌کردیم و یا کسانی که اصلاً نمی‌شناختیم رو هم تگ می‌کردیم و یا همون تبادل شات. می‌گفتیم شما ما رو فالو کنید، ما شما رو فالو می‌کنیم و از این طریق جذب فالور می‌کردیم.

- حالا لطفاً بهم درباره‌ی استوریا توضیح بدید. بهم گفتید گاهی استوری غمگین می‌گذاشتیم و یا استوری‌هایی مثل این که مدعی هستید حقتون رو خوردن و یا چنین چیزایی. لطفاً یه کم توضیح بدید چرا همچین افکاری داشتید، صرفاً اینا رو می‌گذاشتید، چون متن اینستاگرامی بود و یا دلیل خاصی داشت؟

خوب اون زمان مثلاً اگر یک اتفاق می‌افتاد که کوچیک بود، ما خیلی خوشحال می‌شدیم و یا این که خیلی غمگین می‌شدیم، مثلاً متنایی که می‌گفت، سرنوشت ما از پیش‌تعیین شده هست یا ما آدمای بدبختی هستیم. البته اینم بگم که خب اون زمان بیش‌تر تحت تأثیر متنا و چیزایی که توی اینستاگرام بود قرار می‌گرفتیم.

- می‌تونید از اون متن‌هایی که گفتید، مثال بزنید؟

البته قبلش این رو بگم این که الآن بسیاری از نوجوونا به اون سمت کشیده شدن که استوری غمگین می‌گذارن و یا استوری‌هایی که نشون بده ما حرف داریم و حرف ما رو کسی نمی‌شنوه، اول

به خاطر نبود آموزش و دوم این که خانواده‌ها هم آموزش نمی‌بینن و پدر و مادر نمی‌شینن با کودک و نوجوان خودش یا با جوان یا هر کسی صحبت کنه و پرسن مشکل چیه و اون فرد نوجوان هم این مسأله رو خیلی بزرگ جلوه می‌ده و توی ذهنش با اون کلنچار می‌ره و می‌گه من باید مورد توجه قرار می‌گرفتم و از من سوال می‌شد، با من حرف زده می‌شد و چنین چیزایی. خیلی از مشکلات رو ما می‌تونیم با حرف زدن توی خانواده حل کنیم.

گفتید یک مثال بزنم، مثالش خیلی چیز سخت و پیچیده‌ای نیست، ما اون زمان که نوجوان بودیم و بیش‌تر تحت تأثیر جوّ قرار داشتیم و خیلی خودمون هم نمی‌فهمیدیم که چه کار می‌کنیم، صرفاً یک متنی رو توی اینستاگرام می‌دیدیم و همون رو به اشتراک می‌گذاشتیم تا فالور جذب کنیم. متن دقیق این عکس‌ها رو خیلی به خاطر ندارم متأسفانه.

- بهم گفتید مشکلات خانوادگی و عدم صحبت خانواده با نوجوان باعث می‌شه که علاقه داشته باشن به دیده شدن. لطفاً بهم بگید برای خودتون هم همین‌طور بود، یعنی عدم ارتباط مثبت با خانواده منجر به چنین مشکلاتی شده باشه یا این که مشکلات خانوادگی باعث شده باشه بخواید خودتون رو تخلیه کنید و به همین دلیل پست و استوری بگذارید؟

رابطه من با پدر و مادرم خیلی خوب بود، خصوصاً پدرم هم الآن و هم اون موقع. پدرم می‌نشست با من در مورد آینده و سبک زندگی صحبت می‌کرد و من رو روشن می‌کرد درباره آسیب‌ها و واقعیت‌هایی که توی جامعه هست و آسیب‌هایی که یه جوون رو تهدید می‌کنه، از خطرات رفیق‌بازی و چنین چیزایی و این حرفای پدر واقعاً روی من مؤثر بودن و باعث می‌شدن من خیلی از کارهایی که بقیه انجام می‌دن رو انجام ندن. ولی من از سر کنجکاوی متأسفانه با دوستانم می‌رفتیم و اون پست‌هایی هم که می‌داشتیم هم یه جوورایی غیرارادی بود و دست خودمون نبود و من بیش‌تر تحت تأثیر دوستایی که بودن، قرار می‌گرفتم، البته این که من اون موقع نمی‌تونستم دوستانم رو ول کنم و هر وقت می‌گفتن بیا بیرون، باهاشون می‌رفتم، یکی از دلایلیش این بود که نمی‌تونستم بگم نه، شاید به این دلیل که اونا بهم می‌گفتن تو بچه ننه یا مامانی هستی و هزارتا حرفی که الآن بین پسرا هست.

- خوب شما فکر می‌کنید اون موقع خیلی تحت تأثیر جوّ دوستانتان بودید؟

بله دقیقاً و الآن هم به همین شکل هست. بسیاری از نوجوونا و جوونا متأسفانه چون قدرت نه گفتن رو ندارن و نمی‌تونن نه بگن، این مشکلات براشون ایجاد می‌کنه و دچار آسیب‌های زیادی می‌شن.

یه نکته‌ای رو هم بگم، به نظرم الآن کسانی که هم‌سن و سال من هستن و جوونا یه جووری توی سردرگمی و بی‌هدفی قرار دارن و این ممکنه که باعث بشه به هر کاری دست بزنن. مثلاً من یه مدت قبل داشتم با یه نوجوونی صحبت می‌کردم که ایشون هم کلاسی برادرم بود و تا کلاس

ششم خیلی درسش خوب بود، ولی وقتی باهاش صحبت کردم، دیدم که خیلی وضعیت خرابی داره و حرف از مشروب و سیگار و چنین چیزایی می‌زنه و به نظرم این برمی‌گرده به همین محتواهای اینستاگرام که الان خیلی ردوبدل می‌شه، یکی میاد استوری مشروب می‌ذاره که مثلاً ما داریم مشروب می‌خوریم و این تفریح رو می‌کنیم یا این کار رو انجام می‌دیم.

- توی صحبت‌ها گفتی که امروزه توی اینستاگرام استوری‌هایی که درباره مشروب و سیگار و چنین مواردی هست، خیلی زیاد شده. لطفاً بهم بگید چه الان و چه اون زمان که تازه اینستاگرام رو نصب کرده بودید، چنین استوری و پست‌هایی باعث شده بود که شما بخواهید به سمت چنین چیزهایی برید؟

خب من همیشه حواسم به خودم بود و می‌دونستم که نباید لب به سیگار، مشروبات الکلی و هر چیز دیگه‌ای بزنم و خدا رو شکر، هیچ زمانی این کار رو نکردم، اما دوستان توی جمع می‌شستن و سیگار می‌کشیدن و خیلی از تازه واردها هم وقتی بهشون سیگار تعارف می‌شد، با چندتا حرف احساسی، به راحتی سیگار می‌کشیدن اما خدا رو شکر، من خودم هیچ وقت این کار رو نکردم.

- فکر می‌کنید رفتار دوست‌هاتون تحت تأثیر اینستاگرام بوده؟

واقعیت این رو نمی‌دونم.

- می‌شه لطفاً بهم بگید، چی باعث شد خودتون به سمت چنین رفتارهای منفی که در اینستاگرام

تبلیغ می‌شد، نرید؟

صحبت‌های پدرم و اون چارچوبی که داشتم روی من مؤثر بود هر چند گاهی تحت تأثیر دوستانم

بودم.

- توی یه جایی از صحبت خودتون بهم گفتید اون موقع تظاهر می‌کردید که خیلی خوشبخت هستید، همه چیز دارید، همه کار می‌کنید، همه چیز می‌خورید، به همه چیز دسترسی دارید و در کل بهم گفتید که تظاهر می‌کردید. مثالی می‌تونید بزنید از چنین رفتارهایی که اون زمان انجام می‌دادید؟ مثلاً همین به اصطلاح شاخ‌های مجازی که الان در ایران، ترکیه یا هر جایی هستن. مثلاً می‌بینیم یک کفش جدیدی می‌خرن یا غذایی می‌خورن یا هر کار دیگه‌ای می‌کنند، می‌گذارن توی اینستا تا خودشون رو پول‌دار جلوه بدن.

- به غیر از شاخ‌های مجازی، مثال از خودتون چه الان و چه اوایل نصب اینستاگرام دارید؟

بینید همین که یک جایی می‌رفتیم استوری می‌گذاشتیم و یا چیزی می‌خوردیم، استوری می‌کردیم. خیلی مثال خاصی نیست، شاید نمونه کوچیک کارهایی که امروز شاخ‌های مجازی انجام می‌دن.

- لطفاً بهم بگید هدفتون از گذاشتن این استوری‌ها و یا به قول خودتون تظاهر کردن‌ها، چی

بود؟

خوب نمی‌شه گفت هدف خاصی داشتیم، ولی خب ما تو حال و هوای نوجوانی بودیم و هر نوجونی ممکنه چنین کارهایی رو انجام بده.

- بهم گفتید استوری و پست‌هایی که برای جذب فالور منتشر می‌کردید، یکیش این بود که از تک چرخ زدن فیلم می‌گرفتید و در اینستاگرام می‌گذشتید. لطفاً بهم بگید این کار برای جذب فالور فایده‌ای داشت؟

خوب بله، مؤثر بود و کسانی رو جذب می‌کرد که به این جور حرکات نمایشی علاقه‌مند بودند، مخصوصاً یه سری از دخترایی که از چنین کارایی خوششون می‌اومد و جذب همین طور چیزها هم می‌شدن (جمله‌اش را با ته خنده‌ای بیان می‌کند).

- این کار خطری نداشت؟

خب من خودم انجام نمی‌دادم، اما دوستانم انجام می‌دادن و چرا مسلماً خطرناک بود، ولی همون طوری که گفتم توی دوران نوجوونی بودیم دیگه.

- مفاهیمی مثل لایک فالور و کامنت چه قدر برای شما و دوستانتون اهمیت داشت؟ اگر تعداد لایک‌ها یا فالورها کم یا زیاد می‌شد یا اگر کامنت‌ها منفی می‌شد، چه قدر براتون مهم بود؟

بسیار زیاد اهمیت داشت، خیلی از مواقع ما می‌نشستیم توی جمع‌های دوستانه و این مسایل رو به رخ هم‌دیگه می‌کشیدیم و یک حالت رو کم کنی داشت. می‌اومدیم کلیپ رو به یکی از دوستانمون نشون می‌دادیم، می‌گفتم برای من این قدر لایک خورده یا این قدر بازدید داشته و کامنت‌ها رو هم که گفتید اکثراً تعریف می‌کردن و انتقاد نمی‌کردن.

البته خود من تک چرخ نمی‌زدم، دوستانم انجام می‌دادن، ولی خب من تگ‌شون می‌کردم یا استوری اونا رو می‌داشتم، و وقتی چهره‌شون معلوم نبود و یه جوری وانمود می‌کردم که خودمم، درکل همین چیزای الکی. می‌خواستیم یه جوری خودمون رو نشون بدیم و با دوستانمون همکاری کنیم.

- گفتید خیلی از اوقات مخاطب شما دخترها بودن، لطفاً بهم بگید چه خودتون چه دوست‌های شما تا حالا از این طریق توی اینستاگرام با دختری آشنا شدید؟

خوب رابطه با دخترها که خودم اصلاً نداشتم، ولی دوستانم چرا داشتن. خب اینا با این دخترا صحبت می‌کردن، چت می‌کردن و باهاشون دوست می‌شدن.

- آشنایی‌شون با این دخترها از طریق همین پست و استوری و کامنت و فضای اینستاگرام بود؟

بله از طریق همین پست‌ها و استوری‌ها بود. خیلی از دخترا خودشون به این جور رفتارها که اینا از خودشون نشون می‌دادن، علاقه‌مند بودن و خودشون می‌اومدن پیام می‌دادن و سعی می‌کردن ارتباط برقرار کنن.

- شما گفتید خیلی از اوقات تحت تأثیر دوستان خودتون بودید. لطفاً بهم بگید با وجود تأثیری که بود، شما چرا در بستر اینستاگرام به سمت ارتباط با دختری نرفتید؟
خوب اول از همه این که حرف‌های پدرم روی من خیلی مؤثر بود و دوم این که اون زمان افکار بسیار مذهبی داشتم، یعنی کتابای دینی و مذهبی زیاد می‌خوندم، سخنرانی‌های مذهبی زیاد گوش می‌دادم و بسیار افکار مذهبی و محدودی داشتم و به همین دلیل نسبت به این روابط احساس خوبی نداشتم.

- گفتید اون زمان افکار مذهبی و محدودی داشتید، یعنی الان افکارتون تغییر کرده؟
الآن زیاد افکار مذهبی ندارم و خیلی آدم مذهبی‌ای نیستم، اون موقع توی این کار بسیار افراط می‌کردم و خیلی سخنرانی مذهبی گوش می‌کردم و کتابای مذهبی می‌خوندم. پرسیدید که این افکار مذهبی روی شما تأثیر داشت، بله تأثیر داشت صددرصد داشت، اما الان خیلی آدم مذهبی نیستم.

- خوب می‌تونید بهم بگید این تغییر عقیده به چه دلیل بوده؟ به نظرتون اینستاگرام مؤثر بوده و یا نه ربطی به اینستاگرام نداره و به دلیل سایر عوامل بوده؟

خب ببینید، من خیلی به مسایل سیاسی علاقه داشتم و به همین دلیل با افراد زیادی صحبت می‌کردم، این مسأله منجر به این شد که من مطالعه خودم رو در زمینه‌های مختلف زیاد کنم و با افرادی صحبت کنم که دانش‌شون از من بیش‌تر بود. سیر این کارها باعث شد که من متوجه بشم، من واقعاً توی بعضی از کارها افراط می‌کنم. فکر نمی‌کنم اینستاگرام تأثیری داشته.

- لطفاً بهم بگید میزان کلی استفاده‌تون از اینستاگرام چه قدره، چه اون زمان که گفتید وقت زیادی تلف می‌کردید و چه الان؟

- خودم در گذشته حدود شش، هفت ساعت ممکن بود توی اینستاگرام وقت بگذرونم، اما الان این طوری نیست و شاید در روز زیر یک ساعت و چهل الی چهل و پنج دقیقه از اینستاگرام استفاده کنم. بعد هم مثل قبل نیست که برای سرگرمی برم در اینستاگرام و جوری غرق بشم که نتونم خودم رو بکشم بیرون، الان در همین حد که اخبار رو چک کنم و ببینم دوستانم چه پست‌هایی گذاشتن و یه واکنشی نشون بدیم در همین حد.

- می‌شه توضیح بدید که چرا اون زمان نمی‌تونستید بعد از ورود به برنامه ازش خارج بشید؟

خب بهترتون گفتم که یه جوری غرقش می‌شدیم، شاید غیرارادی بود.

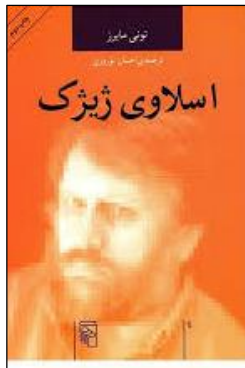
- لطفاً بگید در این چند ساله که اینستاگرام دارید تا حالا براتون مشکلات زیستی پیش آورده مثلاً استفاده زیاد باعث سردرد، سرگیجه، ناراحتی چشم و یا مختل شدن خواب شده؟
خوب اون موقعی که خیلی استفاده می‌کردم، خیلی زیاد اختلال در خواب داشتم، گاهی سردرد می‌گرفتم، چشم‌درد می‌گرفتم، اما چشمم ضعیف نشده تا الان. اون زمان وقتی غرق می‌شدم توی

اینستاگرام و می‌دیدم که یک‌دفعه ساعت دو شب شده، مسلماً مشکلات جسمی رو با خودش به همراه می‌آورد.

- توی اینستاگرام افراد مشهور رو دنبال می‌کنید، چه خواننده، چه بازیگر، چه نویسنده، چه دانشمند و یا هر کس دیگه‌ای مثل شاخ‌های مجازی؟
خوب یک سری از این افراد مشهور رو دنبال می‌کنم مثل کسانی که قبلاً فوتبالیست بودن و بسیار دوس شون داشتم و طرفدارشون بودم مثل تروگبا و مایکل اسین.



شاخ‌های مجازی رواداً دنبال نمی‌کنم و هیچ علاقه‌ای به این که چه فعالیتی انجام می‌دن ندارم. البته به طور کلی خبر دارم که چه کار می‌کنن، یه سری پیج‌هایی هست مربوط به ژیزک که یک فیلسوف بسیار بزرگ اروپایی هست و یه سری حرف‌ها و سخنرانی‌هایی داره.



البته از خواننده‌ها گوگوش رو دنبال می‌کنم یا رهبر کوچیک اروپا که مال محیط‌زیسته و فکر می‌کنم اسمش که گرتانبرگه.



- بهم گفتید که یک سری از افراد رو توی اینستاگرام دنبال می‌کنید، حالا لطفاً بهم بگید تا حالا شده که خودتون یا دوستانتون بخواید از کسانی که توی اینستاگرام دنبال می‌کنید، توی هر چیزی مثلاً توی استایل توی لباس پوشیدن در رفتار اخلاق و یا هر چیزی الگوبرداری یا تقلید کنید؟ نه، الآن این کار رو انجام نمی‌دم به این دلیل که برای خودم یک سری چارچوب دارم که سعی می‌کنم، طبق اون پیش برم.

- کسانی که شما دنبال می‌کنید مورد علاقه شما هستند، هیچ تأثیری روی شما از نظر استایل، لباس پوشیدن، رفتار خوب شخصیت و یا هر چیز دیگه‌ای، ندارند؟
روی نحوه لباس پوشیدن و این‌ها تأثیر نمی‌ذاره، مثلاً من یه خواننده رو دنبال می‌کنم چون کنجکاو هستم می‌خوام ببینم چه آهنگایی می‌دن بیرون یا این که چه واکنشی به فعالیت‌های سیاسی دارن.

- گفتید که می‌خواید واکنش‌شون نسبت به وقایع سیاسی رو بررسی کنید، لطفاً بهم بگید خودتون چنین اخباری روتوی اینستاگرام دنبال می‌کنید؟
خودم بله دنبال می‌کنم، مثلاً من وقایع سیاسی- اجتماعی رو دنبال می‌کنم و گهگاهی هم درباره‌شون متن می‌نویسم. گاهی هم با دوستانم بحث‌های اجتماعی داریم که نتایج اون‌ها رو هم می‌نویسیم و ممکنه اون‌ها رو هم پست کنیم.

- پس به نوعی توی اینستاگرام مباحثه راه می‌اندازید، درسته؟

بله، تقریباً به همین شکل هست، چون هدفم اینه که به هم کلاسی‌ها و هم‌نسل‌های خودم این رو بفهمونم که نسبت به چیزی که در جامعه‌ی ما اتفاق می‌افته، حق انتخاب و انتقاد و پیشنهاد داریم و حتی اگر لازم باشه می‌تونیم راه مبارزه در پیش بگیریم و ایستادگی کنیم درباره چیزی که به جامعه تحمیل شده.

- می‌تونید بهم بگید که این روحیه در شما چه طور به وجود اومد و چه طور تصمیم گرفتید که اعتقادات خودتون رو با بقیه به اشتراک بگذارید؟

من کلاس هشتم یا نهم بودم و چون توی خانواده زیاد درباره سیاست صحبت می‌شد، خوب من بهش علاقمند شدم و می‌رفتم درباره‌ی سیاست‌مداران بزرگ دنیا و زندگی نامه‌شون تحقیق می‌کردم و اطلاعات جمع‌آوری می‌کردم با خوندن این‌ها یک هدفی توی ذهنم ایجاد شد و این روحیه انتقادی هم درونم وجود داشت، ولی تا کلاس یازدهم یا دوازدهم این رو نمی‌تونستم که انعکاشش بدم به بیرون و در موردش حرف بزنم، چون مقداری خجالتی بودم و اعتماد به نفسم هم کم بود. کم‌کم رو آوردم به سمت کتاب‌های روان‌شناسی که چه طور اعتماد به نفس مون رو ببریم بالا و چه طور تو جمع حرف بزنیم و چیزایی مثل این، بالاخره الآن قدرت این رو دارم که توی جمعی درباره‌ی چیزی حرف بزنم و یا توی پیج اینستاگرام و هرجایی که بخوام نظرم رو با بقیه به اشتراک بذارم.

- این انتشار استوری و پست‌هایی به این حالت باعث شده که بتونید افراد هم‌فکر خودتون رو جذب کنید یا دوستایی پیدا کنید که مثل شما فکر می‌کنند؟

بله، بسیار زیاد. دوستای من که هم کلاسی‌های دوران دبیرستانم بودن، با اونا سر پستی که می‌ذارم، بحث می‌کنم یا یکی از دوستانم هست که الآن هم کلاسیمه، با اون هم بسیار زیاد هم توی فضای مجازی و هم هر زمانی که همدیگه رو می‌بینیم، بحث سیاسی و فلسفی و اجتماعی می‌کنیم و دوستانی هم پیدا کردم که نمی‌شناسمشون، ولی خوب میان نظر می‌دن و درباره یک نظر حدود بیست دقیقه یا نیم‌ساعت درباره‌ی همون موضوع که من گذاشتم، چت می‌کنیم.

- پس اینستاگرام برای شما یک ویژگی مثبت داشته و اون هم این که تونستید دوستای هم‌فکر پیدا کنید و عقاید خودتون رو به اشتراک بگذارید درسته؟
بله، کاملاً درسته.

- بالاتر بهم گفتید رهبر محیط زیست رو دنبال می‌کنید، می‌شه بهم بگید دلیل این که ایشون رو دنبال می‌کنید، چیه؟

رهبر محیط زیست رو اولاً به دلیل اعتماد به نفس و فن بیانش نسبت به سن‌هاش و ثانیاً به دلیل این که بیش‌تر سخنرانی‌هاش به زبان انگلیسیه، باعث تقویت زبان می‌شه.

- من گرتانتبرگه رو نمی‌شناسم، می‌شه به توضیح کوچیک بدید درباره‌ی این که دقیقاً فعالیت ایشون چیه؟

سال ۲۰۱۳ بود یا این که ایشون سیزده سال شون بود، دقیق خاطر من نیست که توی اروپا به اعتراضاتی به خاطر گرمایش کره زمین و این که طبیعت و محیط زیست داره از بین می‌ره، شکل گرفت و ایشون هم اون جا چندتا سخنرانی داشتند و فکر می‌کنم از اون به بعد لقب رهبر محیط زیست رو بهش دادن اون زمان یک دانش آموز بود.



- فعالیت‌های مثبت این خانم در راستای حفظ محیط زیست تا به حال روی خود شما تأثیری گذاشته و باعث شده که حرکتی در این جهت انجام بدین چه در حد گذاشتن یک پست و چه در سطح بالاتر؟

بله، من همیشه توی ذهنم هست که اول خودم به طبیعت و محیط زیست احترام بذارم و هر کسی که می‌بینم داره به محیط زیست آسیب می‌زنه، به اون‌ها گوشزد کنم و یا یه جور قانع‌شون کنم که محیط زیست نباید آسیب ببینه و باید بهش احترام بذاریم.

- بهم بگید علاوه بر پیج‌های آموزش زبان پیج‌های راجع به اطلاعات عمومی و موارد آموزشی هم دارید؟

درباره اطلاعات عمومی ندارم، اما یکی، دوتا پیج هست که درباره ژئوپلیتیک هست که یه فیلسوف اروپایی بزرگه، سخنرانی‌هاش رو گوش می‌دم و پست‌هاش رو دنبال می‌کنم.

- می‌شه یه کم درباره محتوای پیج ژئوپلیتیک توضیح بدید؟
در مورد اصل فلسفه است درباره مطالب فلسفی و سیاسی، مثل کاپیتالیسم و سوسیالیسم صحبت می‌کنه.

- پس اینستاگرام بستریه که شما مطالب مورد علاقه خودتون مثل همین فلسفه رو اون جا دنبال می‌کنید، درسته؟
بله، درسته.

- لطفاً بهم بگید چه قدر به منابع خبری که در اینستاگرام هست مطمئنید، مثلاً همین پیجایی که دنبال می‌کنید؟

ما یه درسی داشتیم در دوره دانش‌آموزی به نام تفکر و سواد رسانه‌ای، این درس خیلی چیزها رو درباره رسانه بهمون یاد داده بود و این که چه طور برخورد کنیم باهاش تا منفعل نباشیم و معلم همیشه بهمون می‌گفت، همه چیز رو زود نپذیریم و این‌ها توی ذهن من موند و می‌دونم وقتی خبری رو می‌شنوم یا یه جایی می‌بینم، راحت نپذیرم و اول می‌رم سراغ منبع خبرش. اگر دیدم صحت داره می‌رم سراغ کانال‌ها و منابع دیگه خبری و می‌بینم اون‌ها درباره خبر چه تحلیلی دارن و چی می‌نویسن، بعد میام تحلیل خودم رو می‌نویسم.

- خیلی ممنون. اما بنده متوجه نشدم که چه طور شما منابع رو چک می‌کنید و از درستیش مطمئن می‌شید؟

خوب چون پدر من خیلی توی خونه اخبار رو نگاه می‌کنه و دنبال مسایل سیاسی، من اخبار شبکه‌ها رو نگاه می‌کنم و یا سایت‌های خبری مختلف مثل اینترنشنال، بی‌بی‌سی و یا هر چیز دیگه‌ای رو چک می‌کنم تا ببینم هر کدام درباره خبر چی نوشتن و چه تحلیلی دارن.

- بین پیج‌های اینستاگرام و اخباری که از شبکه‌های مختلف پخش می‌شه، کدوم رو ترجیح می‌دید، منابع خبری داخلی یا خارجی؟

خوب من طرفدار هیچ رسانه‌ای نیستم، چون معتقدم رسانه‌ها بی‌طرف نیستند، اما اخبار ایران رو خیلی نگاه نمی‌کنم، چون معتقدم سانسور زیاد داره.

- بهم گفتید که رسانه‌ها بی‌طرف نیستند، یه کم درباره این جمله توضیح می‌دید؟
به نظرم هر کدوم هدف خاص خودشون رو دارن مثلاً اینترنشنال به دنبال اینه که احساسات مردم ایران رو تحریک کنه، مثلاً خبری که یه روزی اتفاق افتاد رو تا مدت‌های زیاد تکرار می‌کنه یا مثلاً برعکس رسانه‌های ایران سعی می‌کنند یک چیز نمایشی و غیرواقعی از واقعیت‌های جامعه رو نشون بدن، به نظر من هیچ رسانه‌ای بی‌طرف نیست و هر کدوم حداقل طرفدار یک گرایش نظام و یا هر چیز دیگه‌ای هستن.

- لطفاً بهم بگید قبل ازین که اینستاگرام رو نصب کنید هم چنین فهم و دانشی نسبت به رسانه‌ها داشتید؟

من تا کلاس دوازدهم نسبت به رسانه‌ها فهم خاصی نداشتم، اما همون‌طور که گفتم کتابی داشتیم با عنوان سواد رسانه و معلم خوبی هم داشتیم که ایشون خیلی در شکل‌گیری دید من مؤثر بودن.

- تا حالا توی اینستاگرام با محتوایی برخوردید که بخواد دین‌داری رو تبلیغ کنه و یا برعکس؟
پیجای زیادی هستن که دارن تبلیغات می‌کنن و یا دارن بر ضد یک دین خاصی می‌نویسن، نه صرفاً اسلام، هر دینی. پیجای زیادی هم هستن که دارن تفرقه می‌اندازن بین شیعه و سنی و یا پیج‌هایی که از مذهب شیعه دفاع می‌کنن و یا برعکس از مذهب سنی دفاع می‌کنن و بر ضد هم‌دیگه می‌نویسن.

- می‌تونید از این تبلیغاتی که گفتید که بر ضد دین یا برعکس برای تبلیغ دینه، مثالی بزنید. مثالش همین مطالبیه که یه جوری می‌خواد شبهه مطرح کنه درباره آیه‌ی قرآن یا هر چیزی.
- مثالی از این شبهات رودرذهن دارید؟
- متأسفانه الآن یادم نیست.
- خوب در فضای مجازی عکس‌العمل بقیه رو هم نسبت به این مطالب دیدید؟
- خوب عکس‌العمل‌ها خیلی متفاوت، ولی به هر حال چنین افراد و پیج‌هایی در فضای مجازی هستن.
- خوب محتواهایی که توضیح دادید روی خودتون یا دوستانتون تأثیر مثبت یا منفی داشته؟
- نه خوب تأثیر آن‌چنانی روی من نداشته. من اطلاعاتم رو از چند جا به دست میارم.
- از همکاری شما متشکرم.
- خواهش می‌کنم.

تأملی دوباره:

مهدی ۲۱ ساله، در مصاحبه خود درباره اثرهای کاربری از شبکه اجتماعی اینستاگرام، به مباحثی حول محورهای اثرهای آموزشی، اجتماعی، اخلاقی- تربیتی، اقتصادی، خانوادگی، روان‌شناختی، زیباشناختی، زیستی، زیست محیطی، سیاسی، عقیدتی و فرهنگی اشاره داشته است.

مهدی در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل آموزشی کاربران، به مواردی مانند: دنبال کردن مسایل علمی و فرهنگی- اجتماعی مورد علاقه در فضای مجازی، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

مهدی در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در رفتار اجتماعی کاربران، به مواردی مانند: اهمیت گروه همسالان در گرایش به فضای مجازی، تأثیرپذیری قابل توجه افراد از گروه همسالان‌شان، شکل‌گیری هویت نمایشی در کاربران، محوریت یافتن میزان فالور و انجام کارهای پرخطر برای جذب فالور و نظایر آن، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

مهدی در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در رفتار اخلاقی کاربران، به مواردی مانند: جهت دادن اینستا به خودنمایی جوانان در ابعاد مادی، رواج اشتراک‌گذاری مادیات در اینستا، ترغیب دیگران به مسابقه در کسب مادیات، جابه‌جایی ارزش‌های معنوی با ارزش‌های مادی و پر فریب واقع شدن فضای اینستا و نظایر آن، اشاره داشته است.

مهدی ۲۱ ساله در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل اقتصادی کاربران، به امکان کاربری اقتصادی از اینستا اشاره داشته است.

مهدی در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل خانوادگی کاربران، به دور زدن خانواده توسط برخی از نوجوانان و جوانان کاربر اینستا اشاره داشته است.

مهدی در مصاحبه‌اش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل روانی کاربران، به ضرورت توجه به تحولات روانی کاربران در کاربری بهینه از فضای مجازی، اشاره داشته است.

مهدی در مصاحبه‌اش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در علایق زیباشناختی کاربران، از مورد توجه قرار گرفتن استانداردهای غرب در چشم و دل بسیاری از کاربران اینستا یاد کرده است.

مهدی ۲۱ ساله در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل زیستی کاربران، به آسیب‌های زیستی کاربری نامناسب از فناوری‌های ارتباطی پیشرفته، اشاره داشته است.

مصاحبه‌شونده در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل زیست محیطی کاربران، به ترغیب برخی از افراد و صفحات اینستاگرامی مبنی بر ضرورت عطف توجه به مسایل محیط زیست و برخورد فعال با آن جهت حفظ محیط زیست، اشاره داشته است.

مهدی در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در رفتار سیاسی کاربران، از بی‌اعتمادی به رسانه‌های داخلی و ترجیح رسانه‌های خارجی به ایرانی در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

مهدی در مصاحبه‌اش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل عقیدتی کاربران، به مواردی مانند: حضور افراد دنیا طلب در اینستا، سوق یافتن فضای اینستا به فضایی مادی و مشحون از دنیاگرایی، دور شدن آدمی از توجه به ابعاد معنایی در غوغای دنیاگرایی، رواج اشتراک‌گذاری مادیات، ترغیب دیگران به مسابقه در کسب مادیات، تبلیغات منفی و مثبت علیه دین در فضای مجازی و جابه‌جایی ارزش‌های معنوی با ارزش‌های مادی، اشاره داشته است.

مهدی ۲۱ ساله در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در علایق فرهنگی کاربران، به مواردی مانند: تحول‌آفرینی‌های ارزشی، تولید محتوا، برقراری ارتباط با افراد هم‌فکر در بستر فضای مجازی و عرضه ماحصل بحث‌ها و بارش‌های فکری خویش در اینستا، تحقق تولیدهای مبتذل توسط برخی از کاربران در فضای مجازی، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

اگر در زمینه مباحث مطرح شده در مصاحبه مهدی ۲۱ ساله، با ارجاع سایر محورهای مطرح شده به دیگر کتاب‌های مجموعه حاضر، توجه خود را صرفاً معطوف به ابعاد فرهنگی (که مورد بحث اثر حاضر است) کنیم، می‌توان بیان داشت، مهدی در مصاحبه خویش ضمن تأکید عرصه گسترده فضای مجازی که در عمل امکان هر نوع فعالیتی را به کاربران خویش می‌دهد، خاطرنشان ساخته است که وی و برخی از دوستانش پس از برقراری ارتباط با هم در بستر فضای مجازی، ضمن بحث با یکدیگر در مورد مسایل مهم اجتماعی جامعه، ماحصل بحث‌ها و بارش‌های فکری خودشان را جهت استفاده احتمالی دیگران در فضای مجازی قرار می‌دهند.

مصاحبه با الناز، ۲۴ ساله

من بیش‌تر در صفحه خودم کتاب‌های فلسفی و گاهی روان‌شناسی رو معرفی می‌کنم، و البته فقط محدود به کتاب هم نیستم و گاهی کلیپ‌های فلسفی هم می‌گذارم.

- سلام خانم الناز، ممنونم که وقت رو در اختیار من قرار دادی.

سلام، خواهش می‌کنم، باعث افتخار هست.

- الناز خانم من قصد دارم در رابطه با مدت حضور شما در اینستاگرام و تجربه‌هایی که این مدت داشتید با شما گفت‌وگو کنم.

خواهش می‌کنم، در خدمتم.

- شما چند سال هست که در اینستاگرام فعالیت دارید؟

حدوداً ۹ یا ۸ سالی می‌شه.

- تحصیلات شما چی هست؟

من ارشد مهندسی می‌خونم.

- فعالیت اصلی تون چی هست؟

من در پیجم کتاب معرفی می‌کنم.

- چه طور شد که این ایده را پیدا کردید که کتاب معرفی کنید؟

من تقریباً از نوجوانی کتاب‌های زیادی می‌خواندم و به کتاب علاقه دارم، فکر کردم با دیگران هم به اشتراک بگذارم.

- شما چه طور کتاب‌هایی رو معرفی می‌کنید؟

من بیش‌تر در صفحه خودم کتاب‌های فلسفی و گاهی روان‌شناسی رو معرفی می‌کنم، و البته

فقط محدود به کتاب هم نیستم و گاهی کلیپ‌های فلسفی هم می‌گذارم.

- فکر می‌کنید از این موضوع‌ها چه قدر استقبال می‌شه؟

پیج من و پیج‌های مشابه مخاطب خاص خودش رو داره و مسلماً فالورهای من با فالورهای

پیج‌های سرگرمی فرق دارند، اما به نسبت از این پیج‌ها کم‌تر استقبال می‌شه.

- فکر می‌کنید چه دلیلی داره که این استقبال کم‌تر هست؟

سلیقه افراد متفاوته و اکثراً به دنبال سرگرمی هستند تا کتاب‌خوانی.

- غیر از این پیج، پیج دیگری هم دارید؟

بله، دو تا پیج دیگه هم دارم.

- موضوع این پیج‌ها چی هست؟

یکیش که فقط آنلاین شاپ‌ها رو دنبال می‌کنم و پستی نمی‌ذارم، اون یکی هم فعلاً فعالیت خاصی نداره، شاید بعدها فیلم معرفی کنم.

- شما پیج شخصی ندارید که از فعالیت‌های روزانه خودتون پست بگذارید یا عکس‌هاتون رو بگذارید؟

خیر، لزومی نداره از خودم عکس بگذارم، دوستانم هم در همون پیج کتابم هستند.

- دوستان خودتون چه پیج‌های دارند؟

همه مدل هست، اکثراً خصوصی و بسته هست پیج‌شون، دوتا از دوستانم از من الگو گرفتند، پیج معرفی کتاب زدند. یکی شون که کلاس آرایشگری می‌رفت، الان میکروبلیدینگ^۱ و هاشور و کاشت ناخن داره، بالای ۱۰۰ هزار فالور داره، بقیه هم عکس از خودشون و بچه‌هاشون رو می‌گذارند.

- فکر می‌کنید چرا پیج‌شون خصوصی هست؟

چون عکس‌های خودشون رو می‌ذارن، نمی‌خوان همه ببینند.

- سعی نکردید در این مدت ۹ سال تعداد فالورهایتون رو بیشتر کنید؟

جالبه که بگم قبل از این که معرفی کتاب رو شروع کنم، پیج من خصوصی بود، ۷۰۰۰ ریکوئست داشتم، اون موقع پست‌های کمی می‌ذاشتم و فالورهام به ۴۰ نفر هم نمی‌رسید، پیجی رو دنبال می‌کردم که ادمینش دانشجوی دکتری فلسفه بود و کتاب‌های خیلی سنگین و خاصی رو معرفی می‌کرد، منم رفته رفته علاقه‌مند به حیطه فلسفه شدم، دونه دونه کتاب‌هایی که معرفی می‌کرد رو می‌خوندم و زیر پست‌هاش کامنت می‌ذاشتم، برای این‌جور پست‌ها معمولاً کامنت کمی می‌گذارند و من به تدریج در این پیج شناخته شدم، تا این که این آقا هم به من درخواست داد و پیج من رو دید، از کتاب‌هایی که گذاشته بودم تعریف کرد و من رو تشویق کرد که کتاب‌های حرفه‌ای‌تری مطالعه و معرفی کنم، به توصیه یکی از دوستانم پیجم رو عمومی کردم که یک‌باره تمام ۷۰۰۰ ریکوئستی که داشتم به فالور تبدیل شدند، اما خیلی‌هاشون رفتند و موند همین ۳۰۰۰ تا که الان هستند.

- فکر میکنی چرا ۷۰۰۰ ریکوئست داشتی شما که پیج‌تون بسته بود؟

۱- میکروبلیدینگ روشی نیمه دائمی برای طراحی و فرم دهی ابروها است که از طریق قلمی که متشکل از چند سوزن است، خطوط نازک و باریکی مثل به تار موهای طبیعی ابرو را با استفاده از رنگدانه‌ها در نواحی خالی ابرو ایجاد می‌کند. این روش باعث پرتی به نظر رسیدن ابروها می‌شود و زیبایی آن را بیشتر می‌کند.

بله، بسته بود، چون من برای پروفایلم عکس خودم رو گذاشته بودم، این‌هایی که درخواست داده بودند، اومده بودند، عکس‌های من رو ببینند که بعدش دیدند خبری نیست و رفتند، منم که تبلیغی برای بیش‌تر شدن فالورهام نمی‌کنم، همین ۳۰۰۰ نفر فعلاً ثابت موندن.

- این مدت ۹ سال فعالیتت که در اینستاگرام داشتی چه قدر در زندگی شما تأثیر داشته؟
خیلی، من خیلی عوض شدم.

- می‌شه بیش‌تر توضیح بدید؟

فکر می‌کنم مسیر زندگیم عوض شده، دیدم به دنیا عوض شده، نمی‌گم خوب شده یا بد، فقط می‌دونم عوض شده، حتی تصمیم دارم سال دیگه کنکور فلسفه بدم، انگار که من تونستم علاقه‌ی خودم رو پیدا کنم.

- یعنی شما فکر می‌کنید این که به فلسفه علاقه‌مند شدید، به خاطر حضورتون در اینستاگرام هست؟

بله، چون من از همین طریق، پیج‌های دیگه‌ی فلسفی رو پیدا کردم و با دوستانم آشنا شدم.

- این اطلاعات رو نمی‌شد از منبع دیگری غیر از اینستاگرام به دست آورد؟

می‌شه از طریق کتاب و مقاله‌ها به دست بیاریم، ولی در حد متن کوتاه و معرفی، به نظرم همه چیز داره اینستا، کافیه فقط سرچ کنی، بعدش اگر علاقه داشتی می‌تونی بری دنبالش.

- پس اینستاگرام رو فضای مناسبی برای پیدا کردن علاقه‌مندی‌تون می‌دونید؟

برای من خوب بوده، اما برای همه این اتفاق نمی‌افته، بستگی داره شما دنبال چی باشید، دانشگاه هم می‌تونه باعث رشد ما بشه یا می‌تونه باعث بشه که مسیرمون رو گم کنیم و سردرگم بشیم، این بستگی به جست‌وجوی ما داره.

- موافق هستید یک‌سری مقایسه قبل و بعد از حضور فعال شما در اینستاگرام داشته باشیم؟
بله، خواهش می‌کنم.

- در مدت حضورتان در اینستاگرام، نگرش شما به زندگی چه قدر عوض شده؟

خیلی تغییر کرده، ولی این تغییر منحصر به اینستا نیست، حاصل کتاب‌هاست و دوستانی که پیدا کردم، ولی بله، آشنایی با این دوستان همگی در همین فضا بوده.

- تا به حال دوستانی که در اینستاگرام باهاشون آشنا شدید رو حضوری ملاقات کردید؟

بله، همین آقایایی که دانشجوی فلسفه هستند رو چند بار دیدم و با هم در تماسیم و با بقیه هم ملاقات داشتیم و قبل از کرونا در کافه‌ای جمع می‌شدیم و تبادل نظر می‌کردیم و حتی تئاتر شهر می‌رفتیم.

- تبادل نظر در حیطه‌ی کتاب؟

بله، کتابها رو نقد می‌کردیم دور هم جمع می‌شدیم، یکبار اتاق فرار^۱ هم رفتیم، دوتا از دوستانمون همین طور با هم آشنا شدن و قرار هست ازدواج کنند.

- پس فکر می‌کنید این فضا باعث شده روابط اجتماعی بیش‌تری داشته باشید؟

بله، اکثر دوستانی که دارم آشنایی‌شون از همین فضا بوده، هر چند الان کم‌تر هم رو می‌بینیم.

- از لحاظ اعتقادی چه قدر تغییر کردید؟

۱۸۰ درجه عوض شدم.

- چه طور؟

قبلاً چیزی رو که بهم گفته بودند، پذیرفته بودم، ولی الان با آگاهی و تحقیق بیش می‌رم.

- ممکنه بیشتر توضیح بدید؟

بیش‌تر مطالعه کردم، دیدم بازتر شده.

- فکر می‌کنید اگر در این فضا نبودید، این مطالعات را نداشتید؟

مسلماً خیر، چون عرض کردم من به واسطه آشنایی با یک‌سری افراد که در همین فضا بودند،

مسیرم عوض شد.

۱- اتاق فرار یک بازی ماجراجویی فیزیکی است که در آن بازیکنان مجموعه‌ای از پازل‌ها و معماها را با استفاده از سرنخ‌ها، راهنمایی‌ها و استراتژی حل می‌کنند تا به اهداف دست یابند. اتاق فرار در واقع برخلاف همه بازی‌های کامپیوتری که با الهام از دنیای واقعی طراحی شده‌اند از بازی‌های کامپیوتری الهام گرفته شده است. اولین طراحان این بازی متفکران حوزه آموزش کشورهای آسیای شرقی بوده‌اند. آن‌ها بر این باورند که فعالیت بدنی و فکری توام می‌تواند رشد و پویایی افراد برای استفاده از خلاقیت و همیاری را بالا ببرد. پس از مدتی اتاق فرار در امریکا و اروپا نیز همه گیر شد و در حال حاضر در ایران نیز توسط تیم‌های مختلف ارائه می‌شود. اولین مجموعه فرار در سال ۲۰۰۷ در کیوتو ژاپن توسط شرکت SCRAP با یک اتاق برای یک گروه ۶ نفره افتتاح شد. اتاق فرار یک بازی مبتنی بر ماجراجویی در زندگی واقعی است که در آن گروهی از بازیکنان، یک ماجرای طراحی شده توسط صاحبان اتاق فرار را دنبال می‌کنند. اتاق فرار یک مخصصه و بازی ماجراجویی فیزیکی است که در آن بازیکنان با استفاده از سرنخ‌ها، نکات و استراتژی‌ها برای حل مسایل و دستیابی به اهداف خود، یک سری از پازل‌ها و معماها را حل می‌کنند. بازیکنان در محدودیت زمانی مشخص برای یافتن پاسخ معماها و سرنخ‌هایی که داخل اتاق پنهان شده‌اند، باهم تلاش می‌کنند. اتاق‌های فرار از بازی‌های ویدیویی «فرار از اتاق» الهام گرفته شده‌است (ویکی‌پدیا).



- اجازه می‌دید که وارد جزئیات بشیم؟

خواهش می‌کنم.

- شما می‌فرمایید مسیروتون عوض شده، ممکنه بپرسم دقیقاً چه اتفاقی افتاد؟ منظورم به لحاظ اعتقادی هست.

بینید ما خیلی خانواده مذهبی نیستیم، ولی اعتقادات معمولی داریم، در حد نماز و روزه و این مسایل، من هم همین طور بودم، ولی دیدم تناقضی وجود داره و دنبالش رفتم که به جواب سوالاتم برسم، تا حدودی هم به جواب رسیدم، ولی الآن دیگه دغدغه من این نیست.

- کجا دنبال این سوالات تون بودید، اینستاگرام؟

بخشیش بله، ولی مطالعه هم کردم.

- به چه جوابی رسیدید؟

این که اصل و فلسفه وجودی ما چیه و اینی نیست که بهمون گفتند، با اگزیستانسیالیسم آشنا شدم و دلیل علاقه‌ی من به فلسفه از این جا شروع شد.

- پس یعنی به واسطه فعالیت تون و دوستانی که در این فضا پیدا کردید، اعتقادات مذهبی شما به چالش کشیده شد، درسته؟

بله، دقیقاً، البته من الآن هنوز اول راهم و خیلی باید بخونم، ولی می‌دونم در مسیرم و راهم رو به درستی پیدا کردم.

- نظرتون در مورد وجود خدا چه تغییری کرد؟

هنوز با این مسأله مشکل دارم، شاید محیطی که در اون بزرگ شدم، باعث می‌شه یکسری مسایل را نتونم به راحتی بپذیرم.

- پس این شک در شما ایجاد شده؟

بله، تأثیرش هم زیاد بوده، مثلاً من قبلاً نماز می‌خوندم و روزه می‌گرفتم و الآن ۶ ساله که نمی‌خونم.

- چه طور به این نتیجه رسیدید؟

سوالات بی‌جوابم و حس کردم هیچ بینش و درکی پشتش نیست و صرفاً عادت و تقلید شده، برای همین خواستم که خودم برم دنبالش.

- به نظرتون فضای مجازی و اینستاگرام محل مناسبی برای پاسخ دادن به سوالات تون هست؟ نه، خود این فضا خیر، ولی آدم‌هایی هستند که زودتر از من شروع کردند و این جا حضور دارند و از تجربه اون‌ها استفاده می‌کنم، درسته مجازیه، ولی آدم‌هاش همون آدم‌های حقیقی و واقعی‌اند.

- به نظرتون چه قدر می‌شه به افراد این فضا اعتماد کرد؟

به همون اندازه که در دنیای واقعی، اگر بخواییم زیر سوال ببریم، آدم‌های دنیای واقعی هم همین هستن، اصلاً این‌ها همون آدم‌هان که این‌جا هم هستن، من فکر می‌کنم ما خودمون باید بتونیم تشخیص بدیم درست و غلط کجاست، حالا می‌خواد مجازی باشه یا واقعی.

- گروه دوستان تون هم همین طور فکر می‌کنند؟

بله، در اکیپ ما همه هم‌فکریم.

- به نظر شما همه‌ی کاربرهای این فضا به این درک رسیدند که بتونند درست تشخیص بدهند؟ مسلماً نه، مخصوصاً اون‌هایی که کم سن هستن.

- یعنی باید کنترلی برای شون در نظر گرفته بشه؟

کی می‌خواد کنترل کنه؟ مگر با فیلتر کردن بتونند کنترل کنند که اونم جواب نمی‌ده.

- پس با کنترل این چنینی مخالف هستید؟

بله، می‌بینیم که نتیجه نمی‌ده و مردم از یک راه دیگه وارد می‌شن.

- پس باید چی کار کرد؟

باید آموزش داد، وگرنه کنترل کردن نتیجه عکس می‌ده.

- شما اگر بچه‌ای داشته باشید چه طور بهش آموزش می‌دید؟

تا حالا بهش فکر نکردم، ولی بهش توضیح می‌دم.

- اگر به سنی نرسیده باشه که بشه برایش توضیح داد چه طور؟

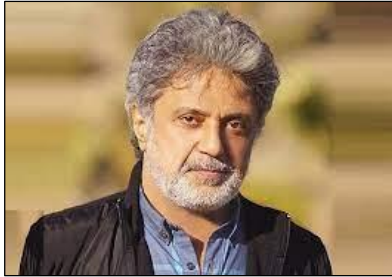
در اون صورت نیازی به استفاده از این امکانات نداره، چون باید به یک حداقلی رسیده باشه.

- شما پیچ‌های افراد معروف رو هم دنبال می‌کنید؟

چند نفری بله، مثل صادق زیباکلام، ابی، داریوش، سیامک قاسمی، پیچ‌هایی که دنبال می‌کنم،

بیش‌تر تخصصی‌اند، در حوزه فلسفه و روان‌شناسی.





- علاقه‌ای به دنبال کردن سلبریتی‌ها و سیاستمدارها ندارید؟
به هیچ وجه، سلبریتی و بازیگر که اصلاً سیاستمدار به چه کار من می‌خوره که بخوام دنبال کنم، حتی اسم‌شون رو هم نمی‌دونم.
- شما اسم سیاستمداران کشورتون رو نمی‌دونید؟
نه، چه لزومی داره بدونم، به چه دردی می‌خوره؟
- حتی برای نقد کردن چه طور؟
نه، حتی برای نقد کردن، فکر می‌کنم به اندازه کافی نقد بهشون هست و برای من اون قدری ارزش ندارند که براشون وقت بذارم، می‌بینید دیگه، فیلتر و سرعت کم اینترنت برای ماست، ولی خودشون تو بیتر دارند، ترجیح می‌دم سرم به کار خودم گرم باشه.
- چه قدر در این دیدی که دارید، اطلاعات اینستاگرام را دخیل می‌دونید؟
قبل از اینستا هم همین بود، شاید سن من کم‌تر بود، توجه نمی‌کردم.
- این نظر اعضای گروه‌تون هم هست؟
نه، بعضی‌هاشون نقد جدی دارند، ولی من خودم رو وارد این مسایل نمی‌کنم.
- از اینستاگرام تا حالا درآمدی هم کسب کردید؟
خیر، چون من تبلیغ نمی‌گیرم، ولی خیلی خوب می‌شه درآمد داشت، من حوصله‌اش رو ندارم، البته یک مدت وقتی می‌پرسیدن این کتاب‌ها برای فروش هست، وسوسه شدم که این کار رو انجام بدم، ولی بعدش خیلی خوشم نیومد، فکر می‌کنم همین که بتونم کتاب‌های مفیدی معرفی کنم، کارم رو انجام دادم.

- اگر بخوایید به عنوان سرگرمی بهش نگاه کنید، بیش تر چه پیج‌هایی رو می‌پسندید؟
معرفی فیلم‌های روز، یک پیج آشپزی در طبیعت هم دارم که از جم پخش می‌شد که دنبال می‌کنم.
- آیا این مدت ۹ سال که در اینستاگرام هستید، در نوع فعالیت‌ها و سرگرمی‌هاتون هم تغییری ایجاد شده؟
سرگرمی‌های من بیش تر کتاب و فیلم هست که اکثراً در اینستا معرفی می‌شن و من می‌بینم، از این نظر بله.
- چند ساعت در روز صرف گذراندن در اینستاگرام می‌شه؟
چون من کار تولید محتوا رو دارم و ساعت‌ها برای تهیه یک محتوا وقت صرف می‌کنم، این که بفهمم کتاب بعدی چی باشه که بخوام معرفی کنم، این که خلاصه کتاب چی باشه که فالورهام رو جذب کنه.
- همین ساعت‌ها صرف وقت، باعث ایجاد خللی در بقیه کارهاتون نمی‌شه؟
چرا، بعضی وقت‌ها کارهای دانشگاه هم بوده و من مجبور بودم پست بذارم و این من رو تحت فشار گذاشت.
- ممکنه بیش تر توضیح بدید؟
مثلاً دوران امتحان یا وقتی که می‌خواستم پروژه‌ای تحویل بدم، وقت نداشتم که کتابی خارج از دانشگاه بخونم که بخوام معرفی کنم، از طرفی اگر پیج فعال نباشه، ریزش پیدا می‌کنه.
- این تحت فشار بودن چه تأثیری روی شما گذاشت؟
استرسم بیش تر شد که نکنه این مدت فالورهام رفت بدن که همین طور هم شد، البته الان دیگه برام مهم نیست، چون کسی که بخواد بمونه، به این چیزها نیست، ولی در کل نباشی، فراموش می‌شی.
- گذراندن ساعت‌ها وقت در این فضا، به لحاظ جسمی آسیبی به شما نزنه؟
چه آسیبی؟
- مثلاً سر درد یا بدن درد، مثل این‌ها؟
بیش تر این آسیب‌ها رو کارهای دانشگاه زده تا اینستا، ولی چند ساعت با موبایل که کار می‌کنم، سعی می‌کنم بعدش به چشم‌هام استراحت بدم، اگر یادم بمونه.
- چشم‌هاتون درد می‌گیره؟
درد که نه، ولی خسته می‌شه.
- خانواده‌تون چه قدر از این فضا استفاده می‌کنند؟
پدرم که خیلی زیاد، مادرم کم‌تر.

- پدرتون چرا زیاد استفاده می‌کنند، کسب و کار مرتبط دارند؟
نه، به عنوان سرگرمی، شاید باورتون نشه، صبح‌ها من خوابم، میاد توی اتاقم وای فای روشن می‌کنه، ساعت ۶ صبح، یک دقیقه اگر اینترنت قطع بشه پدرم رو درمیاره.
- چرا، چه طور مگه؟
مدام می‌گه وصل کن، چی شد، چرا این جوری شد و فلان.
- پدرتون چند سال شون هست؟
۶۶ سال.
- چه پیج‌هایی رو پدرتون دنبال می‌کنند؟
نمی‌دونم، من که اطلاع ندارم، ولی بیش‌تر صدای آهنگش رو می‌شنوم که با صدای بلند گوش می‌کنه و همین باعث خیلی از دعواها و مشاجرات ما می‌شه.
- مثلاً صداش رو کم کنند؟
بله، یا وقتی من سر کلاسم، وقتی یکی دیگه از اینترنت استفاده می‌کنه، مدام من قطع می‌شم، همیشه سر این موضوع مسأله داریم.
- پدرتون فقط اینستاگرام دارند یا از فضاهای دیگه هم استفاده می‌کنند؟
نه، فقط اینستا، البته خیلی اصرار می‌کنه که تلگرام هم براش نصب کنم، ولی به دردسر بعدش نمی‌ارزه، همین اینستا هم اشتباه بود نصب کردنش.
- چه دردمی؟
آخه تلگرام فیلترشکن می‌خواد و به راحتی نمی‌شه وصل شد، واقعاً نمی‌کشم بخوام پاسخ اینم بدم چرا قطع شده.
- یعنی فکر می‌کنید نباید پدرتون اینستاگرام می‌داشت؟
نه این که نباید، ولی کسی که بلد نیست چه طور کار کنه باهاش و براش ضروری نیست، چرا باشه؟
- شاید ایشون هم از این فضا اطلاعات کسب می‌کنند؟
نه، چه اطلاعاتی؟ بیش‌تر همون آهنگ و فیلمه، من مخالف نیستم، ولی می‌گم برای دیگران زحمتی نداشته باشه و این که یک چیز رو بخوام مدام توضیح بدم، برام سخته.
- مادرتون چه طور؟
نه، مادرم خیلی اهل اینستا و مجازی نیست، بیش‌تر توی گروه خانوادگی واتساپ هست.
- برادرتون چه طور؟
اون که اصلاً اینستا نداره.
- چه طور؟

خوشش نییاد و وقت نداره، همه‌اش سر کار هست.

- گفتید یک پیج دیگه دارید که آنلاین شاپ‌ها رو فالو می‌کنید، چرا این‌ها رو با پیج اولتون فالو نمی‌کنید؟

نه، پیج اصلیم برای کتابه فقط، بعد من نمی‌خوام اون جورى شناخته بشم، چون مشخص می‌شه.

- اشکالش چی هست؟

بهتره بقیه علاقه‌هام در یک پیج جدا دنبال بشه.

- چرا بهتر هست؟

دوست ندارم فالورهام اطلاعات زیادى از من داشته باشند.

- دلیل خاصی داره؟

زندگی خصوصیم هست، دلیلی نداره همه بدونن.

- این پیج دوم با یک نام دیگه هست؟

در واقع نام و عکس نداره، چندتا شماره و حرفه.

- تا حالا با کسی مواجه شدید که در این فضا آسیبی دیده یا مورد سوءاستفاده قرار گرفته باشه؟

بله، من خودم یک‌بار از یک پیج تقلبی مانتو خریدم و کلاه‌برداری بود، البته یه دفعه هم مانتو

برنده شدم.

- چی باعث شد که بعد از این تجربه، باز هم به این پیج‌ها اعتماد کنید؟

الآن پیج فروشگاه‌هایی رو دنبال می‌کنم که از شون خرید کردم یا دوستانم خرید کردن و راضی

بودن.

- در ماه خریدتون از این پیج‌ها چه قدر هست؟

معمولاً شاید حدود ۷۰۰ تومان، بعضی وقت‌ها کم‌تر.

- ماهیانه؟

بله.

- به نظرتون اگر لازم بود برای خرید، حضوری می‌رفتید، این میزان خرید ماهیانه را داشتید یا

تفاوتی نمی‌کرد؟

خب این‌که به هر حال ویتترین این فروشگاه‌ها مدام جلوی چشمم هست، باعث شده خریدم

بیش‌تر بشه، مثلاً من پالتویی که پارسال خریدم رو هنوز یک بار هم نپوشیدم، ولی از خریدش

پشیمون نیستم، چون الآن قیمتش دو برابر شده، ولی برای کنترل خریدهام، سعی می‌کنم کم‌تر به

پیج دومم سر بزنم یا چیزی رو بخرم که واقعاً نیاز دارم.

- به نظرتون این پیج‌ها در شکل دادن نوع ذائقه و سلیقه شما تأثیری هم داشته؟

می‌تونه تأثیر بذاره، من زیاد اهل مد نیستم، ولی این که بدونی الان چه مدل‌هایی مطرح هست یا چه رنگی یا چی‌ها دیگه استفاده نمی‌شه، بعضی از پیج‌ها اطلاعات خوبی می‌دن، بستگی داره دنبال چی باشی.

- پس شما با این که مدگرا نیستید، ولی این پیج‌ها رو دنبال می‌کنید؟
بله، در حد سرگرمی، ولی تقلید نمی‌کنم.

- تا حالا شده از هشتک خاصی حمایت کنید یا در این پویش‌هایی که راه می‌افته شرکت کنید؟
فقط کارزار بوده که چند دفعه حمایت کردم.

- حمایت تون در چه رابطه‌هایی بوده؟

یکیش لغو کنکور بود، یکیش هم طرح صیانت از فضای مجازی بود، با این آخریه برای ممنوعیت حیوانات.

- خیلی ممنونم خانم المیرا بابت وقتی که در اختیار من گذاشتید. اگر اجازه بدید، ادامه بحث برای بعد باشه.

خواهش می‌کنم، ممنون از شما.

مصاحبه دوم:

- سلام، خیلی ممنونم که دعوت من رو برای ادامه مصاحبه پذیرفتید.
سلام خواهش می‌کنم، در خدمتم.

- الانا خانم ما روز اول مصاحبه یک‌سری صحبت‌هایی را با هم داشتیم و در رابطه با نحوه‌ی ورود شما به اینستاگرام صحبت کردیم، اما فرصت کافی نداشتیم که بخواهیم به مسایل عمیق‌تری بپردازیم، می‌خواهم بحث اصلی این جلسه در رابطه با این باشه که شما فرمودید که حدوداً ۹ سال هست که وارد این فضا شدید و حالا به عنوان کاربر اینستاگرام فعالیت می‌کنید، اما در طی این ۹ سال و چند سال اخیر، به صورت حرفه‌ای‌تر دارید به بحث معرفی کتاب می‌پردازید، می‌خواستم بدونم که قبل از این که بخواهید به صورت حرفه‌ای به این کار بپردازید، چه فعالیتی در اینستاگرام داشتید؟

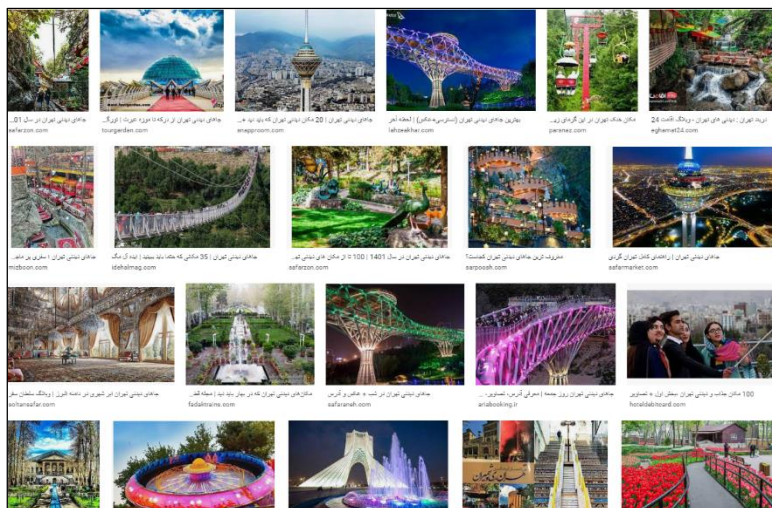
اوایل ورودم به اینستاگرام در واقع بدون هدف خاصی بود، یعنی این که پیج خاصی رو دنبال نمی‌کردم به اون صورت، همین پیج‌هایی که به عنوان سرگرمی بوده‌اند یا مشابه کار خودم که الان دارم انجام می‌دم، پیج‌هایی بودند که کتاب و فیلم را معرفی می‌کردن یا پیج‌های آشپزی و طبیعت و حیوانات و این جور چیزها.

- مسلماً زمان ابتدایی که وارد این اینستاگرام شدید با الان خیلی باید متفاوت باشه، هم دیدتون نسبت به مسایل و هم اطلاعاتی که دریافت کردید توی این مدت، می‌خواستم بدونم که حالا به

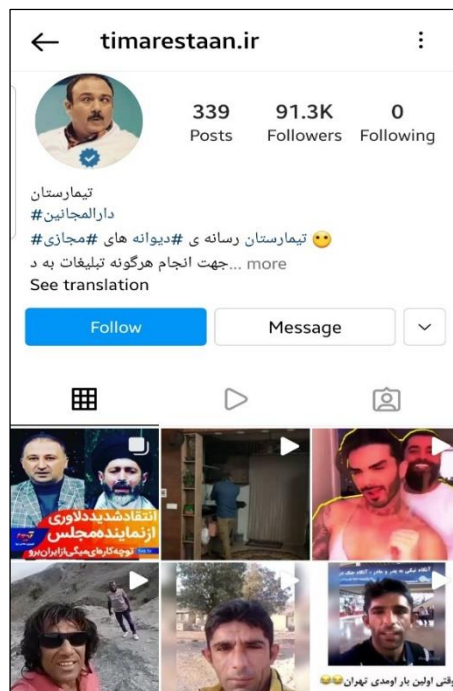
نسبت به زمان ابتدایی ورودتون به فضای مجازی و اینستاگرام، امروز در رابطه با حوزه‌هایی که مورد علاقه‌تون بوده، چه تغییراتی کردید؟

خوب در رابطه با حوزه‌هایی که مورد علاقه‌ام بوده، مخصوصاً در رابطه با کتاب، چون من از ابتدا کتاب خیلی مورد علاقه‌ام بود و پیج‌هایی را دنبال کردم که بتونم در واقع اطلاعاتی را دریافت کنم و کتاب‌های مفید و به روز که ارایه می‌شد و معرفی می‌شد، آشنایی با نویسندگان، چون من قبلاً کتاب‌ها رو فقط می‌خوندم و کاری به زندگی نویسنده‌ها نداشتم، ولی خب توی این مدت، به هر حال با پیج‌هایی آشنا شدم که حتی علاوه بر این که خود کتاب را معرفی می‌کردند، یک معرفی هم در رابطه با خود نویسنده‌ها داشتند و از این نظر فکر می‌کنم که اطلاعات خیلی خوبی تونستم بگیرم. - در حوزه‌هایی غیر از موضوع کتاب چه طور، می‌خواهم بدونم که بیش تر چه جور سرگرمی‌هایی از ابتدا مد نظرتون بوده و چه تغییری در نحوه نگرش شما به این سرگرمی‌ها از ابتدا تا الان پدید اومده؟

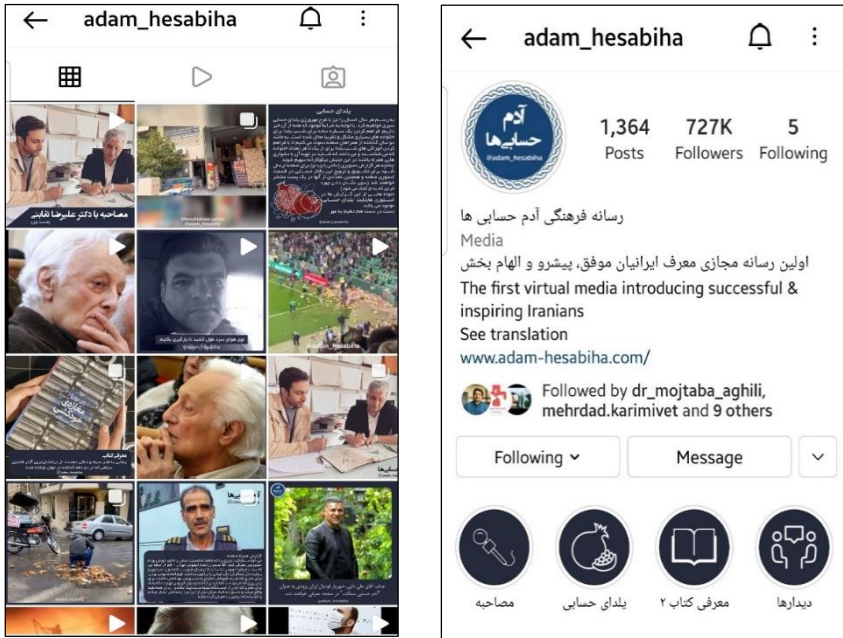
سرگرمی‌هایی که دنبال می‌کردم، بیش تر همین چالش‌هایی بوده که می‌گذاشتند، دابسمش‌هایی بوده که می‌ساختند، اون اوایل بیش تر دنبال این جور مسایل بودم، حالا سوای این که دنبال اطلاعاتی بودم در رابطه با کتاب‌ها معرفی کتاب خوب، همیشه که نمی‌شه فقط دنبال این مسأله بود، به هر حال من دنبال سرگرمی‌های دیگه‌ای هم بودم، غیر از این یا در رابطه با مناطق دیدنی، این‌ها را من می‌رفتم سرچ می‌کردم، مثلاً جاهای دیدنی تهران را خیلی هاش رو من نمی‌شناختم و از طریق همین پیج‌ها تونستم بفهمم که همچین جایی وجود داره و تونستم چندتاش هم حتی برم و بازدید کنم، از این نظر فکر می‌کنم خیلی خوب بوده.



اما این که می‌گید که چه تغییری در من ایجاد شده، اون اوایل شاید یک‌سری از پیج‌ها رو دنبال می‌کردم که الان دیگه خیلی مورد علاقه من نیست، مثلاً اون زمان یادمه که یک پیجی بود به اسم تیمارستان، اگر اشتباه نکنم، اسمش تیمارستان بود، بعد کلاً می‌اومد همه‌ی این آدم‌هایی که الکی معروف شده بودند توی فضای مجازی را کلیپ‌هاشون رو می‌ذاشت و خوب یک دید انتقادی داشت، هر چند که طنز هم بود، ولی رفته رفته دیدم که این پیج هم در واقع چکیده‌ای از این افرادی که هیچ هنر خاصی هم ندارند و صرفاً می‌خواند خودشون رو معرفی بکنند، انگار که به اصطلاح خودشان این شاخای مجازی رو داره معروف‌تر می‌کنه، بعد دیگه دیدم که دلیلی ندارد که من حتی بخوام این رو برای لحظه‌ای حتی فان یا شاید جالب باشه، بخوام یه همچین پیجی رو دنبال کنم و الان سال‌هاست که دیگه این پیج را دنبال نمی‌کنم.



الآن مثلاً مدتی هست که با پیج آدم حسابی‌ها آشنا شدم و خیلی فکر خوبیه و اصلاً فکر می‌کنم که اگه آدمای بیان به جای دنبال کردن یه همچین پیج‌های فیک و به درد نخوری که خیلی هم به درد زندگی نمی‌خوره، یه همچین پیج خوبی رو معرفی و دنبال کنند توی جامعه، هم خیلی می‌تونه تأثیر بذاره و الگوی خیلی‌ها بشه.



- محتوای پیج آدم حسابی‌ها چی هست؟

پیج آدم حسابی‌ها در واقع یک پیج هست که میاد یک سری آدم‌هایی را که خیلی گمنام هستند و ما نمی‌شناسیم شون رو معرفی می‌کنه و در واقع انگار مقابل همون پیج‌هایی هست که فیک هستن و یعنی واقعاً شاخ‌های مجازی، مقابل اونا هست و افرادی که حالا توی زمینه‌های دیگه‌ای، مثلاً علمی، زمینه‌های اجتماعی، آدم‌هایی هستند که یک کاری را واقعاً انجام داده‌اند و یا حرکتی را انجام داده‌اند که آدمای دیگه می‌تونند، از شون الگو بگیرند و حتماً هم لازم نیست از آدمای علمی باشند، حتی پاکبان باشه که یک کاری را کرده که الان سزاوار این هست که دیده بشه و اصلاً معرفی بشه به افراد، نه فقط به خاطر این که اون فرد شناخته بشه، هر چند که یکی از اهداف این پیج هست، ولی بیش‌تر فکر می‌کنم که فرهنگ‌سازی می‌کنند و هر کدام از این آدم حسابی‌ها، افرادی را که معرفی می‌کنند، براشون یک نهال می‌کارند، حالا نمی‌دونم کجا این کار انجام می‌شه، ولی خیلی کار قشنگیه، یعنی به تعداد هر کدام از این افرادی که معرفی شده، نهال هم براشون کاشته شده به اسم خودشون، ببینید چه کار قشنگیه، من واقعاً از این پیج خیلی خوشم میاد، دنبالش می‌کنم.

- شما می‌فرمایید که ابتدای این که وارد این فضا شدید با پیج‌هایی مثل تیمارستان شروع کردید که حالا به قول خودتون، شاخ‌های مجازی را معرفی می‌کرد، ولی الان در واقع پیج‌هایی را دارید دنبال می‌کنید که یک سری اهدافی داره در جهت آموزش و یک سری اهداف فرهنگی اجتماعی داره، می‌خواهم بدونم چه تغییری در نگرش شما ایجاد شد و چه اتفاقی افتاد که رفته رفته از اون پیج‌ها به سمت این پیج آمدید؟

من فکر می‌کنم که کتاب‌ها بی‌تأثیر نبودند، چون به هر حال آدم زمانی که کتاب می‌خونه، سلیقه‌اش به یک سمت خاص می‌ره و اصلاً احساس کردم که اون پیچ تیمارستان یا پیچ‌های دیگه که مثل اون بودند و یه سری آدم‌هایی رو که هیچ هنر و حرفی برای گفتن نداشتن را معرفی می‌کرد، این در واقع نمی‌تونست من رو راضی کنه و اون چیزی نبود که من بخوام دنبالش کنم، شاید هم اون زمان که این را دنبال می‌کردم، صرفاً به خاطر جنبه شوخی و خنده و بامزه بودنش بود، ولی بعد از یه مدت خیلی برام حال بهم زن و چندش‌آور شده بود این پیچ‌ها.

چون به هر حال این خیلی مهمه که شما خودتون در جست‌وجوی چی باشید و من در جست‌وجوی مسایلی هستم که بتونه هم به خودم کمک بکنه و من را ارتقا بده و هم این که من هم بتونم چیزی یاد بگیرم و به دیگران یاد بدم و الان فکر می‌کنم که یک‌سری پیچ‌های آموزشی و خوب دارند و توی این مسأله کار می‌کند و خودمم سعی کردم که جز این افراد باشم.

- پس فکر می‌کنید که در مسیر این تحول نوع علاقه‌مندی شما، شما در واقع کتاب‌هایی را مطالعه کردید که این کتاب‌ها را هم در همین فضا با اون‌ها آشنا شدید؟
بله، دقیقاً همین طوره.

- خوب الناز خانم در رابطه با مسایل سیاسی، ما می‌دونیم که این فضای مجازی به هر حال فضایی هست که این پتانسیل رو داره که یک‌سری نقد سیاسی داشته باشه یا مسایل روز کشور و کشورهای دیگه در اون عنوان بشه، اما شما گفتید که هیچ علاقه‌ای به دنبال کردن این مسایل ندارید، می‌خواهم بدونم که از ابتدا همین طور بود یا اتفاقاتی افتاده که نوع علاقه‌مندی شما تغییر کرده؟

من از همان ابتدایی که وارد این فضا شدم، یک‌سری پیچ‌های سیاسی را دنبال می‌کردم، سیاسی که نمی‌شه گفت به اون صورت، ولی خب مثلاً بی‌بی‌سی اینا رو دنبال می‌کردم و بعد از اون یادمه که مسیح علی‌نژاد و پیچ‌های دیگه که در همین رابطه بودن را دنبال می‌کردم.

اتفاق خاصی فکر نمی‌کنم افتاده باشه، ولی خب علاقه‌ای ندارم به این موضوعات، یعنی اصلاً دوست ندارم در این رابطه نه چیزی بدونم، نه چیزی بخوام نقد کنم، یعنی فکر می‌کنم که نقد کردنش هم هیچ تأثیری نداره و من ترجیح می‌دهم که به فعالیت‌هایی که واقعاً علاقه دارم بپردازم و وقتم را بیش‌تر برای این جور مسایل بگذارم.

- علت این که فکر می‌کنید که نقد کردن و دنبال کردن پیچ‌های سیاسی که حالا پیچ‌هایی باشند که هم بخوانند یک سری مسوولان کشوری را نقد بکنند یا پیچ‌هایی باشند که بخوانند این اخبار را منتشر کنند، شما علاقه‌ای ندارید این را دنبال کنید، فکر می‌کنید که چه چیزهایی تأثیر داشته و این که آیا افرادی رو می‌شناسید که اون‌ها هم همین طرز فکر را دارند و اون‌ها هم هیچ علاقه‌ای به مسایل سیاسی ندارند؟

کسانی که علاقه دارند، دنبال می‌کنند یا کامنت‌های سیاسی می‌گذارند، بله، خوب می‌شناسم کسانی هستند که مثل خودم فکر می‌کنند و اتفاقاً دوستانی دارم که نقد اساسی دارند به این جور مسایل، ولی خودم احساس می‌کنم به نوعی هم‌سن و سال‌های خودم، حداقل کسانی که دل‌شون نمی‌خواد که ورود کنند به همچنین مسایلی، علتش این هست که انگار سرخورده شدند و احساس می‌کنند، خب الآن که چی مثلاً بخواهند اظهار نظر کنند یا این که دنبال کنند. قرار نیست اتفاق خاصی بیفته یا تغییری ایجاد بشه، پس چرا باید انرژی رو بذارم روی این مسأله؟ این انرژی را می‌گذارم روی مسایل دیگه‌ای که در اون حرفی برای گفتن داشته باشم، اما دوستان هستند که ساعت‌ها حتی می‌شینند نقد می‌کنند، ولی من اصلاً دلم نمی‌خواد که وارد این جور مسایل بشم، حالا هم به خاطر شاید بعد امنیتی هست که دوست ندارم هیچ حاشیه‌ای برام به وجود بیاد و یا این که می‌تونه بی‌انگیزه بودن من توی این مسایل هم باشه، چون احساس می‌کنم که قرار نیست اتفاق خاصی بیفته، پس الکی چرا وقتم رو بذارم برای این موضوعات.

- پس شما می‌فرمایید که در ابتدا هم هیچ گرایشی به این مسایل نداشتید یا گرایش خیلی کمی داشتید و الآن در واقع دیگه هیچ گرایشی ندارید، درسته؟

اوایل که پیج بی‌بی‌سی را دنبال می‌کردم یا پیج‌های خبری دیگری را دنبال می‌کردم، حتی یه مدت پیش رئیس‌جمهور را هم دنبال می‌کردم، ولی شاید در حد مثلاً چند ماه، فقط به این دلیل که می‌خواستم ببینم چه خبره و همین که کسی در این رابطه صحبت می‌کنه، از چی می‌گه و بتونم تشخیص بدم که کی درست می‌گه، کی غلط می‌گه و حتی وقتی که بحثی می‌شه، منم بتونم در اون مشارکت بکنم و اطلاعاتی داشته باشم که مشارکت بکنم، اما بعداً احساس کردم که نه، اصلاً این وقت تلف کردنه و اصلاً دیگه تمایلی ندارم که حتی توی بحث هم شرکت بکنم و به خاطره اینه که زمانی که با دوستانمون مثلاً کافه می‌ریم و یه موقعی این بحث پیش میاد، من اصلاً ترجیح می‌دهم که هیچ اظهار نظری نکنم یا خودم رو مشغول کنم و یک کار دیگه یا فقط گوش بدم، ببینم که این‌ها چی می‌گن، ولی اصلاً برام اهمیت نداره، چون می‌گم که احساس می‌کنم که یک کار بیهوده هست یا چرا باید وقت گذاشته بشه.

- فکر می‌کنید چه قدر به این اطلاعات فضای مجازی می‌شه اعتماد کرد؟

به هر حال الآن دوره‌ای هست که اطلاعات از همین طریق منتقل می‌شه، ولی باید دید از چه منبعی با چه هدفی منتشر می‌شه.

- قبلاً گفتید، ابتدای این کار که می‌خواستید معرفی کتاب‌ها را شروع کنید، به این فکر کردید که خودتون هم درآمدزایی داشته باشید و کتاب‌هایی را بفروشید و از طریق این پیج درآمدی برای خودتون کسب بکنید، اما بعد از اون گفتید که منصرف شدید، می‌خواستم بپرسم دلیل این که تصمیم‌تون عوض شد، چی بوده؟

من از همون اول هم قصد نداشتم که درآمدزایی بکنم برای خودم، چون قصدم این بود که فقط یک‌سری کتاب‌هایی که خودم می‌خونم را معرفی بکنم و حالا آن‌هایی که علاقه دارند، اگه می‌خواهند تهیه کنند و بخوندند یا حتی اگر نمی‌خواهند تهیه کنند، سعی می‌کردم که چکیده‌ای را از این کتاب‌ها داشته باشم که اگر نمی‌خوان خود کتاب را هم بخونن، بدونند که موضوع این کتاب چیه، اما با چند مورد روبه‌رو شدم که از من می‌پرسیدند توی دایرکت که این کتابی که معرفی کردی رو می‌فروشی؟ یا این کتاب‌هایی که معرفی کردی، ارسال هم دارید؟ اما من اوایل می‌گفتم نه هیچ فروشی نداریم و فقط صرفاً معرفی هست، اما بعدش یک کتاب‌فروشی بود به اسم کتاب سلام که چندتا شعبه هم الان داره، اینا اومدن به من پیشنهاد دادند که به صورت درصدی می‌تونیم مثلاً ما با هم کار بکنیم و یک‌سری کتاب‌هایی را حتی می‌فرستادند که من این‌ها رو بخونم و خلاصه بکنم و توضیح بدم و اون کتاب رو که می‌خوام توضیح بدم، همین کتابی باشه که این‌ها برای من می‌فرستند و بعد بگم که اگر که می‌خواهید این کتاب را بخرید، مثلاً این پیج داره، به نوعی هم تبلیغ بود و هم معرفی اون کتاب بود، اما بعدش دیدم که کتاب‌هایی را که برای من می‌فرستند، اصلاً باب موضوع مورد علاقه من نیست و خیلی تفاوت داره، چون من علاقه‌مند بودم که کتاب‌های فلسفی را بخونم و دیگه نهایتاً کتاب‌های روان‌شناسی رو بخوام معرفی بکنم یا بخوام یک فیلم را معرفی کنم، اما مثلاً کتاب‌هایی را برای من می‌فرستادند که رمان‌های عاشقانه بود، من هیچ علاقه‌ای به این کتاب‌ها نداشتم یا یک‌سری کتاب‌هایی که نویسنده‌های معروفی هم نداشت، نمی‌گم الزاماً باید نویسنده معروف باشه، منظورم این نیست، ولی خیلی شیوه نوشتارشان خوب نبود، خب من خودم از این کتاب خوشم نمی‌اومده، کشش نداشت برای من که بخوام اون رو بخونم و تموم بکنم، چه برسه به این که بخوام حالا معرفی بکنم و این که بگم این کتاب خوبه برید بخرید و به یک جایی رسید که من در واقع با این‌ها دچار اختلاف شدم و گفتم که بعضی از این کتاب‌ها را نمی‌تونم معرفی کنم، چون وقتی خودم ازش خوشم نیومده، چه طور پیام معرفی کنم که برید بخرید، بعد این فالورهایی که من توی این سال‌ها دارم، این همه مدت با من بودن اینا، اصلاً به من اعتماد دارن، من وقتی یک چیزی رو معرفی می‌کنم که نباید بهشون دروغ بگم، من هم جنبه‌های درستش رو می‌گم، هم چیزی که به نظرم جالب نیومد رو می‌گم، ولی خب اگه قرار بود که من تبلیغ کنم و معرفی کنم که این فروش بره، دیگه نمی‌تونستم جنبه منفیش رو بگم و از من انتظار می‌رفت که تبلیغ کنم که حتماً بیان این کتاب را بخرند و این در واقع فکر می‌کنم که اخلاقی نبود و این باعث شد که مدت کوتاهی که من به‌صورت درصدی هم کار می‌کردم، دیگه تصمیم بگیرم که اصلاً کار نکنم بهتره.

- در رابطه با تبلیغات چه طور، حتی تبلیغ هم برای پیج‌تون ندارید؟

در رابطه با تبلیغات هم از اول قرار من این نبوده که بخوام از طریق کتابها درآمدزایی کنم. من دوست دارم که فرهنگسازی کنم، حالا هیچ چشم داشتی هم ندارم، به خاطر همین تبلیغ هم خیلی دلم نمی‌خواد، فقط یک‌بار یادمه تبلیغ یک پیج رو انجام دادم که بعدشم پشیمون شدم، چون اصلاً اون پیج هیچ سنخیتی با کتاب نداشت و خوب من اصولش رو هم نمی‌دونستم، الان می‌دونم، پیج‌هایی که تبلیغ می‌گیرند، در واقع میان موضوع پیج خودشون را تبلیغ می‌کنند، ولی اون زمان نمی‌دونستم که باید این طور باشه و یه خواننده بود، یادمه که خیلی هم شناخته شده نبود و حداقل خودم نمی‌شناختمش و پیشنهاد داد که پیج من رو تبلیغ کنه و من هم پیجش رو تبلیغ کنم و اون کاری که کردم، اتفاقاً خیلی از فالورهام ریزش کرد و به اونم اضافه نشد، چون مخاطبها متفاوت هستند و به خاطر همین دیگه اصلاً هیچ علاقه‌ای حتی به تبلیغ کردن هم ندارم حالا، چون می‌بینم پست‌هایی را که فالورها خوب می‌دونن رو برای هم‌دیگه ارسال می‌کند و وقتی که ارسال می‌کنند، اون طرف میاد پیج من رو دنبال می‌کنه و اگر که دوست داشته باشه می‌مونه، دوست نداشته باشه می‌ره و من هیچ اصراری برای ماندن افراد ندارم، هیچ اصراری هم برای زیاد شدن فالورهام ندارم و هیچ درآمدی هم نمی‌خوام کسب کنم.

- الناز خانوم شما در مصاحبه اول از پیج‌های دیگه‌تون گفتید که فقط آنلاین شاپ‌ها را دنبال می‌کنید، می‌خواستم در این رابطه بیش‌تر توضیح بدید، گفتید که این پیج شما بدون نام و مشخصاتی از خودتون هست، درسته؟

بله و باهاش فقط پیج‌های فروشگاه و آنلاین شاپ‌ها رو دنبال می‌کنم.

- علت این که اسم خودتون رو نمی‌خواهید عنوان کنید چی هست، اگه این پیج متعلق به شما هست، چرا نباید اسمی از شما آورده بشه؟

آخه ضرورتی نداره که من بخوام خودم را معرفی بکنم و من فقط این پیج را زدم که باهاش بتونم پیج‌های دیگه‌ای که مورد علاقه‌ام هست، در زمینه خرید، دنبال کنم. چون الان بیش‌تر خریدهای من به صورت آنلاینه، فقط از این پیج‌ها استفاده می‌کنم و آن‌ها رو دنبال می‌کنم، هیچ ضرورتی در این نمی‌بینم که بخوام اسم خودم رو بگذارم.

- به نظرتون این که شما نخواهید اسمی را برای خودتون مشخص کنید، باعث نمی‌شه که یک هویت جعلی و یا هویت دوگانه‌ای را در فضای مجازی داشته باشید؟

نه، آخه برای چی باید هویت دوگانه داشته باشم؟ چون این که پیج هیچ هویتی نداره و فقط چندتا حرف و اسم هست و صرفاً هم دارم فروشگاه‌ها رو دنبال می‌کنم و هیچ نیازی نمی‌بینم که بخوام خودم رو معرفی بکنم و به نظرم هویت دوگانه زمانی هست که من توی یک پیج اسم کامل و مشخصات خودم رو کامل بیارم، ولی جای دیگه با یک اسم جعلی پیام و خب چیزی که خیلی‌ها این کار را انجام می‌دهند و پیج‌های فیک می‌سازند، اما قرار نیست من با این پیج کاری بکنم یا محتوایی

منتشر بکنم، حتی یه‌دونه پست هم نداره و تمام فعالیت‌های من توی این پیج، فقط مربوط به خرید مانتو و لباس و کفش این جور چیزهاست و من حتی کامنتی هم نمی‌گذارم که بخوام از این که نامم مشخص نیست سوءاستفاده بکنم یا کامنتی بگذارم، خلاف اون چیزی که در نظر دارم یا پیج‌هایی رو برم که شاید خیلی از فالورهام از من انتظار نداشته باشند که الان که دارم این کار فرهنگی رو می‌کنم و کتاب دارم معرفی می‌کنم، مثلاً سر از یه پیج‌های دیگه‌ای دربیارم که خیلی مناسب نباشه، من با این پیج دومم کاری انجام نمی‌دهم و فقط خریده‌ها رو دنبال می‌کنم و همین.

- همین کار را هم می‌شد با پیج اصلی خودتون انجام بدید و چه ضرورتی در این دیدید که بخواهید پیج جداگانه‌ای داشته باشید و با نامی که اصلاً نام خودتون نیست این کار را انجام بدید؟ ببینید درسته، ولی خب زمانی که شما یک پیج را دنبال می‌کنید، این علاقه‌مندی شما یا مثلاً یک پستی رو لایک می‌کنید، این لایک کردن شما برای بقیه فالورهایتون هم بعضی موقع‌ها نشون داده می‌شه و من اصلاً هیچ دلیلی در این نمی‌بینم که کسی بدونه که من دارم چه کار می‌کنم، کجا می‌رم، هر چند که جای بدی هم نیست، ولی دوست ندارم که حتی در این حد هم از زندگی خصوصی من اطلاع داشته باشند، چون فکر می‌کنم این یک چیز خیلی خصوصیه و مثل این که مثلاً شما توی واقعی بخواهید، برید خرید کنید، خب این هیچ نیازی نداره که فالورهایتون بدونند از چه فروشگاه‌ی خرید می‌کنید، هر چند که می‌دونم خیلی از آدم‌ها حتی آب هم که می‌خورند استوری می‌کنند و اطلاع می‌دهند، ولی من هیچ ضرورتی در این نمی‌بینم و یه دلیل دیگه‌اش هم این بود که می‌خوام پیج‌های خریدم از کارهای فرهنگی جدا باشه و برای من جدا توی یک قسمت دیگه‌ای نمایش داده بشه و بین پست‌هایی که می‌خوام ببینم، توی پیج‌هایی که دنبال می‌کنم، بین اون‌ها نیاد و با یک اکانت دیگه‌ای باشه و من بتونم جداگانه ازش استفاده کنم.

- آیا بین دوستان تون کسی رو می‌شناسید که چندتا پیج با چندتا هویت جدا داشته باشه و نخواهد هویت اصلی خودش را مشخص کنه؟

معمولاً دوستان من پیج خصوصی و پیج کاری دارند، اگر منظورتون اینه که بله، خب دوتا پیج دارند، پیج خصوصی خودشون معمولاً بسته هست، چون عکس‌های شخصی و خانوادگی‌اش را می‌گذارند و پیج کاری‌شون هم که بستگی به کاری که انجام می‌دهند هست که بعضی‌ها چون توی اون کار شناخته شده هستند، با اسم کامل خودشون وارد می‌شن که خب به هر حال اسم‌شون نماینده کاری هست که انجام می‌دهند، ولی بعضی‌ها هم مثلاً هیچ نیازی ندیدند که اسم خودشون رو بخواهند فاش کنند. یکی از دوستانم گل‌سرهای دست‌ساز می‌سازه، خب این دوست نداره که کسی بدون هویت‌اش چیه با یک اسم مستعار اومده و باز کار خاصی هم نمی‌کنه، همین گل‌سرها را فقط تبلیغ می‌کنه و می‌فروشه و شاید فامیل‌هاش هم ندونند که اون این کار را انجام می‌ده، من هیچ مشکلی در این نمی‌بینم، چه مشکلی می‌تونه وجود داشته باشه که یه نفر با یه پیج دیگه، بخواد

خودش رو مطرح بکنه؟ البته جایی مشکل هست که اون فرد بخواد با یک پیج فیک در واقع بره پیج‌هایی را دنبال کنه که خلاف اون چیزی هست که توی پیج اصلیش داره از خودش نشون می‌ده، یعنی مثلاً مثل من پیام الان کتاب معرفی بکنم با اسم و فامیل خودم، بعد با یک پیج فیک دیگه برم چه می‌دونم شاخ‌های مجازی را دنبال بکنم، خب این نشون می‌ده که من ۲ تا هویت دارم.

- قبلاً اشاره کردید که با همین پیجی که حالا اسم و نشانی شما مشخص نیست، پیج‌هایی رو دنبال می‌کنید که مثلاً آموزش آرایش و یا نحوه‌ی درست کردن مو این‌ها رو هم آموزش می‌دهند، چه قدر این پیج‌ها توانستند در زیبایی‌شناسی شما تأثیر بگذارند و چه قدر سلیقه شما رو توانستند تحت تأثیر قرار بدهند و یا تغییر بدهند، منظورم این هست که از زمانی که شما وارد این پیج‌ها شدید، نسبت به قبل از اون، آیا تغییری در سلیقه‌ی شما در نوع لباس‌تون یا پوشش یا آرایش خودتون به وجود آمده؟

تحول بالاخره در طول زمان به وجود میاد و این چیزی نیست که من بگم به خاطر این که توی اینستاگرام بودم، تغییر در نوع پوشش من به وجود آمده، شاید من از یه دانشگاه به یه دانشگاه دیگه بخوام برم یا مثلاً بخوام مقطع کارشناسی و برم توی مقطع ارشد یا از دبیرستان وارد مقطع کارشناسی بشم، خیلی تغییر در من به وجود بیاد که حالا محیط واقعی‌ام هست، می‌تونه این تغییر را برای من ایجاد کنه، ولی در رابطه با اینستاگرام خوب بالاخره یک‌سری اصولی بوده که شاید مثلاً در نحوه‌ی آرایش کردن من، موادی که استفاده می‌کردم، لوازم آرایشی که استفاده می‌کردم یا از نوع مارکش، من اطلاعات کافی نداشتم، ولی الان مثلاً یک‌سری اطلاعاتی را پیدا می‌کنم، می‌دونم که چه چیزی به پوست من سازگارتره، برای مراقبت از پوست همچنین چیزی رو بهتر استفاده بکنم یا چه اشتباهاتی را قبلاً توی آرایشم انجام می‌دادم و این‌ها را خوب من از این پیج‌ها می‌تونم یاد بگیرم و این‌هایی هم که دارن یاد می‌دن یا حداقل کسانی که من دارم دنبال شون می‌کنم، کسانی هستند که چند سال هست توی این زمینه کار کردند و بالاخره خیلی بلد هستند و نتیجه خوبی هم من می‌گیرم از این کار، اینم چیز بدی نمی‌بینم.

- ممکنه از مواردی که الگوبرداری کردید، یک مثال بزنید؟

مثلاً یک مدل بستن روسری بود که من این رو بلد نبودم و توی این پیج‌ها یاد گرفتم و خب این اصلاً چیز بدی نیست، خیلی هم قشنگه و الان استفاده می‌کنم یا مثلاً نوع خط چشم کشیدن رو من بلد نبودم، خوب حالا از این پیج‌ها یاد گرفتم و این هیچ مشکلی نداره، چون تونستم اون اشتباهی که انجام می‌دادند رو اصلاح بکنم و به‌نظر من اینم خودش یه مدل آموزش می‌تونه باشه.

- این مسأله باعث شده که شما بخواید شبیه اون مدل‌ها باشید؟

نه، من نگفتم که دوست دارم شبیه اون مدل‌ها بشم یا چیزی که می‌گن بشم، من دارم می‌گم که باز هم از این پیج‌هایی که دارند آموزش آرایش می‌دهند، من که به هر حال خودم را آرایش

می‌کنم، آدمی نیستم که آرایش نکنم، ولی خب الآن دارم اصولی این کار را انجام می‌دهم، چون مثلاً یه نفر هست که آرایشگر ماهریه و الآن داره هم یک محصولی را تبلیغ می‌کنه و همین که نحوه‌ی کار کردنش را به ما یاد می‌دهد، مثلاً نحوه‌ی کاشت ناخن را یاد می‌ده، خب من اگه خودم این را بلد باشم، دیگه نیاز ندارم که برم مراجعه بکنم به آرایشگاه و بخوام که برام انجام بدهند، هر چند من کاشت ناخن نمی‌کنم، ولی مثال عرض می‌کنم، بله من نخواستم که شبیه این مدل‌ها بشم، ولی می‌خوام که اگر اشتباهی را دارم انجام می‌دم یا مثلاً چه می‌دونم توی ست کردن لباس هم دارم اشتباه می‌کنم، این‌را به من آموزش بدهند.

- در زمینه اعتقادات مذهبی تون می‌خواهم ببینم که چه تفاوتی الآن که چند سال هست شما کاربر اینستاگرام هستید نسبت به قبل از این که بخواید عضو این پیج‌ها بشید، در نگاه و نگرش شما نسبت به دین و اعتقادات به وجود آمده؟

ببینید تغییر پیش میاد، یعنی ما نمی‌توانیم جلوی تغییر کردن را بگیریم، چون به مرور زمان داریم رشد می‌کنیم، شاید بعضی‌ها رشدشون منفی، بعضی‌ها رشدشون مثبت باشه و من فکر نمی‌کنم که ناشی از این گروه‌ها باشه یا این پیج‌ها باشه، ولی به هر حال خوب تغییر کردن نسبت به ۷، ۸ سال پیش، حالا نمی‌دونم چه قدر سهم این اینستاگرام پررنگ‌تر باشه، هر چند خوب باز هم یک‌سری از پیج‌هایی بودند که اون‌ها هم من عضو شون بودم و دنبال شون می‌کردم، وقتی پستی می‌گذاشتند در این باره، یه مدت دغدغه من شده بود که بفهمم درست بودن این قضیه چیه و در رابطه با مسایلی که می‌گفتند دوست داشتم که برم بیش‌تر بشناسم، ولی الآن نه، الآن دغدغه‌ی من این قضیه نیست.

- می‌تونید از دغدغه‌ی اون روزتون بگید، اون موقع چه دغدغه‌ای داشتید که الآن دیگه نمی‌خواهید دنبالش برید و آیا از طریق همین پیج‌ها دنبالش کردید؟

مثلاً یک پیجی بود که می‌اومد یک‌سری حقایق را می‌گفت، مثلاً در رابطه با این که قبلاً این جنگ‌هایی که به ما می‌گفتند، زمان پیغمبر که چه طوری بوده، چه اتفاقی افتاده، این می‌اومد یک‌سری شبهه‌هایی را مطرح می‌کرد و خب این برای من اون موقع جالب بود و می‌خواستم ببینم که در واقع کی داره درست می‌گه و سعی می‌کردم که برم دنبالش، پیدا کنم، چندتا کتاب می‌رفتم می‌خوندم، هر چند که حوصله‌ام نداشتم که بخوام برم کل این کتاب‌ها را بخونم، ولی از یکی، دوتا دوستانم که توی همین گروه فلسفی خودمون هم هستند، می‌پرسیدم، چون مطالعه‌ی خیلی زیادی داشتند، هم مطالعه تاریخی داشتند، هم فلسفی و دینی داشتند و من اون‌جا متوجه می‌شدم که یک‌سری از مسایلی که به ما هم گفتن اشتباه بوده و بعضی‌هاش هم، چیزی که این پیج‌ها می‌گفتند، اشتباه بود.

- چرا علاقه نداشتید حقیقت‌سوالاتی که برات پیش می‌آمد را پیدا کنید؟

چون اصلاً چه فرقی می‌کنه که چه اتفاقی افتاده؟ هزار سال پیش یک اتفاقی افتاده، دیگه من الان برم دنبالش ببینم چه اتفاقی افتاده، به چه درد من می‌خوره، ترجیح می‌دهم که الان زندگی خودم را بکنم و توی گذشته نباشم.

- شما قبل از این که بخواید این شبهه‌ها برای تون به وجود بیاد، خودتون را فرد مذهبی تری می‌دونید یا الان، می‌خواهم بدونم که این تغییر در چه جهتی در شما به وجود آمده؟

زمانی که نمی‌دونستم مذهبی تر بودم، مثلاً اون موقع‌ها همه نمازهام رو به موقع می‌خوندم، روزه می‌گرفتم، حتی یک زمانی، نماز شب هم می‌خوندم من، ولی بعد از این که یه سری شک برام به وجود اومد و رفتم دنبالش، دیگه خیلی دوست نداشتم که ادامه بدم، یعنی همه‌اش احساس می‌کردم که همه‌اش دروغ بوده و بعد فکر کردم که خیلی خالصانه نیست، این کاری که من دارم انجام می‌دم، صرفاً دارم نماز بخونم، صرفاً دارم دولا و راست می‌شم، ولی هیچی ارزش نمی‌دونم، خب هیچ چه ارزشی داشت که بخوام این کار رو انجام بدم و اصلاً چون خیلی به این مسایل فکر می‌کردم، همه‌اش این توی ذهن من بود که من دارم یک کاری را فقط از روی عادت و ترس و اجبار انجام می‌دهم، به خاطر همین کلاً این‌ها را گذاشتم کنار و تصمیم گرفتم تا زمانی که به یقین نرسیدم ادامه‌اش ندم.

- الان شما به یقین رسیدید؟

نه، الان هم به یقین نرسیده‌ام، ولی دیگه دغدغهی ذهنی من نیست که بخوام دنبالش باشم، نمی‌دونم چه اتفاقی افتاد، شاید درگیر مسایل دیگه‌ای شدم و کلاً جهت زندگی من شاید، یه جورای دیگه‌ای عوض شد، با آدم‌هایی آشنا شدم که خیلی در فکر این مسایل نبوده‌اند و این اصلاً کلاً باعث شد من فراموش کنم، یک موقع‌هایی بهش فکر می‌کنم که قرار بود که مثلاً دیگه نماز نخونم تا زمانی که خودم به یقین برسم و ولی خب وسط راه انگار که دیگه زده شدم و حوصله نداشتم که ادامه‌اش بدم و انگار بی‌خیالش شدم.

- الان هم قصد ندارید که دنبالش برید، می‌خواهم بدونم که توی پیج‌هایی که الان دنبالش می‌کنید، باز هم پیج‌هایی هست که تم مذهبی داشته باشه یا حتی همون پیج‌هایی که بخواید شبهه برای تون ایجاد کنه؟

الان دغدغه من دیگه نیست، ولی نه پیج‌هایی که بخواد مذهبی باشه یا حتی بخواد خلاف اون هم باشه که بخواد در من شبهه ایجاد کنه، دیگه هیچ کدوم رو دنبال نمی‌کنم، چون به این نتیجه رسیدم که چه کار بیهوده‌ای هست، یعنی هر چیزی که بوده، مهم اینه که من آدم درستی باشم، درست زندگی کنم، انسانیت داشته باشم، حالا هر اعتقادی می‌خوام داشته باشم.

- اشاره کردید که دوستانی دارید که از همین فضا باهاشون آشنا شدید و حتی دیدارهایی هم با هم دارید، می‌خواهم بدونم که این‌ها چه دید مذهبی دارند، اعتقاداتشان به چه صورت هست، آیا این فضا توانسته روی اون‌ها تأثیر بگذاره؟

در واقع توی جمع ما، من از همه‌شون کوچک‌ترم و اونا خیلی بیش‌تر از من دنبال این مسأله بودن، حداقل چند نفرشون رو می‌دونم که این طور بوده و اتفاقاً چون می‌بینم که این‌ها این‌قدر گشتن و به هیچی نرسیدند و الآن کامل گذاشتنش کنار، من هم فکر می‌کنم که خب منم برم بگردم، شاید همان مسیر رو پیش برم، هر چند که شاید این اشتباه هم باشه، اونایی مسیر اشتباهی رفته‌اند، ولی نه اونا هم دغدغه مذهبی ندارند و اطلاعی ندارم که قبلاً چه طوری بودند و الآن چه طور شدند، فقط از الآن خبر دارم که می‌دونم الآن دغدغه مذهبی، حداقل هیچ کدومشون ندارند.

- در خانواده چه طور این تغییری که در شما ایجاد شده پذیرفته شده هست؟

مادرم اوایل خیلی انتقاد می‌کرد و می‌گفت از وقتی با این دوستان آشنا شدی، عوض شدی، ولی به هر حال آدم ممکنه عقیده‌اش عوض بشه.

- بسیار خوب، ممنونم الناز جان بابت وقتی که در اختیار من گذاشتی و همکاریت.

خواهش می‌کنم، موفق باشید.

تأملی دوباره:

الناز ۲۴ ساله، در مصاحبه خود درباره اثرهای کاربری از شبکه اجتماعی اینستاگرام، به مباحثی حول محورهای اثرهای آموزشی، اجتماعی، اخلاقی- تربیتی، اقتصادی، خانوادگی، روان‌شناختی، زیستی، زیست محیطی، سیاسی، عقیدتی و فرهنگی اشاره داشته است.

الناز در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل آموزشی کاربران، به مواردی مانند: کاربری آموزشی، ارتقای آموزشی افراد ناتوان، کسب اطلاعات، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

الناز در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در رفتار اجتماعی کاربران، به مواردی مانند: شرکت در پویش‌های اجتماعی، شکل‌گیری هویت گروهی، اعتماد به دوستان مجازی و افراد ناشناس در فضای مجازی و نظایر آن، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

الناز در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در رفتار اخلاقی کاربران، به مواردی مانند: تلاش برای حفظ حریم خصوصی خویش و به نمایش گذاشتن قسمت خاصی از زندگی، فضای اینستا به مثابه فضای ارضای هواهای نفسانی و نظایر آن، اشاره داشته است.

الناز ۲۴ ساله، در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل اقتصادی کاربران، به مواردی مانند: استقبال از تبلیغات در فضای مجازی، سوق دادن کاربران به سمت مصرف‌گرایی هر چه بیش‌تر و نظایر آن، اشاره داشته است.

الناز در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل خانوادگی کاربران، به نگاه نسبتاً منفی و تحقیرآمیز فرزندان نسبت به اولیاء در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

الناز در مصاحبه‌اش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل روانی کاربران، به مواردی مانند: مدیریت خویش و اضطراب‌های نوپدید، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

الناز ۲۴ ساله، در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل زیستی کاربران، از اثرات منفی جسمانی کژکاربری از فناوری‌ها یاد کرده است.

مصاحبه شونده در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل زیست محیطی کاربران، به شرکت در پویش‌های حمایت از زیست محیط، اشاره داشته است.

الناز در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در رفتار سیاسی کاربران، به مواردی مانند: یافتن نگاه نقادانه نسبت به مسوولان، احساس سرخوردگی، تمایل ناچیز به اخبار فرهنگی-اجتماعی-سیاسی کشور، احساس ائتلاف وقت در پیگیری مسایل سیاسی، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

الناز در مصاحبه‌اش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل عقیدتی کاربران، به مواردی مانند: شک کردن، مواجهه با شبهات دینی، تصمیم بر مطالعه برای رفع شبهه و شک، کاهش حساسیت نسبت به اوامر و نواهی اخلاقی و دینی، کنار نهادن تکالیف دینی، بی‌تفاوت شدن نسبت به دغدغه‌های ذهنی اولیه، سوق یافتن تدریجی به سمت بی‌دینی، تحول قرائت دینی، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

الناز ۲۴ ساله، در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در علایق فرهنگی کاربران، به مواردی مانند: ارتقای فکری و فرهنگی کاربران، جایگزینی تدریجی اینستاگرام به عنوان یکی از منابع اطلاعات موجود، تبلیغ کتاب، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

اگر در زمینه مباحث مطرح شده در مصاحبه الناز ۲۴ ساله، با ارجاع سایر محورهای مطرح شده به دیگر کتاب‌های مجموعه حاضر، توجه خود را صرفاً معطوف به ابعاد فرهنگی (که مورد بحث اثر حاضر است) کنیم، می‌توان بیان داشت، الناز در برخورد با مسایل عقیدتی و سیاسی جامعه‌اش به شدت احساس سرخوردگی دارد، از این رو با ترک عرصه‌های اخیر، در عمل کوشیده است برای انجام مسوولیت اجتماعی خویش، تبلیغ کتاب و کتاب‌خوانی در بستر اینستا را در دستور کار خود قرار دهد و در این مسیر بدون آن که وجهی (نظیر پول تبلیغات در صفحه خودش) دریافت دارد، تبلیغ کتاب و کتاب‌خوانی را برای افرادی که صفحه وی را دنبال می‌کنند، ادامه دهد و به این ترتیب یکی از ابعاد بالقوه مثبت اینستا را به نمایش بکشد!

برخی از مآخذ:

- بلوی مقدم، سعید؛ اسفیدانی، محمدرحیم؛ آقازاده، هاشم؛ زندی پور، طیبه (۱۳۹۷). شناسایی و بررسی انواع روابط مصرف کنندگان با اجتماعات برند در اینستاگرام. مدیریت بازرگانی. پاییز ۱۳۹۷. دوره ۱۰، شماره ۳.
- بیچوانلو، عبدالله؛ یاسینی، سیده راضیه؛ جلالی پور، مهنا (۱۴۰۰). باز نمود پوشش زنان ایرانی سیاستمدار در شبکه اجتماعی اینستاگرام. رسانه. دوره ۳۲. شماره ۴۵.
- تاجیک، فرناز؛ جلیل پور، جلیل (۱۳۹۸). اثربخشی تدریس با استفاده از شبکه اجتماعی اینستاگرام در تدریس مبحث مشکلات عضلانی- استخوانی. پژوهش در زیست‌شناسی. بهار ۱۳۹۸. دوره ۱. شماره ۱.
- حسن پور فاطمه؛ سخاوت، یونس؛ علیخانی، پریسا (۱۳۹۷). اثرات گرایش هنرمندان به اینستاگرام به مثابه یک گالری هنری. جامعه، فرهنگ و رسانه. سال هفتم. تابستان ۱۳۹۷، شماره ۲۷.
- رضایی مهدیه؛ شبیری، سیدمحمد (۱۳۹۴). رابطه استفاده از نرم‌افزارهای وایبر، لاین و اینستاگرام با سواد زیست محیطی دانشجویان. فناوری آموزش (فناوری و آموزش). تابستان ۱۳۹۴. دوره ۹. شماره ۴.
- رضایی، مهدیه؛ شبیری، محمد؛ سرمدی، محمدرضا؛ لاریجانی، مریم (۱۳۹۵). تأثیر کاربرد شبکه اجتماعی اینستاگرام در ارتقای سواد محیط زیستی دانشجویان. علوم محیطی. پاییز ۱۳۹۵. دوره ۱۴. شماره ۳.
- سیگل، دانیل جی. و برایسون، تینا (۲۰۱۸). مغز پذیرا: پرورش شجاعت، کنجکاو و تاب‌آوری در فرزندان. ترجمه مهرناز شهرآرای. ۱۳۹۸. تهران: آسیم.
- قاسم‌زاده، سارا؛ منطقی، مرتضی و محمدی، مریم (۱۳۹۹). بررسی انگیزه‌های سوءاستفاده از کودکان توسط مادران بلاگر و سلامت روانی فرزندان آنان در فضای مجازی. فصلنامه پژوهش در سلامت روان شناختی. تابستان ۱۳۹۹. دوره ۱۴. شماره ۲.
- منطقی، مرتضی (۱۳۹۵). بررسی چگونگی کاربری دانش‌آموزان دبستانی از شبکه‌های اجتماعی تلفن همراه. ۱۳۹۵. تهران: انجمن اولیاء و مربیان.
- منطقی، مرتضی (۱۳۹۹ الف). بررسی اثرات اجتماعی کاربری کودکان پیش از دبستان از تبلت، پی‌اس‌فور، تلفن همراه، ماهواره و رایانه، ج ۱. تهران: بعثت.

منطقی، مرتضی (۱۴۰۰ الف). چند مصاحبه با کودکان پیش دبستانی درباره نقش الگوهای عروسکی - کارتونی در تحولات روانی، فرهنگی، اجتماعی و عقیدتی آنان ج ۱. تهران: بعثت.

منطقی، مرتضی (۱۴۰۰ ب). بررسی اثرات روانی کاربری کودکان پیش از دبستان از تبلت، پی‌اس‌فور، تلفن همراه، ماهواره و رایانه. ج ۱. تهران: بعثت.

نعامی، عبدالله؛ مشبکی، اصغر؛ آتیه‌کار، غلامرضا (۱۳۹۵). عوامل مؤثر در خرید لذت باور از طریق اینستاگرام. تحقیقات بازاریابی نوین. تابستان ۱۳۹۵. دوره ۶، شماره ۲.

هیوز، دانیل و بیلین، جاناتان (۲۰۱۲). فرزندپروری مغز - بنیان. ترجمه دکتر مهرناز شهرآرای. ۱۳۹۶. تهران: آسیم.

Åberg, Erica; Koivula, Aki; Kukkonen, Iida (March 2020). "A feminine burden of perfection? Appearance-related pressures on social networking sites". *Telematics and Informatics*. 46: 101319.

Acar, Selcuk; Neumayer, Michelle; Burnett, Cynthia (2021). *Social Media Use and Creativity: Exploring the Influences on Ideational Behavior and Creative Activity*. *Journal of Creative Behavior*, v55 n1 p39-52 Mar 2021

Adejoh, Samuel Ojima; Adisa, Waziri Babatunde; Onome, Osigbe; Anyimukwu, Chizoba; Olorunlana, Adetayo (2020). *The Influence of Social Media on Illicit Drug Sale and Use among Undergraduates in Lagos, Nigeria*. *Journal of Alcohol and Drug Education*, v64 n2 p20-40 Aug 2020

Ahmadi, Zahra (2021). *Effects of Using Instagram on Iranian Intermediate Autonomous/Dependent EFL Learners' Learning of Pictorial Metaphors*. *Journal of Practical Studies in Education*, v2 n5 p11-25 2021

Allahverdi, Fatima Zehra (2022). *Relationship between Perceived Social Media Addiction and Social Media Applications Frequency Usage among University Students*. *Psychology in the Schools*, v59 n6 p1075-1087 Jun 2022

Alsuwaida, Nouf (2022). *Designing and Evaluating the Impact of Using a Blended Art Course and Web 2.0 Tools in Saudi Arabia*. *Journal of Information Technology Education: Research*, v21 p25-52 2022

Appel, Helmut; Gerlach, Alexander; Crusius, Jan (June 2016). *The interplay between facebook use, social comparison, envy, and depression*. *Current opinion in psychology*. 9: 44-49.

Ardeni, Viola; Dallavalle, Sara; Serafin, Karolina (2021). *Building Student Communities in Spite of the COVID-19 Pandemic*. *Journal of Teaching and Learning with Technology*, v10 p88-102 Apr 2021

Arifin, Zainul; Febriani, Suci Ramadhanti; Anasruddin (2021). *Using Bloom's Taxonomy in Arabic Learning Media to Elevate Students' Writing in COVID-19 Situation*. Online Submission, *Al-Ta'rib: Jurnal Ilmiah*

Program Studi Pendidikan Bahasa Arab IAIN Palangka Raya v9 n1 p1-12
Jun 2021

Ávila, JuliAnna (2021). #MultimediaResponse: Instagram as a Reading Activity in a University English Class. *Journal of Adolescent & Adult Literacy*, v64 n5 p531-541 Mar-Apr 2021

Bakhshi, Saeideh; Shamma, David A.; Gilbert, Eric (2014). "Faces engage us". *Proceedings of the SIGCHI Conference on Human Factors in Computing Systems*. pp. 965–974.

Balta, Sabah; Emirtekin, Emrah; Kircaburun, Kagan; Griffiths, Mark D. (2020). "Neuroticism, Trait Fear of Missing Out, and Phubbing: The Mediating Role of State Fear of Missing Out and Problematic Instagram Use". *International Journal of Mental Health and Addiction*. 18 (3): 628–639.

Banks, Grace (April 10, 2017). "Pics Or It Didn't Happen: reclaiming Instagram's censored art". *The Guardian*. Retrieved May 31, 2017.

Bare, Christian (May 2020). "The Undisclosed Dangers of Parental Sharing on Social Media: A Content Analysis of Sharenting Images on Instagram". *Electronic Theses and Dissertations*.

Barry, Christopher T.; Rtter, Sharir; Anderson, Alexander C.; Schoessler, Mackenzie L.; Sidoti, Chloel. (2019). Let me take another selfie: Further Instagram post. *Psychology of popular media culture*. 8: 22–33.

BBC News (2017). "Instagram blocks some drugs advert tags after BBC probe". BBC. November 7, 2013. Retrieved May 31, 2017.

BBC News (2017). "Instagram 'worst for young mental health'". BBC. May 18, 2017. Retrieved May 19, 2017.

Berr Jonathan (2018). Despite 'No Nudity Rule,' Instagram Is Chock Full of Pornography. Sep 28, 2018,02:38pm EDT. Internet.

Berryman, Chloe; Ferguson, Christopher J.; Negy, Charles (2017-11-01). "Social Media Use and Mental Health among Young Adults". *Psychiatric Quarterly*. 89 (2): 307–314

Best, Linda M.; Shelley, Daniel J. (2018). Academic Dishonesty: Does Social Media Allow for Increased and More Sophisticated Levels of Student Cheating? *International Journal of Information and Communication Technology Education*, v14 n3 Article 1 p1-14 2018

Bonnevie, Erika; Lloyd, Tiffany D.; Rosenberg, Sarah D.; Williams, Kara; Goldbarg, Jaclyn; Smyser, Joe (2021). "Layla's Got You": Developing a Tailored Contraception Chatbot for Black and Hispanic Young Women. *Health Education Journal*, v80 n4 p413-424 Jun 2021

Borrelli, Christopher (2021). "Chicago artists use boarded-up storefronts to make a creative statement and make a difference". *ChicagoTribune.com*. Retrieved December 28, 2021.

- Boyle, Sarah C.; Labrie, Joseph, w.; Froidevaux, Nicolu M.; Witkovic, Yong D. (June 1, 2016). Different digital pathsto the keg? How expousuer to peers' Alcohol- relatedsocial media content influences drinking among male and femail first- year collge student. *Addictive behaviors*. 57: 21–29.
- Brailovskaia, Julia; Margraf, Jurgen, (January 25, 2018). What does media use reveal about personality and mental health? An Exploratory investigation among German students. *Plos one*. 13 (1): e0191810.
- Brazill-Murray, Colleen Marie (2018). Adolescent Perceptions of Addiction: A Mixed-Methods Exploration of Instagram Hashtags and Adolescent Interviews. ProQuest LLC, Ed.D. Dissertation, Pepperdine University
- Breunig, Steven (2021). Language Workers and the Challenge of Digitalisation: Gaining Insight through the Social Media Skill Sharing of Professional Communication Practitioners within the US Military. *AILA Review*, v34 n1 p122-144 Sep 2021
- Brunner, Melissa; Palmer, Stuart; Togher, Leanne; Hemsley, Bronwyn (2019). 'I Kind of Figured It Out': The Views and Experiences of People with Traumatic Brain Injury (TBI) in Using Social Media--Self-Determination for Participation and Inclusion Online. *International Journal of Language & Communication Disorders*, v54 n2 p221-233 Mar-Apr 2019
- Budenz, Alexandra; Klassen, Ann; Purtle, Jonathan; Yom-Tov, Elad; Yudell, Michael; Massey, Philip (2022). "If I Was to Post Something, It Would Be Too Vulnerable:" University Students and Mental Health Disclosures on Instagram. *Journal of American College Health*, v70 n2 p615-624 2022
- Buhr, Sarah (September 1, 2017). "Hackers claim to have personal info of millions of Instagram accounts, including celebs". *TechCrunch*. Oath Inc. Retrieved December 13, 2017.
- Burgunder, Lee B. (2016). The Selfie-Made Man: A Case Study in Law, Ethics, and Instagram. *Journal of Legal Studies Education*, v33 n2 p181-233 Sum 2016
- Burnell, Kaitlyn; George, Madeleine J.; Vollet, Justin W.; Ehrenreich, Samuel E.; Underwood, Marion K. (2019). "Passive social networking site use and well-being: The mediating roles of social comparison and the fear of missing out". *Cyberpsychology: Journal of Psychosocial Research on Cyberspace*. 13 (3).
- Büttner, Christiane M.; Rudert, Selma C. (2021). "Why didn't you tag me?!: Social exclusion from Instagram posts hurts, especially those with a high need to belong". *Computers in Human Behavior*. 127: 107062.
- Camacho-Miñano, Maria José; MacIsaac, Sarah; Rich, Emma (2019). Postfeminist Biopedagogies of Instagram: Young Women Learning about Bodies, Health and Fitness. *Sport, Education and Society*, v24 n6 p651-664 2019

- Catron, Emerald (2018). 20 Ways Your Cell Phone Harms Your Health. bestlifeonline.com
March 8, 2018
- Ceballos, Natalie A.; Howard, Krista; Dailey, Stephanie; Sharma, Shobhit; Grimes, Tom (November 2018). "Collegiate Binge Drinking and Social Media Use Among Hispanics and Non-Hispanics". *Journal of Studies on Alcohol and Drugs*. 79 (6): 868–875.
- Chakim, Sulkhan (2022). The Youth and the Internet: The Construction of Doctrine, Islam in Practice, and Political Identity in Indonesia. *Journal of Social Studies Education Research*, v13 n1 p217-236 2022
- Chalak, Azizeh (2021). Pragmatics of Self-Praise and Self-Presentation by Iranian EFL Learners on Instagram. *TESL-EJ*, v25 n1 May 2021
- Chaney, Beth H.; Martin, Ryan J.; Hart, Hunter; Cobb, Jordan (2022). Instagram Posts Related to Alcohol Use on College Football Game Days after Implementation of an Alcohol Sales Policy. *American Journal of Health Education*, v53 n1 p56-62 2022
- Cohen, Rachel; Newton- John, Toby; Slater, Amy (21017). The relationship between Facebook and Instagram appearance- focused activity and body image concerns in young woman. *Body image*. 23: 183–187.
- Coskun, Hatice (2021). Media as a Learning-Teaching Tool in the Context of Media Literacy from Turkish Language Teacher Candidates' Perspective. *International Journal of Education and Literacy Studies*, v9 n4 p93-102 2021
- Couture Bue, Amelia C. (July 2020). "The looking glass selfie: Instagram use frequency predicts visual attention to high-anxiety body regions in young women". *Computers in Human Behavior*. 108: 106329.
- Davis, Summer; Yi, Joanne (2022). Double Tap, Double Trouble: Instagram, Teachers, and Profit. *E-Learning and Digital Media*, v19 n3 p320-339 May 2022
- Demuyakor, John (2021). COVID-19 Pandemic and Higher Education: Leveraging on Digital Technologies and Mobile Applications for Online Learning in Ghana. *Shanlax International Journal of Education*, v9 n3 p26-38 Jun 2021
- Diao, Mingming; Hedberg, John G. (2020). Mobile and Emerging Learning Technologies: Are We Ready? *Educational Media International*, v57 n3 p233-252 2020
- Dincer, A. (2020). Understanding the Characteristics of English Language Learners' Out-of-Class Language Learning through Digital Practices. *IAFOR Journal of Education*, v8 n2 p47-65 2020
- Drake Baer (2014). The Psychology Behind Why Instagram Is So Addictive. Nov 18, 2014, 22:53 IST

- Er, Sühendan; Yilmaztürk, Nergis Hazal; Özgül, Tuba; Çok, Figen (2022). Parents' Shares on Instagram in the Early Days of the COVID-19 Pandemic. *Turkish Journal of Education*, v11 n1 p1-15 2022
- Erarslan, A. (2019). Instagram as an Education Platform for EFL Learners. *Turkish Online Journal of Educational Technology - TOJET*, v18 n3 p54-69 Jul 2019
- Ericksen, Kirsten S.; Eason, Angel L.; Thomas, Kathleen S.; Jenkins, Vanessa C.; Simmons, Shana D. (2021). COVID-19 Response: An Interdisciplinary Online Community Building Event to Promote Holistic Student Success. *Learning Communities Research and Practice*, v9 n1 Article 9 2021
- Fabbri, T. (24 November 2019). Why is Instagram deleting the accounts of hundreds of porn stars? BBC Trending**
- Faelens, Lien; Hoorelbeke, Kristof; Cambier, Ruben; van Put, Jill; Van de Putte, Eowyn; De Raedt, Rudi; Koster, Ernst H. W. (August 1, 2021). "The relationship between Instagram use and indicators of mental health: A systematic review". *Computers in Human Behavior Reports*. 4: 100121.
- Fardouly, Jasmine; Magson, Natasha R.; Rapee, Ronald M.; Johnco, Carly J.; Oar, Ella L. (July 2020). "The use of social media by Australian preadolescents and its links with mental health". *Journal of Clinical Psychology*. 76 (7): 1304–1326.
- Fardouly, Jasmine; Magson, Natasha R; Johnco, Carly J; Oar, Ella L; Rapee, Ronald M (2018-06-05). "Parental Control of the Time Preadolescents Spend on Social Media: Links with Preadolescents' Social Media Appearance Comparisons and Mental Health". *Journal of Youth and Adolescence*. 47 (7): 1456–1468
- Fardouly, Jasmine; Willburger, Brydie K; Vartanian, Lenny R (April 2018). "Instagram use and young women's body image concerns and self-objectification: Testing mediational pathways". *New Media & Society*. 20 (4): 1380–1395.
- Feijoo, Beatriz; Bugueño, Simón; Sádaba, Charo; García-González, Aurora (2021). Parents' and Children's Perception on Social Media Advertising. *Comunicar: Media Education Research Journal*, v29 n67 p93-103 2021
- Feltman, Chandra E.; Szymanski, Dawn M. (March 2018). "Instagram Use and Self-Objectification: The Roles of Internalization, Comparison, Appearance Commentary, and Feminism". *Sex Roles*. 78 (5–6): 311–324.
- Fidan, Mustafa; Debbag, Murat; Fidan, Basak (2021). Adolescents Like Instagram! From Secret Dangers to an Educational Model by Its Use Motives and Features: An Analysis of Their Mind Maps. *Journal of Educational Technology Systems*, v49 n4 p501-531 Jun 2021

Filoteo, Montana; Singerhouse, Emily; Crespo-Carrión, Teodoro; Martin, Lauren (2021). Virtual Engagement of Youth in the Time of COVID-19 and Social Uprisings: Youth Voice, Sex Trading, and the Future of Engaged Research. *Journal of Higher Education Outreach and Engagement*, v25 n3 p15-33 2021

Fioravanti, Giulia; Probst, Alfonso; Casale, Silva (February 1, 2020). Taking a short break from Instagram: The effects on subjective well-being. *Cyberpsychology, Behavior and social networking*. 23 (2): 107–112.

Fluegel, Sabrina; King, Kendall (2022). #Workfromhome: How Multi-Level Marketers Enact and Subvert Federal Language Policy for Profit. *Language Policy*, v21 n1 p121-154 Mar 2022

Foroughi, Behzad; Griffiths, Mark D.; Iranmanesh, Mohammad; Salamzadeh, Yashar (2021). "Associations Between Instagram Addiction, Academic Performance, Social Anxiety, Depression, and Life Satisfaction Among University Students". *International Journal of Mental Health and Addiction*. 20 (4): 2221–2242.

Frison, Eline; Eggermont, Steven (October 2017). "Browsing, Posting, and Liking on Instagram: The Reciprocal Relationships Between Different Types of Instagram Use and Adolescents' Depressed Mood". *Cyberpsychology, Behavior, and Social Networking*. 20 (10): 603–609

Frison, Eline; Eggermont, Steven (October 2017).

Fuller, Gillian (December 7, 2016). "Free the Nipple: You Need to See This Badass Instagram Account". *Allure*. Retrieved May 31, 2017.

Georgia Wells, Jeff Horwitz, Deepa Seetharaman(2021). Facebook documents show how toxic Instagram is for teens. *Wall Street Journal*. Published Tue, Sep 14 2021

Gezgin, Deniz Mertkan; Mihci, Can (2020). Smartphone Addiction in Undergraduate Athletes: Reasons and Effects of Using Instagram Intensively. *International Journal of Technology in Education and Science*, v4 n3 p188-202 Sum 2020

Gilmour, John; Machin, Tanya; Brownlow, Charlotte; Jeffries, Carla (July 2020). "Facebook-based social support and health: A systematic review". *Psychology of Popular Media*. 9 (3): 328–346.

Grosseck, Gabriela; Bran, Ramona (2016). Script towards Research 2.0: The Influence of Digital and Online Tools in Academic Research. *World Journal on Educational Technology: Current Issues*, v8 n2 p132-138 2016

Hamm, Michele P; Newton, Amanda S; Chisholm, Annabritt; Shulhan, Jocelyn; Milne, Andrea; Sundar, Purnima; Ennis, Heather; Scott, Shannon D; Hartling, Lisa (2015). "Prevalence and Effect of Cyberbullying and Children and Young People". *JAMA Pediatrics*. 169 (8): 770–7.

- Harper, Rebecca G. (2021). *Write Now & Write On, Grades 6-12: 37 Strategies for Authentic Daily Writing in Every Content Area*. Corwin Literacy. Corwin
- Henderson, Alesha; Miller, Carrie A.; Sutton, Arnethea L.; Guidry, Jeanine P. D. (2021). #TripleNegativeBreastCancer on Instagram. *Health Education & Behavior*, v48 n5 p567-574 Oct 2021
- Hinde, Natasha (January 23, 2015). "Did Instagram Ban This Account Because of a Photo Showing Women's Pubic Hair?". *HuffPost*. AOL. Retrieved May 31, 2017.
- Housiaux, Andrew (2020). *Existentialism and Instagram*. *Phi Delta Kappan*, v101 n4 p48-51 Dec 2019-Jan 2020
- Instagram. From Wikipedia, the free encyclopedia
- Ittefaq, Muhammad; Abwao, Mauryne; Ahmad Kamboh, Shafiq (2021). COVID-19 Vaccine Selfie: Why Does It Matter? *American Journal of Health Education*, v52 n6 p360-363 2021
- Jarvis Tom (September 16, 2021). Harmful effects of Instagram shocking but not a surprise. *The drum network*
- Jean-Francois, Sara (2021). From #BLM to the Emergence of @Blackat. *New England Journal of Higher Education*, Jul 2021
- Johnson, Andrea C.; Mays, Darren (2021). Testing the Effects of Hookah Tobacco Social Media Risk Communication Messages among Young Adults. *Health Education & Behavior*, v48 n5 p627-636 Oct 2021
- Kang, Cecilia (September 30, 2021). "Facebook Grilled by Senators over Its Effect on Children". *The New York Times*. Archived from the original on December 28, 2021.
- Kaya Yurieff (December 18, 2019). "Instagram influencers can no longer promote vaping and guns". *CNN*. Retrieved December 19, 2019.
- Kevin, L. & Skye, B. (2015). How smartphone light affects your brain and body. *Business insider*.
- Khodarahimi, Siamak; Fathi, Rayhan (April 3, 2017). "The Role of Online Social Networking on Emotional Functioning in a Sample of Iranian Adolescents and Young Adults". *Journal of Technology in Human Services*. 35 (2): 120–134.
- Lawson, Cara; Doerfert, David L.; Filson, Caryn (2021). State FFA Association Use of Instagram to Promote Membership Diversity. *Journal of Agricultural Education*, v62 n2 p97-118 2021
- Lee, Jihyeon; Azzarito, Laura (2021). Creating Thirdspace Physical Culture "for," "with," and "about" Recent Immigrant Girls: Instagram as a Space of Marginalization and Resistance. *Journal of Teaching in Physical Education*, v40 n4 p518-528 Oct 2021
- Lee, Minsum (January 2021). "Social media photo activity, internalization, appearance comparison, and body satisfaction: The

moderating role of photo-editing behavior". *Computers in Human Behavior*. 114: 106579.

Mackenzie, Erin; Berger, Nathan; Holmes, Kathryn; Walker, Michelle (2021). Online Educational Research with Middle Adolescent Populations: Ethical Considerations and Recommendations. *Research Ethics*, v17 n2 p217-227 Apr 2021

Mackson, Samantha B; Brochu, Paula M; Schneider, Barry A (October 2019). "Instagram: Friend or foe? The application's association with psychological well-being". *New Media & Society*. 21 (10): 2160–2182.

MacMillan Amanda (2017). Why Instagram Is the Worst Social Media for Mental Health. May 25, 2017 11:54 AM EDT

Martzos, Theodoros G.; Dinopoulou, Pelagia; Okalidou, Areti (2021). Use of Social Networking Sites among Greek Deaf People: Communication Accessibility or Preferences? *Sign Language Studies*, v21 n2 p181-207 Win 2021

Matthews, Miranda (2021). Expanding from the Small Screen -- Arts Practice for Affective Digital Presence. *International Journal of Art & Design Education*, v40 n3 p492-507 Aug 2021

McCrary, Alanna; Best, Paul; Maddock, Alan (2022). 'It's Just One Big Vicious Circle': Young People's Experiences of Highly Visual Social Media and Their Mental Health. *Health Education Research*, v37 n3 p167-184 Jun 2022

Melotti, sara (2018). Does instagram cause depression? On fakeness, ego and the distortion of reality. *Internet*. January 24, 2018

Messner, Marcus; Medina-Messner, Vivian; Guidry, Jeanine (2016). Global Health and Social Media: Using Instagram and Twitter in an Open Online Class for Global Service-Learning Projects. *Communication Teacher*, v30 n4 p185-189 2016

Milmo, Dan (September 27, 2021). "Facebook pauses work on Instagram Kids after teen mental health concerns". *The Guardian*. Retrieved September 28, 2021.

Mitchell, Alanah; Benyon, Rob (2018). Teaching Tip: Adding Intercultural Communication to an IS Curriculum. *Journal of Information Systems Education*, v29 n1 p1-9 Win 2018

Molly Callahan (2021). Why does Instagram have a negative effect on teenagers' mental health? September 21, 2021

Mun, Il Bong; Kim, Hun (2021). Influence of fakse self- presentation on mental health and deleting behavior on Instagram: The mediating role of perceived popularity. *Frontiers in psychology*. 12: 660484.

Nagel, Tyler W. S.; Remillard, Chaseten; Aucoin, Robert; Takenishi, Akari (2018). Findings on Student Use of Social Media at the Collegiate, Undergraduate, and Graduate Levels: Implications for Post-Secondary

- Educators. *Journal of University Teaching and Learning Practice*, v15 n1 Article 8 2018
- Nancy Jo Sales (2013). *Friends Without Benefits*. September 26, 2013
- National survey on drug use and health (2015). (NSDUH-2015-DS0001). Treatment episode data set: Discharges(TEDS-D) | SAMHDA
- Nguyen, Terry (August 12, 2020). "PowerPoint activism is taking over your friends' Instagram accounts". *Vox*. Retrieved December 28, 2021.
- Odom, Summer F.; Dunn, Allison L.; Owen, Julie E. (2019). Using Social Media in the Classroom to Engage Learners in Developing as Leaders: The Personal Leadership Experiment. *Journal of Leadership Education*, v18 n3 p176-184 Jul 2019
- Ofori, Sylvia H.; Choongo, Janet; Kekop, Mario; Shah, Gulzar H.; Rochani, Haresh; Telfair, Joseph (2021). Social Media Usage and Transitioning into Online Classes during COVID-19 -- A Survey of Undergraduate Students in Georgia, United States. *International Journal of Education and Development using Information and Communication Technology*, v17 n4 p67-80 2021
- Ohannessian, Christine McCauley; Vannucci, Anna (2021). Social Media Use and Externalizing Behaviors during Early Adolescence. *Youth & Society*, v53 n6 p871-893 Sep 2021
- O'Keeffe, G. S; Clarke-Pearson, K (2011). "The Impact of Social Media on Children, Adolescents, and Families". *Pediatrics*. 127 (4): 800–4
- Oliveira, David Manuel Duarte; Pedro, Luís; Santos, Carlos (2021). The Use of Mobile Applications in Higher Education Classes: A Comparative Pilot Study of the Students' Perceptions and Real Usage. *Smart Learning Environments*, v8 Article 14 2021
- Özcan, Kemal; Yeter, Selin Cansu (2022). The Relationship between Young Adults' Interpersonal Competences and Purposes for Using Social Media. *International Journal of Curriculum and Instruction*, v14 n1 p597-624 2022
- Özcan, Metin; Kirkgöz, Yasemin (2021). Turkish EFL Teachers' Perspectives on Web 2.0 Applications: Benefits and Potential Challenges. *Shanlax International Journal of Education*, v9 spec iss 2 p132-138 Sep 2021
- Ozturk, Nurhan; Bozkurt Altan, Esra; Yenilmez Turkoglu, Ayse (2021). Discussing Socio-Scientific Issues on Twitter: The Quality of Pre-Service Science Teachers' Arguments. *Journal of Education in Science, Environment and Health*, v7 n1 p72-85 2021
- Paige, Samantha R.; Stellefson, Michael; Chaney, Beth H.; Chaney, Don J.; Alber, Julia M.; Chappell, Chelsea; Barry, Adam E. (2017). Examining the Relationship between Online Social Capital and Ehealth Literacy: Implications for Instagram Use for Chronic Disease Prevention among College Students. *American Journal of Health Education*, v48 n4 p264-277 2017

- Papaoiou, Tao (2021). Media, Obesity Discourse, and Participatory Politics: Exploring Digital Engagement among University Students. *Journal of Media Literacy Education*, v13 n3 p19-34 2021
- Patel, Nilay (December 18, 2012). "No, Instagram can't sell your photos: what the new terms of service really mean". *The Verge*. Retrieved April 24, 2017.
- Perifanou, Maria; Tzafilkou, Katerina; Economides, Anastasios A. (2021). The Role of Instagram, Facebook, and YouTube Frequency of Use in University Students' Digital Skills Components. *Education Sciences*, v11 Article 766 2021
- Perloff, Richard M (2014). "Social Media Effects on Young Women's Body Image Concerns: Theoretical Perspectives and an Agenda for Research". *Sex Roles*. 71 (11–12): 363–77
- Pouwels, J. Loes; Valkenburg, Patti M.; Beyens, Ine; van Driel, Irene I.; Keijsers, Loes (2021). Social Media Use and Friendship Closeness in Adolescents' Daily Lives: An Experience Sampling Study. *Developmental Psychology*, v57 n2 p309-323 Feb 2021
- Ramazanoglu, Mehmet; Toytok, Esef Hakan (2021). An Investigation of Pre-Service Teachers' Motives for Using Instagram. *International Journal of Curriculum and Instruction*, v13 n1 p437-449 2021
- Sahin, Münir (2021). Opinions of University Students on Effects of Distance Learning in Turkey during the COVID-19 Pandemic. *African Educational Research Journal*, v9 n2 p526-543 May 2021
- Sakr, Mona (2020). 'It Just Opened My Eyes a Bit More': Student Engagement with Instagram to Develop Understanding of Complex Concepts. *Teaching in Higher Education*, v25 n7 p858-871 2020
- Salehudin, Mohammad; Nasir, Muhammad; Hamzah, Syeh Hawib; Toba, Rostanti; Hayati, Noor; Safiah, Intan (2021). The Users' Experiences in Processing Visual Media for Creative and Online Learning Using Instagram. *European Journal of Educational Research*, v10 n4 p1669-1682 2021
- Sánchez Loza, Dinorah (2021). Dear "Good" Schools: White Supremacy and Political Education in Predominantly White and Affluent Suburban Schools. *Theory into Practice*, v60 n4 p380-391 2021
- Sanz-Blas, Silvia, Buzova, Daniel A.; Miquel- Romero, Maria Jose (September 9, 2019). From Instagram overuse to Instagram and emotional fatigue: The mediation of addiction. *Spanish Journal of marketing- ESIC*. 23 (2): 143–161.
- Sari, Fatimah Mulya; Wahyudin, Achmad Yudi (2019). Undergraduate Students' Perceptions Toward Blended Learning through Instagram in English for Business Class. *International Journal of Language Education*, v3 n1 p64-73 2019

- Schroeder, Stephanie; Curcio, Rachele (2022). Critiquing, Curating, and Adapting: Cultivating 21st-Century Critical Curriculum Literacy with Teacher Candidates. *Journal of Teacher Education*, v73 n2 p129-144 Mar-Apr 2022
- Serpagli, Lauren Paola; Mensah, Felicia Moore (2021). Keeping up with the Digital Natives: Using Social Media in an All-Girls Science Classroom. *School Science and Mathematics*, v121 n5 p288-298 May 2021
- Shapiro, Lauren A. Spies; Margolin, Gayla (March 2014). "Growing Up Wired: Social Networking Sites and Adolescent Psychosocial Development". *Clinical Child and Family Psychology Review*. 17 (1): 1–18.
- Silvert, Colby J.; Warner, Laura A.; Loizzo, Jamie; Shellhouse, Jarred (2021). Social Media Split Testing and Message Framing: Emerging Capacities to Encourage Residential Water Conservation. *Applied Environmental Education and Communication*, v20 n4 p334-346 2021
- Tayo, Subair S.; Adebola, Solomon Temitope; Yahya, Deborah Oreoluwa (2019). Social Media: Usage and Influence on Undergraduate Studies in Nigerian Universities. *International Journal of Education and Development using Information and Communication Technology*, v15 n3 p53-62 2019
- The Guardian (2021). Facebook has kept internal research secret for two years that suggests its Instagram app. Tue 14 Sep 2021 19.40 BST
- Thomas Fabbri (2019). Why is Instagram deleting the accounts of hundreds of porn stars? BBC Trending. 24 November 2019
- Tutgun-Ünal, Aylin (2020). Social Media Addiction of New Media and Journalism Students. *Turkish Online Journal of Educational Technology - TOJET*, v19 n2 p1-12 Apr 2020
- Tutgun Ünal, Aylin; Tarhan, Nevzat; Muradi, Patrizia; Kurt, Ayse Sena (2021). The Adaptation of the Instagram Addiction Scale (TIAS) into Turkish: Validity and Reliability Studies. *Turkish Online Journal of Educational Technology - TOJET*, v20 n4 p76-89 Oct 2021
- Ubaedillah; Pratiwi, Damar Isti; Huda, S. Thoriquil; Kurniawan, Dwi Agung (2021). An Exploratory Study of English Teachers: The Use of Social Media for Teaching English on Distance Learning. *Indonesian Journal of English Language Teaching and Applied Linguistics*, v5 n2 p361-372 2021
- Valdivia, Andrea (2021). Digital Production on Instagram: Vernacular Literacies and Challenges to Schools. *Theory into Practice*, v60 n2 p172-182 2021
- Vivek, Hans. (2019) The Effect of Social Media on Teenagers.
- Walton, A. G. (2017, June 30). 6 Ways Social Media Affects Our Mental Health. Retrieved September 23, 2017, from Forbes website: <https://www.forbes.com/sites/alicegwalton/2017/06/30/a-run-down-of-social-medias-effects-on-our-mental-health/#75da74542e5a>

- Weinstein, Emily (2018). "The social media see-saw: Positive and negative influences on adolescents' affective well being". *New Media & Society*. 20 (10): 3597–3623
- Wells, Georgia; Horwitz, Jeff; Seetharaman, Deepa (September 14, 2021). "Facebook Knows Instagram Is Toxic for Teen Girls, Company Documents Show". *The Wall Street Journal*.
- Wilksch, Simon M.; O'Shea, Anne; Ho, Pheobe; Byrne, Sue; Wade, Tracey D. (January 2020). "The relationship between social media use and disordered eating in young adolescents". *International Journal of Eating Disorders*. 53 (1): 96–106.
- Yang, Chia-chen; Lee, Yen (2020). Interactants and Activities on Facebook, Instagram, and Twitter: Associations between Social Media Use and Social Adjustment to College. *Applied Developmental Science*, v24 n1 p62-78 2020
- Ye, Sofie; Hartmann, Rafael W.; Söderström, Marcus; Amin, Mohammad A.; Skillinghaug, Bobo; Schembri, Luke S.; Odell, Luke R. (2020). Turning Information Dissipation into Dissemination: Instagram as a Communication Enhancing Tool during the COVID-19 Pandemic and Beyond. *Journal of Chemical Education*, v97 n9 p3217-3222 Sep 2020
- Yesilyurt, Ferahim; Solpuk Turhan, Nihan (2020). Prediction of the Time Spent on Instagram by Social Media Addiction and Life Satisfaction. *Cypriot Journal of Educational Sciences*, v15 n2 p208-219 2020
- Zagorski, Nick (2017). "Using Many Social Media Platforms Linked with Depression, Anxiety Risk". *Psychiatric News*. 52 (2): 1